



ارتش جمهوری اسلامی ایران
سازمان عقیدتی سیاسی



نقد و بررسی روش تفسیری
ابن تیمیه در قرآن و تأثیر آن بر
افکار وهابیان / ۲

افزایش رضایت شغلی کارکنان
ارتش جمهوری اسلامی ایران / ۱۷

آینده پژوهی تهدیدات کلان
اجتماعی- فرهنگی جمهوری
اسلامی ایران / ۳۲

بررسی تأثیر امر به معروف و نهی
از منکر بر مؤلفه‌های تعیین‌کننده
امنیت اجتماعی / ۵۲

بررسی سلامت معنوی از دیدگاه
زکریای رازی و تأثیر آن در
آموزش اخلاقی کادر درمان / ۷۰

تحلیل قرآنی حجاب زن از منظر
امام خامنه‌ای / ۸۲

نقش نظامات در تعالی معنوی کارکنان
ساع آجا (مبتنی بر بیانات مقام
معظم رهبری (مدظله العالی) / ۹۶

مقایسه تطبیقی نگرش‌های
اجتماعی نسل چهارم با نسل اول
انقلاب اسلامی ایران / ۱۱۰

◀ صاحب امتیاز

سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران

◀ مدیر مسئول

حجت الاسلام دکتر عباس محمد حسینی

◀ سردبیر

دکتر محمد اکرمی نیا

اعضای هیات تحریریه

حجت الاسلام دکتر محمد علی رضایی اصفهانی

دکتر مهر داد نوابخش

دکتر بیژن حاجی عزیزی

حجت الاسلام دکتر سید محمد رضا امام

حجت الاسلام دکتر محمد میرزایی

حجت الاسلام دکتر علی آقا صفری

حجت الاسلام دکتر سلیمان فراهانی

دکتر محسن بیوک

دکتر ایوب نیکو نهاد

دکتر محمد علی خوش طینت

◀ کارشناس نشریه

دکتر یاسر خسروی

◀ دبیر اجرایی

دکتر حسین اسکینی

◀ مدیر داخلی

دکتر سید خلیل موسوی

اعضای مشورتی هیات تحریریه

حجت الاسلام احمد جلیلی صفت

حجت الاسلام غلامرضا الله قلی

دکتر سید رضی عمادی

◀ ویراستار ارشد

فرید افسری

◀ صفحه آرا

حمید رفرقی

◀ ویراستار انگلیسی

خانم دکتر اسماء نامداری

نقد و بررسی روش تفسیری ابن تیمیه در قرآن و تأثیر آن بر افکار وهابیان

علی جلیلی صفت^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷

چکیده:

ابن تیمیه یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های فکری قرن‌های اخیر است که تأثیرات گسترده‌ای در دنیای اسلام، به ویژه در بین وهابیان، به جا گذاشته است. او با دیدگاه‌های خاص خود در تفسیر قرآن و مسائل دینی به مخالفت با عقاید رایج و مذاهب معتبر در آن زمان پرداخته و نظراتی ارائه داده که در نظر بسیاری از مسلمانان به‌ویژه اهل سنت، دارای انحرافات فکری است. هدف از این تحقیق، تحلیل و بررسی روش تفسیری ابن تیمیه و نقد آن از منظر علمی و دینی است. این تحقیق همچنین به دنبال ارزیابی تأثیرات این روش بر جریان‌های فکری وهابی و مقایسه آن با تفسیرات پذیرفته‌شده در میان علمای اهل سنت و شیعه است. تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده و منابع آن شامل کتب تفسیری ابن تیمیه، آثار فقهی و کلامی مرتبط با او و پژوهش‌های علمی در

زمینه تاریخ تفاسیر قرآن است. بررسی تطبیقی و تحلیل انتقادی از دیدگاه‌های ابن تیمیه در حوزه‌های مختلف دینی، به‌ویژه در مسائل توحید، شرک و امامت، اساس این مطالعه را تشکیل می‌دهد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ۱- روش تفسیری ابن تیمیه تحت تأثیر نگرش‌های خاص وی به مفهوم توحید و شرک قرار دارد و در بسیاری از موارد، بر مبنای برداشت‌های ظاهری از متون دینی، بدون توجه به تفاسیر تاریخی و کلامی گسترده‌تر، شکل گرفته است. این رویکرد موجب مخالفت‌های گسترده با عقاید اهل بیت (ع) و دیگر مذاهب اسلامی، به‌ویژه در زمینه مسأله امامت و خلافت، شده است. ۲- تفسیر قرآن از سوی ابن تیمیه، به دلیل تعصبات و برداشت‌های نادرست از منابع اسلامی، نه تنها در برخی موارد انحرافی است، بلکه باعث تشویش و تفرقه در میان مسلمانان شده است. تأثیرات این دیدگاه‌ها به‌ویژه در نزد وهابیان، باعث شده تا آنها روش‌های تفسیری خود را بر اساس تفسیرات ابن تیمیه قرار دهند و آن را مبنای تفسیر دینی و فقهی خود قرار دهند.

کلید واژگان: ابن تیمیه، روش تفسیری، وهابیت، توحید و شرک.

Criticism of Ibn Taymiyyah's interpretation method in the Qur'an and its influence on Wahhabi thoughts.

JalilisefatAli

Abstract: Ibn Taymiyyah is one of the most important intellectual figures of recent centuries who has left a wide impact on the Islamic world, especially among the Wahhabis. With his unique views on the interpretation of the Quran and religious issues, he opposed the prevailing beliefs and valid schools of thought at the time and presented opinions that, in the eyes of many Muslims, especially Sunnis, are intellectually deviant. The purpose of this research is to analyze and examine Ibn Taymiyyah's interpretive method and criticize it from a scientific and religious perspective. This research also seeks to evaluate the effects of this method on Wahhabi intellectual currents and compare it with the interpretations accepted among Sunni and Shiite scholars. The research was conducted using a descriptive-analytical method and its sources include Ibn Taymiyyah's interpretive books, jurisprudential and theological works related to him, and scientific research on the history of Quran interpretations. A comparative study and critical analysis of Ibn Taymiyyah's views on various religious issues, especially on the issues of monotheism, polytheism, and imamate, form the basis of this study. The results of the research show that -^۱ Ibn Taymiyyah's interpretive method is influenced by his specific attitudes towards the concepts of monotheism and polytheism and, in many cases, is based on superficial understandings of religious texts, without considering broader historical and theological interpretations. This approach has led to widespread opposition to the beliefs of the Ahl al-Bayt (a.s.) and other Islamic schools, especially on the issue of imamate and caliphate. -^۲ Ibn Taymiyyah's interpretation of the Quran, due to prejudices and incorrect understandings of Islamic sources, is not only deviant in some cases, but has also caused anxiety and division among Muslims. The influence of these views, especially among the Wahhabis, has led them to base their interpretive methods on the interpretations of Ibn Taymiyyah and make it the basis of their religious and jurisprudential interpretation.

Keywords: Ibn Taymiyyah, Exegetical Method, Wahhabism, Tawhid, Shirk.

مقدمه:

ابن تیمیه، یکی از مهم‌ترین و پرچالش‌ترین شخصیت‌های فکری تاریخ اسلام، تأثیرات گسترده‌ای در دنیای اسلام، به‌ویژه در میان پیروان مکتب وهابیت، بر جای گذاشته است. وی با رویکرد خاص خود به مسائل دینی، از جمله تفسیر قرآن، به نقد و تحلیل مفاهیم و آموزه‌های پذیرفته‌شده در بین مسلمانان پرداخته است. ابن تیمیه که از علمای حنبلی اهل سنت بود، با تکیه بر اصول خاصی از تفسیر، به‌ویژه تأکید بر ظاهر نصوص و مخالفت با تفسیرات عرفی و عقلانی، روش تفسیری جدیدی را به‌وجود آورد که بعدها توسط وهابیان به‌عنوان مبنای اصلی فهم قرآن و دیگر آموزه‌های دینی قرار گرفت.

این مقاله به نقد و بررسی روش تفسیری ابن تیمیه و تأثیر آن بر افکار وهابیان پرداخته و به‌ویژه به چالش‌های موجود در فهم صحیح قرآن، براساس برداشت‌های وی، می‌پردازد. در این زمینه، مسئله اصلی تحقیق این است که روش تفسیری ابن تیمیه چه تأثیری بر شکل‌گیری و گسترش دیدگاه‌های وهابیان داشته است و چگونه این دیدگاه‌ها می‌توانند منجر به انحرافات فکری و دینی در میان مسلمانان شوند. از این رو، این تحقیق به بررسی دقیق روش‌های تفسیر قرآن توسط ابن تیمیه و تحلیل انتقادی از آن خواهد پرداخت تا نشان دهد که چطور این تفسیرات، بر مسائلی همچون توحید، شرک، امامت و خلافت تأثیر گذاشته و موجب ایجاد تفرقه در میان مسلمانان شده است.

سؤال اصلی تحقیق این است که روش تفسیری ابن تیمیه براساس برداشت‌های ظاهری از متون دینی چه تأثیری بر شکل‌گیری و گسترش افکار وهابیان داشته است و آیا این روش تفسیری منجر به انحرافات فکری در فهم قرآن و دیگر مسائل دینی گردیده است؟

مسئله اصلی تحقیق در این مقاله بررسی انحرافات و چالش‌هایی است که در اثر پذیرش تفسیرات ابن تیمیه در میان وهابیان و برخی دیگر از گروه‌های سلفی پدید آمده است. ابن تیمیه، با تمرکز بر ظاهر نصوص قرآن و بی‌توجهی به مبانی تفسیر عقلانی و تاریخی، موجب مخالفت با تفسیرات رایج و رایج در میان مسلمانان شد و به‌ویژه در مورد مسائلی چون توحید، شرک، و مسأله

امامت، دیدگاه‌هایی ارائه داد که با عقاید رایج در مخالفت بود. این مسئله تحقیق به‌ویژه در نقد روش‌های تفسیری وهابیان و تأثیر آن بر فهم نادرست از آموزه‌های قرآن حائز اهمیت است.

فرضیه این تحقیق این است که روش تفسیری ابن تیمیه، که بر اساس تأکید بر ظواهر قرآن و بی‌توجهی به تفاسیر تاریخی و عقلانی است، باعث بروز انحرافات فکری و دینی در میان مسلمانان شده است. این انحرافات، به‌ویژه در میان وهابیان، به‌عنوان مبنای اصلی برای تفسیر قرآن و مسائل فقهی و کلامی قرار گرفته است، که در نتیجه منجر به تفرقه و اختلافات گسترده در دنیای اسلام شده است. هدف اصلی این تحقیق، تحلیل و نقد روش تفسیری ابن تیمیه در قرآن و تحلیل تأثیرات آن بر افکار وهابیان است. همچنین، این تحقیق به دنبال ارزیابی نسبت میان روش تفسیری ابن تیمیه و تفسیرات پذیرفته‌شده در میان علمای اهل سنت و شیعه است. این تحلیل در راستای فهم بهتر چالش‌ها و دشواری‌های موجود در استفاده از این روش‌ها برای تفسیر قرآن و دیگر مسائل دینی صورت می‌گیرد.

تحقیق حاضر از آن جهت دارای اهمیت است که فهم صحیح قرآن و آموزه‌های دینی نیازمند تفسیر علمی و صحیح است. تفسیرات غلط یا انحرافی، به‌ویژه در زمینه‌هایی چون توحید، شرک، و مسائل امامت، می‌توانند اثرات عمیقی در تشویش افکار مسلمانان و گسترش تفرقه در جامعه اسلامی بگذارند. بررسی و نقد روش‌های تفسیری ابن تیمیه می‌تواند کمک کند تا مسلمانان بتوانند از منابع دینی به‌طور صحیح بهره‌برداری کنند و از انحرافات فکری که می‌تواند موجب تفرقه و اختلافات مذهبی شود، جلوگیری کنند.

پیشینه تحقیق: پژوهش درباره روش تفسیری ابن تیمیه و تأثیرات آن بر وهابیت یکی از موضوعات کلیدی در مطالعات اسلامی است. این بخش از تحقیق به مرور منابع و مطالعات قبلی می‌پردازد که در این زمینه انجام شده‌اند.

۱. تحلیل تفسیری آثار ابن تیمیه: مطالعات متعددی به بررسی آثار تفسیری ابن تیمیه پرداخته‌اند. این تحقیقات تلاش کرده‌اند تا روش‌های تفسیری او از قرآن و انتقادات وی نسبت به دیگر مفسران اسلام را تجزیه و تحلیل

قرآن و سنت ثابت شده و اجماع و اتفاق پیشینیان بر آن است حق می‌باشد. حال اگر از این امر لازم می‌آید که خداوند متصف به جسمیت شود، اشکالی ندارد؛ زیرا لازمه حق نیز حق است» (ابن تیمیه، ۱۳۷۴: ۵۴۷).

اینکه ابن تیمیه قائل به جسمانیت خداوند متعال است، همان چیزی است که بارها به آن تصریح کرده و علماء همین مطلب را درباره او بیان کرده‌اند و ما تنها به یک نمونه از حرف‌های او در این زمینه اشاره کردیم. ابن بطوطه که یک عالم جهان‌گرد سنی مذهب است، می‌نویسد: «زمانی که در دمشق بودم، روز جمعه‌ای بر ابن تیمیه وارد شدم؛ در حالی که بر منبر جامع دمشق مردم را موعظه می‌کرد، از جمله مطالبی که گفت این بود که: خداوند از عرش به آسمان دنیا می‌آید، همانگونه که من از منبر پایین می‌آیم. این را گفت و یک پله از منبر پایین آمد» (ابن-بطوطه، ۱۳۶۸: ۷۲).

۲- بی‌احترامی به خاندان رسالت و دفاع از دشمنان و مخالفان اهل بیت (ع): در سراسر نوشته‌های او نوعی دشمنی با خاندان رسالت به چشم می‌خورد. او پیوسته کوشیده تا فضائل اهل بیت (ع) را منکر شود. کتاب «منهاج السنه» یکی از کتاب‌های ابن تیمیه است. او در این کتاب سعی بر این داشته که هیچ‌کدام از ادله‌ای که دلالت بر ولایت امیرالمؤمنین (ع) و ائمه (ع) دارد را نپذیرد و از هر کدام به صورتی ایراد گرفته و فضائی که برای امیرالمؤمنین (ع) یا بر سائر اهل بیت (ع) بیان شده را یا به کلی انکار کرده و یا آنها را جزء فضائل مخصوص آنها ندانسته است و ایرادات و اشکالات و مطالب سست و بی‌اساس خود را در آنچه بیان شد، مطرح کرده است. از طرفی ملاحظه می‌شود که او از دشمنان و مخالفان اهل بیت (ع) دفاع، و در مواردی آنها را تمجید کرده است.

به عنوان مثال ابن تیمیه می‌گوید: «رافضی‌ها (یعنی شیعیان) کسانی هستند که مطالبی را که در دین نیست در دین خدا داخل کردند... پس آنها با دروغ بستن بر پیامبر (ص) مطالبی را در دین خدا وارد کردند... و قرآن را طوری تحریف کردند که کسی غیر از آنان قرآن را این‌گونه تحریف نکرده است؛ مانند قولشان «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» (مائده، ۵۵). در مورد علی (ع) نازل شده که انگشترش را در نماز صدقه داد. و قول خداوند

کنند. تمرکز این مطالعات معمولاً بر روی مواردی است که ابن تیمیه دیدگاه‌های متفاوتی را نسبت به تفسیرهای معتبر دیگر ارائه داده است.

۲. تاثیر ابن تیمیه بر وهابیت: تحقیقاتی وجود دارند که به تحلیل تأثیرات عمیق اندیشه‌های ابن تیمیه بر شکل‌گیری وهابیت پرداخته‌اند. این مطالعات نشان می‌دهند چگونه وهابیت از اصول ابن تیمیه به‌عنوان بنیادهای فکری خود بهره برده و از آنها برای نظام‌مند کردن آموزه‌های خود استفاده کرده است.

۳. نقد و تحلیل نظرات ابن تیمیه: برخی از منابع به نقد و تحلیل نظرات ابن تیمیه در زمینه‌های مختلف پرداخته‌اند. این منابع عموماً به بررسی جنبه‌های مناقشه‌انگیز تفسیر او و تأثیرات آن بر تفرقه در میان مسلمانان و ایجاد گسست‌های فکری در جامعه اسلامی می‌پردازند.

تحقیق حاضر از سایر تحقیقات با تمرکز خاص بر تأثیرات منفی برداشت‌های ابن تیمیه بر تفرقه میان مسلمانان متمایز می‌شود. این تحقیق نه تنها باعث روشن‌تر شدن انحرافات فکری ایجاد شده توسط این تفسیرات می‌شود، بلکه به تحلیل مقایسه‌ای میان تفاسیر ابن تیمیه و دیگر تفاسیر معتبر اهل سنت و شیعه می‌پردازد. با این رویکرد، این پژوهش از بررسی صرف نظرات ابن تیمیه فراتر رفته و به تحلیل تأثیرات گسترده‌تر آن بر روندهای فکری نوظهور و تأثیرات آن بر جامعه مسلمانان می‌پردازد. این در حالی است که بسیاری از تحقیقات دیگر عمدتاً به تأیید یا توجیه نظرات ابن تیمیه پرداخته‌اند.

مبانی نظری تحقیق: با توجه به اینکه روش تفسیری ابن تیمیه ریشه در افکار و شخصیت او دارد قبل از ورود به بحث از روش تفسیری وی مناسب است به طور مختصر با افکار و شخصیت او آشنا شویم.

بررسی دیدگاه‌ها و افکار ابن تیمیه:

۱- دعوت به تجسیم: شعار مسلمانان همیشه، تنزیه و پیراستگی خدا از جسم و جسمانیت بود، اما ابن تیمیه با ترفند خاصی مسلمانان را به تجسیم دعوت می‌کند و خداوند را بر سریری به نام «عرش» می‌نشانند که بر جهان می‌نگرد و از آن به پایین می‌آید.

ابن تیمیه در یکی از فتوهای خود می‌گوید: «آنچه در

متعال «مرج البحرين» (الرحمن، ۱۹). یعنی علی و فاطمه، «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْلُو وَالْمَرْجَانُ» (الرحمن، ۲۲). یعنی حسن و حسین. «وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ» (یس، ۱۲). یعنی علی بن ابیطالب... «وَالشَّجَرَةُ الْمَلْعُونَةُ فِي الْقُرْآنِ» (اسراء، ۶۰). آنها بنی امیه هستند (ابن تیمیه، ۱۳۷۴: ۴۰۵).

ملاحظه می‌شود که ابن تیمیه چگونه از طرفی فضائل اهل بیت (ع) را انکار می‌کند و از طرفی این مطلب که شجره ملعونه در قرآن همان بنی امیه هستند را نیز مورد انکار قرار داده و به جانب‌داری از بنی امیه برخاسته است و او ادعا می‌کند که این‌ها از دروغ‌هایی است که شیعیان بر پیامبر اکرم (ص) بسته‌اند.

۳- تحریم زیارت قبور و استغاثه به غیر خدا: از جمله مطالبی که ابن تیمیه مطرح کرد و تا آن زمان هیچ کسی در هیچ مذهبی از اسلام چنین مطلبی را بیان نکرده بود، تحریم زیارت قبور و استغاثه به غیر خدا است. او که در این زمینه کتابی با عنوان «زیارة القبور و الاستنجاد بالمقبور» را نوشته است، در این کتاب می‌گوید: «و اما اینکه طلب کنی برای تو دعا کند، چنانکه به حی می‌گویی برای من دعا کن، چنانکه صحابه از پیامبر (ص) دعا طلب می‌کردند؛ پس این در مورد حی صحیح است و اما مرده از انبیاء و صالحین و غیر آنها، پس برای ما مشروع نیست که بگوییم برای ما دعا کن و یا برای ما از پروردگارت مسئلت کن» (ابن تیمیه، ۱۳۷۴: ۲۵). همچنین او در برخی از کتاب‌های خود می‌گوید: «کسی که قصد کند قبور انبیاء و صالحین را بخاطر نماز و دعا در آنها، پس کار حرامی را قصد کرده است» (ابن تیمیه، ۱۳۷۴: ۱۵۳).

۴- تکفیر مسلمانان: از جمله مسائلی که ابن تیمیه آن را بیان کرد و تا آن زمان هیچ کسی چنین مطالبی را مطرح نکرده بود، نسبت دادن شرک و کفر به مسلمانان به خاطر زیارت قبور انبیاء و صالحین و توسل به آنهاست. او به راحتی به کفر مسلمانان حکم کرد و نوعی دودستگی میان آنان پدید آورد. البته اگر شخصی که به کسی توسل نموده، چنین پندارد که آن شخص به طور مستقل و بدون اذن خدا در برآوردن حاجات تأثیرگذار است، بدون شک این شرک خواهد بود، ولی قائلین به جواز توسل و استغاثه نگفته‌اند که شخصی که به او توسل شده، مستقل

در تأثیر است، بلکه می‌گویند چون از مقربان درگاه الهی است به اذن خدا می‌تواند در برآورده شدن حاجات واسطه قرار بگیرد، ولی ابن تیمیه اینها را شرک می‌داند. ابن تیمیه گفته است: «بالضرورة از دین اسلام دانسته شده است که پیامبر (ص) در مورد مشاهد و زیارتگاه‌ها امری را صادر نکرده است و مناسک و اعمالی را در نزد قبور انبیاء و صالحین تشریح نکرده است، بلکه این از دین مشرکین است» (ابن تیمیه، ۱۳۷۴: ۴۷۶).

و همچنین ابن تیمیه می‌گوید: «و اما کسی که به سوی قبر پیامبری یا شخص صالحی می‌رود و یا معتقد است که در آنجا قبر نبی یا شخص صالحی است در حالی که این طور نباشد و از او مسألت می‌کند و از او کمک و یاری می‌خواهد، پس این بر سه درجه است. اول این که: حاجتش را مسألت کند مثل اینکه از او درخواست کند که مرضش را یا مرض چهارپایانش را برطرف کند یا قرض او را اداء کند یا برای او از دشمنش انتقام بگیرد... و مانند آن از اموری که غیر از خداوند عزوجل کسی بر آنها قادر نیست، پس این شرک آشکاری است که واجب است آن شخص توبه داده شود؛ پس اگر توبه کرد که هیچ و الا باید کشته شود. و اگر گفت من از او درخواست می‌کنم چون او از من به خداوند نزدیک‌تر است تا شفیع من در این امور گردد... این از افعال مشرکین است» (ابن تیمیه، ۱۳۶۲: ۱۸).

بررسی تأثیرات این روش تفسیری بر شکل‌گیری وهابیان: فرقه وهابیت که امروزه باعث بدبختی و گرفتاری مسلمانان شده و به اسم اسلام سلف به تکفیر مسلمانان و کشتن آنها و تخریب قبور بزرگان و اولیاء الهی پرداخته است، مسلماً ریشه در افکار و حرف‌های ابن تیمیه دارد که با تحقیق در مورد این فرقه ضاله این مطلب واضح می‌شود.

محمد ابوزهره که خود سنی مذهب است و کتابی در تمجید از ابن تیمیه دارد، در این کتاب می‌گوید: «ابن تیمیه و آثارش به فراموشی سپرده می‌شد که در قرن دوازدهم هجری در بلاد نجد از بلاد عربیه، محمد بن عبدالوهاب متوفای سال ۱۸۸۷ م ظهور کرد، او کتاب‌های ابن تیمیه در اعتقادات و فقه را مطالعه کرد و به آنها ایمان آورد. بلکه تعصب شدیدی به آنها پیدا کرد، و اطرافیان خود را دعوت کرد که این نظرات را گردن نهند

است، محمدالسید الجلیند در دقائق التفسیر می‌گوید: «یکی از نزدیکان ابن تیمیه به نام ابوعبدالله بن رشیق از ابن تیمیه درخواست کرد، تفسیری برای قرآن بنویسد. ابن تیمیه پاسخ داد: در قرآن آیاتی است که خود روشن و واضح هستند، و در آن آیاتی است که مفسران آن را تبیین کرده‌اند، ولیکن بعضی از آیات است که تفسیرش بر جماعتی از علماء مشکل شده است؛ پس چه بسا انسان نسبت به آن آیات چندین کتاب را مطالعه می‌کند و تفسیرش برای او واضح نمی‌شود... پس من تفسیر آن آیات را به همان دلیلی که ذکر شد، قصد کردم، چون مهم‌تر از بقیه هستند و هنگامی که معنای آیه‌ای واضح شد، معنای نظائر آن هم واضح می‌شود» (ابن تیمیه، ۱۳۸۹: ۱۴).

و این تصریح خود ابن تیمیه است که برای ما کاملاً واضح می‌شود که او تفسیر کاملی برای قرآن ننوشته است، و این احتمال که شاید او تفسیری نوشته بوده، و از بین رفته، باطل می‌گردد. صائب عبدالحمید در این باره می‌گوید: «ابن تیمیه کل قرآن را تفسیر نکرده است، و سوره کاملی از قرآن را هم تفسیر نکرده است، به استثناء بعضی از سوره قصار مانند: کوثر، اخلاص، فلق و ناس و فقط به تفسیر آیاتی به صورت متفرقه از بعضی سوره‌ها اکتفاء کرده است... و حصر آیاتی که تفسیرش را قصد کرده، در دو موضوع ممکن است:

اول: آیات صفات؛ دوم: آیاتی که آنها را به صورتی بر ردّ بر صوفیه و عقائد آنها می‌کشاند» (عبدالحمید، ۱۳۸۹: ۱۴۱).

انکار متشابه در قرآن و تفسیر ظاهری و بدون تأویل: وجود متشابه در قرآن و تأویل آن، که خود قرآن بیانگر آن است، از جمله مسائلی است که توسط ابن تیمیه به روش خاصی که بیان خواهد شد، مورد انکار قرار گرفته است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ» (آل عمران، آیه ۷).

ترجمه: او کسی است که این کتاب (آسمانی) را بر تو نازل کرد؛ که قسمتی از آن، آیات محکم است، که اساس

و بپذیرند» (ابوزهره، ۱۳۶۹: ۴۲۲).

برخی از علمای معاصر که تحقیق خوبی در مورد وهابیت داشته در کتاب خود می‌گویند: «غائله ابن تیمیه با مرگ او در سال ۷۲۸ هـ ق در زندان شام فروکش کرد و شاگرد معروف او «ابن القیم» هر چند به ترویج افکار استاد خود پرداخت، ولی در زمان‌های بعدی اثری از چنین افکار و آراء نبود؛ ولی آن‌گاه که فرزند «عبدالوهاب» تحت تأثیر افکار ابن تیمیه قرار گرفت، و آل سعود برای تحکیم پایه‌های امارات خود در منطقه نجد به حمایت از او برخاستند، بار دیگر عقائد موروثی از ابن تیمیه در مغز برخی از مردم نجد جوانه زده و به دنبال تعصب‌های خشک و متأسفانه به نام توحید، سیل خون، تحت عنوان جهاد با کافران و مشرکان به راه افتاد» (سبحانی، ۱۳۹۱: ۳۵). و واضح است که وهابیت در واقع به افکار ابن تیمیه عمل می‌کنند، چون همان‌گونه که بیان شد او تکفیر مسلمانان را باب کرد و کسی قبل از او چنین مطلبی را طرح نکرده بود.

نقد و بررسی روش تفسیری ابن تیمیه:

تنها تفسیر بخشی از قرآن: اولین مطلبی که در مورد برخورد ابن تیمیه با قرآن به نظر می‌آید و قابل ملاحظه است، اینکه او تنها بخشی از قرآن را تفسیر کرده و یک تفسیر جامعی در مورد همه قرآن تألیف نکرده است.

تنها تفسیری که او به قلم خود نگاشته است و در آن همان طوری که از عنوان کتاب پیداست، تنها برخی از آیات را که از دیدگاه وی مشکل به نظر رسیده، مورد بحث قرار داده است؛ به نام «تفسیر آیات اشکلت علی کثیر من العلماء» می‌باشد. اما برخی دیگر از کتب تفسیری که منسوب به ابن تیمیه هستند، در واقع آراء ابن تیمیه را در مورد آیات قرآن گردآوری کرده‌اند؛ که در این تفاسیر نیز فقط نظرات ابن تیمیه در مورد بعضی از آیات قرآن بیان شده است.

از جمله این تفاسیر «دقائق التفسیر» نوشته محمدالسید الجلیند، «اختیارات ابن تیمیه فی التفسیر و منهجه فی الترجیح» نوشته محمدبن زلیعی هندی، «التفسیر الکبیر» نوشته عبدالرحمان عمیره است و تنها کتابی که ابن تیمیه در مورد آیات ولایت در آن نظراتش را بیان کرده است، «منهاج السنه» می‌باشد.

درباره اینکه چرا ابن تیمیه کل قرآن را تفسیر نکرده

اعمال سخن می‌گوید» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ۴۳۲). همچنین ایشان درباره تأویل در همین تفسیر می‌گوید: «درباره معنای تأویل سخن بسیار گفته‌اند، آنچه به حقیقت نزدیک‌تر است این است که تأویل در اصل لغت به معنای «بازگشت دادن چیزی» است؛ بنابراین هر کار و یا سخنی را که به هدف نهایی برسانیم تأویل نامیده می‌شود... و نیز هر گاه انسان سخن بگوید و مفاهیم خاص و اسراری در آن نهفته باشد که هدف نهایی آن سخن را تشکیل دهد، به آن تأویل می‌گویند. در آیه مورد بحث، منظور از تأویل همین معناست؛ یعنی در قرآن آیاتی است که اسرار و معانی عمیقی دارد، منتها افرادی که افکارشان منحرف است، و اغراض فاسدی دارند از پیش خود، تفسیر و معنی نادرستی برای آن ساخته و برای اغفال خود یا دیگران، روی آن تکیه می‌کنند» (همان، ۴۳۷).

و همچنین برخی دیگر از مفسرین معاصر در این باره گفته‌اند: «منظور از متشابه، بودن آیه به صورتی است که مراد از آن به مجرد شنیدنش برای شنونده تعیین پیدا نمی‌کند؛ بلکه مردد بین یک معنا و معنای دیگری است تا اینکه به محکمت کتاب برگشت داده شوند... چنانکه قول خداوند متعال «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه، آیه ۵) [که معنای ظاهری آن این است که خداوند بر عرش نشسته است]. منظور از آن بر شنونده، در ابتدا که آن را می‌شنود، مشتبه می‌گردد، پس هنگامی که مراجعه کند به مثل قول خداوند متعال: «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری، آیه ۱۱). ذهن از تردید خارج شده و مستقر می‌شود بر اینکه منظور از آن تسلط بر ملک و احاطه بر مخلوقات است و منظور از آن تمکن و اعتماد بر مکان که مستلزم تجسمی که بر خداوند سبحان محال است نمی‌باشد» (طباطبائی، ۱۳۸۲: ۲۴).

حال که آیه قرآن و تفسیر مختصری برای آن بیان شد، باید ملاحظه شود که ابن تیمیه چگونه متشابه در قرآن را انکار کرده و به تفسیر ظاهری و بدون تأویل آن پرداخته است.

ابن تیمیه در مورد انکار متشابه در قرآن در ذیل آیه ۷ سوره آل عمران که بیان آن گذشت، می‌گوید: «در مورد متشابهات دو قول وجود دارد، اول اینکه: آنها آیاتی هستند که بر همه مردم متشابهند؛ دوم اینکه و قول

این کتاب می‌باشد و قسمتی از آن، متشابه است. اما آنها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهاتند، تا فتنه‌انگیزی کنند (و مردم را گمراه سازند) و تفسیر (نادرستی) برای آن می‌طلبند؛ در حالی که تفسیر آنها را، جز خدا و راسخان در علم نمی‌دانند. می‌گویند: «ما به همه آنها ایمان آوردیم؛ همه از طرف پروردگار ماست» و جز صاحبان عقل متذکر نمی‌شوند.

برخی از مفسرین معاصر در تفسیر این آیه گفته‌اند: «واژه «محکم» در اصل از «احکام» به معنای ممنوع ساختن گرفته شده است و به همین دلیل به موجودات پایدار و استوار، محکم می‌گویند؛ زیرا عوامل انحرافی را می‌زدایند و نیز به سخنان روشن و قاطع که هر گونه احتمال خلاف را از خود دور می‌سازد، محکم می‌گویند... بنابراین مراد از «آیات محکمت» آیاتی است که مفهوم آن به قدری روشن است که جای گفتگو و بحث در آن نیست، آیاتی همچون «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (اخلاص، آیه ۱). بگو اوست خدای یگانه. «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری، آیه ۱۱). هیچ چیز همانند او نیست. «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ» (زمر، آیه ۶۲). خداوند آفریننده و آفریدگار همه چیز است...»

این آیات محکمت در قرآن «آیات محکمت» نامیده شده، یعنی اصل و مرجع و مفسر و توضیح دهنده آیات دیگر است. واژه «متشابه» در اصل به معنای چیزی است که قسمت‌های مختلف آن شبیه یکدیگر باشد، به همین جهت به جمله‌ها و کلماتی که معنی آنها پیچیده است و گاهی احتمالات مختلف درباره آن داده می‌شود، «متشابه» می‌گویند و منظور از متشابهات قرآن همین است؛ یعنی آیاتی که معانی آن در بدو نظر پیچیده است، و در آغاز، احتمالات متعددی در آن می‌رود، اگرچه با توجه به آیات محکم، تفسیر آنها روشن است... برای نمونه آیات متشابه، قسمتی از آیات مربوط به صفات خدا و چگونگی معاد را می‌توان ذکر کرد. مانند «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (فتح، آیه ۱۰). «دست خدا بالای دست‌های آنهاست» که درباره قدرت خداوند می‌باشد. «وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (بقره، آیه ۲۲۴). «خداوند شنوا و داناست» که اشاره به علم خداست و مانند «وَنُصَّعَ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ» (انبیاء، آیه ۴۷). «ترازوهای عدالت را در روز رستخیز قرار می‌دهیم» که درباره وسیله سنجش

در قرآن وارد شده است را به معنای واقعیت و حقیقتی که از کلام اراده شده، می‌داند؛ ولی وی در جای دیگر از همین کتاب در مورد قرائت «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ» (آل عمران، آیه ۷). استدلالی ذکر می‌کند که مشخص است او در مورد تأویل وارد شده در قرآن طرفدار معنای دوم است.

ابن تیمیه می‌گوید: «خداوند فرمود: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ» و این فصل الخطاب بین متنازعین در این موضع است، پس همانا خداوند خبر داد که تأویلش را کسی غیر از او نمی‌داند. و وقف کردن در این موضع یعنی بر روی کلمه الله بنا بر ادله زیادی است که در اینجا وارد شده و اصحاب رسول خدا (ص) و معظم تابعین و امت آن را قبول دارند. و خداوند علم آنها را به معنا و تفسیر قرآن نفی نکرده است؛ بلکه گفته است: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ» (سوره ص، آیه ۲۹). این کتابی است پربرکت که بر تو نازل کرده‌ایم تا در آیات آن تدبّر کنند. و این آیات محکمت و متشابهات را شامل می‌شود» (ابن تیمیه، ۱۳۸۶: ۱۲).

در این کلامی که از ابن تیمیه گذشت همانطور که واضح است او حق و باطل را به هم مخلوط و بیان کرده و مجال توضیح آن در اینجا نیست؛ ولی مشخص است که او در بین آن دو معنا، چرا معنای دوم را ترجیح داد؟ زیرا او قائل است که طبق ادله‌ای که بر وقف در این آیه وارد شده است باید روی کلمه «الله» وقف کنیم. و وقف در آن، یعنی تأویل آن را جز خدا نمی‌داند که این با همان معنای دوم سازگاری دارد، با توجه به اینکه تفسیر و تدبّر آیات همان چیزی است که به آن دعوت شده‌ایم و علم آن از غیر خدا هرگز نفی نشده است و اما ابن تیمیه معنای دیگری را به عنوان معنای سوم تأویل بیان کرده و آن را باطل می‌داند، او می‌گوید:

«تأویلی که مردود است برگرداندن کلام از ظاهرش به چیزی که مخالف ظاهرش است، می‌باشد» (ابن تیمیه، ۱۳۸۶: ۱۲).

این کلام ابن تیمیه در مورد تأویل باطل به خوبی نشان می‌دهد که او قائل است، باید به ظاهر قرآن ولو در مورد متشابهات پایبند باشیم و دست از ظاهر برداریم. پس او تفسیر متشابهات به وسیله محکمت، در صورتی که باعث شود مطلبی بر خلاف ظاهر بیان شود را قبول ندارد؛

صحیح همین است متشابه امری نسبی است؛ پس آیه‌ای نزد شخصی متشابه است در حالی که نزد غیر او متشابه نیست و لکن آیات محکمی وجود دارد که بر هیچ کس متشابه نیست، و این متشابهات هنگامی که معنای آنها دانسته شود، غیر متشابه می‌گردند، بلکه همه کلام خدا محکم است» (ابن تیمیه، ۱۳۸۶: ۲۵۲).

ملاحظه می‌شود که ابن تیمیه، وقتی معنای آیه‌ای مشخص شود، آن را محکم دانسته است و در ادامه که چگونگی مشخص بودن معنا در نزد وی بیان شود که او به همان ظاهر اکتفاء کرده است و آیات متشابه را به آیات محکمت برنگردانده است بیشتر واضح می‌گردد که او واقعاً با آیات متشابه برخوردی مانند برخورد با آیات محکم را داشته است، و اینگونه نیست که تصور شود، ابن تیمیه آیات متشابه را به اعتبار آیات محکم، محکم دانسته باشد؛ بلکه او در تفسیر آیات متشابه هیچ نیازی به آیات محکم ندیده است.

برای اثبات بیشتر آنچه ذکر شد به تفسیری که او از تأویل دارد باید توجه شود، ابن تیمیه در یکی از کتاب‌های خود در این باره می‌گوید: «تأویل در عبارات سلف به دو معنا آمده است، اول: تفسیر کلام و بیان معنای آن، پس تأویل و تفسیر در نزد آنها معانی نزدیک به هم دارند و یا مترادف هستند... معنای دوم: نفس و واقع چیزی که از کلام اراده شده است؛ پس اگر کلام طلب باشد، تأویل آن نفس فعل مطلوب است، و اگر کلام خبر باشد، تأویل آن نفس چیزی است که از آن خبر داده شده است... پس هنگامی که گفته شود: طلعت الشمس، پس تأویل آن، نفس طلوع خورشید است و تأویل از باب وجود عینی خارجی می‌باشد» (ابن تیمیه، ۱۳۸۶: ۲۸).

ابن تیمیه برای قسم دوم از معنای تأویل در قسمتی دیگر از همین کتاب که در این باره سخن گفته، به آنچه قرآن در مورد عالم آخرت از قبیل نامه اعمال و موازین و بهشت و جهنم و انواع نعمت‌ها و عذاب‌ها، خبر داده، مثال زده است که آنچه قرآن از این امور به آن خبر داده، وقتش و اندازه‌اش و صفتش را کسی جز خدا نمی‌داند. سپس ابن تیمیه همین معنای دوم را به قرآن نسبت می‌دهد و می‌گوید: «همین معنا یعنی معنای دومی که ذکر شد. لغتی است که قرآن به آن نازل شده است» (همان، ۲۹). آنچه گذشت تصریحی از ابن تیمیه بود که او تأویلی که

و این مطلب با توجه به تفسیر وی در مورد آیات متشابه بیشتر اثبات می‌گردد.

از جمله اینکه او درباره آیه «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه، آیه ۵). می‌گوید: «وقتی از مالک بن انس در مورد این آیه سؤال شد که چگونه بر عرش نشسته است؟ پس مالک گفت: استواء معلوم است و کیفیت آن مجهول است و ایمان به آن واجب و سؤال از آن بدعت است... و سپس ابن تیمیه می‌گوید: «و این شأن جمیع چیزهایی است که خداوند خود را به آنها توصیف کرده است»؛ اگر گفته شود در مورد قول خداوند «إِنِّي مَعَكُمْ أَسْمَعُ وَأَرَى» (طه، آیه ۴۶)؛ همانا من با شما دو نفر هستم می‌شنوم و می‌بینم چگونه می‌شنود؟ و چگونه می‌بیند؟ می‌گوییم: شنیدن و دیدن معلوم است و کیفیت آن مجهول است... اما تأویلات تحریف‌کننده مثل مسلط شد [در مورد آیه «الرحمن على العرش استوى»] از تأویلات بدعتی است که با ظهور فرقه جهمیّه ظاهر شد» (ابن تیمیه، ۱۳۸۶: ۴۷).

همانطور که ملاحظه می‌شود ابن تیمیه قبول ندارد که آیه «الرحمن على العرش استوى» به معنای اینکه خداوند بر (عرش که کنایه از جهان هستی است) مسلط است، می‌باشد و آن را تحریف در قرآن معرفی کرده است. همینطور وی، وقتی می‌گوید: کیفیت این صفات مجهول است ولی اصل آن را به همان صورت ظاهری می‌پذیرد، چون همانطوری که گذشت وی قائل است، ما واقعیت و حقیقت این اخبار را نمی‌دانیم و تأویل آن یعنی حقیقت و واقعیت آنها را تنها خداوند می‌داند.

و همچنین وی در برخی دیگر از کتاب‌های خود گفته است: «و خداوند بر روی عرش است چنانکه فرمود: «الرحمن على العرش استوى» (طه، آیه ۵) و برای او دو دست است بدون مشخص بودن چگونگی آن چنان که فرمود: «خَلَقْتُ بِيَدَيَّ» (سوره ص، آیه ۷۵). (یعنی با دو دست خودم خلق کردم) و چنانکه فرمود: «بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ» (سوره مائده، آیه ۶۴). (یعنی هر دو دست او گشاده است) و برای او دو چشم است بدون مشخص بودن چگونگی آن چنانکه فرمود: «تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا» (سوره قمر، آیه ۱۴) (یعنی در جلوی چشمان ما حرکت می‌کند) و برای او صورت است چنانکه فرمود: «وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (الرحمن، آیه ۲۷)

(یعنی: و تنها وجه ذوالجلال و گرامی پروردگارت باقی می‌ماند)» (ابن تیمیه، ۱۳۸۶: ۴۳۹).

ملاحظه می‌شود که ابن تیمیه با تفسیر ظاهری آیات متشابه و بدون اینکه آنها را به آیات محکم برگرداند، چنانکه خود قرآن این آیات محکم را «أم الكتاب» (سوره آل عمران، آیه ۷) خوانده است، دچار چه انحرافی شده، که نتیجه آن، قائل شدن به اموری است که مستلزم جسمانیت خداوند سبحان است. و تنها وی با توجه به کلام خداوند متعال که فرمود: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ» (سوره آل عمران، آیه ۷) قائل شده است که ما از چگونگی و حقیقت چشم و دست و مانند آن برای خداوند متعال بی‌خبریم و تنها خداوند به این امور علم دارد.

در حالی که اگر او با توجه به آیات محکمی مانند «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (سوره شوری، آیه ۱۱) این آیات را تفسیر می‌کرد مشخص می‌شد که آیه اول کنایه از تسلط خداوند متعال بر جهان هستی، و کلمه «ید» کنایه از قدرت خداوند متعال، و تعبیر «بأعيننا» کنایه لطیفی از توجه مخصوص و مراقبت کامل است و منظور از «وجه ربك» همان ذات پاک اوست.

روش تفسیر ابن تیمیه در بیان وی:

ابن تیمیه در کتاب «مقدمه فی اصول التفسیر» بحثی را با عنوان «بهترین راه‌های تفسیر» مطرح کرده و چهار طریق را به ترتیب به عنوان بهترین راه‌های تفسیر معرفی کرده است؛ او در این کتاب می‌گوید:

«بهترین راه‌ها در تفسیر، تفسیر قرآن به قرآن است، پس هر آیه‌ای که در جایی مجمل آمده باشد، آن آیه در موضع دیگری از قرآن تفسیر شده است، و هر آیه‌ای که در جایی که مختصر آمده باشد، در موضع دیگری به صورت مبسوط آمده است و اگر از آن در مانده شدی باید به سراغ سنت و سخنان پیامبر (ص) بروی، که سنت شارح و توضیح‌دهنده قرآن است که امام ابو عبدالله محمد بن ادریس شافعی گفته است: هر آنچه که رسول خدا (ص) به آن حکم کرده، همان چیزی است که از قرآن فهمیده است... خداوند متعال فرمود: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» (سوره نحل، آیه ۴۴) (یعنی: و ما این ذکر آقرآن را بر تو نازل کردیم تا آنچه را که به سوی مردم نازل شده است را برای آنها روشن سازی) و همچنین خداوند متعال فرمود: «وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ

معرفی می‌کند. صحابه مسلمانانی هستند که پیامبر اکرم (ص) را درک کرده‌اند؛ یک اختلاف مبنایی در پذیرفتن قول صحابه بین امامیه و اهل سنت وجود دارد و آن اینکه امامیه همه صحابه را عادل نمی‌دانند، بلکه قائل است در بین آنان فاسق و منافق نیز وجود داشته است و قول صحابی اگر اجتهاد خود او باشد ارزشی ندارد، چون دلیلی بر حجیت قول صحابی وجود ندارد ولی اگر، صحابی عادل، روایتی را از خود پیامبر اکرم (ص) نقل کند، در این صورت روایت او پذیرفته می‌شود.

ولی نکاتی در چگونگی برخورد ابن تیمیه با اقوال صحابه وجود دارد؛ همانگونه که ملاحظه شد - ابن تیمیه به بعضی از صحابه اشاره کرد از جمله به خلفاء راشدین که منظور همان ابوبکر، عمر و عثمان و حضرت علی (ع) است این در حالی است که از سه خلیفه نخست چندان آثاری که بر دانش تفسیری آنان دلالت کند، در دست نیست بلکه درباره آنان حکایاتی نقل شده که حاکی از جهل آنان به معانی قرآن است. و او امیرالمؤمنین (ع) را در کنار آنان مطرح کرده، و اسمی به طور ویژه از امیرالمؤمنین (ع) نبرده است، در حالی که حضرت علی (ع) سرآمد همه صحابه است و ابن عباس هم، تفسیر قرآن را از آن حضرت گرفته است. چنانکه ابن عطیه که عالم سنی مذهب است در تفسیر خود این چنین نقل می‌کند و می‌گوید: «در رأس همه مفسرین علی بن ابی طالب قرار گرفته و بعد از آن عبدالله بن عباس است... و ابن عباس گفت: هر آنچه از تفسیر قرآن اخذ کرده‌ام از علی بن ابی طالب (ع) است» (ابن عطیه، ۱۳۷۶: ۳۹).

لیکن ابن تیمیه در همین کتاب «مقدمه فی اصول التفسیر» از ابن عباس و ابن مسعود نام برده و آنها را تعریف و تمجید کرده، ولی به خاطر دشمنی با امیرالمؤمنین (ع) درباره آن حضرت سکوت کرده است. بیان این نکته لازم است که، گاهی در سخنان نقل شده از صحابه، رد پای اهل کتاب دیده می‌شود؛ ابن تیمیه در این باره می‌گوید: «لیکن این احادیث که از اسرائیلیات هستند، برای استشهاد و نه به عنوان اعتقاد ذکر می‌شوند» (ابن تیمیه، ۱۳۸۶: ۳۹). لذا او در کتب خود از ذکر این اسرائیلیات دریغ نکرده در حالی که از ذکر بعضی از روایات صحیح اعراض کرده است. مطلب دیگری که باید بیان شود این است که، ابن تیمیه از اقوال

إِلَّا لَتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ» (سوره نحل، آیه ۶۴) (یعنی: ما قرآن را بر تو نازل نکردیم مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف دارند برای آنها روشن کنی) و لذا رسول خدا (ص) فرمودند: آگاه باشید که به من قرآن داده شده است و مثل آن یعنی سنت با من است... و هنگامی که تفسیر را در قرآن و سنت نیافتیم در این صورت به اقوال صحابه مراجعه می‌کنیم، که آنها دانانتر به تفسیر هستند چون شاهد نزول قرآن بوده‌اند...، مخصوصاً علماء و بزرگان صحابه مثل ائمه اربعه که خلفای راشدین هستند و مثل عبدالله بن مسعود... و مثل عبدالله بن عباس... هنگامی که تفسیری را در قرآن و سنت و از صحابه نیافتی در اینجا بسیاری از ائمه به اقوال تابعین مراجعه کرده‌اند مانند مجاهد بن جبر» (ابن تیمیه، ۱۳۸۶: ۳۶).

ملاحظات در کلام ابن تیمیه: وی گرچه اولین راه را تفسیر قرآن به قرآن معرفی کرده است، ولی در مقام عمل چنین نیست؛ و مهم‌ترین شاهد همان است که او در مورد آیات متشابه، همانطور که گذشت، هیچ توجهی به آیات محکم نکرده است، او در تفسیر آیات به قرآن توجه نکرده؛ بلکه آیات را طوری تفسیر کرده است که با عقائد او سازگاری داشته باشند؛ لذا، سر از تجسیم و تشبیه درآورده است.

ابن تیمیه دومین مرجع برای تفسیر آیات قرآن را سنت و سخنان پیامبر اکرم (ص) معرفی کرده است، ولی در مقام عمل اگر ببیند که روایتی با عقاید او سازگاری ندارد به راحتی آن روایت را تضعیف کرده و آن را کنار می‌گذارد. هر چند که آن روایت، روایت صحیح و متواتر باشد و در مقابل برای اثبات عقائد خود به روایات ضعیف و حتی گاهی به اسرائیلیات چنگ زده است؛ که در اثبات آنچه او در برخورد با سنت داشته است در این پژوهش حاضر در مورد آیات ولایت مثال‌های متعددی ذکر خواهد شد. و نکته قابل توجه این است که، امامیه با ادله فراوان قائل است که پیامبر اکرم (ص) علم خود را به وصی و جانشین خود، امیرالمؤمنین (ع) منتقل کرده است و از ایشان به ائمه بعد از او انتقال داده شده است. ولی ابن تیمیه و امثال او، خود را از این چشمه زلال معارف الهی محروم کرده‌اند.

ابن تیمیه سومین مرجع برای تفسیر آیات قرآن را در صورتی که چیزی از قرآن و سنت نیافتیم، اقوال صحابه

ابن تیمیه و تأثیر آن بر افکار وهابیان پرداخته است، مدل مفهومی می‌تواند شامل چندین متغیر اصلی و روابط آن‌ها باشد. این مدل به‌طور کلی بر اساس ساختار مفهومی تحقیق و پیوند میان مفاهیم مختلف، طراحی می‌شود. در ادامه، مدل مفهومی تحقیق به‌طور استاندارد بیان می‌شود:

۱. متغیرها و مفاهیم تحقیق:

مدل مفهومی تحقیق می‌تواند از دو دسته متغیر اصلی تشکیل شود:

متغیرهای مستقل (عوامل تأثیرگذار): این متغیرها شامل دیدگاه‌ها و اصول تفسیری ابن تیمیه هستند که بر اساس آن‌ها تفسیر قرآن صورت می‌گیرد.

روش تفسیری ابن تیمیه: این متغیر به‌عنوان اصلی‌ترین عامل و متغیر مستقل در نظر گرفته می‌شود که می‌تواند شامل ویژگی‌هایی چون:

- تأکید بر ظاهر متون
- بی‌توجهی به تفسیرهای تاریخی و عقلانی
- برداشت‌های خاص از مفاهیم توحید، شرک، امامت و خلافت
- مخالفت با تفسیرات معتبر اهل سنت و شیعه
- نظریه بازگشت به سلف
- متغیرهای وابسته (نتایج و تأثیرات): این متغیرها نمایانگر اثرات و پیامدهایی هستند که از تحلیل روش تفسیری ابن تیمیه به‌وجود می‌آیند. این پیامدها شامل:
- تأثیر بر افکار وهابیان
- گسترش تفسیرات نادرست در دنیای اسلام
- ایجاد تفرقه در میان مسلمانان
- تشویش در فهم صحیح قرآن
- انحرافات فکری در درک مفاهیم توحید، شرک و امامت

۲. روابط میان متغیرها:

در مدل مفهومی این تحقیق، روابط میان متغیرهای مستقل و وابسته به شکل زیر تحلیل می‌شود:

تأثیر روش تفسیری ابن تیمیه بر وهابیت: یکی از روابط اصلی مدل مفهومی، تأثیر مستقیم روش‌های تفسیری ابن تیمیه بر شکل‌گیری افکار وهابیان است. این رابطه به این صورت است که برداشت‌های خاص ابن تیمیه از قرآن و آموزه‌های دینی، به‌ویژه در زمینه‌هایی چون توحید و

صحابه به مواردی که مطابق رأی خویش است، استناد کرده و اقوال مخالف نظر خود را رد می‌کند؛ و گاهی برای تأیید نظر خود اجماعاتی ادعاء می‌کند که هرگز وجود خارجی ندارند.

و اما در دیدگاه ابن تیمیه چهارمین مرجع برای تفسیر آیات قرآن بعد از اینکه در اقوال صحابه نیز چیزی برای تفسیر نیافتیم، اقوال تابعین است. تابعین مسلمانانی هستند که پیامبر اکرم (ص) را درک نکرده‌اند، اما اصحاب آن حضرت را درک کرده‌اند. آنچه برای امامیه مسلم است، این است که اجتهادات تابعین نیز مانند صحابه، چه در تفسیر و چه در غیر تفسیر حجیت ندارد و فقط در صورتی که عادل باشند و مطلبی را از معصومین (ع) روایت کنند، روایت آنان ارزش دارد.

ابن تیمیه نسبت به تفسیر صحابه با تسامح و وسعت نظر بیشتری دیدگاهش را مطرح می‌سازد، و درباره تفسیر تابعین جز در موارد اندکی، آن را حجت نمی‌داند. او پس از اینکه سخن یکی از عالمان‌شان را در رد اعتبار روایات تفسیری تابعین نقل می‌کند که او گفته است: اقوال تابعین در فروع حجت نیست، پس چگونه در تفسیر حجت باشد؟ یعنی اقوال آنها نسبت به مخالفین‌شان حجت نیست. گفته است: «این مطلب صحیح است، اما وقتی بر مطلبی اجماع کرده باشند، شکی در حجیت آن نیست؛ و اگر اختلاف کرده باشند، قول بعضی از آنها بر بعض دیگر و بر کسانی که بعد از آنها آمده‌اند حجت نیست» (ابن تیمیه، ۱۳۸۶: ۴۳).

این در حالی است که تعداد صحابه‌ای که روایات تفسیری از آنها نقل شده، اندک است؛ و این تعداد در نسل تابعین فراوان است، و سخنان بسیاری از تابعین درباره فهم و تفسیر قرآن بجا مانده است. و این اشکال بر او وارد است که چگونه در مورد اختلاف صحابه، چنین مطلبی را بیان نمی‌کند و آن را به طور مطلق می‌پذیرد ولی در مورد تابعین، با چنین شرطی که حتما باید اجماعی باشد، و هیچکدام را بر دیگری ترجیح نمی‌دهد، بسیاری از اقوال تابعین را رد می‌کند.

➤ مدل مفهومی تحقیق:

مدل مفهومی یک تحقیق به‌عنوان چارچوبی برای تحلیل روابط میان متغیرها و مفاهیم تحقیقاتی طراحی می‌شود. در این تحقیق که به نقد و بررسی روش تفسیری

به تحلیل و تفسیر قرآن بر اساس اصول ابن تیمیه می‌پردازد.

۳- نتیجه‌گیری مدل مفهومی: مدل مفهومی تحقیق نشان می‌دهد که روش تفسیری ابن تیمیه نقش اساسی در شکل‌گیری و گسترش افکار وهابیان ایفا کرده است. از طریق تحلیل این مدل، می‌توان به این نتیجه رسید که این روش تفسیری موجب انحرافات فکری در تفسیر قرآن، و ایجاد تفرقه در میان مسلمانان و به‌ویژه در دو مکتب شیعه و سنی می‌شود. همچنین، گسترش و تحکیم دیدگاه‌های وهابی، بر اساس این تفسیرات نادرست، از پیامدهای دیگر این روش تفسیری است.

این نمودار مفهومی شامل موارد زیر است:

۱. باکس اصلی آبی رنگ در بالا نشان‌دهنده «روش تفسیری ابن تیمیه» است.

۲. باکس‌های سبز در میانه نمودار نشان‌دهنده ویژگی‌های اصلی روش تفسیری هستند:

- تاکید بر ظاهر متون

- بی‌توجهی به تفاسیر تاریخی

- نظریه بازگشت به سلف

- برداشت‌های خاص توحیدی

۳. باکس‌های قرمز در پایین نمودار نشان‌دهنده پیامدها و تأثیرات هستند:

- تأثیر بر افکار وهابیان

- ایجاد تفرقه میان مسلمانان

- انحرافات فکری و دینی

۴. خطوط ارتباطی نشان‌دهنده روابط علت و معلولی بین این عناصر هستند.

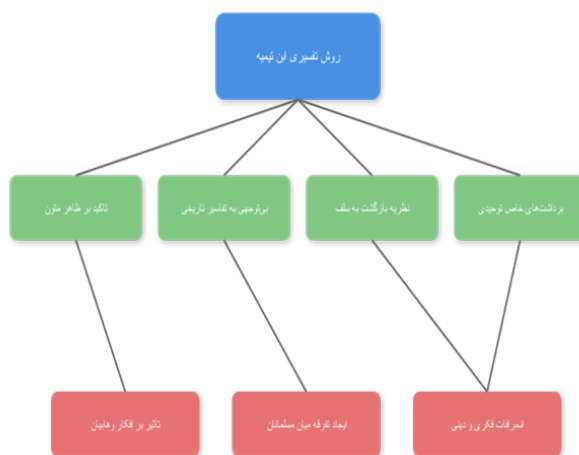
شرک، موجب شکل‌گیری یک سیستم فکری خاص در میان وهابیان می‌شود. به‌ویژه، آن‌ها برداشت‌های ظاهری و بدون توجه به تفسیرهای تاریخ‌ساز را مبنای تفسیر قرآن قرار می‌دهند.

تأثیرات منفی بر فهم قرآن: روش تفسیری ابن تیمیه، به‌ویژه توجه به ظاهر متون و بی‌توجهی به زمینه‌های تاریخی و کلامی، موجب انحراف در فهم قرآن می‌شود. این انحرافات ممکن است منجر به تفسیر نادرست آیات قرآن و درک ناصحیح مفاهیم اصلی دین اسلام، مانند توحید، شرک و امامت شود.

گسترش تفرقه در میان مسلمانان: یکی از پیامدهای مهم پذیرش تفسیرات ابن تیمیه، به‌ویژه در جوامع وهابی، ایجاد تفرقه و اختلافات گسترده میان مسلمانان است. این اختلافات عمدتاً ناشی از مخالفت‌های ابن تیمیه با دیدگاه‌های رایج در میان دیگر مذاهب اسلامی، از جمله شیعه و اهل سنت است.

انحرافات فکری و دینی: روش تفسیری ابن تیمیه، به‌ویژه در مسائل حساس مانند مسأله امامت و خلافت، موجب بروز انحرافات فکری در میان مسلمانان می‌شود. این انحرافات می‌تواند در قالب برداشت‌های نادرست از مفاهیم دینی مانند توحید و شرک و مسائل اساسی دیگر در اسلام ظاهر شود.

تقویت وهابیت به‌عنوان یک جریان فکری: یکی دیگر از پیامدهای مستقیم روش تفسیری ابن تیمیه، تقویت وهابیت به‌عنوان یک جریان فکری است که مبانی فقهی و کلامی خود را از تفسیرات وی استخراج می‌کند. این جریان فکری به‌ویژه در زمینه‌های فقهی و کلامی



نتیجه‌گیری:

تحقیق حاضر به نقد و بررسی روش تفسیری ابن تیمیه در قرآن و تأثیرات آن بر افکار وهابیان پرداخته است. در این راستا، یافته‌ها نشان می‌دهند که ابن تیمیه با استفاده از رویکرد ظاهری و به‌دور از توجه به زمینه‌های تاریخی و عقلانی، تفسیرات خاصی از قرآن ارائه داده که در تقابل با دیدگاه‌های رایج در اهل سنت و شیعه قرار می‌گیرد. این رویکرد تفسیری به‌ویژه در حوزه‌هایی مانند «توحید، شرک، امامت» و «خلافت» سبب بروز تفاسیر نادرست و انحرافی از متون دینی شده است. یکی از مهم‌ترین تأثیرات این روش تفسیری، گسترش و تعمیق تفکرات وهابیان است که با پذیرش برداشت‌های ابن تیمیه از قرآن و آموزه‌های دینی، مبنای فکری خود را شکل داده‌اند. وهابیت به‌عنوان یک جنبش فکری، بسیاری از آموزه‌های ابن تیمیه را به‌عنوان معیارهایی قطعی و غیرقابل تغییر در تفسیر قرآن و اصول دینی پذیرفته است. این رویکرد، به‌ویژه در مسائل حساس فقهی و کلامی، زمینه‌ساز ایجاد تفرقه در میان مسلمانان شده است. روش تفسیری ابن تیمیه، که بیشتر بر اساس «ظاهرگرایی» و بی‌توجهی به «تفسیرات تاریخی» و «عقلانی» بنا شده، نه تنها موجب تحریف فهم صحیح قرآن شده بلکه انحرافات فکری را در میان پیروان این مکتب گسترش داده است. این انحرافات شامل برداشت‌های نادرست از مفاهیم کلیدی همچون «توحید» و «شرک» است که در پی آن، درک نادرستی از مفاهیم دینی در میان برخی مسلمانان شکل گرفته است. یکی دیگر از تأثیرات قابل‌توجه این روش تفسیری، تشدید تفرقه میان مسلمانان، به‌ویژه در تقابل با آموزه‌های شیعه و اهل سنت است. ابن تیمیه با انتقاد از دیدگاه‌های دیگر مذاهب اسلامی، به‌ویژه در مسائل مربوط به امامت و خلافت، شکاف‌های عمیقی در میان مسلمانان ایجاد کرده است. این شکاف‌ها در بسیاری از موارد موجب گسست‌هایی فکری و عقیدتی شده و تنش‌های بیشتری در میان مسلمانان دامن زده است. در نتیجه روش تفسیری ابن تیمیه به‌عنوان یکی از ارکان اصلی اندیشه وهابیت، تأثیرات ژرفی در شکل‌گیری و توسعه افکار و عقاید این جریان فکری داشته است. این روش تفسیری، با تاکید بر ظاهرگرایی و نادیده گرفتن

ابعاد تاریخی و عقلانی، موجب ایجاد انحرافات در فهم قرآن و دینی شدن برخی از مفاهیم اسلامی شده است. در نهایت، این تحلیل‌ها و نتایج می‌تواند به‌عنوان یک مبنای علمی برای درک دقیق‌تر تأثیرات این رویکرد تفسیری در دنیای اسلام و پیروان وهابیت مورد استفاده قرار گیرد. در نهایت، برای کاهش این تأثیرات منفی، پیشنهاد می‌شود که مسلمانان به تفاسیر جامع‌تر و تعمقی‌تر توجه داشته باشند و برای رسیدن به فهم درست و یکپارچه از قرآن، از رویکردهای عقلانی و تاریخی بهره‌برداری کنند.

پیشنهادهای تحقیق:

بر اساس نتایج تحقیق و تحلیل‌های به‌دست‌آمده، می‌توان چندین پیشنهاد برای پیش‌برد تحقیقات در این زمینه ارائه داد:

گسترش دامنه مطالعاتی در زمینه تفسیر ابن تیمیه: این تحقیق عمدتاً به روش تفسیری ابن تیمیه و تأثیرات آن بر وهابیت پرداخته است. پیشنهاد می‌شود که تحقیقات بیشتری در رابطه با تأثیرات بین‌المللی این تفسیرات و بررسی انتقادی آن‌ها در دیگر جوامع مسلمان صورت گیرد. این پژوهش‌ها می‌تواند شامل مقایسه‌ای با تفاسیر دیگر مفسران اهل سنت و شیعه باشد.

تحلیل تطبیقی با دیگر مکاتب فکری: تحقیقات آینده باید به بررسی دقیق‌تر و تطبیقی میان تفاسیر ابن تیمیه و دیگر مکاتب فکری در دنیای اسلام، نظیر «مکتب متکلمان شیعه» و «تفاسیر اهل سنت» پرداخته و نتایج آن را تحلیل کنند. این تحلیل می‌تواند به کشف نقاط مشترک و تفاوت‌های عمده در برداشت‌ها و تفسیرها کمک کند.

مطالعه بر روی تحولات معاصر وهابیت: تحقیقاتی که به تحولات معاصر وهابیت و تأثیرات آن در جوامع مسلمان پرداخته‌اند، می‌توانند افق‌های جدیدی برای درک تعاملات میان این مکتب و دیگر جریان‌های فکری ایجاد کنند. این مطالعات می‌توانند به تحلیل نحوه تأثیرگذاری روش تفسیری ابن تیمیه در دوره‌های معاصر و در زمینه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بپردازند.

بررسی علل پذیرش و گسترش تفسیرات ابن تیمیه: پیشنهاد می‌شود که تحقیقی در زمینه علل و عوامل

الکامنه فی أعيان المأه الثامنة»، مجلس دائرة المعارف العثمانية، حيدرآباد، هند.

- ابن حجر هيثمي، احمد بن محمد، (١٣٧٦)، «الفتاوى الحديثية»، دارالفكر، بيروت.

- ابن عطية، عبدالحق بن غالب، (١٤١٣)، «المحرر الوجيز في تفسير الكتاب العزيز»، چاپ اول، دارالکتب العلميه، بيروت.

- ابوزهره، محمد، (١٤٢٠)، «ابن تيميه، حياته و عصره، آراءه و فقهه»، چاپ اول، دارالفکر العربي، قاهره.

- ذهبي، محمد بن احمد، (١٣٨٢)، «تذكرة الحفاظ»، دارالکتب العلميه، بيروت.

- سبحاني، جعفر، (١٣٦٤)، «أئین و هابيت»، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم.

- صائب عبد الحميد، (١٤٣٢)، «ابن تيميه، حياته - عقائده»، چاپ سوم، مرکز الغدير، بيروت.

- طباطبائي، محمد حسين، (١٤١٧)، «الميزان في تفسير القرآن»، چاپ اول، مؤسسه الاعلمی، بيروت.

- مكارم شيرازي، ناصر، (١٣٧٧)، «تفسير نمونه»، چاپ بيست و دوم، دارالکتب الاسلاميه، تهران.

- يافعي، عبدالله بن اسعد، (١٤١٧)، «مرآة الجنان و عبرة اليقظان في معرفة ما يعتبر من حوادث الزمان»، چاپ اول، دارالکتب العلميه، بيروت.

پذيرش گسترده تفسيرات ابن تيميه، به ويژه در مناطق خاصی از جهان اسلام (مانند جزيره العرب)، صورت گيرد. اين تحقيق می تواند به بررسی زمينه های اجتماعی، تاريخی و سياسی که موجب تقويت اين تفاسير شده است، بپردازد.

ارائه راهکارهای تقريب و همگرایی اسلامی: در راستای مقابله با آثار منفي تقسيمات ايجاد شده، تحقيقاتی در زمينه تقريب میان مذاهب اسلامی و ارائه راهکارهای همگرایی می تواند به ويژه در دنياي معاصر مفيد باشد. اين پیشنهاد به ويژه برای موازنه میان وهابيت و ديگر جريان های اسلامی ضروری است.

منابع:

- قرآن کریم.

- ابن بطوطه، ابوعبدالله، (١٣٧٦)، «رحله ابن بطوطه»، چاپ اول، دارالشرق العربي، بيروت.

- ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، (١٤٠٨)، «التفسير الكبير»، تحقيق و تعليق عبدالرحمان عميره، چاپ اول، دارالکتب العلميه، بيروت.

- ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، (١٤٠٦)، «دقائق التفسير الجامع لتفسير الامام ابن تيميه» تحقيق محمد السيد الجليند، چاپ سوم، مؤسسه علوم القرآن، بيروت.

- ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، (١٣٨٦)، «زيارة القبور والاستنجا بالمقبور»، چاپ اول، دار طيبه، رياض.

- ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، (١٤٠٨)، «الفتاوى الكبرى»، چاپ اول، دارالکتب العلميه، بيروت.

- ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، (١٤٢٢)، «قاعده جليله في التوسل والوسيله»، تحقيق ربيع بن هادي، چاپ اول، مكتبة الفرقان.

- ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، (١٩٨٠)، «مقدمه في اصول التفسير»، دار مكتبة الحياة، بيروت.

- ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، (١٤٠٦)، «منهاج السنه النبويه في نقض كلام الشيعه القدرية»، تحقيق محمد رشاد سالم، چاپ اول، جامعه الامام محمد بن سعود الإسلاميه، رياض.

- ابن تيميه، احمد بن عبدالحليم، (١٩٨٠)، «الاکلیل فی المتشابه والتاویل»، دار مكتبة الحياة، بيروت.

- ابن حجر عسقلاني، احمد بن علي، (١٣٩٢)، «الدرر

افزایش رضایت شغلی کارکنان ارتش جمهوری اسلامی ایران

و در اختیار تعداد ۲۰ نفر از خبرگان علم مدیریت (که به شکل هدفمند و قضاوتی انتخاب شدند) قرار گرفت و با بهره‌گیری از ابزار دلفی در سه دور، از آنها خواسته شد ضمن تأیید یا رد راهکارهای شناسایی شده، راهکارهای پیشنهادی خود را نیز ارائه کنند. در ادامه (به‌منظور اولویت‌بندی راهکارها) با طراحی پرسشنامه، راهکارهای تأیید شده، در اختیار ۲۰ نفر از همان خبرگان قرار گرفت و در نهایت اولویت‌بندی راهکارها نیز انجام شد. براساس نتایج نهایی تحقیق، راهکارهای افزایش حقوق و مزایا، سبک رهبری اخلاقی فرماندهان، جو سازمانی مطلوب، وضعیت معیشت، طراحی نظام پاداش‌دهی، عدالت سازمانی، روحیه کارگروهي، حمایت و احترام سلسله‌مراتب، فرصت‌های برابر شغلی، شایسته‌سالاری و... بالاترین اولویت را کسب کرده‌اند.

کلمات کلیدی: آجا، رضایت شغلی، ابعاد رضایت شغل.

سیدمهدهی حسینی گل افشانی^۱

احمد دهدار^۲

غلامرضا الله قلی^۳

ابراهیم انتظار^۴

تاریخ پذیرش ۱۴۰۳/۰۴/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷

چکیده

هدف این پژوهش کمک به متولیان برای سیاست‌گذاری در حوزه رضایت شغلی کارکنان آجا با شناسایی و اولویت‌بندی راهکارهای افزایش آن بوده است. این تحقیق به لحاظ هدف، از نوع کاربردی، به لحاظ رویکرد، استقرایی، از نظر نوع داده، آمیخته و از نظر روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. با مطالعات کتابخانه‌ای، راهکارهای افزایش رضایت شغلی گردآوری

۱- دکتری تخصصی و استاد دروس معارف دانشگاه دافوس و دانشگاه افسری امام علی (ع) 157.golafshan@gmail.com

۲- دانشجوی دکتری قرآن و مدیریت دانشگاه جامعه المصطفی العالمیه.

۳- دانش آموخته سطح ۴ حوزه علمیه قم.

۴- دانش آموخته دانشگاه عالی دفاع ملی.

Increasing job satisfaction of employees of the Islamic Republic of Iran Army.

Abstract:

The aim of this research was to help the trustees to make policies in the field of job satisfaction of AJA employees by identifying and prioritizing solutions to increase it. This research is applied in terms of purpose, inductive in terms of approach, mixed in terms of data type, and descriptive-analytical in terms of research method. Through library studies, solutions to increase job satisfaction were collected and made available to 20 management science experts (who were selected in a purposeful and judgmental manner). Using the Delphi tool in three rounds, they were asked to approve or reject the identified solutions and also present their proposed solutions. Then (in order to prioritize the solutions), a questionnaire was designed, and the approved solutions were made available to 20 of the same experts, and finally the solutions were prioritized. Based on the final results of the research, strategies for increasing salaries and benefits, ethical leadership style of commanders, favorable organizational climate, livelihood situation, reward system design, organizational justice, teamwork spirit, support and respect for hierarchy, equal job opportunities, meritocracy, etc. have received the highest priority.

Key words: AJA, job satisfaction, dimensions of job satisfaction.

مقدمه:

الف: عدم انجام فعالیت پژوهشی و نامشخص بودن راهکارهای ارتقای رضایت شغلی کارکنان آجا.
ب: نبود ارزیابی به‌منظور مشخص کردن اولویت‌بندی یا رتبه‌بندی این راهکارها.
ج: محروم شدن آجا از پیامدهای مثبت افزایش سطح رضایت شغلی کارکنان.
سؤال اصلی پژوهش این است که راهکارهای افزایش رضایت شغلی کارکنان آجا کدامند و اولویت‌بندی آنها چگونه است؟ و هدف اصلی پژوهش، کمک به متولیان ارتش برای سیاست‌گذاری در حوزه رضایت شغلی کارکنان با شناسایی و اولویت‌بندی راهکارهای ارتقای آن است.

مبانی نظری:

پیشینه پژوهش

در حوزه رضایت شغلی کارکنان در سازمان‌ها، تحقیقات وسیع و گسترده‌ای انجام شده است. هرکدام از این تحقیقات از زاویه متفاوتی موضوع رضایت شغلی را مورد بررسی قرار داده‌اند. با توجه به مسئله تحقیق و هدف اصلی، پژوهش‌های تا اندازه‌ای مرتبط با موضوع این پژوهش، به ترتیب تاریخ به شرح زیر است:

ضابط (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر رضایت شغلی کارکنان مدیریت امور تدارکات و مهندسی بانک تجارت»، به بررسی رابطه بین جنسیت، تأهل، میزان تحصیلات، رده شغلی، سن، سابقه خدمت، وضعیت استخدام با رضایت شغلی پرداخته شد. وجود رابطه بین این عوامل و رضایت شغلی مورد شناسایی واقع شده است. بدین ترتیب که در گروه مدیریتی، سن، سابقه خدمت، رضایت شغلی به طرز معنی‌داری با سایر گروه‌ها اختلاف دارد، ولی بین سه گروه دیگر (کارشناسی، کارمندی، خدماتی) اختلاف معنی‌داری دیده نمی‌شود. غلامی (۱۳۹۹)، در پژوهشی تحت عنوان «تأثیر رضایت شغلی بر عملکرد سازمانی»، تلاش کرده است، تأثیر رضایت شغلی بر عملکرد سازمان را مورد بررسی قرار دهد. بنابراین ضمن تعریف شرایط و ابعاد رضایت شغلی (ابعاد چهارگانه شغلی؛ عوامل سازمانی، عوامل محیطی، ماهیت کار، عوامل فردی) و تأثیر آن بر عملکرد سازمانی،

نیروی انسانی از ارزشمندترین سرمایه‌های سازمان است که بیشترین نقش را در موفقیت سازمان دارد و توجه به نیروی انسانی می‌تواند ضامن موفقیت یک سازمان باشد (حسینی گل‌افشانی و شیخ‌ویسی، ۱۴۰۱). امروزه سرمایه انسانی از اهمیت بالایی در سازمان‌ها برخوردار است. به‌گونه‌ای که استفاده مناسب از سایر ابزارها، توانایی‌ها و امکانات سازمان منوط به بهره‌گیری مطلوب از سرمایه انسانی است. در همین راستا، بی‌شک رضایت شغلی امری تعیین‌کننده در بهره‌گیری مناسب از سرمایه انسانی است و از آنجایی که افراد نیمی از وقت روزانه خود را در محیط کار سپری می‌کنند، نگرش آنها به شغل‌شان مهم بوده و می‌تواند بر روح و جسم آنان تأثیر گذارد (عرب‌سعیدی، ۱۳۹۸: ۲). در تعریف رضایت شغلی و انواع آن نظریات متفاوتی وجود دارد. از جمله اینکه؛ رضایت شغلی نشان‌دهنده احساس و گرایشی هست که اشخاص نسبت به شغل خود بروز می‌دهند. به عبارت دیگر، عکس‌العملی که افراد با مقایسه دستاوردهای مورد انتظار و دستاوردهای واقعی دریافتی نسبت به شغل خود بروز می‌دهد را می‌توان بیانگر رضایت شغلی دانست (ضابط، ۱۳۹۷: ۵).

وجود نیروهای مسلح در همه نظام‌های سیاسی از گذشته تاکنون، از اهمیت و ضرورت فراوانی برخوردار است. امروزه برخورداری هر دولتی از آمادگی نظامی که در سایه یک سازمان نظامی توانمند حاصل می‌شود، از عناصر کلیدی قدرت ملی آن کشور و نظام است (حسینی گل‌افشانی و همکاران، ۱۴۰۲). به دلیل اهمیت رضایت شغلی کارکنان و ضرورت افزایش آن برای موفقیت بیشتر سازمان‌ها، در سازمان‌های موفق، با بهره‌گیری از ظرفیت خبرگان و کارشناسان به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای افزایش رضایت شغلی کارکنان پرداخته می‌شود. این در حالی است که در پژوهش‌های گذشته در ارتش جمهوری اسلامی ایران، تاکنون پژوهش جامعی برای شناسایی و اولویت‌بندی راهکارهای ارتقای رضایت شغلی کارکنان انجام نشده است. بنابراین مسئله اصلی این تحقیق و دغدغه نویسندگان شامل موارد زیر است:

شغلی، استرس کاهش می‌یابد و بالعکس. رضایت شغلی در میان اعضای هیئت علمی، در حد متوسط بود. ضمناً اعضای هیئت علمی از ماهیت شغل، مسئول مستقیم و همکاران خود به‌طور معناداری رضایت داشتند، در حالی که از حقوق و مزایا به‌طور معناداری ناراضی بودند. استرس شغلی در اعضای هیئت علمی نسبتاً کم بود.

سیلوا (۲۰۱۹)، در پژوهشی به بررسی «عوامل مؤثر بر رضایت شغلی افسران ثابت آکادمی نظامی سریلانکا» پرداخت. این پژوهش نشان داده که بین عوامل پرداخت مزایا، ارتباط با سرپرست، حجم کاری زیاد، فشار کاری و رضایت شغلی افسران رابطه وجود دارد. و چنانچه سطح رضایت شغلی افسران افزایش یابد منجر به کاهش غیبت و جابه‌جایی می‌شود.

کارن در سال (۲۰۱۸)، تحقیقی با عنوان «ارزیابی رضایت شغلی اساتید دانشکده پرستاری» انجام داده است. در این پژوهش ایشان به این نتیجه رسید که عوامل ناراضی‌تایی عبارت‌اند از: دستمزد، سیاست‌های سازمانی، حجم کاری و عامل مربوط به بیشترین رضایت شغلی تعاملات شغلی و استقلال است.

شائو چنگ و همکاران (۲۰۲۲)، در مقاله پژوهشی به بررسی «تأثیر همه‌گیری کووید-۱۹ بر رضایت شغلی» با ارائه یک مدل تعدیل‌گر میانجی «با استفاده از استرس شغلی و تاب‌آوری سازمانی در صنعت هتلداری تایوان» پرداختند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که فعال‌سازی استرس شغلی تأثیر واسطه‌ای بر رضایت شغلی کارکنان و عملکرد تجاری هتل‌ها دارد. علاوه بر این، تاب‌آوری سازمانی تأثیر تعدیل‌کننده‌ای بر استرس شغلی دارد.

راشل لام و همکاران (۲۰۲۲)، در پژوهشی به بررسی تأثیر هوش فرهنگی و کار عاطفی بر رضایت شغلی کارکنان هتل‌های لوکس پرداخته‌اند. این تحقیق نشان می‌دهد که هوش فرهنگی، شناختی، انگیزشی، عاطفی و بیان احساسات طبیعی بر رضایت شغلی تأثیر می‌گذارند.

با بررسی پژوهش‌های پیشین، اهمیت این پژوهش و تفاوت‌های آن با پژوهش‌های قبلی به شرح زیر مشخص می‌شود. الف: تاکنون تحقیق جامعی در سطح ارتش و نیروهای تابعه آن با هدف شناسایی راهکارهای افزایش رضایت شغلی کارکنان انجام نشده است و از این منظر

پیشنهادهایی جهت بهبود فرایند در سازمان ارائه می‌کند.

مهرابی‌ان (۱۳۹۹)، در تحقیقی با عنوان «رضایت شغلی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان»؛ به بررسی میزان رضایت شغلی اعضای هیئت علمی دانشکده‌های دانشگاه علوم پزشکی گیلان در شش حوزه حقوق و مزایا، فرصت‌های ارتقا و رشد فردی، نحوه سرپرستی و ارتباط، شرایط روانی و امنیت شغلی، شرایط فیزیکی و ماهیت کار پرداخته است. در کلیه حیطه‌ها رضایت‌مندی در حد متوسط و تنها در حیطه ماهیت کار رضایت‌مندی در حد مطلوب بوده است.

تقریبی (۱۴۰۰)، در پژوهشی تحت عنوان «رضایت شغلی پرستاران و عوامل مرتبط»؛ وضعیت رضایت شغلی قشر پرستار در دانشگاه علوم پزشکی کاشان را مورد ارزیابی قرار داده و از پرسش‌نامه‌های عوامل احتمالی مرتبط با رضایت شغلی، شادکامی «کسفورد» و رضایت شغلی «مینه‌سوتا» استفاده کرده است. نتیجه بررسی‌ها حاکی از آن است که رضایت شغلی پرستاران در سطح متوسط و متأثر از عوامل مختلف بوده است.

شعبانی (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان؛ «سنجش رضایت شغلی کتابداران در دوران دورکاری کووید-۱۹»، رضایت شغلی و ابعاد آن (ارتباطات، ارتقای شغلی، پاداش‌ها، حقوق و مزایا، سرپرستی، شرایط کاری، ماهیت کار و همکاران) در دوران دورکاری جامعه کتابداران را مورد بررسی قرار داده است. از نتایج به‌دست آمده مشخص شد میان دورکاری و رضایت شغلی در دوران کووید ۱۹ رابطه معناداری وجود دارد. رابطه بین مؤلفه‌های پاداش و حقوق و مزایا رضایت‌بخش نبوده و سرپرستی و سبک رهبری در سازمان در رضایت شغلی کارکنان تأثیر مثبت داشته است.

شکری و همکاران (۱۴۰۲)، در پژوهشی با عنوان «بررسی ارتباط بین استرس شغلی و رضایت شغلی در اعضای هیئت علمی» به بررسی ارتباط استرس شغلی و رضایت شغلی پرداخته و یافته‌های این تحقیق نشانگر آن است که میزان رضایت شغلی و استرس شغلی در میان اعضای هیئت علمی، به‌طور معناداری همبستگی منفی دارد. این بدان معناست که با افزایش رضایت

شغلش بالا باشد، به شغل و کارش نگرش مثبت دارد و برعکس کسی که از شغلش ناراضی باشد، نگرش منفی نسبت به کارش دارد (پارسائیان و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۵۶).

← ابعاد رضایت شغلی

«کینزبرگ»^۶ رضایت شغلی را به دو بعد درونی و بیرونی تقسیم کرده‌اند و رضایت درونی را دو منظر احساس لذت از اشتغال به کار و احساس لذت از رشد و پیشرفت در کار مشاهده می‌کنند و رضایت بیرونی را نیز ناشی از عواملی چون شرایط محیط کار، میزان دستمزد و پاداش، نوع روابط کار می‌دانند و در مجموع رضایت شغلی را نتیجه تعامل بین این رضایت درونی و بیرونی می‌پندارند (ضابط، ۱۳۹۷: ۲۷). به اعتقاد برخی اندیشمندان رضایت شغلی از سه بعد دارای اهمیت است.

۱- بعد فردی: این بعد در واقع بر رفتار کارکنان به سبب انجام حسن انجام وظیفه مؤثر است. یعنی باعث می‌شود که کارکنان به نحو احسن و با جدیت وظیفه خود را انجام دهند.

۲- بعد سازمانی: یعنی تأثیر رضایت شغلی در متغیرهای سازمانی. مدیران بنا به دلایل زیر به رضایت شغلی کارکنانشان اهمیت می‌دهند. اول، کارکنان ناراضی بیشتر از بقیه کارکنان به دنبال غیبت و ترک کار هستند. دوم، کارکنان راضی به لحاظ سلامت جسمی و بهداشت روان در وضعیت مطلوبی قرار دارند و کیفیت زندگی آنها بهتر است. سوم، با افزایش رضایت شغلی، تعهد شغلی و سازمانی کارکنان افزایش پیدا می‌کند.

۳- بعد اجتماعی: یعنی تأثیری که رضایت شغلی در کل زندگی فرد دارد. رضایت شغلی باعث ایجاد امید به زندگی و خوشنودی و شادکامی در کارکنان شده و این شادکامی باعث رفتارهای مثبت در سطح جامعه می‌شود. در مجموع کلیت جامعه از رضایت شغلی منتفع می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۲۱).

← عوامل مؤثر بر رضایت شغلی

این پژوهش دارای نوآوری در موضوع است. ب: این تحقیق پس از شناسایی راهکارها به ارزیابی و سپس اولویت‌بندی راهکارها پرداخته شده که در هیچ‌کدام از تحقیقات گذشته انجام نشده است.

مبانی نظری

← تعریف رضایت شغلی

رضایت شغلی بیانگر احساس و باور مثبت فرد نسبت به شغل فعلی خود است که در نتیجه ارزیابی ویژگی‌های مختلف آن ایجاد می‌شود (زارع، ۱۳۹۳: ۹۸). رضایت شغلی به معنای دوست داشتن شرایط و مؤلفه‌های شغلی که فرد در آن فعالیت می‌کند نیز گفته می‌شود (ابراهیمی، ۱۳۹۹: ۱۴). وقتی مردم درباره نگرش‌های کارمندان صحبت می‌کنند، معمولاً منظورشان رضایت شغلی است. در واقع این دو عبارت خیلی اوقات به جای هم مورد استفاده قرار می‌گیرند (عرب سعیدی، ۱۳۹۸: ۹). رضایت شغلی عبارت است از نگرشی که افراد نسبت به شغل‌شان دارند و این نگرش ناشی از عوامل و شرایط مختلف مرتبط با نوع کار و فعالیت، پاداش دریافتی و محیط داخلی و بیرونی آن است. برآیند این نگرش، احساس عاطفی مثبت (علاقه‌مندی) و یا منفی (تنفر) افراد نسبت به شغل‌شان است. برخی صاحب‌نظران از جمله «رابینز» معتقدند رضایت شغلی، نگرش کلی افراد نسبت به شغل‌شان است. به عبارتی دیگر احساسی که افراد در قبال شغل-شان و جنبه‌های گوناگون آن دارند و نسبت به آن واکنش‌های شناختی، عاطفی و سنجشی ابراز می‌کنند (ملین^۷ و همکاران، ۲۰۱۶: ۱۴۵). این نگرش و احساس می‌تواند مثبت و خوشایند باشد که همان رضایت از شغل هست و یا برعکس فرد می‌تواند احساس ناخوشایندی از شغل داشته و ناراضی باشد. این نگرش به شغل می‌تواند ناشی از تجارب شغلی قبلی، انتظارات فعلی و یا فرصت‌های شغلی دیگر باشد (ضابط، ۱۳۹۷: ۳۷). مقصود از رضایت شغلی نگرش کلی فرد درباره شغلش است. فردی که میزان رضایت از

6 Rabbins.

7.. Malinen, savolainen.

8. Ginsberg

است. هر چه انتظارات فرد از شغلش بیشتر باشد، رضایت شغلی دیرتر ایجاد می‌شود و برعکس آن نیز صادق است و هر چه سطح توقعات کمتر باشد، زودتر رضایت شغلی حاصل می‌شود (پری‌زاده، ۱۳۹۵: ۲۹).

نظریه گروه مرجع: این نظریه با نظریه کامروائی نیاز مشابه است، با این تفاوت که این نظریه خواست‌ها، نیازها و علایق فرد را به‌عنوان نقطه عطف خود در نظر نمی‌گیرد و این نظریه، دیدگاه و عقاید گروهی را به‌عنوان «گروه مرجع» مورد نظر قرار می‌دهد که فرد برای هدایت، راهنمایی و ارشاد به آن توجه می‌کند. این گروه‌ها تعیین‌کننده دید و نگرش فرد نسبت دنیا و نیز چگونگی ارزشیابی وی از پدیدارهای گوناگون در محیط است (برادری و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۰).

نظریه مک‌کلند^{۱۱}: این نظریه به اهمیت تفاوت‌های فردی در برآورده کردن سه نیاز ضروری نیاز به (پیشرفت، قدرت، پیوندجویی) در محیط کار توجه دارد (طباطبائی کوبایی، ۱۴۰۱: ۴). مک‌کلند اعتقاد دارد که افراد به لحاظ نیازهای موفقیت، مقبولیت و قدرت با هم متفاوت هستند. یعنی بر اساس این که احساس به کدام یک از نیازهای بالا در فرد پرتوان‌تر باشد، به همان نسبت نیز مشاغل خاصی خشنودی وی را رقم خواهد زد. به‌عنوان نمونه شخصی که از انگیزه کسب موفقیت متأثر باشد، مشاغل پرتحرک و درگیرانه برایش ارضا کننده است. در حالی که کسانی که واجد انگیزه نیرومند مقبولیت و پیوستگی باشند، از انجام کارهایی که با همکاری و مساعدت به سایرین توأم باشد، راضی خواهد بود. همچنین افرادی که دارای انگیزه قدرت هستند، از نفوذ بر دیگران و کسب موفقیت از این مسیر را ترجیح می‌دهند (برادری و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۱).

نظریه روابط انسانی: با وجود اینکه در دوره مدیریت کلاسیک بر اثرگذاری مسائل مادی بر رضایت شغلی و افزایش بازدهی تأکید می‌شد. اما تحقیقات «هاثورن» این دیدگاه را تغییر داد. این تحقیقات نشان داد، برقراری روابط انسانی و دوستانه در محیط کار، مشارکت، احترام به افراد و داشتن روابط صمیمی و عاطفی غیررسمی

اصولاً عواملی که در رضایت شغلی مؤثرند، بسیار زیاد است و نمی‌توان آنها را به یک یا چند عامل محدود کرد. انسان در کارهای روزانه خود با افراد، مواد و تجهیزات سر و کار دارد که هر یک به نوبه خود در رضایت یا عدم‌رضایت سهم بسزایی دارند. در مطالعات و بررسی‌های انجام گرفته، این اتفاق نظر دیده می‌شود که عواملی از قبیل حقوق و مزایا، امکانات رفاهی، همکاری و دوستی بین کارکنان، رابطه رؤسا با مرئوسین، اعتماد به هیئت‌رئیس، تأمین نیازمندی‌های شغلی، شایستگی و صلاحیت مدیران، کارآیی امور اداری، ارتباطات کافی و صحیح، پایگاه اجتماعی و شناسایی ارزش کاری، ثبات کار، روابط کاری، تطابق اهداف مشخص کارکنان با اهداف سازمان، شرایط و محیط کار، فرصت برای رشد و ترقی، خط‌مشی و نحوه اداره امور سازمان، نظم و انضباط در کار، ارتباط با همکاران، تأمین شغلی، کسب موفقیت در کار و قدردانی در مقابل انجام کار، در روحیه و رضایت شغلی کارکنان مؤثر هستند (قرائی، ۱۳۹۸: ۲۶).

نظریه‌های رضایت شغلی

نظریه کامروایی نیاز: «آلفردر^۹»، با رد نظریه سلسله‌مراتب نیازهای مازلو به سه طبقه کلی، نظریه «کامروایی نیاز» را ارائه داد. در این نظریه به سه نیاز اساسی روان‌شناختی توجه شده است و این سه نیاز شامل نیازهای وجود (امیال مربوط به رفاه مادی)، نیازهای وابستگی (تمایل به ارضای روابط میان‌فردی) و نیازهای رشد (تمایل به رشد و توسعه روان‌شناختی مستمر) می‌شود. او عنوان می‌کند در شرایط یکسان در هر سازمان، هر قدر این سه نیاز بیشتر برآورده شود، سطح میزان رضایت شغلی فرد نیز افزایش می‌یابد. آلدرفر تصور نمی‌کند که نیازهای مراتب پایین‌تر بایستی قبل از فعال شدن نیازهای بالاتر، ارضا شوند و قائل به سلسله‌مراتبی بودن نیست (تقی‌پور و همکاران، ۱۳۹۸: ۵).

نظریه انتظار: این نظریه توسط «ویکتور وروم^{۱۰}» در سال ۱۹۶۴ ارائه شد. او بر این باور بود که نیروی انگیزش فرد، تابعی از سه عامل ظرفیت، انتظار و سودمندی است. انتظارات فرد در تعیین میزان رضایت شغلی او مؤثر

9. Clayton Alderfer.

10. Victor Vroom.

11. McClelland.

در محیط کار نیز باعث افزایش روح همکاری جمعی و افزایش بازدهی و رونق تولید شده و لذا تأثیر عمیقی بر رضایت شغلی کارکنان دارد (ضابط، ۱۳۹۷: ۳۶).

نظریه‌های مغایرت: مبنای این نظریه‌ها بدین فرض استوار است، که رضایت شغلی از اختلاف و مغایرتی حاصل می‌شود که بین خواسته، ارزش و انتظار از کارمان از یک سو و نتیجه و شرایط کار ما از سوی دیگر وجود دارد. اگر آنچه را که از شغل و شرایط آن توقع داریم، در فضای محیط کار و نتیجه محصول کار فراهم نباشد، بی‌تردید از کار رضایت نخواهیم داشت. اهمیت این نظریه در این جاست که باعث ارائه تصویر روشنی از جنبه‌های شغل موردنظر را برای داوطلبان شغل الزامی می‌داند (برادری و همکاران، ۱۳۹۵: ۴۱).

نظریه برابری: نظریه برابری توسط «جی. اس. آدامز»^{۱۲} ارائه شده است. برابر این نظریه افراد دارای توانمندی و قابلیت‌ها و خصوصیتی منحصر به فرد چون هوش، استعداد، تحصيلات، تجربه و سن بوده و آنها را برای انجام شغل خود در سازمان به کار می‌گیرند و به اصطلاح داده‌های فرد محسوب می‌شود. در قبال آن نیز توقع دارد، سازمان نیز مزایا و پاداش‌هایی را در اختیارش قرار دهد؛ بنابراین چنانچه فرد احساس کند، برابری در بین این دو دسته عوامل یعنی داده‌ها و ستانده‌ها وجود دارد، راضی می‌شود. این برداشتی که فرد از میزان برابری و تعادل بین این دو کفه داده‌ها و ستاده‌ها و همچنین قیاس وضعیت خود با دیگران دارد را مبنای رضایت شغلی می‌دانند. هر قدر احساس برابری بالاتری وجود داشته باشد، فرد احساس رضایت بیشتری دارد. برابر نظریه بالا هنگامی که فرد احساس نابرابری می‌کند دست به تغییر داده‌ها و ستاده‌ها و برداشت‌های خود در مقایسه با دیگران می‌زند (ضابط، ۱۳۹۷).

نظریه ارزش: یکی از نظریه‌های مهم رضایت شغلی نظریه ارزشی «لاک»^{۱۳} است. براساس این نظریه رضایت شغلی بر مبنای ارزش نتایج کار و پاداش‌هایی که فرد به سبب شغل دریافت می‌کند و برای او مطلوب است، حاصل می‌شود. هماهنگی ارزش‌های ایجاد شده به سبب کار با

خواسته‌ها و ارزش‌های فردی افزایش رضایت شغلی را به همراه دارد (رضائیان، ۱۳۹۰: ۱۴۶).

← ارتش جمهوری اسلامی ایران:

ارتش جمهوری اسلامی ایران براساس اصل ۱۴۳ قانون اساسی، مأموریت حفظ تمامیت ارضی، حفظ استقلال و نظام جمهوری اسلامی ایران را به عهده دارد. ارتش یک نهاد ملی است که نقش و کارکردهای بلامنازع آن در یک دوره بلند تاریخی (اعم از صلح و جنگ) انکارناپذیر است. سهم ارتش در ایجاد امنیت ملی و بسترسازی برای رشد و توسعه پایدار در سایر بخش‌ها و شئون ملی با هیچ سنجه‌ای در قالب کمیت و اعداد محصور نمی‌شود. حیات و تکامل یک ملت در گرو حیات و تکامل ارتش اوست. ارتش‌های پیش‌رو نه تنها دیوار سترگ دفاعی یک ملت در دوره بحران هستند، بلکه طلایه‌داران عرصه‌های صلح و سازندگی نیز به‌شمار می‌روند. در این میان حفظ دانش و تولید شده در ارتش و ارتقای آن امری بدیهی و لازم و ضروری است (حسینی گل‌افشانی، ذبیحی و اسکینی، ۱۴۰۲).

← روش‌شناسی تحقیق

هدف این پژوهش، تلاشی برای کمک به متولیان و مسئولین امر برای سیاست‌گذاری در حوزه رضایت شغلی کارکنان آجا، با شناسایی و اولویت‌بندی راهکارهای ارتقای آن بوده است. این تحقیق به لحاظ هدف، از نوع کاربردی، از نظر رویکرد، استقرایی، از نظر نوع داده، کیفی-کمی و از نظر روش، توصیفی-تحلیلی بود. با مطالعات کتابخانه‌ای، راهکارهای ارتقای رضایت شغلی گردآوری و در سه بعد فردی، سازمانی و محیطی دسته‌بندی و سپس در اختیار تعداد ۲۰ نفر از خبرگان و متخصصان در حوزه مدیریت منابع انسانی و رفتار سازمانی قرار گرفت. نحوه انتخاب خبرگان به این صورت بود که، با استفاده از بانک اطلاعاتی پژوهشگران موجود در مراکز پژوهشی ارتش، فهرست کارکنانی که دارای تجربه و تخصص لازم درباره موضوع پژوهش بودند تهیه و از بین آنان خبرگان نهایی به شکل هدفمند و قضاوتی انتخاب شده‌اند. سپس با بهره‌گیری از تکنیک دلفی

12.G.S.Adams

13locke

خبرگان قرار می‌گیرد. دوره‌های دلفی تا هنگامی ادامه می‌یابد که ضریب کندال در دو دور متوالی ثابت بوده و یا دارای رشد ناچیز باشد. در این پژوهش، پس از دریافت خروجی ابزار دلفی، به منظور روایی محتوایی مؤلفه‌های استخراج‌شده، از روش محاسبه ضریب لاوشه یا رابطه نسبت روایی محتوایی استفاده شده است. با توجه به تعداد خبرگان (۲۰ نفر)، ضریب لاوشه خروجی بالاتر از ۰,۴۲۰، مورد پذیرش است.

جدول (۱): مشخصات جامعه خبرگی پژوهش

مدیرک تحصیلی	فراوانی	سمت	فراوانی	سابقه خدمتی	فراوانی
دکتر	۱۷	مدیر راهبردی	۱۱	۱۵-۲۰	۰
کارشناسی ارشد	۳	مدیر اجرایی	۹	۲۰-۲۵	۹
		کارشناس و تحلیلگر	۰	بیشتر از ۲۵	۱۱

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

همان‌طور که اشاره شد، با روش مطالعات کتابخانه‌ای، راهکارهای ارتقای رضایت شغلی کارکنان گردآوری و در اختیار تعداد ۲۰ نفر از خبرگان و متخصصان در حوزه مدیریت منابع انسانی و رفتار سازمانی قرار گرفت. سپس با بهره‌گیری از تکنیک دلفی، از آنها خواسته شد، ضمن تأیید یا رد راهکارهای شناسایی‌شده، راهکارهای پیشنهادی خود را نیز ارائه کنند. نحوه امتیازهای داده

در سه دور، از آنها خواسته شد، ضمن اعلام موافقت یا عدم موافقت خود با راهکارهای شناسایی‌شده در ابعاد سه‌گانه، با توجه به دانش تخصصی و شناخت خود از فرهنگ سازمانی ارتش راهکارهای پیشنهادی خود (که در مطالعات اکتشافی پژوهشگران شناسایی نشده) را نیز ارائه کنند. با پایان دور دوم، راهکارهای نهایی و تأیید شده به دست آمد. در ادامه به منظور اولویت‌بندی، راهکارهای تأیید شده، در قالب پرسش‌نامه قرار گرفته و در اختیار ۲۰ نفر از همان خبرگان (دور سوم دلفی) قرار گرفت تا بر مبنای طیف ۵ درجه‌ای لیکرت به راهکارها امتیاز دهند. نهایتاً اولویت‌بندی راهکارها با تحلیل نتایج پرسش‌نامه در دور سوم دلفی انجام شد. دارا بودن تحصیلات عالی مرتبط، سابقه خدمتی بالای ۲۰ سال (برای شناخت دقیق‌تر فرهنگ سازمانی ارتش و ارائه راهکارهای بومی) و سابقه پژوهش در حوزه تحقیق حاضر، از شاخص‌های انتخاب جامعه خبرگی بوده است. مبنای انتخاب تعداد ۲۰ نفر خبره نیز، اشباع نظری داده و تکرار راهکارهای پیشنهادی خبرگان بوده است.

ابزار دلفی، روشی برای ایجاد یک فرآیند ارتباط گروهی است، به طوری که این فرآیند به گروهی که شامل اجزای جداگانه و مستقل است، اجازه می‌دهد در حل مسائل پیچیده شرکت کنند (رحمانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۴۵). برای تعیین میزان اتفاق نظر میان اعضای هیئت دلفی، از ضریب هماهنگی کندال استفاده می‌شود. برای اتفاق نظر قوی میان خبرگان باید ضریب کندال بالاتر از ۰,۷ باشد. پس از تعیین مجموع کل و میانگین رتبه‌ها و همچنین مجموع مربعات تفاضل نظرات خبرگان نسبت به میانگین، ضریب کندال به دست می‌آید. ضریب هماهنگی کندال نشان می‌دهد که افرادی که چند مقوله را بر اساس اهمیت آنها مرتب کرده‌اند، به طور اساسی معیارهای مشابهی را برای قضاوت درباره اهمیت هریک از مقوله‌ها به کار برده‌اند و از این لحاظ با یکدیگر اتفاق نظر دارد (حسینی گل‌افشانی و رازانی، ۱۴۰۰). با توجه به تعداد خبرگان و نوع پرسش‌نامه مورد استفاده در پژوهش، کسب امتیاز ۷۰ و بالاتر از آن ملاک ماندن شاخص در پرسش‌نامه مرحله‌ای دلفی است. در دور دوم، شاخص‌هایی که در دور اول دلفی امتیاز لازم را کسب نکرده‌اند، حذف می‌شود و پرسش‌نامه جدید، در اختیار

کاری، مدیریت استعدادها، طراحی نظام ارزیابی عملکرد، مدیریت استرس کارکنان، استقلال کارکنان، محیط کار منعطف، توسعه و توانمندسازی کارکنان، تقسیم کار کارشناسی، گردش مشاغل، فرصت‌های برابر شغلی، قدرت تاب‌آوری، جاذبه شغلی، متناسب‌سازی حجم کار، وضعیت معیشت و توسعه امکانات تفریحی و ورزشی» است.

بعد فردی شامل راهکارهای: «هوش هیجانی، روحیه کارگروهي، رفتار شهروندی سازمانی، اعتمادبه‌نفس، از خودگذشتگی، تفکر خلاق، انعطاف‌پذیری، مسئولیت‌پذیری، انتقال تجربه، کمک و دستگیری و وجدان کاری» است.

شده به راهکارها و نهایتاً تأیید یا رد راهکارها، به شرح زیر بوده و در جدول ۲ الی ۵ نیز ارائه شده است.

بعد محیطی شامل راهکارهای: «جو سازمانی مطلوب، عدالت سازمانی، اعتماد سازمانی، تصمیم‌گیری مشارکتی، تعلق سازمانی و حمیت قسمتی، قدردانی از کارکنان، تفویض اختیار، قانون‌مندی، تعهد سازمانی، تخصص‌محوری، آشنایی با اهداف سازمانی، مدیریت دانش، احترام متقابل، مطلوبیت محیط کار، خوش‌آیندی محیط کار، امنیت شغلی و آینده‌پژوهی» است.

بعد سازمانی شامل راهکارهای: «حقوق و مزایا، سبک رهبری، طراحی نظام پاداش‌دهی، شایسته‌سالاری، حمایت سلسله‌مراتب، مدیریت اثربخش، ارتقای انگیزه

جدول (۲): پایش راهکارهای بعد محیطی به روش دلفی (در ۲ دور)

منبع استخراج	راهکارها	دور اول	دور دوم	نتیجه
راهکارهای حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و پیشنهادی خبرگان	قدردانی از کارکنان	۸۶	۸۸	تأیید
	عدالت سازمانی	۷۹	۸۹	تأیید
	جو سازمانی مطلوب	۸۰	۸۷	تأیید
	تخصص‌محوری در محیط کار	۸۹	۸۸	تأیید
	کیفیت قانون‌گرایی در محیط کار	۷۴	۷۷	تأیید
	اعتماد سازمانی	۷۶	۷۹	تأیید
	تصمیم‌گیری مشارکتی	۷۹	۸۳	تأیید
	عاطفه مثبت	۷۵	۶۹	حذف
	مطلوبیت محیط کار	۷۳	۸۲	تأیید
	احترام متقابل	۷۵	۸۴	تأیید
	امنیت شغلی	۸۱	۸۷	تأیید
	تفویض اختیار	۸۰	۸۵	تأیید
	آشنایی کارکنان با اهداف سازمانی	۸۲	۸۷	تأیید
	تعهد سازمانی کارکنان	۷۹	۸۹	تأیید
	تعلق سازمانی و حمیت قسمتی کارکنان	۷۴	۸۴	تأیید
	مدیریت دانش	۷۹	۸۸	تأیید
	آینده‌پژوهی	۷۳	۸۱	تأیید
	پیش‌بینی مکان استراحت	۷۳	۶۸	حذف

جدول (۳): پایش راهکارهای بعد سازمانی به روش دلفی (در ۲ دور)

منبع استخراج	راهکارها	دور اول	دور دوم	نتیجه
راهکارهای حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و پیشنهادی خبرگان	طراحی نظام پاداش دهی	۸۶	۸۸	تائید
	سبک رهبری اخلاقی فرماندهان و مسئولین	۷۹	۸۹	تائید
	حقوق و مزایا	۸۴	۸۹	تائید
	توسعه امکانات تفریحی و ورزشی	۸۹	۸۸	تائید
	سطح معیشت کارکنان	۸۱	۸۸	تائید
	متناسب سازی حجم کار	۷۶	۷۹	تائید
	شایسته سالاری	۷۹	۸۳	تائید
	جاذبه شغلی	۷۵	۷۸	تائید
	میزان تاب آوری	۷۳	۸۲	تائید
	فرصت های برابر شغلی	۷۵	۸۴	تائید
	گردش مشاغل	۸۱	۸۷	تائید
	حمایت و احترام سلسله مراتب نسبت به کارکنان	۸۰	۸۹	تائید
	مدیریت اثربخش	۸۲	۸۷	تائید
	پرداخت به موقع دستمزدها	۷۱	۶۸	حذف
	کیفیت مدیریت استعدادها	۷۴	۸۴	تائید
	طراحی نظام ارزیابی عملکرد	۷۹	۸۸	تائید
	توسعه و توانمندسازی کارکنان	۷۳	۸۱	تائید
	مدیریت استرس کارکنان	۷۴	۸۲	تائید
	میزان استقلال کارکنان	۷۶	۷۸	تائید
	محیط کار منعطف	۷۰	۷۷	تائید
	تقسیم کار کارشناسی	۷۱	۷۹	تائید
	آگاهی بخشی	۶۶	۶۹	حذف
	ارتقای انگیزه کاری کارکنان	۷۹	۸۹	تائید

جدول (۴): پایش راهکارهای بعد فردی به روش دلفی (در ۲ دور)

منبع استخراج	راهکارها	دور اول	دور دوم	نتیجه	
راهکارهای حاصل از مطالعات کتابخانه‌ای و پیشنهادی خبرگان	کمک و دستگیری کارکنان نسبت به هم	۸۹	۸۸	تائید	
	میزان وجدان کاری افراد	۷۴	۷۷	تائید	
	سطح انعطاف پذیری	۷۶	۷۹	تائید	
	مشتری‌مداری	۷۲	۶۷	حذف	
	میزان مسئولیت‌پذیری کارکنان	۷۳	۸۲	تائید	
	کیفیت انتقال تجربه توسط افراد	۷۵	۸۴	تائید	
	رفتار شهروندی سازمانی	۸۱	۸۸	تائید	
	از خودگذشتگی کارکنان	۸۰	۸۵	تائید	
	روحیه کارگروهی	۷۶	۸۸	تائید	
	سطح هوش هیجانی	۷۹	۸۹	تائید	
	میزان تفکر خلاق	۷۴	۸۴	تائید	
	سطح اعتماد به نفس	۷۹	۸۸	تائید	

پس از اتمام دور دوم دلفی، راهکارهای تأیید شده مجدداً در اختیار خبرگان قرار گرفت، تا براساس طیف ۵ درجه‌ای لیکرت نسبت به امتیازدهی به راهکارهای نهایی اقدام کنند. با تحلیل داده‌های حاصل از پرسش‌نامه، اولویت‌بندی راهکارهای افزایش رضایت شغلی کارکنان ارتش حاصل و در جدول (۵) ارائه شده است.

جدول (۵): ارزیابی و اولویت‌بندی کلی راهکارهای ارتقای رضایت شغلی کارکنان آجا

اولویت	امتیاز	میانگین	تعداد	راهکارها
۱	۹۸	۴,۸۹	۲۰	حقوق و مزایا
۲	۹۷	۴,۸۶	۲۰	سبک رهبری اخلاقی فرماندهان و مسئولان
۳	۹۷	۴,۸۳	۲۰	جو سازمانی مطلوب
۴	۹۶	۴,۷۵	۲۰	ارتقای وضعیت معیشت
۵	۹۵	۴,۷۳	۲۰	طراحی نظام پاداش‌دهی
۶	۹۳	۴,۶۹	۲۰	عدالت سازمانی
۷	۹۲	۴,۶۷	۲۰	روحیه کارگروهی
۸	۹۰	۴,۶۳	۲۰	حمایت و احترام سلسله‌مراتب نسبت به کارکنان
۹	۸۸	۴,۵۹	۲۰	فرصت‌های برابر شغلی
۱۰	۸۷	۴,۵۲	۲۰	شایسته‌سالاری
۱۱	۸۶	۴,۵۰	۲۰	اعتماد سازمانی
۱۲	۸۵	۴,۴۸	۲۰	هوش هیجانی کارکنان
۱۳	۸۴	۴,۴۷	۲۰	توسعه امکانات تفریحی و ورزشی
۱۴	۸۲	۴,۴۱	۲۰	افزایش تاب‌آوری کارکنان
۱۵	۸۰	۴,۳۸	۲۰	گردش مشاغل
۱۶	۷۹	۴,۳۲	۲۰	رفتار شهروندی سازمانی
۱۷	۷۷	۴,۳۱	۲۰	مطلوبیت محیط کار
۱۸	۷۶	۴,۲۸	۲۰	تعلق سازمانی و حمیت قسمتی
۱۹	۷۵	۴,۲۶	۲۰	تفویض اختیار
۲۰	۷۳	۴,۲۲	۲۰	اعتماد به نفس کارکنان
۲۱	۷۱	۴,۱۸	۲۰	تصمیم‌گیری مشارکتی
۲۲	۷۰	۴,۱۵	۲۰	کمک و دستگیری نسبت به هم
۲۳	۶۹	۴,۱۴	۲۰	تعهد سازمانی
۲۴	۶۷	۴,۰۹	۲۰	تخصص محوری
۲۵	۶۵	۴,۰۱	۲۰	مدیریت دانش
۲۶	۶۲	۳,۸۷	۲۰	احترام متقابل

۲۷	۶۱	۳,۸۴	۲۰	قانونمندی کارکنان
۲۸	۵۹	۳,۷۸	۲۰	جذابیت شغلی
۲۹	۵۷	۳,۷۶	۲۰	ارتقای انگیزه کاری
۳۰	۵۶	۳,۷۲	۲۰	مدیریت استعدادها
۳۱	۵۵	۳,۶۴	۲۰	امنیت شغلی
۳۲	۵۳	۳,۵۴	۲۰	توسعه و توانمندسازی کارکنان
۳۳	۵۲	۳,۵۲	۲۰	قدردانی از کارکنان
۳۴	۵۱	۳,۴۸	۲۰	مدیریت اثربخش مسئولان
۳۵	۵۰	۳,۳۹	۲۰	از خودگذشتگی
۳۶	۵۰	۳,۲۰	۲۰	طراحی نظام ارزیابی عملکرد
۳۷	۴۹	۳,۱۵	۲۰	مدیریت استرس کارکنان
۳۸	۴۹	۳,۰۰	۲۰	استقلال کارکنان
۳۹	۴۸	۲,۹۷	۲۰	محیط کار منعطف
۴۰	۴۸	۲,۹۱	۲۰	تقسیم کار کارشناسی
۴۱	۴۷	۲,۸۸	۲۰	متناسب‌سازی حجم کار
۴۲	۴۶	۲,۷۵	۲۰	تفکر خلاق کارکنان
۴۳	۴۶	۲,۷۱	۲۰	انعطاف‌پذیری کارکنان
۴۴	۴۵	۲,۶۳	۲۰	مسئولیت‌پذیری کارکنان
۴۵	۴۵	۲,۶۰	۲۰	وجدان کاری
۴۶	۴۴	۲,۵۵	۲۰	انتقال تجربه
۴۷	۴۴	۲,۵۱	۲۰	آشنایی با اهداف سازمانی

بحث و نتیجه‌گیری

که بیشترین اثرگذاری بر افزایش رضایت شغلی کارکنان ارتش را دارند به شرح زیر است: «افزایش حقوق و مزایا، جو سازمانی مطلوب، سبک رهبری فرماندهان و مسئولان، وضعیت معیشت، طراحی نظام پاداش‌دهی، عدالت سازمانی، روحیه کارگروهی، حمایت و احترام سلسله‌مراتب نسبت به کارکنان، فرصت‌های برابر شغلی، شایسته‌سالاری، اعتماد سازمانی، هوش هیجانی کارکنان، توسعه امکانات تفریحی و ورزشی، افزایش تاب‌آوری کارکنان، گردش مشاغل، رفتار شهروندی

هدف اصلی این پژوهش، تلاش برای کمک به مسئولان و متولیان ارتش برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در حوزه رضایت شغلی کارکنان با شناسایی و اولویت‌بندی راهکارهای افزایش آن بوده است. براساس دیدگاه خبرگان و نتایج نهایی حاصل از تجزیه و تحلیل داده‌ها، این پژوهش پاسخ مناسبی به مسئله اصلی تحقیق یعنی نامشخص بودن راهکارهای ارتقای رضایت شغلی کارکنان ارتش و اولویت‌بندی آن داده است. راهکارهایی

اولویت‌های بالایی را کسب کرده‌اند. با نگرش به نتایج حاصل از این پژوهش، پیشنهادها زیر ارائه می‌شود:

۱) با بهره‌گیری از نتایج این تحقیق و سایر تحقیقات موجود در حوزه رضایت شغلی در آجا، پیشنهاد می‌شود: طراحی وضعیت مطلوب رضایت شغلی کارکنان آجا در دستور کار قرار گیرد و سپس سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی جامع و کارشناسی برای وصول به وضعیت مطلوب انجام شود.

۲) فرهنگ‌سازی و آگاه‌سازی مناسب در آجا در خصوص مفهوم رضایت شغلی کارکنان، اهمیت و ضرورت آن، نقش آن در ارتقای بهره‌وری و اجرای مطلوب مأموریت ارتش و... روش‌های مناسبی برای کمک به ارتقای رضایت شغلی در ارتش خواهد بود.

۳) مستند به نتایج وضعیت‌سنجی در تحقیقات پیشین و دیدگاه خبرگان این پژوهش، از چالش‌های عمده سازمان‌های امروزی در کشور، افت رضایت شغلی کارکنان در سال‌های اخیر است، پیشنهاد می‌شود یکی از معاونت نیروی انسانی متولی حفظ و ارتقای رضایت شغلی کارکنان در آجا شود و در این مسیر از ظرفیت مراکز مطالعاتی ارتش، دانشگاهیان، استادان، پژوهشگران و دانشجویان استفاده کند.

۴) افزایش میزان حقوق و مزایای کارکنان در کنار ارتقای کیفیت و سبک رهبری اخلاقی فرماندهان و مسئولان ارتش، مهم‌ترین راهکارهای تأثیرگذار بر افزایش رضایت شغلی کارکنان ارتش است. پیشنهاد می‌شود: در تحقیقات آتی، با برگزاری جلسات هیئت‌های اندیشه‌ورزی و بهره‌گیری از ظرفیت خبرگان ارتش، راهکارهای افزایش وضعیت موجود طراحی و عملیاتی شود.

۵) به دلیل ساختار سلسله‌مراتبی خاص ارتش، فرماندهان نقش ویژه و تأثیرگذاری برای ایجاد تحول در ارتش دارند. پیشنهاد می‌شود: برای افزایش رضایت شغلی کارکنان ارتش از ظرفیت فرماندهان و مسئولان به‌خوبی استفاده شود.

۶) نتایج این پژوهش در اختیار مراکز مطالعاتی و علمی آجا قرار گرفته، تا مبنایی برای استفاده پژوهشگران و علاقه‌مندان در تحقیقات آتی باشد.

سازمانی، مطلوبیت محیط کار، تعلق سازمانی و حمیت قسمتی، تفویض اختیار، اعتماد به نفس کارکنان، تصمیم‌گیری مشارکتی، کمک و دستگیری نسبت به هم، تعهد سازمانی، تخصص‌محوری، مدیریت دانش، احترام متقابل، قانونمندی کارکنان، جذابیت شغلی، ارتقای انگیزه کاری، مدیریت استعدادها، امنیت شغلی، توسعه و توانمندسازی کارکنان، قدردانی از کارکنان، مدیریت اثربخش مسئولان، از خودگذشتگی، طراحی نظام ارزیابی عملکرد، مدیریت استرس کارکنان، استقلال کارکنان، محیط کار منعطف، تقسیم‌کار کارشناسی، متناسب‌سازی حجم کار، تفکر خلاق کارکنان، انعطاف‌پذیری کارکنان، مسئولیت‌پذیری کارکنان، وجدان کاری، انتقال تجربه، آشنایی با اهداف سازمانی».

با بررسی نتایج پژوهش‌های قبلی اشاره شده در بخش پیشینه تحقیق، که به ارائه راه‌حل‌ها یا راهکارهای ارتقای رضایت شغلی کارکنان در سازمان‌های مختلف پرداخته‌اند و مقایسه آن با نتایج حاصل آمده از این پژوهش، موارد زیر قابل ذکر است:

الف: تعداد راهکارهای تأیید شده توسط خبرگان که از روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده بود، بیانگر این است که میان راهکارهای استخراج شده در این پژوهش و پژوهش‌های قبلی اشتراک‌هایی وجود دارد.

ب: به دلیل استفاده از خبرگان داخلی ارتش که ضمن دارا بودن سنوات و تجربه کافی، دارای شناخت مناسبی از ساختار و فرهنگ سازمانی ارتش بوده‌اند، بخشی از راهکارهای تأیید شده در این پژوهش مانند ارتقای وضعیت معیشت کارکنان، حمایت و احترام سلسله‌مراتب نسبت به کارکنان، کیفیت و سبک رهبری اخلاقی فرماندهان و مسئولین و... جنبه بومی داشته و متناسب با فرهنگ سازمانی ارتش پیشنهاد شده است و در پژوهش‌های گذشته وجود ندارد.

ج: در این تحقیق پس از شناسایی و تأیید راهکارها به اولویت‌بندی آنها نیز پرداخته شده که در تحقیقات گذشته انجام نشده است.

د: به دلیل ساختار و جایگاه ویژه سلسله‌مراتب در ارتش و نقش خاص و تأثیرگذار آنان، راهکارهایی که به نوعی مرتبط با نقش فرماندهان و مسئولان در ارتش است،

۷) سطح رضایت شغلی کارکنان، جز شاخص‌های ارزیابی فرماندهان و مسئولان ارتش منظور شود. از محدودیت‌های این پژوهش، تأخیر تعدادی از خبرگان برای تکمیل پرسش‌نامه و دقت ناکافی تعداد دیگر بود که نهایتاً نفرت جایگزین شدند.

منابع فارسی:

- ابراهیمی بلانی، مهدی؛ شهبازمرادی، سعید و کروی، زهرا، (۱۳۹۵)، سنجش میزان رضایت شغلی کارکنان شرکت ملی نفت ایران، مجله مطالعات راهبردی در صنعت نفت و انرژی (مدیریت منابع انسانی در صنعت نفت)، دوره ۸، شماره ۲۹.

- ابراهیمی، شادی (۱۳۹۹)، بررسی رابطه رضایت شغلی با عملکرد کارکنان (مطالعه موردی: کارکنان دانشگاه علم و فرهنگ)، پایان‌نامه، دانشگاه علم و فرهنگ.

- برادری، ابراهیم، صیدی، فرزاد، مجدی، محمد. (۱۳۹۵) کتاب رضایت شغلی؛ اصول و مبانی، رشت: نشر کدیور.

- پریزاده، علی (۱۳۹۵)، عوامل مؤثر بر رضایت شغلی کارکنان شبکه بهداشت و درمان شمیرانات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز. - تقریبی، زهرا؛ شریفی، خدیجه؛ خسروجردی، زهرا و سوکی، زهرا. (۱۴۰۰) رضایت شغلی پرستاران و عوامل مرتبط. دو ماهنامه فیض.

- حسینی گل‌افشانی، سیدمهدی و شیخ‌ویسی، یاسر (۱۴۰۱)، عوامل مؤثر بر رضایت‌مندی کارکنان وظیفه‌از آجا حین خدمت سربازی، فصلنامه آموزش علوم دریایی، دوره ۹، شماره ۱.

- حسینی گل‌افشانی، سیدمهدی؛ ذبیحی، رضا و اسکینی، حسین (۱۴۰۲)، چرخه مطلوب مدیریت دانش در ارتش جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آموزش علوم دریایی، دوره ۱۰، شماره ۲.

- حسینی گل‌افشانی، سیدمهدی، رازانی؛ امین و محمدی فاتح، اصغر (۱۴۰۰)، الگوی بومی سرمایه اجتماعی در ارتش جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی، دوره ۱۹، شماره ۴.

- رایبیز، استیفن و تیموتی، ای‌جاج؛ رفتار سازمانی، ترجمه: زارع، مهدی (۱۴۰۱)، چاپ ششم، تهران:

انتشارات نص.

- زارع، مهدی (۱۳۹۳)، کتاب رفتار سازمانی (جلد اول)، نوشته رایبیز استیفن پی و تیموتی اب، جاج، تهران: انتشارات نص.

- شعبانی، احمد؛ فاضلی، سمانه؛ رجایی‌پور، سعید و کشوری، مریم (۱۴۰۱)، سنجش رضایت شغلی کتابداران در دوران دورکاری کووید ۱۹، مطالعات کتابداری و سازماندهی اطلاعات، شماره ۳۳، دوره ۳.

- شکر، عادل؛ دانا، تورج؛ حمصی، امیرهومن و توتونچیان، سولماز (۱۴۰۲)، بررسی ارتباط بین استرس-شغلی و رضایت شغلی در اعضای هیئت علمی دانشگاه (مطالعه موردی یک دانشگاه در تهران)، نشریه مدیریت نوآوری و راهبردهای عملیاتی، دوره ۴، شماره ۱.

- ضابط، محمد (۱۳۹۷)، بررسی عوامل مؤثر بر رضایت شغلی کارکنان مدیریت امور تدارکات و مهندسی بانک تجارت، پایان‌نامه، دانشگاه پیام نور غرب تهران.

- طباطبائی کوبایی، ابوالفضل (۱۴۰۱)، تأثیر مؤلفه‌های ساختار سازمانی بر رضایت شغلی کارکنان در محیط‌های فرهنگی (مطالعه موردی: مؤسسه رزمندگان و دبستان پسرانه معراج اندیشه)، فصلنامه ایده‌های نوین روان‌شناسی، دوره ۱۲، شماره ۱۶.

- عرب سعیدی، صالح (۱۳۹۸)، بررسی میزان رضایت شغلی کارکنان سازمان صداوسیما و ارائه راهکارهای بهبود آن از نظر کارکنان، پایان‌نامه، دانشگاه صداوسیما.

- غلامی، الهام (۱۳۹۹)، تأثیر رضایت شغلی بر عملکرد سازمانی، فصلنامه رهیافتی در مدیریت بازرگانی، دوره ۱، شماره ۳.

- مهربان، فردین؛ همتی، حسین؛ عشوری، آسیه؛ طاهری، ماهدخت؛ کاشی، سمانه و عظیمی، خدیجه (۱۳۹۹)، رضایت شغلی اعضای هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان، مجله پژوهش در آموزش علوم پزشکی، دوره ۱۲، شماره ۴.

منابع انگلیسی:

- Cheng, Shao And Kao, Huan (2022). The impact of the COVID19- pandemic on job satisfaction: A mediated

moderation model using job stress and organizational resilience in the hotel industry of Taiwan, journal Heliyon,3)8).

-Karen M, Teresa S (2018). Evaluating Association Degree Nursing Faculty Job Satisfaction. Teaching and Learning in Nursing 1)13).

-Lam, R, Lugosi, P (2022). The impacts of cultural intelligence and emotional labor on the job satisfaction of luxury hotel employees. International Journal of Hospitality Management, 5)11).

-malinen, Savolainen (2016). The effect of perceived school climate and teacher efficacy in behavior management on job satisfaction and burnout: A longitudinal study. 4)6).

-Silva, Romita (2019); Factors affecting job satisfaction of permanent officers of Sri Lanka Military Academy. Digital Research Repository University of Vavuniya.

آینده پژوهی تهدیدات کلان اجتماعی- فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در افق ۵ ساله (۱۴۰۸-۱۴۰۳)

ایوب نیکونهاد^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷

چکیده

یکی از گونه‌های تهدیدات نظام‌های سیاسی که می‌تواند در میان مدت و بلندمدت امنیت ملی کشورها را با چالش‌های جدی مواجهه کند، تهدیدهای اجتماعی- فرهنگی است. این نوع از تهدیدها با توجه به نوع و مؤلفه‌های سنجش آنها، در شمار تهدیدهایی هستند که بی‌توجهی به آنها در میان مدت می‌تواند تأثیرات غافلگیرکننده و مخربی در بلندمدت بر امنیت اجتماعی و حتی امنیت ملی کشورها بر جای بگذارد. این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست که تهدیدهای کلان اجتماعی- فرهنگی پیشروی جمهوری اسلامی ایران در افق پنج‌ساله کدام است؟ براساس معیارهای سنجش وقوع تهدیدها، احتمال وقوع آنها در افق پیش‌رو چگونه است؟ چه اقدام‌هایی در مواجهه با این تهدیدها لازم است در دستور کار قرار گیرد؟ رویکرد پژوهش آمیخته از نوع اکتشافی بوده و برای جمع‌آوری اطلاعات از دو

روش پیمایش محیطی متون (کتاب، مقاله‌ها، گزارش‌ها و...) و پرسش‌نامه خبرگانی استفاده شده است. جامعه آماری آن ۱۰ تن خبرگان علمی و دانشگاهی است که با تهیه پرسش‌نامه خبرگانی نظرات آنها اخذ شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که علاوه بر تهدیدهای رایج و متعارف متنوع فرهنگی و اجتماعی، ۹ تهدید کلان و اولویت‌دار، کاهش سرمایه اجتماعی، فساد اقتصادی و اجتماعی، تضعیف هویت ملی، چالش‌های قومی و مذهبی، شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی، کاهش سطح توسعه انسانی، تغییر سبک زندگی، افزایش آسیب‌های اجتماعی و جنگ شناختی- ادراکی، مهم‌ترین تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران در افق پنج‌ساله به‌شمار می‌روند. در صورت تداوم وضعیت موجود تهدیدها، تشدید آنها و عدم اصلاح سیاست‌ها و راهبردها، در هنگام وقوع ناآرامی‌های اجتماعی و وقوع بحران‌های شناختی اجتماعی، مدیریت بحران‌ها به مسئله‌ای دشوار تبدیل خواهد شد.

کلیدواژه: تهدیدهای کلان اجتماعی- فرهنگی، جمهوری اسلامی ایران، امنیت اجتماعی، آینده پژوهی.

۱- دکتری علوم سیاسی، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه پدافند هوایی خاتم الانبیاء (ص) آجا anikunahad@gmail.com

Title: Future study of the major socio-cultural threats to the Islamic Republic of Iran over a 5-year horizon (1408-1403).

Abstract: One of the types of threats to political systems that can pose serious challenges to the national security of countries in the medium and long term is socio-cultural threats. Considering the type and components of their assessment, these types of threats are among the threats that ignoring them in the medium term can have surprising and destructive effects on social security and even national security of countries in the long term. This research seeks to answer these questions: What are the major socio-cultural threats to the progress of the Islamic Republic of Iran in the five-year horizon? Based on the criteria for assessing the occurrence of threats, what is the probability of their occurrence in the future? What actions need to be taken to deal with these threats? The mixed research approach is exploratory and two methods of environmental survey of texts (books, articles, reports, etc.) and expert questionnaires have been used to collect information. The statistical population is 10 scientific and academic experts whose opinions were obtained by preparing an expert questionnaire. The research findings show that in addition to the common and conventional threats of various cultural and social, 9 major and priority threats, reduction of social capital, economic and social corruption, weakening of national identity, ethnic and religious challenges, social and economic gaps, reduction of human development level, change in lifestyle, increase in social harms and cognitive-perceptual war, are considered the most important threats to the Islamic Republic of Iran in the five-year horizon. If the current state of threats continues, their intensification and failure to reform policies and strategies, when social unrest and social cognitive crises occur, crisis management will become a difficult issue.

Key words: Macro-socio-cultural threats, Islamic Republic of Iran, social security, futures studies.

مقدمه

روندها و رویدادهای اجتماعی-فرهنگی در سطح کلان جهانی (کلان‌روندها) بیانگر آن است که در طی دهه‌های اخیر محیط‌های اجتماعی در سطح جهانی دچار تغییرات بنیادین بسیاری شده است. بسیاری از این تغییرات با وجود فرصت‌های بی‌نظیری که برای جوامع به وجود آورده، اما دربرگیرنده تهدیدهای جدی نیز بوده است. در جوامعی که در حال گذر از جوامع سنتی به جوامع مدرن هستند، سطح تهدیدهای تغییر محیط‌های اجتماعی به مراتب بیشتر از فرصت‌هاست و در صورت عدم شناخت صحیح این تغییرات و تهدیدها می‌تواند هم جامعه را در وضعیت شکنندگی و ازهم‌گسیختگی قرار دهد و هم می‌تواند نظام‌های سیاسی را با خطر جدی مواجه سازد. با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش پیش‌رو در نظر دارد تا پس از شناسایی تهدیدهای اجتماعی-فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در افق ۵ ساله، به تحلیل و سنجش آنها بپردازد.

پیشینه پژوهش

شهباز و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله پژوهشی تحت عنوان «مدل‌سازی تهدیدات امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد ساختاری-تفسیری» باهدف فهم دقیق از وضعیت اجتماعی در کشور و تهدیدهای موجود آن براساس روش ساختاری-تفسیری به بررسی مسئله پرداخته و سه تهدید ضعف ساختاری نهادهای اجرایی و قضایی، کاهش سطح احساس رفاه و رضایتمندی از زندگی و کاهش نقش خانواده در تربیت فرزندان را مهم‌ترین تهدیدها در این حوزه دانسته‌اند. مطلبی (۱۳۹۹) در مقاله پژوهشی تحت عنوان «آینده‌پژوهی امنیت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران» با بهره‌گیری از روش کمی-کیفی مسائلی نظیر بیکاری و فقر اقتصادی، بی‌اعتمادی، هویت‌خواهی، تبعیض، مسائل زنان و... را که به تضعیف امنیت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران شده است، شناسایی کرده است. ذاکر اصفهانی و صادقی (۱۳۸۷) در مقاله پژوهشی تحت عنوان «رویکرد اجتماعی به امنیت و تأثیر آن بر امنیت ملی ایران: تهدیدات و راهکارها» براساس دیدگاه‌های امنیت اجتماعی «کارل دوپچ» و امنیت ملی «باری بوزان» بر این باورند که تهدیدهایی نظیر جنگ نرم، جهانی‌شدن، حقوق بشر، تهدیدات اقتصادی و... در

امنیت اجتماعی یکی از ارکان اصلی و اساسی شکل‌دهنده به امنیت ملی در جوامع توسعه‌یافته یا در حال توسعه به‌شمار می‌رود. از سوی دیگر انجام کارویژه‌های اصلی نظام‌های سیاسی همانند برقراری ثبات سیاسی در داخل، تأمین منافع ملی کشور در مواجهه با محیط پرچالش خارجی، بسط رفاه و عدالت اجتماعی، تأمین حقوق و آزادی‌های شهروندان، تأمین نظم و بقای جوامع و... بستگی به وجود تأمین امنیت اجتماعی در آن جوامع دارد و در صورتی که امنیت اجتماعی جامعه با خطراتی مواجه شود، نظام سیاسی هم در انجام کارویژه‌های خود ضعیف یا ناتوان خواهد بود. در واقع پیش‌نیاز دستیابی نظام‌های سیاسی به اهداف و چشم‌اندازهای توسعه‌ای که مدنظر دارند، وجود شرایط با ثبات اجتماعی در داخل است و بحران اجتماعی برخاسته از تهدیدهای اجتماعی مانع اصلی کارآمدی نظام‌های سیاسی و دولت‌ها خواهد شد، چرا که تهدیدهای اجتماعی عموماً انسجام، ثبات و ماهیت هنجاری جوامع را تضعیف می‌کنند و علاوه بر آنکه خود منشأ بحران هستند، در صورت مواجهه شدن نظام سیاسی با بحران، بار اضافی را نیز بر آن تحمیل خواهند کرد و چه بسا با تعمیق تهدیدهای اجتماعی، مهار بحران شکل گرفته به یک مسئله غیرقابل کنترل تبدیل شود. به همین جهت پیوند و ارتباط نزدیکی میان امنیت دولت و جامعه وجود دارد. از سوی دیگر با پیچیدگی‌های محیط و سیستم‌های پیچیده اجتماعی که امروزه با آنها سروکار داریم، سبک و سیاق تهدیدها نیز کاملاً تغییر کرده است. در نسل پنجم جنگ‌ها که عموماً از آنها به جنگ‌های ادراکی-اطلاعاتی یا جنگ شناختی تعبیر می‌شود، تهدیدسازی اجتماعی، برجسته‌سازی آنها و بهره‌برداری به‌هنگام از آنها برای عامل تهدیدکننده اهمیت فراوانی دارد. از آنجایی که هدف جنگ شناختی در مرحله اول فروپاشی شیرازه‌های اجتماعی و ایجاد شکاف بین دولت و جامعه و حتی تعمیق آن است بنابراین تهدیدهای اجتماعی در پیشبرد این نسل از جنگ‌ها، حرف اول و آخر می‌زند. هرچه تهدیدهای اجتماعی در یک جامعه بیشتر و متنوع‌تر باشد، ابزارهای جنگ شناختی برای طرف مهاجم بیشتر مهیا می‌شود.

صاحب‌نظران، متخصصان و کارشناسان خبره سیاسی اخذ و پس از حصول روایی و پایایی قابل قبول در بخش کمی و اطمینان از مقبولیت، انتقال‌پذیری و اعتبارپذیری در بخش کیفی، نتایج مورد بهره‌برداری واقع شدند. برای تحلیل داده‌های گردآوری‌شده به‌وسیله پرسش‌نامه و متناسب با هر موضوع، از روش‌های آمار توصیفی استفاده شد. برای تحلیل مصاحبه‌ها و سؤال‌های باز، پرسش‌نامه‌ها نیز از روش تحلیل محتوای سیستماتیک استفاده شده و پایایی پرسش‌نامه‌ها با کمک ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد. جامعه آماری این پژوهش شامل کارشناسان، محققان و نخبگان علمی و دانشگاهی کشور به‌صورت هدفمند ساده در دسترس با حداقل ۱۰ سال سابقه خدمت، ۴۰ سال سن و مدارک تحصیلی دکتری تخصصی است که به‌طور هدفمند از میان افراد واجد صلاحیت انتخاب شده‌اند.

چارچوب مفهومی

← امنیت اجتماعی

فرهنگ و ارزش‌های مشترک از عوامل پایداری و استحکام کشورها به‌شمار می‌روند. غالب حکومت‌ها در کنار سایر عوامل، حفظ و گسترش ارزش‌های مورد نظر خود را جزو اهداف و منافع ملی خویش می‌دانند؛ لذا عواملی که منجر به تضعیف یا از بین بردن فرهنگ و ارزش‌های مشترک می‌شوند، جزو تهدیدهای آنان تلقی می‌شوند. به اعتقاد بوزان و همکاران، «در چارچوب تحلیل امنیت بین‌الملل، عنصر کلیدی جامعه، همان اندیشه‌ها و رویه‌هایی است که به افراد به‌عنوان یک عضو از یک گروه اجتماعی هویت می‌بخشد.» (بوزان و دیگران ۱۳۸۶: ۱۸۴). بنابراین یکی از اشکال چهارگانه امنیت را می‌توان امنیت اجتماعی به‌شمار آورد. امنیت اجتماعی، ناظر به روابط دوسویه دولت و جامعه و به تعبیر بهتر مناسبات «قدرت-مردم» و «مردم-مردم» است و روابط بین افراد، نهادهای مدنی و بوروکراسی دولتی به‌همراه طیف متنوعی از موضوع‌ها را شامل می‌شود. در مباحث مربوط به امنیت داخلی، واحد تحلیل دولت و در مباحث مربوط به امنیت اجتماعی، واحد تحلیل جامعه است. از این منظر امنیت اجتماعی دربرگیرنده مجموعه سیاست‌ها و راهکارهایی است که هدف از آنها، ایجاد نظم

دسته تهدیدهای حائز اهمیت جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد. احتشامی و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله پژوهشی تحت عنوان «تهدیدات آینده امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران» به بحث و بررسی درخصوص پیش‌بینی تهدیدهای آینده امنیت داخلی با بهره‌گیری از روش ترکیبی کمی و کیفی پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که در ۱۲ حوزه (فضای مجازی، رسانه، دانش و فناوری، فرهنگی-اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، زیست‌محیطی، اطلاعاتی-امنیتی، حقوقی، معنوی، جمعیتی و سازمانی)، ۳۹ کلان‌روند وجود دارد که می‌تواند ۱۴۰ تهدید در حوزه امنیت داخلی تولید کند. نوذری (۱۳۸۴) در مقاله پژوهشی تحت‌عنوان «بحران‌ها و تهدیدهای اجتماعی (تحلیلی پارادایمی در خصوص رویکردها، برداشتها و نظریه‌های جدید پیرامون مفهوم بحران)» به بررسی مطالعات نظری در این حوزه پرداخته و به ریشه‌شناسی و مفهوم‌شناسی بحران، دسته‌بندی انواع آن در سطح کلان، سطوح خرد بحران اجتماعی، رویکردها و برداشتهای جامعه فرهنگی و تاریخی از بحران و در نهایت آسیب‌شناسی بحران مبادرت کرده است. وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های دیگر این است که اولاً براساس دیدگاه خبرگانی، به شناسایی تهدیدات اجتماعی-فرهنگی جمهوری اسلامی ایران پرداخته، در مرحله بعد به سنجش احتمال وقوع آنها اقدام کرده و نهایتاً به بررسی این تهدیدها در افق پنج‌ساله دست‌زده است.

روش‌شناسی پژوهش:

درخصوص روش‌شناسی حاکم بر این پژوهش می‌توان گفت که این پژوهش از نوع آینده‌پژوهی با رویکرد اکتشافی (از نوع آمیخته) است و از دو ابزار روشی پیمایش محیطی (کتاب، مقالات، گزارش‌های معتبر علمی و...) و مصاحبه خبرگانی بهره گرفته است. در بخش کیفی پیمایش محیطی متون، ادبیات از طریق جست‌وجوی کتابخانه‌ای تخصصی، اینترنتی (سایت‌های معتبر علمی) و گزارش‌های مراکز علمی و تحقیقاتی داخلی و خارجی به‌دست آمده است. در بخش کمی پژوهش نیز به جهت سنجش شاخص‌های شدت تهدیدها و میزان احتمال وقوع آنها پس از به‌دست آوردن مؤلفه‌ها، با استفاده از پرسش‌نامه محقق ساخته، آرای

اجتماعی و فرهنگی کارآمد، دستیابی به سطح مطلوب از استانداردهای زندگی، ایجاد زمینه‌های لازم برای برخورداری از احساس امنیت و آرامش اجتماعی و روانی در بین شهروندان و ... اشاره کرد (احمدی، ۱۳۸۶: ۲۰).

← الگوی سنجش تهدیدات:

مفهوم تهدید در نگرش سیستمی، عدم تعادل در سیستم بیان شده است؛ یعنی عاملی که اجازه نمی‌دهد سیستم به اهداف خود برسد (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۲: ۸۴). پاره‌ای از متون سیاسی-امنیتی، تهدید را به معنای «توانایی‌ها، نیات و اقدام‌های دشمنان بالفعل و بالقوه برای ممانعت از دستیابی موفقیت‌آمیز خودی به علائق و مقاصد امنیتی یا مداخله به‌نحوی که نیل به علائق و مقاصد به خطر افتد، تعریف کرده‌اند». در تجزیه تحلیل عوامل تهدید، ضرورت دارد به انگیزه تهدید، زمینه تهدید، هدف تهدید، نوع تهدید، منطقه تهدید، ابزارهای تهدید، مکانیسم تهدید، زمان تهدید، احتمال وقوع تهدید، احتمال موفقیت تهدید، اراده تهدید، تحمل تهدید و مدیریت تهدید توجه شود تا با برنامه‌ریزی مناسب بتوان تهدید را به فرصت تبدیل کرد. «بوزان» عوامل مؤثر در جدی بودن تهدید را شامل موارد ذیل می‌داند:

* مشخص بودن هویت تهدید

* قریب الوقوع بودن یا نزدیکی آن از لحاظ زمانی (فوریت تهدید)

* شدت احتمال وقوع تهدید

* اوضاع و شرایط تاریخی که باعث تقویت تهدید می‌شوند (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۷۰).

تهدیدها از نظر دامنه به سه دسته، تهدیدهای با دامنه اندک، متوسط و گسترده تقسیم می‌شوند. از نظر فوریت (نزدیکی و دوری تهدید از نظر زمانی و مکانی) نیز هر چه منبع تهدید به محیط تهدید شونده نزدیک‌تر باشد، تهدید شدیدتر درک می‌شود. به عبارت دیگر فوریت آن نسبت به سایر تهدیدها (که از نظر سایر شرایط یکسان هستند) بیش‌تر است. میزان نزدیکی، دوری و فوریت، به مکان و زمان تهدید ارتباط دارد. از جمله شاخص‌های ارزیابی شدت تهدیدها که متأثر از فضای جدید حاکم بر مناسبات بین‌المللی و جهانی شدن، تحولات چشم‌گیری را تجربه کرده، می‌توان به شاخص مکان اشاره کرد.

مطلوب در جامعه به‌منظور کنترل اجتماعی و مواجهه با رخدادهایی مختلفی است که می‌تواند آرامش و اطمینان خاطر در جامعه را به هم بزند (بلندیان، ۱۳۹۱: ۴۹-۴۷). در واقع امنیت اجتماعی را می‌توان حلقه واسط بین امنیت فردی و امنیت ملی یک کشور دانست که با وجود آن، توسعه پایدار در سطح جامعه و ثبات اجتماعی تقویت می‌شود. در یک تقسیم‌بندی، امنیت اجتماعی دارای دو وجه سلبی و ایجابی است. در رویکرد سلبی امنیت اجتماعی به معنای فقدان تهدید و برخوردهای سخت‌افزاری با تهدیدها تقلیل پیدا کرده اما در رویکرد ایجابی ارتقای امنیت اجتماعی از طریق افزایش میزان رضایت‌مندی و مشارکت ذینفعان و بازیگران در تولید امنیت مدنظر است (گروه مطالعات امنیت ملی، ۱۳۹۰: ۱۵۵). از سوی دیگر از دیدگاه صاحب‌نظران مطالعات امنیتی، مقوله امنیت اجتماعی دارای پنج مؤلفه هویتی، قانونی، اعتماد، علم و فناوری و زیست محیطی است. در مؤلفه هویتی، امنیت اجتماعی به معنای بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های یک جامعه در جهت نگهداشت الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت، عرف ملی و... (به معنای امنیت هویتی در مکتب کپنهاک) مدنظر است (پورسعید، ۱۳۹۲: ۱۲۰). در مؤلفه‌های قانونی، امنیت اجتماعی بر صیانت مردم و شبکه‌های مواصلاتی، رعایت حقوق شهروندی، مصون بودن عرصه خصوصی مردم از نظارت و مراقبت و تهدید دیگری، آزادی، احترام به سبک زندگی آنها و... تأکید می‌شود. در مؤلفه اعتماد، امنیت اجتماعی بر وجود سازوکارهای صحیح در جهت اعتمادآفرینی و به تبع همکاری افراد و جامعه در جهت افزایش سطح مشارکت، استحکام همبستگی اجتماعی و نظم اجتماعی تأکید می‌شود (ونت، ۱۳۸۵: ۴۲). در مؤلفه‌های علم و فناوری و محیط‌زیست، امنیت اجتماعی بر تحول‌پذیری و آسیب‌دیدگی جوامع و امنیت از طریق از بین بردن مرز بین حوزه عمومی و خصوصی، تشویق به همکاری‌های بین علوم، حفظ محیط زیست، امنیت سایبری و فضای مجازی، مصونیت در برابر تهدیدات نوظهور فناورانه و... تأکید می‌شود (گزارش سازمان ملل متحد، ۲۰۱۸: ۳). از جمله مصادیق امنیت اجتماعی می‌توان به وجود انسجام اجتماعی، اعمال سیاست‌های

از نظر منابع تهدید، تهدیدها را می‌توان به تهدیدهای خارجی و داخلی تقسیم کرد، اما باید یادآور شد که گاهی کشیدن مرز بین تهدیدهای خارجی و داخلی کار دشواری است. از نظر گونه‌شناسی تهدیدها، آنها را می‌توان به تهدیدهای سیاسی- حقوقی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی (اجتماعی شده) و فرهنگی، تهدیدهای زیست‌محیطی و فناورانه دسته‌بندی کرد. از نظر سطح نیز می‌توان آنها را به تهدیدهای فردی، گروهی، ملی، منطقه‌ای، بین‌المللی و جهانی دسته‌بندی کرد. از نظر جغرافیای تهدید می‌توان آنها را به تهدیدات داخلی و خارجی تقسیم کرد؛ و از نظر توازن و تعادل در تهدید نیز می‌توان تهدیدها را به متعادل و نامتعادل دسته‌بندی کرد. تهدیدها از نظر پیچیدگی به تهدیدهای بسیط یعنی تهدیدهایی که بر مبنای منطق واحدی تکوین و ظهور یافته‌اند و تهدیدهای مرکب قابل تقسیم بوده و از نظر جنس نیز به تهدید عینی و تهدید ذهنی قابل تقسیم هستند. گونه‌شناسی تهدیدها از نظر کانون تهدید، آنها را به دو دسته تهدید بازیرگان و تهدیدهای ساختاری تقسیم کرده و از نظر انگیزه به تهدیدهای عمدی و غیرعمدی تقسیم‌بندی شده‌اند. از نظر کارویژه نیز می‌توان تهدیدها را به تهدیدهای ایذایی یا واقعی و تهدید آزمایشی یا اصلی دسته‌بندی کرد. (مرادیان، ۱۳۹۷: ۹۳)

جدول ۱: الگوی کاربردی پژوهش: شاخص‌های سنجش

تراکم و گستره	خاص و متمرکز/ پراکنده
توان تهدید	قوی/ ضعیف عمیق/ زیاد/ کم
فوریت مکانی	نزدیک/ دور
فوریت زمانی	قریب/ بعید
دامنه تهدید	وسیع/ محدود
توان تهدید	قدرتمندی تهدیدگر/ قدرتمندی تهدیدشونده
عمق تهدید	منافع بنیادین/ منافع حیاتی/ منافع مهم/ منافع حاشیای
ابعاد تهدید	ابعاد شش‌گانه تهدید
احتمال وقوع	زیاد/ متوسط/ کم
ماهیت تهدید	نظامی- غیرنظامی/ به‌کلی سیاسی- کمتر سیاسی
دامنه و گستره تهدید	سطح ارزشی/ سطح عددی/ موضوع/ مسئله/ مشکل/ معضل/ خطر/ بحث/ بحران
شاخص‌های ارزیابی و مدیریت تهدید	ایذایی- واقعی/ آزمایشی- اصلی
کار ویژه	عمدی/ غیرعمدی
انگیزه	تهدید بازیرگان/ تهدیدات ساختاری
کانون تهدید:	عینی- ذهنی/ سخت- نرم
جنس تهدید	داخلی/ خارجی
جغرافیای تهدید	فردی/ گروهی/ ملی/ منطقه‌ای/ بین‌المللی/ جهانی
سطح تهدید	
معیار سنجش	

تحلیل داده:

۱- مهم ترین تهدیدات اجتماعی - فرهنگی

علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

شناخت تهدیدات اجتماعی - فرهنگی دربرگیرنده اطلاعاتی است در مورد جمعیت، اقلیت‌های قومی و مذهبی، زبان، آداب و رسوم، دین و مذهب، روحیه، طرز فکر، سازمان‌های اجتماعی، افشار مختلف جامعه، مطبوعات، بهداشت، انواع جرائم و میزان آن و به‌طور کلی تأثیر مسائل اجتماعی کشور در سیاست داخلی و خارجی آن کشور. در واقع اقتدار فرهنگی و اجتماعی، یکی از عناصر مهم راهبرد ملی است که به‌طور کلی با خصوصیات مثبت و منفی، غرایز، علائق، وحدت، وضع اجتماعی و روانی، مذهب، نژاد، ایدئولوژی، شرایط اقلیمی، روش‌های تعلیم و تربیت، پیشرفت‌های علمی و فنی، آداب و رسوم و وسایل ارتباط جمعی در یک کشور سروکار دارد. اقتدار فرهنگی و اجتماعی یک ملت ترکیبی است از: وحدت ملی، وضع اجتماعی و روانی مردم، اعتقادات مردم، ماهیت و فعالیت گروه‌های مختلف مردم و عوامل کمی جمعیت. بنیان خانواده، کاهش ارتباطات اجتماعی، سلامت اداری و... (مرادیان، ۱۳۹۷: ۲۵-۷۵). براساس دیدگاه‌های خبرگان شرکت‌کننده در این پژوهش مهم‌ترین تهدیدهای اجتماعی - فرهنگی که می‌تواند در افق پنج‌ساله امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر خود قرار دهد، به شرح زیر می‌توان برشمرد.

تغییر سبک زندگی:

در سه دهه اخیر (سال‌های پس از جنگ تحمیلی) جامعه ایرانی تحولات عمده‌ای در حوزه سبک زندگی را تجربه کرده است. در دهه اول انقلاب به تأسی از آرمان‌ها و ایدئولوژی انقلابی موجود، ارزش‌های اصیل اسلامی همانند ساده‌زیستی و قناعت‌پیشگی، ایثار، فداکاری، شهادت‌طلبی، نوع‌دوستی و... در جامعه ایرانی رواج پیدا کرده بود، اما در دهه‌های بعد به تدریج سبک زندگی جامعه ایرانی دچار تغییرات اساسی شد. از جمله تغییرات مشهود در سبک زندگی در جامعه ایرانی می‌توان به تغییر در سبک معماری منازل مسکونی و ساخت‌وسازها بدون توجه به پیوست‌های فرهنگی، تربیتی و بهداشتی، تغییر در خلیقات فردی افراد خانواده و گرایش افراطی به

فردگرایی، تغییر در ذائقه افراد خانواده جهت اختصاص زمانی برای گفت‌وگو و دورهمی، مشغول شدن بیشتر افراد به وسایل ارتباط جمعی شخصی شده مثل موبایل در میهمانی‌ها، اهمیت و اولویت یافتن تربیت رسانه‌ای فرزندان بر تربیت والدین در خانواده، تغییر نقش‌ها در خانواده و حضور گسترده زنان در عرصه دانشگاهی و بازار کار، تجردگرایی جوانان و افزایش میل به زندگی تجردی، میل شدید به مصرف‌گرایی در حوزه کالاهای لوکس و تجملی در قشر متوسط و پایین جامعه، رواج بیماری مدگرایی و تغییر سالیانه و حتی کمتر وسایل خانه همانند تلویزیون، فرش، یخچال، مبلمان و...، افزایش نارضایتی از زندگی با وجود افزایش کیفیت امکانات، تغییر ذائقه مردم در حوزه خوراک و مصرف بی‌رویه انواع فست‌فودها نظیر ساندویچ، پیتزا، سمبوسه و... افزایش تمایل به نگهداری حیوانات خانگی به جای فرزندآوری در میان اقشار مختلف و... اشاره کرد (شیرکرمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۵۳-۴۷). تغییر الگوی سبک زندگی در ایران موضوعی پیچیده است که تحت تأثیر عوامل متعددی قرار دارد و می‌تواند بر روابط میان مردم و نظام جمهوری اسلامی ایران تأثیر بگذارد. این تغییرات می‌توانند شامل تحولات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیکی باشند که به تدریج در جامعه رخ می‌دهند. بر این اساس، تغییرات در سبک زندگی می‌تواند ناشی از گسترش فرهنگ مصرف، رفاه نسبی، شهرنشینی، توسعه تکنولوژی و ارزش‌های همبسته با آن باشد. این تغییرات ممکن است به افزایش انتخاب و عاملیت فردی، توجه به زیبایی‌شناسی‌های جدید، توجه به سیاست تفاوت، ریسک‌پذیری‌های هویتی و پیوندزنی‌های جدید در نشانه‌ها، کالاها، ایده‌ها و معانی منجر شود (ذکایی، ۱۴۰۱: ۶۳-۵۸). توجه به اینکه تغییرات سبک زندگی می‌تواند بر ارزش‌ها و هنجارهای جامعه تأثیر بگذارد، ممکن است برخی از این تغییرات به دوری یا نزدیکی مردم به نظام جمهوری اسلامی ایران منجر شود. این امر می‌تواند به دلیل تفاوت‌های بین ارزش‌های سنتی و مدرن، تغییر در الگوهای مصرف و تعاملات اجتماعی باشد. با تغییرات سبک زندگی در ایران در دهه‌های اخیر به شکل قابل توجهی رخ داده است. به‌عنوان مثال تغییر در سبک زندگی ایرانیان و گرایش به سبک زندگی

تاریخی و تغییر حاکمیت‌ها عموماً ارجحیت بخشی و اولویت دادن به یک عنصر از عناصر شکل‌دهنده به هویت جامعه ایرانی دستخوش تغییراتی شده است، اما جدال‌های هویتی و تضادهای ناشی از قرائت‌های فکری مخالفان و موافقان همچنان پابرجا مانده و در مواردی بحران‌های اجتماعی و سیاسی را نیز تشدید کرده است. در حال حاضر هویت ایرانی به‌علت مواجهه شدن با فرایندهایی همچون جهانی‌شدن، ارتباطات گسترده جهانی در بستر اینترنت، رشد فزاینده شبکه‌های اجتماعی و موبایلی و... با چالش‌هایی روبرو شده و تصور و درک جدیدی از خود و دیگری در متن زندگی اجتماعی و فرهنگی ایرانیان سر برآورده است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۰: ۱۰) و به‌نوعی می‌توان گفت که تلاش برای پیوستن به یک هویت جهانی به‌معنای خودفهمی انسان ایرانی در چارچوب جهانی و شکل‌گیری احساس تعلق فرد به‌نظام جهانی و تعهد وی به مسائل جهانی در حال شکل‌گیری است. ضریب نفوذ و گسترش رسانه‌های نوین ارتباطی و کاربران اینترنتی در کنار افزایش بی‌شمار وب‌سایت‌ها، افزایش اجتماعات آنلاین (برخط) و مجازی و حجم وسیع مطالب و محتوای تولید شده که گاهی به مبانی هویتی جامعه ایرانی حمله‌ور می‌شوند، توانسته است بر کارایی سیاست‌های هویتی تأثیر بسزایی بر جای بگذارد و آن را با چالش‌های اساسی مواجه سازد؛ به‌طوری‌که دیگر نظام سیاسی قادر نیست همچون گذشته و دهه‌های اولیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در یک محیط همگون و امن، به ترویج و تحکیم هویت ملی مطلوب مدنظر خود که همانا تحول در ساختار هویتی با بهره‌گیری از عنصر دینی و مؤلفه‌های اسلامی است، بپردازد. روی‌هم‌رفته می‌توان گفت که مسئله جهانی‌شدن و ابزارهای آن همانند به‌کارگیری اینترنت از سوی اکثریت مردم و به‌خصوص جوانان، توانسته است بر روی احساس وفاداری و تعلق خاطر آنان نسبت به هویت ملی‌شان تأثیر منفی بگذارد و این مسئله در صورت عدم توجه به آن از سوی نظام سیاسی، می‌تواند به بروز بحران هویت ملی و تضعیف آن بیانجامد (عباس‌زاده مرزبالی، ۱۳۹۵: ۱۰۵-۹۱).

➔ - افزایش آسیب‌های اجتماعی جامعه ایرانی
آسیب‌های اجتماعی از جمله تهدیدات اجتماعی -

غربی در بخش‌هایی از جامعه سبب شده است تا در حوزه عفاف و حجاب تعارضات جدی بین جامعه و حاکمیت شکل بگیرد و در حال حاضر نیز مقوله بدپوششی و به تعبیر بهتر بی‌حجابی به یک چالش فرهنگی تبدیل شود؛ بنابراین تغییر در سبک زندگی مردم ایران می‌تواند به تعارض با نظام جمهوری اسلامی ایران منجر شود، زیرا هر دو در جهت‌گیری‌های فرهنگی و ارزشی متفاوتی قرار دارند. از یک‌سو، نظام جمهوری اسلامی بر پایه ارزش‌های اسلامی و اصول و مقررات دینی بنا نهاده شده است، در حالی‌که تغییرات سبک زندگی ممکن است تحت تأثیر فرهنگ‌های جهانی و مدرنیته باشد که با ارزش‌های سنتی و دینی ممکن است همخوانی نداشته باشند. این تعارضات می‌توانند به اشکال مختلفی بروز کنند، از جمله از طریق اعتراضات اجتماعی، تغییر در رفتارهای انتخاباتی یا افزایش تقاضا برای اصلاحات فرهنگی و سیاسی. در نهایت، تعارض بین سبک زندگی مردم و نظام حاکم می‌تواند بر پایداری و همبستگی اجتماعی تأثیر بگذارد و به چالش‌هایی برای حاکمیت منجر شود.

➔ - تضعیف هویت ملی در ایران

بر اساس ملاحظات جامعه‌شناختی می‌توان گفت که هویت ملی در جامعه ایرانی معاصر از سه پایگاه و آبشخور اصلی بهره‌مند است. اولین پایگاه و عنصر هویت‌ساز جامعه ایرانی، گرایش‌های باستان‌گرایانه و تعلقات شکل‌گرفته پیرامون نمادها و نظریه‌های ایرانشهری است که همچنان در بسیاری از نمادها و مناسک روزمره مردم در جامعه ایران رواج دارد. دومین عنصر هویت‌ساز در جامعه ایران معاصر را می‌توان عنصر اسلام‌گرایی قلمداد کرد که در طول چهارده قرن اخیر به بخش مهم و لاینفک هویت در جامعه ایران تبدیل شده است. بعد سوم عنصر هویت‌ساز در ایران معاصر، مسئله مدرنیته و یا به عبارت بهتر گرایش‌های غرب‌گرایانه‌ای است که از هنگام برخورد اولیه ایرانیان با فرهنگ غربی در طی جنگ‌های ایران و روس تاکنون در کنار لایه اول و در جدال با لایه دوم هویتی جامعه ایرانی پدیدار شده است (رجایی، ۱۳۸۶: ۹۸-۹۰). آنچه مسلم است این واقعیت انکارناشدنی است که هویت جامعه ایرانی، دارای عناصر متکثر و متنوعی است گرچه باوجود فراز و نشیب‌های

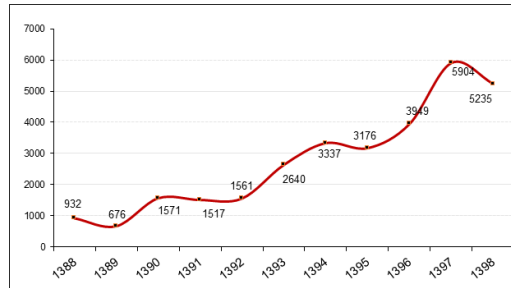
مجازات و اقدام‌های تأمینی درمانی برای مداوا و اشتغال به کار معتادان، شاهد افزایش جمعیت معتادان در ایران هستیم. گرچه هنوز آمار رسمی معتبری در خصوص میزان ابتلای به اعتیاد در ایران وجود ندارد، اما براساس گزارش مرکز آموزش و تحقیقات مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۹۹ تعداد دو میلیون و هشتصد هزار نفر معتاد رسمی در ایران وجود دارد و تخمین زده می‌شود که یک میلیون و چهارصد هزار نفر معتاد شناسایی نشده باشند (www.hamshahronline.ir/) (548191/news). براساس گزارش دبیر میز مقابله با اعتیاد شورای عالی انقلاب فرهنگی در سال ۱۴۰۲، میانگین سن اعتیاد در کشور ۲۴ سال بوده و نرخ شیوع اعتیاد در کشور در جمعیت فعال ۵ درصد، در میان دانش‌آموزان دو درصد و در جمعیت کارگری نیز ۲۲ درصد است. براساس این آمار، نرخ شیوع مصرف مواد در بین جوانان در دهه ۸۰ شمسی، یک درصد بوده که در دهه ۹۰ شمسی به ۴.۷ درصد رسیده است که در این بخش شاهد رشد ۶.۳ درصدی هستیم (farsnews.com/14020810000132/ir/news). در مجموع براساس تخمین‌های به‌عمل‌آمده، مواد مخدر سالانه قریب به ۲۰۰ هزار میلیارد به شکل هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم به اقتصاد کشور ضربه می‌زند و روزانه حدود ۵۰۰ میلیارد تومان در بخش درمان، بهداشت، مقابله و دیگر بخش‌ها به کشور خسارت وارد می‌کند. گذر از موادمخدر سنتی به صنعتی و همچنین افزایش تعداد زنان معتاد از ۵ به ۱۰ درصد که در نمودهایی از جمله کارتن‌خوابی و حتی گورخوابی نیز خود را نشان می‌دهد، در سال‌های اخیر به معضل مهم دیگری تبدیل شده و آمار روبه افزایش تولد کودکان معتاد و مبتلا به ویروس ایدز و هپاتیت و خریدوفروش آنها یکی از موضوع‌هایی است که توجه بسیاری را به خود جلب کرده است (<https://rasekhoon.net/article/1367419/show>). در کنار آسیب مربوط به مواد مخدر یکی دیگر از این آسیب‌های اجتماعی روند روبه‌رشد مصرف مشروبات الکلی در کشور و مسمومیت‌های ناشی از آن است. هرچند آمار مستندی در این رابطه هم وجود ندارد، اما مسمومیت‌هایی که در اثر مصرف مشروبات الکلی در استان‌های مختلف به‌وقوع

فرهنگی است که رواج و تشدید آن در میان‌مدت و بلندمدت می‌تواند امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را با خطر مواجهه سازد. از جمله آسیب‌های اجتماعی می‌توان به موارد زیر به‌صورت اختصار اشاره کرد. نخستین مسئله و یا آسیب در این حوزه به حوزه زنان و سیاست‌گذاری‌ها در این خصوص برمی‌گردد. به‌عنوان مثال بخش اعظم جمعیت زنان در حال حاضر (نزدیک به ۶۰ درصد) را زنان خانه‌دار تشکیل می‌دهد که بعد از ازدواج و تشکیل خانواده تمامی عمر خود را در خدمت نهاد خانواده سپری می‌کنند و انتظار است که با توجه به نقشی که در جامعه ایفا می‌کنند، تحت پوشش تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، از کارافتادگی قرار گیرند؛ اما رویکرد عمده حوزه‌های بیمه‌ای مبتنی بر بازار کار و اشتغال است و بر این مبنای حدود ۱۹ میلیون از زنانی که در خانه حضور دارند و به فعالیت‌های مربوط به خانه‌داری می‌پردازند. به‌عنوان جمعیت غیرفعال از لحاظ اقتصادی محسوب می‌شوند. لذا تحت پوشش حوزه تأمین اجتماعی قرار نمی‌گیرند؛ زیرا بر مبنای تعریف مرکز آمار ایران، خانه‌دار فردی است که شاغل، بی‌کار، جویای کار و محصل نبوده باشد. بسیاری از زنان خانه‌دار در کشور از نظر پوشش بیمه‌ای (به‌عنوان بیمه‌شده تبعی) تحت تکفل شوهر خود هستند و طبق قوانین مربوطه از خدمات و حمایت‌های درمانی و در صورت فوت شوهر از مستمری بازماندگان برخوردار خواهند شد. بررسی‌های آماری نشان می‌دهد که بیش از ۵۳ درصد زنان کشور متأهل بوده و دارای همسر هستند. گروهی دیگر از زنان سرپرست خانوار، زنان خودسرپرست، زنان بد سرپرست و زنان مطلقه هستند که براساس راهبرد حمایتی نظام تأمین اجتماعی کشور تحت پوشش کمیته امداد، سازمان بهزیستی و بنیاد شهید و امور ایثارگران قرار دارند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵).

دومین مسئله و آسیب اجتماعی برجسته جامعه ایرانی مسئله اعتیاد است، گرچه اعتیاد مشکلی جهانی است و در کشور ما میزان اعتیاد در اوایل دهه ۸۰ شمسی حدود ۴ درصد تخمین زده می‌شد که اکثریت آنها در سنین ۲۵ تا ۳۰ سال قرار داشتند (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۰۰)، اما با وجود لایحه قانونی تشدید

گسترش آن شاهد افزایش بزهکاری، جرم و جنایت، نامنی و... در جامعه بوده و در صورت نادیده گرفتن یا کم‌اهمیت شمردن آن، جامعه در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز دچار بحران خواهد شد. مسئله گسترش حاشیه‌نشینی که ارتباط مستقیمی با مسئله امنیت اجتماعی دارد، به دلیل جمعیت جوان، فقر، تزلزل شغلی، تحصیلات پایین، کمبود امکانات تفریحی، ضعف بهداشت، آسفتگی و افسردگی و... می‌تواند امنیت شهروندان را تهدید کند؛ بنابراین حاشیه‌نشینی به دلیل عدم انسجام و همبستگی با درون جامعه شهری با افزایش آسیب‌های اجتماعی، موجب اختلال در نظم و امنیت عمومی می‌شود (حیدری و همکاران، ۱۴۰۱: ۳۸۳). حاشیه‌نشینی به دلایل مختلف همچون گسست از جامعه‌پذیری منطبق با ساختار اجتماعی و انزوا و عزلت فرهنگی، ماهیت آسیب اجتماعی مهمی بوده و خود زمینه‌ساز آسیب‌های بسیاری به‌شمار می‌آید. از این رو افرادی که در حاشیه شهرها سکونت دارند، نه تنها از فقر، نبود امکانات بهداشتی، آموزشی و رفاهی، سلامت روان، فرهنگ گسسته از سایر طبقات و لایه‌های اجتماعی محروم‌اند، بلکه اغلب با مسائلی همچون اعتیاد، تجاوز، قاچاق کودکان و کارگری جنسی دست‌به‌گریبان‌اند (گزارش حجاب، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۷). در حالی که براساس برخی آمار رسمی، تعداد حاشیه‌نشینان کشور حدود ۱۱ میلیون نفر اعلام شده، آمارهای غیررسمی این تعداد را تا ۲۰ میلیون نفر نیز تخمین زده‌اند. این در حالی است که یکی از اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس، این تعداد را ۱۷ میلیون نفر یعنی حدود یک‌پنجم جمعیت کشور، اعلام کرده است. گفته می‌شود کرج و زاهدان نسبت به جمعیتی که دارند، از بیش‌ترین درصد حاشیه‌نشین برخوردارند و پس از آنها مشهد، کرمانشاه، اهواز و همدان قرار گرفته‌اند. تهران و دیگر شهرهای بزرگ مثل تبریز و اصفهان نیز از شهرهایی هستند که حاشیه‌نشینی در آنها چهره ملموسی دارد. پایداری مسئله حاشیه‌نشینی در حالی است که رشد نسبت شاخص قیمت مسکن به درآمد به‌ویژه در سال‌های اخیر و رشد دوباره آن در پی شرایط فعلی کشور، موج جدیدی از این معضل را برای افراد کم‌درآمد

می‌پیوندد، به‌منزله زنگ خطری در این رابطه و لزوم سیاست‌گذاری‌های مؤثر برای مقابله با تبعات آشکار و پنهان این آسیب است. توزیع سنی مصرف‌کنندگان مشروبات الکلی یکنواخت نبوده و رده سنی ۱۸ تا ۳۰ سال، بیش‌ترین مصرف‌کنندگان این کالا هستند.



نمودار ۴: روند دوازده‌ساله شرب خمر در ایران برحسب تعداد پرونده‌ها (احمدی، ۱۳۹۹: ۱۴)

سومین آسیب اجتماعی کلان کشور که بر امنیت اجتماعی تأثیرگذار است، مسئله فقر، بیکاری و نابرابری است. با وجود افزایش قیمت نفت و درآمد بالا در برخی سال‌ها، به‌واسطه تغییر و تحولات به‌وجود آمده در عوامل مؤثر بر عرضه نیروی کار (جمعیت، نرخ مشارکت و...) و تقاضای نیروی کار (رشد تولید، سرمایه‌گذاری، تحریم‌های بین‌المللی و...) در کنار ویژگی‌های ساختاری بازار کار (هزینه‌های جابجایی نیروی کار، قوانین و مقررات ناظر بر بازار کار و...) شاهد نرخ بالای بیکاری طی سه دهه اخیر بوده‌ایم؛ به‌طوری‌که نرخ بیکاری در ایران تقریباً دو برابر میانگین نرخ بیکاری جهانی است. گزارش وضعیت آسیب‌های اجتماعی کشور، کارگروه بررسی مسائل اجتماعی و فرهنگی، بخش آسیب‌های اجتماعی، (۱۳۹۲). طبق اعلام مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در همه استان‌های کشور به‌طور یکنواخت توزیع نشده و در برخی استان‌ها نظیر استان‌های کرمانشاه، خوزستان، ایلام، لرستان، کرمان و سیستان و بلوچستان به‌مراتب شدیدتر و حادث‌تر از استان‌هایی نظیر استان‌های سمنان، خراسان رضوی و آذربایجان شرقی است. چهارمین آسیب عمده اجتماعی جامعه ایرانی در حال حاضر گسترش پدیده حاشیه‌نشینی است. حاشیه‌نشینی پدیده‌ای اجتماعی است که همراه با

به دنبال داشته است؛ مسئله‌ای که لزوم برخورد کارساز و مؤثر سازمان‌ها و نهادهای مسئول را برای ساماندهی به آن دوچندان کرده است (احمدی، ۱۳۹۹: ۳۴).

❖ - فساد اقتصادی و اجتماعی

رانت و اختلاس یکی از اختلال‌هایی است که می‌تواند اقتصاد یک کشور را دچار فروپاشی سازد؛ رانت به معنای به دست آوردن منافع و سودهای غیرقانونی است؛ رانت‌ها می‌توانند نوعی از فساد در جامعه باشند که باعث ناامیدی و نارضایتی افراد از قدرت و عدالت در جامعه می‌شود. به عنوان مثال، در جامعه‌هایی که رانت‌های غیرقانونی و ناعادلانه وجود دارد، افرادی که پول، قدرت و رانت‌هایی را دارند، به عنوان برترین افراد در جامعه شناخته می‌شوند و برای دسترسی به این منافع، از روش‌های غیرقانونی و ناعادلانه استفاده می‌کنند. این افراد با تلاش کردن در جهت به دست آوردن رانت‌ها، به عنوان مثال با پرداخت رشوه به مسئولان دولتی، به دنبال افزایش ثروت شخصی خود هستند. این کار باعث می‌شود که افراد دیگری که به دنبال پیشرفت و توسعه در جامعه هستند، احساس ناامیدی کنند و تلاش برای رسیدن به اهداف خود را بیهوده بپندارند. در نتیجه، رانت‌ها می‌توانند باعث کاهش امید و اعتماد به نفس در جامعه شوند. برای افزایش امید اجتماعی در جامعه، باید تلاش کرد تا رانت‌ها و زمینه‌های سوءاستفاده از بیت‌المال کاهش یابند و فرصت‌های اقتصادی و شغلی برای همه افراد در جامعه فراهم شود. همچنین ایجاد بستری از عدالت، شفافیت و رقابت سالم در جامعه می‌تواند به افزایش امید اجتماعی در جامعه کمک کند. به عنوان مثال، تدوین و تصویب قوانین و مقرراتی که از رانت‌های غیرقانونی و ناعادلانه جلوگیری کنند، به همراه یک سیستم قضایی قوی و مستقل، نهادینه‌سازی شفافیت و عدالت در جامعه در بستر نظام آموزشی و ارتقای سطح آگاهی افراد می‌تواند به افزایش امید اجتماعی کمک بسزایی کند. اختلاس و رانت به عنوان جرائم اقتصادی شناخته می‌شوند که انجام آنها به منفعت عامه و نظام اقتصادی کشور ضریب جبران‌ناپذیری را وارد می‌کند (حاتمی و حاتمی، ۱۴۰۱: ۷). اگر افراد یک جامعه به تناوب شاهد اخبار ناخوشایند وجود رانت و اختلاس در نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باشند، نمی‌توان توقع ایجاد امید

اجتماعی را در بین آنها داشت و اگر چنانچه نظام قضایی کشور هم برخورد قاطعانه‌ای با این مسئله نداشته باشد و اطلاع‌رسانی‌های لازم در خصوص عامل یا عاملان آن به افکار عمومی ارائه انجام ندهد، علاوه بر ایجاد وجود بدبینی اجتماعی، افراد جامعه به مرور زمان امید خود را نسبت به هرگونه حل مشکلات توسط حاکمیت از دست خواهند داد و در نهایت نتیجه‌ای جز ایجاد افسردگی و بی‌نشاطی اجتماعی و ناامیدی اجتماعی در پی نخواهد داشت.

❖ - چالش‌های قومی و مذهبی

در رویکرد نرم‌افزاری به امنیت ملی، مسئله یکپارچگی زیرساخت اجتماعی، یکی از ارکان اصلی نظام مدیریت امنیتی کشورها به شمار می‌رود. ضعف یا ناکامی کشورها در یکپارچه‌سازی و نه یکسان‌سازی گروه‌های اجتماعی گوناگون و تبدیل آنها به نیروی سیاسی اجتماعی متحد، تهدیدهای جدید امنیتی را به همراه آورده و زیرساخت‌های کلان سیاسی را چندپاره ساخته و به تضعیف توان سیاست‌سازی و قابلیت پاسخ‌گویی نظام سیاسی می‌انجامد (فکوهی، ۱۳۸۰: ۱۷). ایران به عنوان سرزمینی که در مقوله تنوع زبانی و قومی در جهان با ۲۴ درصد همانندی، در رتبه شانزدهم است، شناخته می‌شود. در ایران اگرچه فارسی‌زبانان با بیش از ۶۰ درصد جمعیت، اکثریت دارند، اما وجود شش قومیت عمده در درون این واحد ملی و تأثیرات شگرف آنها بر سیر تحولات تاریخی واقعیتی انکارناپذیر است و می‌تواند مبنای پیش‌بینی وضعیت آینده امنیتی کشور باشد. در جمهوری اسلامی ایران به نظر می‌رسد وجود یک قطب قومیتی و ناسیونالیسم مرتبط با آن در غرب و جنوب شرقی کشور و همراهی با دو گسست دینی و به‌ویژه اقتصادی و تحریکات بیگانگان در آینده می‌تواند خطر آفرین باشد.

مسئله تکثر قومی و مذهبی کشور زمانی که با اهداف و مطامع استعماری بیگانه و دشمنان همراه شود، از اهمیت و حساسیت فوق‌العاده‌ای برخوردار می‌شود و ناهمگونی فرقه‌ها و اقلیت‌های قومی و مذهبی از مهم‌ترین ابزارهای آنها محسوب می‌شود. شکاف‌ها و تعارض گروه‌های متنوع نقش مهمی در میزان ثبات با ایجاد بی‌نظمی و ناامنی کشور دارد. این شکاف‌ها

نقدی پول بین مردم توزیع می‌کنند (جعفری والدانی، ۱۳۹۰: ۵). از نظر گونه‌شناسی علل و عوامل شکل‌گیری این پدیده نوظهور را می‌توان در سه سرفصل اصلی عوامل زیرساختی (بیکاری، فقر، عدم آمایش سرزمین، نیازهای فزاینده، ضعف انتقال آموزه‌های دینی، مهاجرت روستائیان به شهر، رشد حاشیه‌نشینی، رشد کلان‌شهرها، ایجاد فاصله طبقاتی، احساس بی‌عدالتی، نابرابری و تبعیض، تضعیف نقش و جایگاه خانواده، ضعف مهارتی نسل‌های جدید)، علل ساختاری (ضعف و ناکارآمدی الگوهای مدیریت فرهنگی و کیفیت عملکرد نهادهای اثرگذار، متمرکز است که از جمله آنها می‌توان به ناهماهنگی در ساختارهای رسمی، گسستگی ارتباط بین خانواده‌ها و ضعف فرایندهای پیش‌گیری، اتکا بیش از حد به روش‌های کنترلی و قضایی و فقدان استفاده از الگوهای راهبردی) و علل فراساختاری (شامل نقش و تأثیر معاندین اعم از بیگانگان و جریان‌های معارض در ایجاد و دامن زدن به این پدیده مثل جریان‌سازی فرهنگی، جنگ رسانه‌ای، توسعه شبکه‌های اجتماعی در فضای مجازی، عملیات روانی، آموزش مقاومت اجتماعی و مدنی) دسته‌بندی کرد.

◀ - شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی

جامعه ایرانی در طی چند دهه اخیر با شکاف‌های اجتماعی-اقتصادی مواجهه بوده و در مواردی این شکاف‌ها به صورت متراکم و متقاطع وجود دارد که تداوم و تشدید روندهای موجود در افق پنج‌ساله می‌تواند به بحران منجر شود. اولین شکاف عمده که می‌تواند در افق پنج‌ساله و حتی در بازه زمانی بیشتر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را با تهدید مواجه سازد، شکاف نسلی (سنی) است. پس از انقلاب، نرخ رشد جمعیت کشور به نحو قابل‌ملاحظه‌ای افزایش یافت و نسل‌هایی که در آن زمان متولد شده‌اند، امروزه منشأ تحولات فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی عدیده در کشورند. در واقع تحولات جمعیتی در سال‌های پس از انقلاب تغییرات گسترده‌ای را در هرم سنی جمعیت کشور رقم زده و از آنجا که این تغییر در هرم سنی جمعیت با تغییرات ارزشی در جامعه همسو شده، شکاف اجتماعی جدیدی موسوم به «شکاف نسل‌ها» بروز کرده است. براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ کشور، افزون بر ۶۰

و تعارضات ممکن است متقاطع یا موازی، فعال یا غیرفعال، واحد یا متعدد باشند. تعداد گروه‌ها، موازی بودن آنها و فعال شدن شکاف‌ها موجب اختلاف با سایر مناطق و دولت مرکزی و در نتیجه بی‌ثباتی و ناامنی می‌شود که در ایران قابل‌مشاهده است، زیرا در اغلب مناطق قومی‌نشین کشور، تضاد قومی و نژادی با تضاد زبانی و تفاوت مذهبی همراه است، بالطبع اگر این تضادها فعال و شکاف‌ها عمیق شود، موجب ناامنی خواهد شد. ظهور گروهک‌های تروریستی قومی با گرایش‌های التقاطی نظیر پژاک در مناطق شمال‌غرب و گروه‌هایی همچون جنداله (جندالشیطان)، جیش‌العدل (جیش‌الظلم) و... در حوزه جنوب‌شرق، نمونه‌هایی از چالش‌های قومی با چاشنی مذهبی هستند. با توجه به افزایش ارتباطات خارج از کنترل دولت‌ها که به رشد آگاهی سیاسی و اجتماعی اقوام و اقلیت‌ها انجامیده و روند روزافزون تضعیف حاکمیت‌های ملی در سطح جهانی و مداخله قدرت‌های بزرگ در تحولات سیاسی و امنیتی محیط پیرامونی ایران و همچنین با توجه به اینکه سایر شکاف‌های اجتماعی نیز ارتباط معنادار با شکاف‌های قومی پیدا کرده‌اند، نباید از فعال شدن شکاف قومی در ایران غفلت کرد. در واقع با رشد آگاهی سیاسی و اجتماعی اقوام از یک‌سو و تحولات بین‌المللی و منطقه‌ای با محوریت اقوام، به‌ویژه در عراق و افغانستان از سوی دیگر و همچنین تقارن با شکاف‌های دیگر از جمله شکاف‌های طبقاتی، دینی-مذهبی و نسلی، باید بیش‌ازپیش مراقب فعال شدن شکاف‌های قومی بود (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۷). از سوی دیگر تلاش‌های سازمان‌یافته‌ای از سوی برخی از کشورهای عربی در سال‌های اخیر صورت گرفته تا با دست‌کاری در عناصر هویت‌ساز، از جمله مذهب، هویت مذهبی-ایرانی استان‌هایی نظیر خوزستان را تغییر دهند. فعالیت وهابیون با محوریت عربستان سعودی در روستاها و مناطقی که مردم آن از نظر اقتصادی، فرهنگی و مذهبی در سطوح پایینی قرار دارند، از آن جمله است. وهابیون با ایجاد برخی شباهت در مورد عزاداری محرم و... به تبلیغ اندیشه‌های خود می‌پردازند. آنها به‌ویژه بر اختلاف‌های مذهبی و قومی تأکید ورزیده و برای رسیدن به اهداف خود بودجه‌های کلانی را اختصاص داده‌اند و به‌صورت

درصد از جمعیت ایران زیر ۳۰ سال سن دارند، (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵) در حالی که این قشر عظیم که نسل پس از انقلاب محسوب می‌شوند، ارزش‌هایی متفاوت از ارزش‌های نسل پیشین داشته و سبک زندگی خاصی را دنبال می‌کنند که در بسیاری از موارد، سنخیتی با نسل‌های قبلی و حتی با سبک زندگی مطلوب جمهوری اسلامی ایران ندارد. این تغییر در سبک زندگی حکایت از فعال شدن شکاف بین نسل اول و دوم بعد از انقلاب و همچنین نسل‌های قبل از انقلاب دارد (گزارش حجاب، مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۷).

سبک زندگی نسل جدید در حال شکل دادن به نحوه خاصی از روابط میان دختر و پسر، ازدواج و حتی طلاق است که نه تنها به عنوان یک تهدید اجتماعی، بلکه به عنوان تهدید سیاسی نیز قابل مطالعه است. شکل جدیدی از روابط دختر و پسر که در سال‌های اخیر از آن با عنوان ازدواج سفید یاد شده و همچنین تغییرات قابل تأمل در برگزاری جشن‌های ازدواج و حتی طلاق که نماد تغییر سبک زندگی هستند تا حد زیادی نتیجه فعال شدن شکاف نسلی در کشور است که اگر به خودی خود هم، ظرفیت تعارض و منازعه اجتماعی را به دلیل روحیات و خصلت‌های جوانی تقویت نکند، نمادی از ایجاد و تکثیر هویت‌های جدید در جامعه است که تناسب چندانی با ارزش‌های بومی ندارند. این تغییرها باعث شده نرخ ازدواج در کشور به طرز معناداری کاهش و در مقابل، نرخ طلاق نیز افزایش یابد. البته اهمیت مسئله شکاف نسل‌ها در ایران فقط منحصر به این موضوع‌ها نیست؛ زیرا شکاف نسل‌ها در کنار شکاف‌های دیگر معنادار شده که امکان تقویت یکدیگر را نیز فراهم می‌سازند. شکاف نسلی در ایران از یکسو تحت تأثیر شکاف جنسیتی، قومی، دینی-مذهبی، مرکز-پیرامون و طبقاتی است و از سوی دیگر از شکاف فکری، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران با نظام جهانی تأثیر می‌پذیرد؛ بنابراین هرچند شکاف نسلی در حال حاضر نیز فعال است و برخی آثار و پیامدهای فرهنگی-اجتماعی و سیاسی خود را بروز داده، اما امکان فعال شدن بیش از پیش این شکاف در آینده و تبدیل آن به زمینه‌ای برای تعارض و منازعه اجتماعی نیز وجود دارد. در ایران، شکاف نسلی می‌تواند به دلیل تغییرات

سریع فرهنگی، اجتماعی و تکنولوژیکی که جامعه را تحت تأثیر قرار داده است، بروز کند. نسل‌های جدید ممکن است ارزش‌های متفاوتی نسبت به نسل‌های قبلی داشته باشند و به دنبال انواع جدیدی از بیان خود و آزادی‌های فردی باشند که ممکن است با ارزش‌های سنتی و دینی در تضاد باشد (دانش و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱). این تعارضات می‌توانند بر شکل‌گیری تهدیدهای نظام جمهوری اسلامی ایران تأثیر بگذارند، چرا که اگر نسل جوان احساس کند که نظام موجود نمی‌تواند به خواسته‌ها و نیازهای آنها پاسخ دهد یا ارزش‌های آنها را منعکس نمی‌کند، ممکن است از نظام فاصله بگیرند و این موضوع می‌تواند به کاهش حمایت عمومی و در نتیجه افزایش تهدیدهای نظام سیاسی منجر شود (نصری و مرسلی، ۱۳۹۸: ۹۴).

دومین شکاف اجتماعی که در بازه زمانی معین شده و در آینده می‌تواند امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را با چالش مواجه کند، شکاف جنسیتی است. تحول جمعیتی در سال‌های پس از انقلاب صرفاً یک تحول کمی نبوده و همچنان که بر هرم سنی جمعیت کشور تأثیر گذاشته و شکاف نسل‌ها را پدید آورده، با افزایش تقاضای زنان برای حضور در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، پدیده دیگری به نام شکاف جنسیتی را به وجود آورده است. براساس گزارش «شکاف جنسیتی جهانی» که توسط مجمع جهانی اقتصاد منتشر می‌شود، ایران در میان ۱۴۵ کشور مورد بررسی، رتبه ۱۴۱ را به خود اختصاص داده است. کسب این رتبه در شرایطی است که در سال‌های اخیر زمینه حضور بیشتر زنان در عرصه‌های مدیریتی و اجرایی پایین و میانی کشور فراهم شده و متوسط نرخ رشد سالانه اشتغال زنان نیز بیش از مردان بوده است. در واقع مشکل اینجاست که این رشد با ترکیب جنسی پذیرفته‌شدگان در دانشگاه‌ها که از سال ۱۳۷۷ به نفع زنان تغییر یافته و به بیش از ۶۰ درصد رسیده است. به عبارت دیگر با توجه به افزایش تعداد زنان تحصیل کرده، شاهد ورود گسترده آنان به بازار کار بوده‌ایم که نتیجه آن، نرخ بیکاری بالای زنان در مقابل نرخ بیکاری مردان بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). شکاف جنسیتی در حال حاضر یک موضوع جدی است و در سال‌های آینده یکی از شکاف‌های اجتماعی

بیانگر تفاوت سطح توسعه یا میزان بهره‌مندی از امکانات اقتصادی و اجتماعی بین مناطق مرکزی و حاشیه‌ای است. لازم به ذکر است که توزیع نامناسب جغرافیایی جمعیت در ایران، یک مشکل ساختاری و مقدمه‌ای برای شکاف مرکز- پیرامون بوده است. براساس مطالعات صورت گرفته، ۸۲ درصد از کل جمعیت ایران در نیمه غربی و ۱۸ درصد دیگر در نیمه شرقی کشور سکونت دارند. این پراکندگی جغرافیایی باعث شده که توزیع امکانات نیز به صورت ناعادلانه صورت گیرد و روند مهاجرت از نیمه شرقی به نیمه غربی بیش از پیش تشدید شود.

قابل توجه ایران خواهد بود که اثرگذاری آن بر تحولات اجتماعی و ثبات سیاسی کشور بیش از پیش نمایان می‌شود.

❖ - کاهش سطح توسعه انسانی

با وجود آنکه در اغلب سال‌ها شاخص آموزش، بهداشت، شهرنشینی و... در کشور بهبود یافته، اما توزیع جغرافیایی جمعیت و میزان بهره‌مندی از این شاخص‌ها به تبع نحوه و میزان توزیع جغرافیایی آنها، باعث شکل‌گیری نوعی شکاف اجتماعی شده که از آن، با عنوان شکاف مرکز- پیرامون یاد می‌شود. در واقع شکاف سطح برخورداری در استان‌های دو یا چند قومیتی و شکاف مرکز- پیرامون

جدول ۲: مقایسه شاخص توسعه انسانی استان‌های مختلف بدون احتساب نفت و گاز (نیسی، ۱۳۸۹: ۲۴)

HDI	استان	HDI	استان	HDI	استان	HDI	استان	HDI	استان	HDI	استان
۰,۷۰۵۷	مازندران	۰,۶۶۴۳	کرمانشاه	۰,۶۸۱۲	فارس	۰,۶۶۱۳	خراسان شمالی	۰,۷۱۳۲	بوشهر	۰,۶۸۲۱	آذربایجان شرقی
۰,۷۱۴۹	مرکزی	۰,۶۷	کهگیلویه بویراحمد	۰,۷۱۷۴	فزوین	۰,۶۹۶۵	خوزستان	۰,۷۵۹۶	تهران	۰,۶۴۳۶	آذربایجان غربی
۰,۶۹۲۳	هرمزگان	۰,۶۷۳۶	گلستان	۰,۶۹۲۹	قم	۰,۶۷۴۹	زنجان	۰,۶۶۴۲	چهارمحال و بختیاری	۰,۶۵۹۷	اردبیل
۰,۹۲۱۴	همدان	۰,۶۸۸۶	گیلان	۰,۶۳۵	کردستان	۰,۷۲۱۶	سمنان	۰,۶۶۲	خراسان جنوبی	۰,۷۲۴	اصفهان
۰,۷۲۸۹	یزد	۰,۶۶۲۴	لرستان	۰,۶۸۹۱	کرمان	۰,۵۸۲۳	سیستان و بلوچستان	۰,۶۸۳۱	خراسان رضوی	۰,۶۷۰۱	ایلام

میزان نابرابری طی سال‌های مختلف متفاوت بوده، میزان شکاف طبقاتی در جامعه ایران نیز همواره در تغییر و نوسان بوده است. به عبارت دیگر شکاف طبقاتی در جامعه ایران یک شکاف تاریخی است که در حال حاضر وضعیت خاصی از آن آشکار شده و به دلیل تقارن با شکاف‌های دیگر به حدی رسیده که اثرگذاری سیاسی و امنیتی قابل ملاحظه‌ای یافته است.

اگر آمار و ارقام را در کنار بسیاری از واقعیت‌های اجتماعی مانند خرید و فروش آپارتمان لوکس چند صد متری با قیمت‌ها و شرایط ویژه، جولان اتومبیل‌های شخصی با قیمت چندمیلیاردی در تهران و برخی شهرهای کشور و حتی ایجاد صفحات خاص با مضامین اشرافی‌گری که هراز گاهی خبر آن به طرق مختلف در فضای رسانه‌ای و مجازی منتشر می‌شود از یک‌سو و افزایش تعداد کارتن‌خواب‌ها، افزایش فرزندان محروم از تحصیل، ناتوانی برخی در پرداخت هزینه‌های اولیه درمان، عدم توانایی بسیاری از جوانان برای ازدواج و تشکیل خانواده از سوی دیگر، قرار دهیم، به خوبی آشکار می‌شود که وضعیت شکاف طبقاتی در جامعه ایران چگونه است و چه آثار و پیامدهایی بر امنیت و ثبات سیاسی کشور خواهد داشت. در چنین شرایطی، اولویت بخشیدن به اقتصاد تولیدمحور و افزایش هزینه‌های دلالی و مصرف‌زدگی و همچنین اجرای درست و هدفمند یارانه‌ها می‌تواند باعث کاهش ضریب جینی، نابرابری و در نهایت کاهش شکاف طبقاتی شود.

◀ - جنگ شناختی-ادراکی

جنگ شناختی-ادراکی که از سوی نظام جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران انجام می‌شود، به استفاده از اطلاعات به عنوان سلاح برای تأثیرگذاری بر اندیشه‌ها، نظام باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و سبک تفکر عموم مردم اشاره دارد. جنگ شناختی دربرگیرنده تکنیک‌های مختلفی است که هدف آنها ایجاد تأثیرات فرهنگی و ادراکی است تا بتوانند تصویر، ادراک و کنش بازیگران هدف را مورد تأثیر قرار دهند (افتخاری و راجی، ۱۴۰۱: ۱۱۶). پیامدهای این نوع جنگ فرهنگی می‌تواند شامل ایجاد بی‌اعتمادی، سوءتفاهم و تحریف واقعیت‌ها باشد. همچنین ممکن است به تضعیف موقعیت بین‌المللی، افزایش تنش‌های داخلی و خارجی و ایجاد چالش‌های

بررسی شاخص بر خورداری استان‌های مرکزی نسبت به استان‌های مرزی و مراکز استان نسبت به شهرستان‌ها و شهرها نسبت به روستاها به وضوح نشان می‌دهد که هرچند وضعیت کلی اغلب این شاخص‌ها نسبت به گذشته بهبود یافته، اما همچنان استان‌های مرکزی نسبت به استان‌های مرزی، مراکز استان نسبت به شهرستان‌ها و شهرها نسبت به روستاها از امکانات آموزشی، بهداشتی، خدمات شهری، بودجه عمرانی و... بیش‌تری برخوردارند (گزارش مرکز آمار ایران، جایگاه اقتصادی و اجتماعی استان‌ها در آینه آمار ۱۴۰۰ قابل دسترسی به نشانی: amar.org.ir/2810/PropertyAgent/0/Portals14897/Files). همین مسئله باعث تقویت شکاف مرکز-پیرامون در جامعه شده است؛ به گونه‌ای که مثلاً طبقات اجتماعی بالای استان‌های مرزی، شهرستان‌ها و روستاها از طبقات اجتماعی پایین پایتخت یا استان‌های مرکزی، مراکز استان‌ها و شهرهای کوچک نیز درآمد و سطح زندگی پایین‌تری دارند. در نتیجه وجود چنین شکافی است که در سال‌های اخیر شاهد جابه‌جایی سالانه حداقل یک میلیون نفر از روستاها به شهرها و از شهرهای کمتر برخوردار به شهرهای برخوردارتر و همچنین از استان‌های محروم و حاشیه‌ای به استان‌های مرکزی کشور بوده‌ایم.

یافته‌های تحقیقاتی انجام نشان می‌دهند که در دو دهه گذشته کم‌ترین امتیاز شاخص توسعه انسانی بدون احتساب نفت خام و گاز طبیعی، مربوط به استان‌های سیستان و بلوچستان، کردستان، آذربایجان غربی و بیشترین امتیاز مربوط به استان‌های تهران، یزد و اصفهان است (نیسی، ۱۳۸۹: ۵۸). نتیجه این تحقیق هم‌راستا با آمارهای منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران در سرشماری سال ۱۴۰۰ نشان می‌دهد، با وجود بهبود شاخص توسعه انسانی در همه استان‌ها، امتیاز استان‌های با کمترین و بیشترین میزان توسعه انسانی تقریباً تغییر نکرده است. گرچه بی‌عدالتی در توزیع درآمدها همواره در جامعه ایران یک مسئله جدی بوده و باعث رنجش دائمی بخش عمده‌ای از جامعه از نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی شده، اما از آنجا که

گفت که سرمایه اجتماعی در ایران طی سالیان گذشته روندی رو به افول در پیش گرفته که این پدیده می‌تواند تبعات ناگواری برای نظام اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور به دنبال داشته باشد. کاهش نرخ رشد اقتصادی در سال‌های اخیر هم اگرچه مرتبط با برخی رخدادهای اقتصادی و سیاسی در کشور بوده، اما نمی‌توان از روند نزولی سرمایه اجتماعی به‌عنوان عاملی در جهت کاهش نرخ رشد اقتصادی کشور چشم‌پوشی کرد. قاراخانی (۱۳۹۵)، در مقاله‌ای با عنوان «سیاست اجتماعی در ایران، شکاف دولت - ملت» بر این نکته تأکید می‌کند که سیاست‌های اجتماعی ناکارآمد و ناتوانی دولت در تأمین خدمات اجتماعی و رفاهی مناسب می‌تواند به کاهش کارایی نظام سیاسی و درنهایت به بحران مشروعیت منجر شود. این مقاله تحلیل می‌کند که سیاست اجتماعی در ایران به دلیل عدم توازن و هماهنگی، نتوانسته است نقش مؤثری در پیوند دولت و ملت ایفا کند و این امر به تعمیق شکاف میان دولت و ملت انجامیده است (قاراخانی، ۱۳۹۵: ۱۱۵). سرمایه اجتماعی بالا می‌تواند به افزایش مشارکت مدنی و تقویت پایه‌های دموکراتیک کمک کند، درحالی‌که کاهش آن می‌تواند به بی‌اعتمادی و نارضایتی عمومی منجر شود و درنهایت به تهدیدهای کلان منجر شده و بر نظام سیاسی تأثیر منفی بگذارد.

۲- ارزیابی نوع و شدت تهدیدهای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در بعد اجتماعی-فرهنگی، در افق ۵ ساله در بخش دوم پژوهش لازم است با استفاده از چارچوب نظری و با بهره‌گیری از نظرات خبرگانی براساس معیارهای سنجش وقوع تهدیدها، احتمال وقوع آنها در افق پیش‌رو سنجیده شود. جمع‌بندی نظر خبرگان در خصوص سطح، جغرافیا، جنس، کانون، انگیزه، کار ویژه، شاخص‌های ارزیابی، ماهیت، احتمال وقوع، ابعاد، عمق، توان، فوریت مکانی و زمانی و تراکم تهدیدات علیه جمهوری اسلامی ایران در افق پنج‌ساله در جدول شماره ۳ نمایش داده شده است.

امنیتی برای کشور هدف منجر شود. جنگ فرهنگی ادراکی که از سوی نظام جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران انجام می‌شود، تأثیرات متعددی بر جامعه داخلی ایران داشته است. این تأثیرات شامل تغییر باورهای اقتصادی، تضعیف قدرت ملی و استقلال کشور، ایجاد بحران‌های اجتماعی، تشویق به مهاجرت، ایران هراسی و... است. اهداف جنگ شناختی را می‌توان در سه لایه اصلی فروپاشی اجتماعی، فروپاشی ساختاری و فروپاشی سرزمینی دانست که از طریق دو راهبرد اصلی نفوذ و بی‌ثبات‌سازی سیاسی و اجتماعی دنبال می‌شود. طراحان جنگ شناختی به دنبال آن هستند تا با قرار دادن شهروندان در دام یک فرایند فریب شناختی، دل‌بستگی‌ها و وابستگی‌های ملی، هویتی، سرزمینی و اعتقادی از آنها را گرفته و با جهت‌دهی به ادراکات آنها به‌صورت آگاهانه یا ناآگاهانه همه الگوها، هنجارها، نمادها و پیشران‌های وحدت‌ساز اجتماعی و به تعبیری «مای جمعی» را زیر سؤال ببرند تا زمینه فروپاشی از درون یک جامعه را فراهم سازند (نیکونهاد و بیوک، ۱۴۰۳: ۱۸). سنگین‌ترین عملیات شناختی علیه یک کشور در طی چند سال اخیر علیه نظام جمهوری اسلامی ایران رقم خورده و با توجه به سابقه دشمنی نظام سلطه با جمهوری اسلامی ایران انتظار می‌رود از طریق جنگ شناختی-ادراکی چالش‌های متعدد دیگری برای جمهوری اسلامی ایران در سال‌های آینده رقم بخورد.

❖ - کاهش سرمایه اجتماعی

مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی عبارتند از: اعتماد، مشارکت، همکاری و رعایت حقوق یکدیگر. در این میان اعتماد جایگاه ویژه‌ای داشته و دارای ابعاد گسترده‌تری است. اعتماد مردم به مردم، اعتماد مردم به دولت و اعتماد دولت به مردم نقشی بی‌بدیل در کاهش تهدیدات ایفا می‌کند. شکاف بین دولت و ملت و کاهش سرمایه اجتماعی عوامل مهمی در خلق بحران‌ها و تهدیدهای امنیت ملی یک کشور به‌شمار می‌روند. کاهش سرمایه اجتماعی و به‌تبع شکاف بین دولت و ملت که به تدریج و در پی نارضایتی‌های اجتماعی و سیاسی گسترش یافته، نشان‌دهنده فاصله‌ای است که بین انتظارات مردم و عملکرد دولت وجود دارد. با توجه به روند نگران‌کننده برخی شاخص‌های سرمایه اجتماعی در کشور، می‌توان

خبرگانی تهدیدهای رایج شناسایی شده و پس از تشریح آنها از خبرگان مشارکت کننده خواسته شد تا براساس چارچوب ارزیابی تهدیدها نسبت به ارزیابی آنها اقدام به عمل آورند. همچنین از آنها خواسته شد تا احتمال وقوع هر یک از این تهدیدها در افق پنج ساله (۱۴۰۸-۱۴۰۳) را مشخص سازند. در جمع بندی این پژوهش لازم است تا به راهبردها و پیشنهادهای سیاستی جهت مقابله با تهدیدهای اجتماعی پرداخته شود. جهت مقابله با تهدیدهای اجتماعی و کاهش بار آسیب های آنها بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران لازم است تا تمامی ظرفیت ها و تعاملات و همکاری های موجود در قوای سه گانه استفاده شود و اقدام های زیر در اولویت دستگاه های سیاست گذاری قرار گیرد. از جمله این پیشنهادهای راهبردی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- تدوین سند جامع ارتقای امنیت اجتماعی
- تحکیم بنیان خانواده و تسهیل ازدواج
- مقابله جدی با مواد مخدر و جرائم سازمان یافته
- فرهنگ سازی و مقابله با تهاجم فرهنگی
- آموزش همگانی و مسئول سازی نهادها
- تقویت وحدت و انسجام ملی
- تعمیق سرمایه های فرهنگی و معنوی تمدن ایرانی و بازتعریف عناصر فرهنگ ملی
- تأکید بر هویت ملی، تاریخ و فرهنگ و تمدن ایرانی و زبان فارسی و همچنین شناخت افتخارات ملی
- تقویت همبستگی ملی مبتنی بر اعتماد مردم به یکدیگر و نظام، همدلی و وفاق مسئولان، امید، نشاط، مشارکت و رضایتمندی عمومی

منابع:

- احتشامی، علی؛ رادان، احمد رضا و کرم زاده، اسماعیل، (۱۴۰۳)، «تهدیدات امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه امنیت ملی، دوره ۱۴، شماره ۵۱.

- احمدی، سید محمد، (۱۳۸۶)، «توسعه اجتماعی و امنیت ملی» پژوهش نامه مرکز تحقیقات استراتژیک، شماره ۱۴.

- احمدی، وحیده، (۱۳۹۹)، آسیب های اجتماعی- معاونت اجتماعی ناجا- مرکز افکار سنجی.

- افتخاری، اصغر و راجی، محمد هادی، (۱۴۰۱)، «تحلیل جنگ هیبریدی غرب علیه جمهوری اسلامی

تا نظرات خود را در خصوص احتمال وقوع هر یک از تهدیدها، به منظور پاسخ به سؤال سوم پژوهش که در خصوص احتمال وقوع تهدیدها بود، ارائه کنند. در جدول شماره ۴ جمع بندی احتمال وقوع هر یک از تهدیدها از دیدگاه خبرگان نمایش داده شده است.

جدول ۴: احتمال وقوع تهدیدها از دیدگاه خبرگان

تهدید	احتمال وقوع (ادامه روند تا افق ۱۴۰۸)
تهدیدات اجتماعی- فرهنگی	
کاهش سرمایه اجتماعی	خیلی زیاد
فساد اقتصادی و اجتماعی	زیاد
تضعیف هویت ملی	زیاد
چالش های قومی- مذهبی	خیلی زیاد
شکاف های اجتماعی و اقتصادی	زیاد
کاهش توسعه انسانی	متوسط
تغییر سبک زندگی	خیلی زیاد
افزایش آسیب های اجتماعی	خیلی زیاد
جنگ شناختی- ادراکی	خیلی زیاد

نتیجه گیری:

مسئله تهدیدهای اجتماعی- فرهنگی از جمله مسائلی است که می تواند آینده امنیت اجتماعی در جامعه ایرانی را با تهدید و خطر مواجه سازد و بالطبع چالش های جدی برای حاکمیت جمهوری اسلامی ایران نیز رقم بزند. پژوهش پیش رو نیز با هدف شناسایی، تحلیل، ارزیابی روشمند و احتمال وقوع تهدیدهای اجتماعی- فرهنگی در ایران به نگارش درآمده است. برای دست یابی به این هدف با استفاده از پرسش نامه

- ایران»، نشریه علمی آفاق امنیت، دوره ۱۵، شماره ۵۴. -آزادارمکی، تقی، (۱۳۹۰)، فرهنگ و هویت ایرانی و جهانی شدن، تهران: انتشارات تمدن ایرانی.
- بلندیان، غلامحسین، (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی امنیت داخلی، تهران، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- یوزان، باری، (۱۳۷۸)، مردم، دولت‌ها، هراس، تهران: ترجمه و انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- یوزان، باری و همکاران، (۱۳۸۶) چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- پورسعید، فرزاد، (۱۳۹۲)، فرهنگ توصیفی اصطلاحات امنیت، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۹۲)، تحولات مرزها و نقش ژئوپلیتیک آن در خلیج فارس- تهران نشر قومس.
- حاتمی، محمد؛ حاتمی، کاظم، (۱۴۰۱)، اختلاس در اموال دولتی، تهران: نشر گنجور.
- حیدری، علی؛ محمودی، ابوالقاسم؛ فراهانی، سیدعلی، (۱۴۰۱)، «بررسی نسبت حاشیه‌نشینی و امنیت عمومی شهروندان» فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، دوره ۱۵، شماره ۱.
- دانش، پروانه؛ ذاکری نصرآبادی، زهرا؛ عبداللهی، عظیمه سادات، (۱۳۹۳)، «تحلیل جامعه‌شناختی شکاف نسلی در ایران»، فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی، سال پنجم، شماره ۳.
- ذاکر اصفهانی، علیرضا؛ صادقی، زهرا، (۱۳۸۷)، «رویکرد اجتماعی به امنیت و تأثیر آن بر امنیت ایران: تهدیدات و راهکارها»، دو فصلنامه پژوهش سیاست، سال دهم، شماره ۲۵.
- ذکایی، محمد سعید، (۱۴۰۱)، «ارزش‌ها و سبک‌های زندگی جوانان ایرانی در نیم‌قرن اخیر: تداوم‌ها و گسست‌ها» فصلنامه علوم اجتماعی، سال سی‌ام، شماره ۹۹.
- رجایی، فرهنگ، (۱۳۸۶)، مسئله هویت ایرانیان امروز، تهران: نشرنی.
- شهباز، حسن؛ افتخاری، اصغر؛ بختیاری، حسین، (۱۴۰۰)، «مدل‌سازی تهدیدات امنیت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران با رویکرد ساختاری-تفسیری»
- فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۰.
- شیرکرمی، جواد؛ شریفی دروازه، مرضیه؛ خدادادی، قاسم، (۱۳۹۷)، «جامعه ایرانی و چالش‌های سبک زندگی جدید» دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، سال اول، شماره ۱.
- عباس‌زاده مرزبالی زاده، مجید، (۱۳۹۶)، «چالش‌های هویت ملی در عصر جهانی شدن (با نگاهی به ایران)»، فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام، دوره ۴، شماره ۶.
- عبداله‌خانی، علی، (۱۳۸۴) کتاب امنیت بین‌الملل ۳، فرصت‌ها، تهدیدها و چالش‌های فراروی امنیت ملی ج.ا.ا. تهران، انتشارات ابرار معاصر.
- فکوهی، ناصر، (۱۳۸۰)، قوم‌شناسی سیاسی، تهران، نشرنی.
- قاراخانی، معصومه، (۱۳۹۵)، «سیاست اجتماعی در ایران، شکاف دولت - ملت»، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۲۳، شماره ۷۵.
- گروه مطالعات امنیت ملی، (۱۳۹۰)، امنیت اجتماعی (عوامل و راهبردها)، تهران انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی.
- گزارش وضعیت آسیب‌های اجتماعی کشور- کارگروه بررسی مسائل اجتماعی و فرهنگی ۱۳۹۲.
- مرادیان، محسن، (۱۳۹۷) شناخت محیط و آسیب‌های اجتماعی ج.ا.ا. تهران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- مرکز آمار ایران، (۱۳۹۵)، ایران در آینه آمار.
- مرکز آمار ایران، (۱۴۰۰)، ایران در آینه آمار.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، (۱۳۹۵)، عمده‌ترین مسائل کشور، معاونت پژوهشی.
- مرکز پژوهش‌های مجلس، (۱۳۹۷)، گزارش حجاب، تهران، معاونت پژوهشی.
- مطلبی، مسعود، (۱۳۹۹)، «آینده پژوهی امنیت اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران» فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۱.
- نصری، قدیر؛ مرسلی، فاطمه، (۱۳۹۸)، «شکاف‌های اجتماعی نوپدید تحلیل مشروعیت سیاسی، با تمرکز بر روندهای راهبردی در ایران امروز، (۱۳۹۶ تا ۱۴۰۶)»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، سال ۱۰، شماره ۱.

-نوذری، حسین‌علی، (۱۳۸۴)، «بحران‌ها و تهدیدات اجتماعی: تحلیلی پارادایمی در خصوص رویکردها، برداشت‌ها و نظریه‌های جدید پیرامون مفهوم بحران» فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۶.

-نیسی، عبدالکاسم، (۱۳۸۹)، «شاخص توسعه انسانی در استان‌های ایران»، فصلنامه علوم بهداشتی، سال ۲، شماره ۲، بهار.

-نیکونهاد، ایوب؛ بیوک، محسن، (۱۴۰۳)، «طراحی و تصویرسازی مطلوب از جهاد تبیین در تقابل با جنگ شناختی مبتنی بر اندیشه‌های رهبری معظم انقلاب»، فصلنامه آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی، دوره ۵، شماره ۱.

-وزارت کشور، (۱۳۹۰)، گزارش اداره مقابله با اعتیاد مرکز امور اجتماعی وزارت کشور.

-وزارت ورزش و جوانان، (۱۳۹۲)، پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش جوانان.

-ونت، الکساندر، (۱۳۸۵)، نظریه‌های اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.

بررسی تأثیر امر به معروف و نهی از منکر بر مؤلفه‌های تعیین‌کننده امنیت اجتماعی

یاسر خسروی^۱ - علیرضا فراهانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷

چکیده:

امنیت اجتماعی یکی از اساسی‌ترین نیازهای فرد و جامعه است و فقدان آن پیامدهای ناگواری بر سلامت اجتماعی دارد که در ساختار ادیان الهی به‌ویژه دین اسلام به‌عنوان یکی از دو نعمت غیرقابل مشاهده تعبیر شده است. بنابراین برای تقویت این عامل باید مجموعه‌ای از دستورهای دینی همراه با قوانین اخلاقی و اجتماعی به‌کار گرفته شود. یکی از این قوانین مذهبی، فریضه امر به معروف و نهی از منکر است که در این پژوهش، تأثیر آن بر امنیت اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است. این مطالعه از نظر هدف کاربردی، از نظر گردآوری یک مطالعه آمیخته و از نظر نوع روش توصیفی

است. جامعه آماری تحقیق در بخش کیفی کلیه اسناد و مدارک مرتبط با موضوع تحقیق و جامعه آماری بخش کمی با در نظر گرفتن متولیان و دست‌اندرکاران حوزه امر به معروف و نهی از منکر ۱۲۰ نفر انتخاب و جامعه نمونه با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۹۱ نفر تعیین شد. داده‌های کیفی با روش تحلیل محتوا و داده‌های به‌دست آمده از طریق پرسشنامه با استفاده از آمارهای توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بر اساس نتایج تحقیق امنیت اجتماعی از دو بعد ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و همچنین هویت اجتماعی تشکیل شده است که خروجی آزمون‌های آماری نشان داد، امر به معروف و نهی از منکر بر هر یک از این دو بعد تأثیرگذار است.

کلیدواژه‌ها: امر به معروف، نهی از منکر، امنیت اجتماعی، هویت اجتماعی، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی.

۱- دکتری تخصصی الهیات و معارف اسلامی و استاد درس معارف دانشگاه دافوس و دانشگاه افسری امام علی (ع)
gmail.com@yaserkhosravi6688

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدرسی درس معارف اسلامی دانشگاه شهید محلاتی قم.

Investigating the Effect of Enjoining good and Forbidding evil on Social Security Structures

Yaser khosravi³ - alireza farahani⁴

Abstract: Social security is one of the most basic needs of the individual and society, and its lack has unfortunate consequences on social health, which is interpreted as one of the two invisible blessings in the structure of divine religions, especially Islam. Therefore, to strengthen this factor, a set of religious orders must be used along with moral and social laws. One of these religious laws is the duty of enjoining what is good and forbidding what is evil, and its impact on social security has been studied in this research. This study is a mixed study in terms of practical purpose, in terms of compilation, and descriptive method in terms of type. The statistical population of the research in the qualitative part of all the documents and documents related to the subject of the research and the statistical population of the quantitative part, taking into account the trustees and those involved in the field of good and bad, was estimated to be 120 people, and the sample population was 91 people using Cochran's formula. Qualitative data were analyzed by content analysis method and data obtained through questionnaire using descriptive and inferential statistics. According to the results of social security research, it consists of two dimensions of social values and norms, as well as social identity, which the results of statistical tests showed, enjoining good and forbidding evil has an impact on each of these two dimensions.

Keywords: Enjoining good, Forbidding evil, Social Security, Social Identity, Social Values and Norms.

3 - PhD in Theology and Islamic Studies and Professor of Education at Dafos University and Imam Ali (AS) Military University

4 -. Graduated from the Master's Degree in Islamic Studies at Shahid Mahallati University of Qom.

مقدمه:

یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین مسائل اسلامی، مسئله امر به معروف و نهی از منکر است که آیات و روایات فراوانی بر این مسئله از جهات مختلف تأکید شده است و این فریضه دینی، سیاسی و اجتماعی را بارها تأکید کرده‌اند. پدیده آمدن بحران‌های مختلف اجتماعی از آسیب‌های مهمی است که در نبود امر به معروف و نهی از منکر در جامعه، پیش می‌آید؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر از مؤثرترین کنترل‌کننده‌های اجتماعی است (علی‌یاری، ۱۴۰۲: ۲۳). بنابراین امر به معروف و نهی از منکر از کلیدی‌ترین و اساسی‌ترین مسائل اسلامی معرفی شده است و آیات و روایات بسیاری از جهات متعدد و متنوعی، این وظیفه را مورد تأکید قرار داده و ابعاد مختلف آن را گوشزد کرده‌اند. دین اسلام برای جلوگیری از فساد و تباهی در جامعه و حفاظت از امنیت نظارت عمومی در جامعه را تحت عنوان «امر به معروف و نهی از منکر» بیان کرده است؛ بر همین اساس آیات و روایات بسیاری مسلمانان را به انجام دو فریضه الهی الزام می‌کنند و تأکید فراوان در حفظ این مهم دارند؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر ضامن اجرای سایر وظایف فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... است. بدون شک امر به معروف و نهی از منکر از احکام ضروری اسلام است و اهمیت آن، چنان است که از نظر برخی فقها واجب عینی و از نظر عده‌ای دیگر، واجب کفایی است که اگر کسی به انجامش مبادرت کرد، از عهده دیگران ساقط می‌شود. از مطالعه تاریخ اسلام به دست می‌آید که بزرگ‌ترین آمران به معروف و ناهیان منکر، امامان معصوم (ع) هستند که همچون چراغی درخشان راهنمای انسان‌های زمان خود بوده و هستند (هاشمی و همکاران، ۱۴۰۱: ۵۲). از منظر اسلام، هیچ عملی نمی‌تواند با دو فریضه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر، برابری کند (احمدوند و بابایی‌تبار، ۱۴۰۰: ۳۷). امت اسلامی، بهترین امت‌ها کسانی هستند که به این دو واجب شرعی عمل نمایند که در این خصوص خداوند در آیه ۱۱۰ سوره آل عمران می‌فرماید: شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند (چه اینکه) امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید و به خدا ایمان دارید؛

و اگر اهل کتاب، (به چنین برنامه و آیین درخشانی) ایمان آورند، برای آن‌ها بهتر است (ولی تنها) عده کمی از آن‌ها با ایمانند و بیشتر آن‌ها فاسقند (و خارج از اطاعت پروردگار). به همین دلیل امر به معروف و نهی از منکر در هر زمان، بیانگر حساسیت جامعه در مقابل اعمال ناپسند است؛ بنابراین خداوند برای رسیدن به این مقصود، در همه زمینه‌ها دستورهای لازم را در اختیار انسان قرار داده است و چنانچه هر یک از این دستورها و قوانین به‌طور صحیح و کامل در جامعه نهادینه و اجرا شود، موجب کاهش آسیب‌های اجتماعی می‌شود. از آنجا که امر به معروف و نهی از منکر، زمینه‌ساز تربیت سالم اجتماعی است، با ایجاد حس مسئولیت‌پذیری در پیوندهای مختلف اجتماعی، در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی مؤثر است و نیز با حساسیت عمومی که در برابر گناه دارد، اجازه نمی‌دهد افراد دچار تباهی شوند. از این رو بسیاری از آسیب‌های اجتماعی به این دلیل در جامعه رواج پیدا می‌کند که این دو واجب مغفول می‌مانند و اقشار مختلف مردم در برابر آسیب‌های اجتماعی احساس بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی می‌کنند (قنبری کرمانشاهی و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۶).

درباره امر به معروف و نهی از منکر تحقیق و پژوهش‌هایی انجام شده و هر کدام از زاویه خاصی به موضوع نگریسته‌اند؛ اما طبق بررسی صورت گرفته، پژوهشی تحت عنوان تأثیرهای امر به معروف و نهی از منکر در تأمین امنیت اجتماعی با ابعاد این پژوهش انجام نشده است. مهم‌ترین عاملی که موجب اهمیت انجام این تحقیق است، اهمیت مسائل دینی و نقش آن‌ها در ایجاد امنیت اجتماعی است. با انجام این پژوهش تأثیر امر به معروف و نهی از منکر بر امنیت اجتماعی مورد شناسایی قرار گرفته و از این طریق امکان حفظ و ارتقای سطح امنیت اجتماعی فراهم می‌شود؛ و عدم پرداختن به چنین پژوهش‌هایی موجب می‌شود از ظرفیت‌های دین اسلام برای حفظ و ارتقای امنیت اجتماعی غافل بمانیم؛ بنابراین انجام این پژوهش لازم، ضرورت و با اهمیت است. با توجه به مطالب ارائه شده، مسئله اصلی این پژوهش مشخص نبودن تأثیرهای امر به معروف و نهی از منکر بر امنیت اجتماعی است. همچنین پرسش اصلی مطرح شده عبارت است از این که تأثیرات امر به معروف

و نهی از منکر بر امنیت اجتماعی چیست؟ در این نوشتار سعی شده طی یک مطالعات اکتشافی ابعاد امنیت اجتماعی بررسی شوند. این ابعاد عبارت‌اند از «ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی» و «هویت اجتماعی» و در ادامه تأثیرهای امر به معروف و نهی از منکر بر هر یک از ابعاد امنیت اجتماعی مورد واکاوی قرار گرفته‌اند.

مبانی نظری:

امر به معروف و نهی از منکر: از لحاظ لغوی، معروف به معنای «شناخته شده»، در بردارنده افعال و صفاتی است که عقل و شرع آن‌ها را تأیید می‌کند. برخی معنای «معروف و منکر» را واجبات و محرمات می‌دانند. برخی دیگر مستحبات و مکروهات را نیز به معنای این دو افزوده‌اند. در تبیین مفهوم این دو واژه، مرجع تشخیص (شرع و عقل) نیز لحاظ شده است. علامه طباطبایی معروف را به معنای آنچه که با ذائقه افراد جامعه سازگار و در میان آنان مرسوم و متداول باشد، دانسته و می‌فرماید: «فالمعروف یتضمن هدایه العقل و حکم الشرع و فضیله الخلق الحسن و سنن الابد» در این معنا مرجع تشخیص معروف علاوه بر عقل و شرع، عرف اجتماعی نیز می‌باشد. نهی از منکر فرایندی است که طی آن جامعه یا گروه افراد متدین با رفتارهای ناپه‌نجان و کج‌روانه مقابله کرده و تلاش می‌کند از این ناپه‌نجاری‌ها جلوگیری کرده و آن‌ها را به سمت هنجارهای دینی سوق دهد. به این ترتیب معنای مفهومی نهی از منکر در یک جامعه دینی و اسلامی همان نظارت اجتماعی در معنای جامعه‌شناسی است، به عبارت دیگر، نهی از منکر نام دینی مفهوم نظارت اجتماعی است (طالبان، ۱۳۷۶: ۵۷). منکر نیز به معنای ناشناخته و زشت، قول و فعلی است که خلاف رضایت خدا باشد. امر و نهی هر دو واجد وصف امری‌اند که به دو صورت مثبت و منفی تجلی می‌یابند. در اغلب موارد، امر به معروف همان نهی از منکر است. در دین اسلام بر انجام محسنات و افعال معروف تأکید شده است، خودداری از انجام معروف، کاری ناپسند و حرکت به سوی منکر است (قربانی لاهیجی، ۱۳۸۴: ۴۲).

امر به معروف و نهی از منکر، ناظر بر صیانت جامعه و راهکاری برای حفظ و سالم‌سازی محیط اجتماعی است و همان‌گونه که آیت الله شهید بهشتی توضیح داده است «حساب امر به معروف و

نهی از منکر، حساب محیط‌سازی است، محیط سالم برای پرورش سالم و صحیح استعدادهای خیر نهفته در انسان‌ها به وجود آوردن.» به تعبیر استاد شهید آیت الله مطهری: «امر به معروف و نهی از منکر، ایجاد نوعی تعهد و مسئولیت اجتماعی در افراد نسبت به سرنوشت اجتماع است ولی نباید فراموش کرد که این تعهد و مسئولیت، مبتنی بر نگرش خاصی نسبت به انسان است. نگرشی که انسان را «خلیفه الله» می‌بیند، ارزش و کرامت او را، در «ایمان» دانسته و انسانیت را در سطح زیست طبیعی، تنزل نمی‌دهد. مبدأ قانون را خداوند می‌داند و به عبودیت انسان‌ها در برابر خداوند حکم می‌کند. برای جامعه، در برابر اراده تشریحی خداوند، حقی قایل نیست و انسان را در برابر حق تعالی نسبت به سرنوشت دیگران مسئول می‌داند» (جوادی‌نیا، ۱۳۹۰: ۵۵).

قرآن کریم با اهمیت دادن به اصل امر به معروف و نهی از منکر گام‌های مؤثری در راستای توصیه‌های مفید اجتماعی برداشته است که به مراتب از دانش انتزاعی امروزی بشر کارسازتر است. آیاتی که دلالت بر امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند فراوان هستند که ما به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّهٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران، ۱۰۴). گروهی باید در میان شما دعوت به خیر و امر به نیکی کنند. منظور آیه کسانی هستند که باید با قدرت و امکانات وارد عمل شوند و جلوگیری از منکرات کنند و حساب این گروه از وظیفه عمومی جدا است. «خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ» (اعراف، ۱۹۹). این آیه با تمام سادگی و فشرده‌گی همه اصول اخلاقی را در بردارد هم اخلاق فردی، هم اجتماعی، در اینجا خداوند به پیامبر دستور می‌دهد که امر به معروف و نهی از منکر کند طبق این آیه هم باید به معروف امر کرد و هم شیوه امر کردن باید معروف باشد. «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٌ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (توبه، ۷۱). مؤمنان به سرنوشت یکدیگر علاقه‌مند هستند و به منزله یک پیکرند و انحراف یک نفر در کل جامعه تأثیر می‌گذارد و سلامت

همراهی با قوانین و هنجارهای تعریف شده در جامعه می‌تواند از ارکان امنیت اجتماعی محسوب شود (فضل، ۱۴۰۰: ۴۲).

دوران (۱۳۸۵)، بیان داشت آگاهی بر حدودی از باورهای مشترک، علاقه به گروه و تعهد به گروه می‌تواند به‌عنوان مؤلفه‌های سه‌گانه هویت اجتماعی در نظر گرفته شود که مبتنی بر این دسته‌بندی می‌توان هویت خانوادگی، هویت همسالان و هویت‌های ملی (در سه سطح خانواده، گروه همسالان و جامعه) را تشریح و بررسی کرد. توجه به هویت اجتماعی برخاسته از نظریاتی در حوزه جامعه‌شناسی تلقی می‌شود. نظریه هویت اجتماعی، چارچوبی را برای توضیح رفتار و ارتباطات بین گروهی بر اساس ارزش ذاتی که انسان‌ها برای عضویت در گروه‌های اجتماعی قائل هستند، ارائه می‌دهد هویت اجتماعی توضیح می‌دهد که افراد به گروه‌های اجتماعی که اشتراکات زیادی با آن‌ها دارند، کشیده می‌شوند. هویت اجتماعی به افراد اجازه می‌دهد تا بخشی از گروه‌ها باشند و در دنیای اجتماعی خود احساس تعلق پیدا کنند. این هویت‌ها نقش مهمی در شکل دادن به خودانگاره دارند. هر چه افراد بیشتر با یک گروه خاص هویت پیدا کنند، آن گروه نقش بیشتری در شکل دادن به احساس مردم نسبت به خود ایفا می‌کند (مارتینز و اسرنیو، ۲۰۲۰: ۳۶). نظریه هویت اجتماعی تمایز ارزشمندی را بین پاسخ‌های فردی و جمعی به آسیب‌های اجتماعی پیشنهاد کرده است این ناسازگاری ناشی از مفهوم‌سازی آن‌ها در ذهنیت‌های مختلف است و پیامدهای بسیار متفاوتی برای افراد و گروه‌های درگیر دارد. از منظر هویت اجتماعی، پاسخ‌های فردی یک ذهنیت تحرک فردی را تضمین می‌کند که در آن روابط سلسله مراتبی در جامعه مشروع و پایدار، اما قابل نفوذ تلقی می‌شود. با ذهنیت تحرک فردی، افراد سعی می‌کنند موقعیت فردی خود را بهبود می‌بخشند، زیرا معتقدند این تنها راهی است که می‌توان موقعیت اجتماعی آن‌ها را بهبود بخشید. در مقابل، پاسخ‌های جمعی نیازمند یک ذهنیت تغییر اجتماعی است که در آن روابط گروهی سلسله مراتبی در جامعه به‌عنوان ناپایدار، نامشروع و غیرقابل نفوذ دیده می‌شود. در چنین شرایطی، تحرک فردی

جامعه و امنیت مردم را به خطر می‌اندازد در اسلام یک فرد مسلمان باید پا به پای نفس خود در جهت اصلاح دیگران نیز بکوشد در واقع بی‌توجهی نسبت به اعمال و سرنوشت دیگران بی‌اعتنایی به سرنوشت خویش است. اگر فساد و گناه در جامعه شیوع پیدا کند آثار نامطلوب آن دامن‌گیر همه افراد جامعه خواهد شد.

امنیت اجتماعی: مفهوم امنیت به معنای نبود هراس و بیم نسبت به حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره نیفتادن این حقوق و آزادی‌ها تعبیر شده است. از دیدگاه جامعه‌شناختی احساس امنیت در واقع یک تولید اجتماعی است یعنی همه نهادهای اجتماعی در شکل‌گیری آن نقش ایفا می‌کنند. با این دید به‌طور طبیعی همه ارکان جامعه از مردم، حاکمیت، پلیس و... در تولید و ارتقای سطح آن نقش کلیدی دارند. امنیت اجتماعی معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فرد برمی‌گردد که هویت گروهی او را سامان می‌بخشد و شامل تمهیداتی برای حفظ زندگی اعضای یک جامعه و سپس حفظ راه و روش زندگی آنان است. امنیت اجتماعی به بقای اعضای جامعه توجه دارد و آن دسته از عوامل فیزیکی و مادی که بقای جامعه را تهدید می‌کند به‌عنوان تهدیدی برای امنیت تلقی می‌شود. در این رویکرد قدرت و امنیت به یکدیگر گره‌خورده و به میزان برخورداری از قدرت می‌توان ادعا کرد که امنیت به مفهوم عدم امکان تعرض، تجاوز و خطر است. در این روند برای برقراری امنیت نیازمند کنترل‌های نظارتی و رسمی هستیم و امنیت به مدد سامانه‌های نظارتی اعمال می‌شود. در رویکرد مدرن، امنیت اجتماعی به کیفیت بقای اعضای جامعه توجه دارد و برخی عوامل معنوی و فرهنگی که موجب آسیب‌پذیری شیوه‌های گوناگون زندگی می‌شود، به‌منزله تهدید به‌شمار می‌رود. امنیت اجتماعی در تعریف مدرن آن بر حفظ و نگهداری احساس تعلق یا همان احساس ما بودن نظارت دارد زیرا حراست و نگهداری از احساس ما بودن، در حفظ جامعه نقش دارد و اگر این احساس حفظ شود، افراد جامعه نسبت به مشکلات و مسائل جامعه احساس تهدید و تکلیف می‌کنند (خوش‌فر و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۸). دغدغه‌مندی در مشارکت اجتماعی، نفی ناهنجاری و بزهکاری‌ها و همچنین

شناختی را ترکیب می‌کنند تا افراد را در یک چارچوب اجتماعی در یک پذیرش اجتماعی قرار دهد (ریس و همکاران، ۲۰۱۹: ۴۶).

امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر در ادیان الهی: موضوع امر به معروف و نهی از منکر یک موضوع ریشه‌ای است - یعنی از همان بدو تولد حضرت آدم و حوا (ع)، بحث امر به معروف و نهی از منکر هم پدید آمد. امر به معروف از دستورات مؤکد اسلام است که در ادیان گذشته هم وجود داشته است. تاریخ گواهی می‌دهد، موضوع امر به معروف با گذشت زمان و دگرگون شدن جوامع و قوم‌ها دچار تغییر و رشد شده است. چگونگی امر به معروف نمودن حضورت نوح (ع)، حضرت ابراهیم (ع) و فرزندان ایشان به‌مرور زمان متناسب با مقتضیات زمان و نوع گسترش ادیان الهی تعریف مشخصی داشته است؛ اما با ظهور دین مبین اسلام و با آمدن پیامبر رحمت، جایگاه رسمی پیدا کرد و از دایره محدود پیامبران و انبیاء به انسان‌های آزاده دیگر هم گسترش یافت (پژوهش فقهی، ۱۳۹۳: ۸۶). ائمه معصومین (ع) و یارانشان از صدر اسلام، همواره برای نظارت بر تمام مصالح و حسن اجرای قوانین اسلام، نظارت داشته‌اند. آن‌ها در طول تاریخ حکومت‌ها، دایره‌ای به نام «امور حسیه» تشکیل دادند که به‌صورت تشکیلاتی و سازماندهی شده، امر به معروف و نهی از منکر می‌کردند. عمده عملکرد آن نظارت، کنترل و پیشگیری بود تا برخورد قضایی با متخلفان. ابن خلدون می‌نویسد: «حسبه ریشه در قرآن و حدیث دارد و در یک سخن وظیفه و شغلی است دینی - اخلاقی که بر پایه فرمان دادن به کار شایسته و بازداشتن از کار ناشایست تکیه دارد» حسبه علاوه بر انجام برخی امور دادرسی، متولی امر پیشگیری وضعی بوده است. در اجرای این امر و نهی، باید به حریم خصوصی زندگی افراد احترام گذاشته شود. از سوی دیگر، آزادی فردی در اسلام نباید چنان نصب العین باشد که افراد به بهانه آن خود را مختار به انجام هر کاری بدانند (میرخلیلی، ۱۳۸۳: ۷۳).

امربه‌معروف و نهی‌ازمنکر در آیات و روایات: خداوند در قرآن کریم نیکوترین ویژگی امت اسلامی را انجام امر به معروف و نهی از منکر می‌داند، هم چنان که می‌فرماید: «شما بهترین امت هستید که به سود انسان‌ها آفریده

نمی‌تواند اتفاق بیافتد و بهبود موقعیت اجتماعی فرد تنها از طریق تغییر اجتماعی می‌تواند پدیدار شود (بال و برانسکامب^۶، ۲۰۱۹: ۴۸). ساختار هویت اجتماعی عموماً مبتنی بر سن، توانایی، قومیت، نژاد، جنسیت، وضعیت اجتماعی-اقتصادی و مذهب بیان شده است. همچنین چارچوبی برای سازماندهی مفهوم‌سازی‌های هویت اجتماعی در چهار بعد درک بافت بین گروهی، جذابیت درون گروهی، باورهای وابستگی متقابل، و مسخ شخصیت، معرفی شده است.

ابعاد امنیت اجتماعی: ارزش‌ها، باورهای اساسی هستند که اعمال افراد را هدایت می‌کنند، در حالی که هنجارها، انتظاراتی هستند که جامعه از رفتار افراد، دارد؛ به عبارت دیگر، ارزش‌ها به افراد می‌گویند که چه چیزی درست یا نادرست است، در حالی که هنجارها به افراد می‌گویند چه چیزی قابل قبول است. ارزش‌ها، انتزاعی‌تر و عمومی‌تر از هنجارها بوده و مستقل از هر فرهنگ یا جامعه هستند. در مقابل هنجارها مختص فرهنگ یا جامعه خاصی هستند و اساساً قواعد هدایت‌کننده عمل هستند و به‌طور مشخص کارهایی را که باید انجام شوند یا حذف شوند، مشخص می‌کند. علاوه بر این، ارزش‌ها تمایل دارند از نسلی به نسل دیگر منتقل شوند، در حالی که هنجارها می‌توانند نسبتاً سریع تغییر کنند (کاتر و همکاران، ۲۰۱۴: ۲۹). با گذشت زمان، ارزش‌های مشترکی در جوامع ایجاد می‌شود، اما این ارزش‌ها تعمیم می‌یابند که زیربنای کلی‌تری برای اعمال اجتماعی است. ارزش‌ها در یک جامعه می‌تواند عمومیتی عینی داشته باشد که مصداق بارز آن در ارزش‌های اجتماعی نهفته است. در واقع ارزش‌های اجتماعی، معیارهای فرهنگی هستند که نشان‌دهنده مطلوب‌های عمومی برای زندگی اجتماعی سازمان‌یافته است و در بردارنده عدالت، آزادی، احترام، اجتماع و مسئولیت است. همچنین هنجارهای اجتماعی شامل عرف، آداب، تابو (رفتارها، گفتارها یا امور اجتماعی است که بر طبق رسم و آیین یا مذهب، ناپسند، ممنوع و نکوهش‌پذیر است) و قانون است که می‌توانند در طول زمان، فرهنگ، مکان و حتی گروه‌هایی که در آن تعریف شده‌اند، متفاوت باشند. لذا می‌توان گفت، ارزش‌ها و هنجارها، باورهای ارزشی هستند که عناصر عاطفی و

برکات از آنان گرفته می‌شود. دست‌های از آن‌ها بر عده دیگری چیره می‌گردند و یار و یاور برای آن‌ها در زمین و آسمان پیدا نخواهد شد». هر بررسی‌کننده آگاه و تیزبین، در بررسی تاریخ زندگی پیشوایان معصوم (ع) این نکته را به‌درستی مشاهده می‌کند که امر به معروف و نهی از منکر از کودکی تا پایان عمر ارتباط ناگسستنی با تمام مقاطع زندگی آنان داشته و آنان در تمامی مقاطع سنی از کودکی تا پایان عمر پیوسته برپادارنده این فریضه بزرگ بوده‌اند و در برپایی آن توصیه فراوان داشته‌اند. ائمه معصومین (ع) در ادای این رسالت الهی از هیچ تلاشی فروگذار نکردند و حتی فراتر از محدوده رسالت خویش بر این کار اصرار ورزیدند. تلاش و اصرار آنان به سبب اهمیت این فریضه الهی بوده است. آن‌ها به دلیل قلب سرشار از رأفت و رحمت حاضر نبودند هیچ‌فردی به منکرات آلوده شده، در نتیجه به خشم خدا گرفتار آید. تا آن‌جا که خداوند آنان را از این همه تلاش و دلسوزی بازمی‌داشت گویا می‌خواهی اعمال آنان خود را از غم و اندوه هلاک کنی اگر به این گفتار ایمان نیاورند (عابدزاده اندریان، ۱۴۰۰: ۸۲).

🔸 امر به معروف و نهی از منکر در قانون:

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ذیل اصل هشتم مقرر می‌دارد: «دعوت به خیر امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت می‌باشد. شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می‌کند». این اصل با صراحت تمام دال بر اجرا و توجه جدی قوای مقننه و مجریه را به فریضه امر به معروف و نهی از منکر، آشکار می‌سازد اصل هشتم قانون اساسی، نظارت همگانی را خنثی و یا فقط بازدارنده نمی‌داند مردم حق و حتی وظیفه دارند تا علاوه بر راهنمایی، توصیه و دعوت به خیر، دولت منتخب خویش را امر و نهی کنند. مقصود از نظارت همگانی پیدا کردن نقاط ضعف و مچ‌گیری حاکمان نیست بلکه ناشی از محبت و احساس نزدیکی و دلبستگی به دولت است. مردم نه تنها در گزینش فرمانروایان و اداره امور کشور مشارکت می‌کنند، بلکه از آن‌چه در دنیای امروز به‌عنوان حق نظارت همگانی بر هیئت حاکمه یاد می‌شود نیز برخوردار هستند. افزون بر این، نظارت همگانی تنها حق مردم

شدید چه این که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید» و آن دو را بر فریضه‌های دیگری چون اقامه نماز و پرداختن زکات، مقدم داشته و فرموده است: مردان و زنان مؤمن اولیای یکدیگرند که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند در نتیجه امت اسلامی را ملزم به انجام آن دو فریضه بزرگ کرده و می‌فرماید: باید شما امتی باشید که به اسلام می‌خوانید و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید (انصاری مقدم و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۹).

در قرآن کریم، ترک امر به معروف و نهی از منکر یکی از گناهان بنی‌اسرائیل شمرده شده است. «كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؛ (مائده، ۷۹) آن‌ها (بنی‌اسرائیل) از اعمال زشتی که انجام می‌دادند، یکدیگر را نهی نمی‌کردند چه بدکاری انجام می‌دادند.» تفاسیر و روایات این کار زشت را ترک امر به معروف و نهی از منکر دانسته است.

آیه دیگر درباره ترک این فرایض مهم توسط دانشمندان یهودی و مسیحی می‌گوید: «لَوْ لَا يَنْهَهُهُمْ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَخْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْاِثْمَ وَ أَكْلِهِمُ السَّخْتِ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ؛ (مائده، ۶۳) چرا دانشمندان نصاری و علمای یهود، آن‌ها را از سخنان گناه آمیز و خوردن مال حرام، نهی نمی‌کنند؟ چه زشت است عملی که انجام می‌دادند».

قرآن درباره سرنوشت تلخ آمران به معروف در جوامع گذشته می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ يَقْتُلُونَ النَّبِيَّ بِغَيْرِ حَقٍّ وَ يَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ (آل عمران، ۲۱) کسانی که نسبت به آیات خدا کفر می‌ورزند و پیامبران را به ناحق می‌کشند و (نیز) مردمی را که امر به عدالت می‌کنند به قتل می‌رسانند و به کیفر دردناک (الهی) پشارت‌ده».

«وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». (آل عمران، ۱۰۴) باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آن‌ها همه رستگارانند.

پیامبر صلی‌الله علیه و آله می‌فرماید: «پیروان من تا زمانی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و در راه خیر یکدیگر را کمک می‌کنند، طریقه خیر و سعادت را می‌پیمایند ولی آنگاه که این واجب الهی را ترک کنند،

انسجام و ارتباطات اجتماعی معرفی شده است و همچنین می‌تواند به‌عنوان یک مقوله مهم در ایجاد استقلال‌خواهی و خودکفایی ملت مسلمان تلقی شود. به همین دلیل ایشان ایجاد و حفظ نظام اسلامی و به استمرار آن حفظ عزت و آبروی ملت را به‌عنوان بالاترین معروف دانسته‌اند (۱۳۹۴/۱/۱). در بیانات دیگر ایشان وجود نمایندگان الهی و فقها برای پیاده‌سازی امر به معروف و نهی از منکر مورد توجه بوده است تا در همگرایی مذهب با مطالبات مدنی این فریضه به‌عنوان یک ارزش اجتماعی معرفی شود (۱۳۸۹/۷/۲۹). در کلامی دیگر ایشان این فرع دین را یکی از ارکان جهاد اسلامی معرفی کرده‌اند (۱۳۸۳/۸/۲۰). بنابراین می‌توان اهمیت و جایگاه امر به معروف و نهی از منکر را در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) این چنین جمع‌بندی کرد که:

۱- امر به معروف و نهی از منکر باید در راستای هنجارها و قوانین حکومت اسلامی و با بهره‌مندی از روش‌های اثرگذار پیاده‌سازی شود.

۲- همگانی بودن و عمومیت آن می‌تواند در مطالبه‌گری و انعکاس دغدغه‌مند بودن آحاد جامعه، به‌ویژه در مواجهه با مدیران و حاکمان اسلامی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد.

۳- امر به معروف و نهی از منکر با تأثیرگذاری بر عدالت اجتماعی و توسعه ارزش‌های اسلامی، می‌تواند به برچیده شدن پایه‌های ظلم، فساد و نابرابری‌های اجتماعی منجر شود تا سطح امنیت اجتماعی در زندگی آحاد جامعه احساس شود.

۴- امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان یک ارزش اجتماعی تلقی می‌شود و با توجه به این که به‌عنوان یکی از ارکان جهاد اسلامی است، باید منجر به ایجاد امنیت و ثبات در جامعه شود.

امنیت و امنیت اجتماعی در آیات و روایات: امنیت از موضوع‌هایی است که قرآن در آیات بسیاری به آن اشاره کرده است. در قرآن ریشه و اساس همه ابعاد امنیت در ایمان و باورهای عمیق دینی نهفته است. «وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمَنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَدَّاهَا اللَّهُ لِيَاسٍ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نمل، ۱۱۲). خداوند در این آیه

نیست بلکه وظیفه آنان است. این نظارت تکلیفی است که نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد یا در اجرای آن تساهل و تسامح نشان داد (رمضان و همکاران، ۱۴۰۰: ۴۶). نظارت مردم بر دولت از موضع ضعف و خواهش نیست. بلکه خواست و نظر مردم بر خواست و نظر مسئولان مقدم است و به همین جهت افزون بر دعوت مردم باید از موضع برتر به دولت منتخب خویش امر و نهی کنند.

❖ امر به معروف و نهی از منکر در کلام مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی):

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) انسجام و ارتباط اجتماعی و قلبی میان آحاد مردم در نظام اسلامی را به‌عنوان یکی از ثمره‌های پیاده‌سازی امر به معروف و نهی از منکر می‌داند که می‌تواند منجر به پیاده‌سازی عدالت، رعایت انصاف، ایجاد اخوت و برادری و همچنین ارتقای ارزش‌های اسلامی در جامعه شود. ایشان خاستگاه امر به معروف و نهی از منکر را در برچیدن ظلم، فساد، تبعیض، بی‌انصافی و عدم اطاعت الهی دانسته‌اند و در این زمینه توجه و پایبندی به قانون‌گرایی را مدنظر قرار داده (۱۴۰۱/۴/۷) و تأکید داشته‌اند که این فریضه باید در چارچوب قوانین حاکمیت اسلامی اجرایی شود (۱۴۰۰/۴/۷). همگانی بودن و عمومیت این فریضه نیز در کلام ایشان دیده شده است که تأکید می‌کند مشارکت‌پذیری در آینده کشور می‌تواند از خاستگاه عمومیت این فریضه شناخته شود (۱۴۰۰/۳/۱۴). ایشان پیاده‌سازی فریضه امر به معروف و نهی از منکر را در وهله اول وظیفه حکومت اسلامی دانسته و بیان داشته‌اند، جنبه عمومیت آن باید تنها در چارچوب قانون فرهنگ‌سازی شود (۱۳۹۶/۹/۹). مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) نگاه مطالبه‌گرایانه در این فریضه را برای دغدغه‌مندی رشد و توسعه کشور حائز اهمیت می‌داند و آن را به مطالبه آرمان‌ها و ارزش‌ها یاد کرده‌اند (۱۳۹۶/۳/۱۷). از دیگر تأکیدات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) این است که پیاده‌سازی امر به معروف و نهی از منکر نیازمند بهره‌مندی از روش‌های اثربخش است (۱۳۹۵/۵/۲۵). این فریضه زیربنای همه حرکت‌های اجتماعی در اسلام تلقی می‌شود و به‌عنوان یکی از پایه‌های اساسی برای نظام‌سازی،

و ترقی کشور استخراج شد. این فرایند نیز برای امنیت اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت که با توجه به آیات و روایات، بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و همچنین با قانون اساسی، امنیت اجتماعی با توجه به کلیدواژه‌های مشارکت‌پذیری، دغدغه‌مندی جامعه در نفی ناهنجاری‌ها، همکاری و تعامل جامعه با قوای انتظامی، نظم و مقررات اجتماعی، ارتباطات و تعاملات جمعی، باورهای مشترک، احساس تعلق، انتظارات و مطالبات، مسئولیت‌پذیری و همچنین رفتارها، باورها و هنجار قابلیت بررسی دارد که با توجه به همپوشانی و وجه اشتراک این عوامل، می‌توان ادعا کرد، امنیت اجتماعی در بردارنده دو بعد ارزش‌ها و هنجار و همچنین هویت اجتماعی است که در ادامه برای بررسی این ادعا از تحلیل نظرات خبرگان نیز استفاده شده است. بنابراین تجزیه و تحلیل داده‌ها در پاسخ به سؤالات زیر انجام شده است.

❖ ۱- تأثیر امر به معروف و نهی از منکر بر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی چگونه است؟

❖ ۲- تأثیر امر به معروف بر هویت اجتماعی چگونه است؟

➡ روش اجرای پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی، از نظر روش توصیفی و با توجه به روش گردآوری اطلاعات آمیخته است. جامعه آماری تحقیق در بخش کیفی کلیه اسناد و مدارک مرتبط با موضوع تحقیق بوده است و در بخش کمی از جامعه آماری کارشناسان مرتبط با ستاد امر به معروف و نهی از منکر استفاده شده است که با توجه به فرمول کوکران تعداد ۹۱ نفر به عنوان جامعه آماری نمونه در نظر گرفته شد که ویژگی‌های جمعیتی آن به صورت جدول (۱) است.

شهری را مثال می‌زند که در امن و امان بودند نعمت‌ها از هر سو می‌رسید پس ساکنانش ناسپاسی کردند؛ در نتیجه خداوند پوشش فراگیر گرسنگی و فقر را بر آن‌ها چشاند. پس فقر اقتصادی و ناامنی اجتماعی از نشانه‌های بی‌اعتنایی جامعه به اصول دینی است؛ در این آیه امنیت در رأس نعمت‌ها معرفی شده که موجب توسعه رزق و روزی در جامعه می‌شود. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور، ۵۵)؛ مصداق این آیه حکومت جهانی و پیروزی اهل ایمان و استقرار دین الهی در زمین و رسیدن به توحید و امنیت کامل است. «وَ وَاَعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَ اَنَّمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْنَةٍ مِ قَاتِ رَبِّهِ اَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَ قَالَ مُوسَى لِاَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَ اصْلِحْ وَ لَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ» (اعراف، ۱۴۲). این آیه نهی از فساد در زمین می‌کند؛ نکته مهم اینکه جامعه بعد از اصلاح در معرض خطر است. اگر سازندگی را بدون پاسداری در نظر بگیریم نوعی صرف سرمایه و کاری کم‌دوام است، باید تلاش و کوششی صورت گیرد تا از دستاوردهای جامعه خصوصاً امنیت ایجاد شده محافظت به عمل آید.

تحلیل محتوای آیات و روایات و بیانات برای استخراج کلیدواژه‌ها: در این پژوهش متغیر امر به معروف و نهی از منکر از خاستگاه ادیان الهی، آیات و روایات، قانون و همچنین بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، مورد بررسی قرار گرفت. از دیدگاه ادیان الهی و همچنین آیات و روایت خاستگاه دینی و عدالت اجتماعی این فریضه استخراج شد. از دیدگاه قانون؛ قانون‌پذیری و نظام اسلامی به‌عنوان کلیدواژه فرایندساز دریافت شد. همچنین با بررسی انتظارات و مطالبات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) که دیدگاهی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی دارند، کلیدواژه‌های دغدغه‌مندی اجتماعی، ارزش اجتماعی، جهاد در راه خدا، همگانی بودن و عمومیت، شامل امر به معروف و نهی از منکر (اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، اقتصادی و...) و پیشرفت

جدول (۱): توصیف جامعه آماری نمونه

تخصصیات	تعداد	جایگاه شغلی	تعداد	سابقه خدمتی	تعداد
دکتر	۱۶	مدیران ارشد	۲۰	کمتر از ۱۰ سال	۱۸
کارشناسی ارشد	۴۴	مدیران میانی	۲۷	۱۰ تا ۲۰ سال	۳۹
کارشناسی	۳۱	مدیر اجرایی و کارشناس	۴۴	بیش از ۲۰ سال	۳۴

پاسخگویی توسط جامعه آماری پژوهش، هماهنگی و توازن در متن ایجاد و ابهامات احتمالی برای هر پرسش مرتفع شود. به منظور تأیید روایی محتوایی پرسشنامه از شاخص روایی محتوایی CVI در طیف ۴ گزینه‌ای، «غیرمرتبط»، «نیاز به بازبینی اساسی»، «مرتبط اما نیاز به بازبینی» و «کاملاً مرتبط» استفاده شد. نتایج اولیه نشان داد، خروجی ضریب CVI برای تعداد ۴ پرسش ۰,۷۱۴ است. در واقع از تعداد ۵ کارشناس روایی پرسشنامه، تعداد ۳ نفر این پرسش‌ها را مرتبط اما نیاز به بازبینی دانسته‌اند. لذا این پرسش‌ها در گام دوم مجدداً، ویرایش شد. بعد از بازبینی، گویه‌ها دارای ضریب بالاتر از ۰,۹۵ قرار گرفت. در واقع از تعداد ۵ کارشناس، حداقل ۴ کارشناس گویه‌های مطرح شده را تأیید نموده‌اند. لذا روایی محتوایی پرسشنامه مورد تأیید قرار گرفت. به منظور آزمون پایایی متغیرهای پژوهش از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. نتایج در جدول (۲) نشان داد خروجی آزمون بالاتر از حد آستانه ۰,۷ می‌باشد. لذا می‌توان گفت پرسش‌های پژوهش، مورد تأیید بوده و به بازنگری نیاز ندارد.

جدول ۲: پایایی پرسش‌نامه بر اساس متغیرهای پژوهش

امنیت اجتماعی		امر به معروف و نهی از منکر	متغیر
هویت اجتماعی	ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی	۰,۷۲۶	ضریب آلفا
۰,۷۱۱	۰,۷۳۹		

خروجی آزمون بارتلت در جدول (۳) با سطح معناداری

پس از روایی محتوایی پرسشنامه با توجه به آزمون لاوشه، پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ و تأیید ساختاری آن با استفاده از روایی همگرایی، بررسی شد. به منظور بررسی پارامتریک بودن داده‌ها با استفاده از آزمون چولگی و کشیدگی و همچنین به منظور شناسایی سطح اهمیت متغیرها در دیدگاه مخاطبین از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد، در ادامه به منظور بررسی تأثیر امر به معروف و نهی از منکر بر متغیر امنیت اجتماعی از مدل رگرسیون چندگانه در نرم‌افزار SPSS استفاده شد.

تجزیه و تحلیل: پس از ثبت گویه‌های پرسشنامه بر اساس کلیدواژه‌های احصایی از مطالعات کتابخانه‌ای پرسشنامه‌ای در ۲۰ گویه در اختیار جامعه آماری پژوهش قرار گرفت. روایی محتوایی پرسشنامه با توجه به ضریب پرسشنامه تدوین شده برای تأیید نهایی، مجدداً در اختیار ۵ کارشناس قرار گرفت تا ضمن بررسی محتوایی آن گویه‌های پرسشنامه در هنگام بررسی و

(۰/۰۰۰) نشان داد ارتباط معناداری میان متغیرهای مورد نظر وجود داشته و داده‌های آماری برای تحلیل عاملی مناسب می‌باشند. همچنین با توجه به خروجی آزمون KMO (۰/۷۶۸) حجم آماری پرسش‌شوندگان به تعداد ۹۱ نفر قابل پذیرش است.

جدول (۳): بررسی شاخص KMO و آزمون بارتلت

Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		768.
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	1156.362
	df	435
	.Sig	0000.

در ادامه و در جدول (۴)، میانگین پاسخ‌های ثبت شده در هر گویه ارائه شده است. متغیر امر به معروف و نهی از منکر با میانگین کلی ۳,۴۹۴ و همچنین متغیر امنیت اجتماعی با میانگین کلی ۳,۵۴۴ مشخص شده است.

جدول (۴): میانگین کلی پاسخ‌های ثبت شده در هر گویه
در ادامه با استفاده از روایی همگرایی (CV) تأیید نهایی این دسته‌بندی، مورد بررسی قرار گرفت. خروجی این آزمون

متغیر	عامل	میانگین در گویه	میانگین در متغیر
امنیت اجتماعی	مشارکت‌پذیری	3.43	۳.۵۴۴
	دغدغه‌مندی جامعه در نفی ناهنجاری‌ها	3.69	
	احساس تعلق	3.74	
	نظم و مقررات اجتماعی	3.54	
	ارتباطات و تعاملات جمعی	3.84	
	باورهای مشترک	3.71	
	همکاری و تعامل جامعه با فوای انتظامی	3.58	
	انتظارات و مطالبات	3.23	
	مسئولیت‌پذیری	3.29	
الگوهای رفتاری	3.39		
امر به معروف و نهی از منکر	خاستگاه دینی	3.65	3.۴۹۴
	عدالت اجتماعی	3.42	
	دغدغه‌مندی اجتماعی	3.12	
	قانون‌پذیری	3.90	
	ارزش اجتماعی	3.65	
	جهاد اسلامی	3.72	
	نظام اسلامی	3.28	
	همگانی بودن و عمومیت	3.46	
	شمولیت امر به معروف و نهی از منکر	3.38	
	پیشرفت و ترقی کشور	3.36	

ارزیابی روایی همگرایی						ساختار بررسی شده	متغیرها
CR	AVE	$\sum \lambda_i^2$	$\sum \lambda_i$	ε_i	λ_i		
۰.۹۵۷	۰.۷۲۹	۷.۲۹۹	۸.۹۵۶	0.38	0.788	خاستگاه دینی	امر به معروف و نهی از منکر
				0.35	0.807	عدالت اجتماعی	
				0.30	0.837	دغدغه‌مندی اجتماعی	
				0.31	0.833	قانون‌پذیری	
				0.33	0.818	ارزش اجتماعی	
				0.33	0.804	جهاد اسلامی	
				0.35	0.858	نظام اسلامی	
				0.26	0.843	همگانی بودن و عمومیت	
				0.29	0.756	شمولیت امر به معروف و نهی از منکر	
				0.35	0.805	پیشرفت و ترقی کشور	
۰.۹۶۹	۰.۸۱۸	۸.۱۸۷	۹.۴۷۴	0.31	0.829	مشارکت‌پذیری	امنیت اجتماعی
				0.36	0.803	دغدغه‌مندی جامعه در نفی ناهنجاری‌ها	
				0.33	0.818	احساس تعلق	
				0.18	0.904	نظم و مقررات اجتماعی	
				0.13	0.932	ارتباطات و تعاملات جمعی	
				0.17	0.913	باورهای مشترک	
				0.24	0.872	همکاری و تعامل جامعه با قوای انتظامی	
				0.29	0.845	انتظارات و مطالبات	
				0.22	0.885	مسئولیت‌پذیری	
				0.18	0.905	الگوهای رفتاری	

جدول (۵): بررسی روایی همگرایی ساختار مبتنی بر متغیرهای پژوهش

در جدول (۵) نشان داد، ضریب میانگین واریانس استخراج شده (AVE) بالاتر از حد آستانه ۰,۵ می باشد و همچنین ضریب پایایی ترکیبی (CR) از ضریب AVE بزرگ تر بوده و همچنین از حد آستانه ۰,۷ بالاتر است. لذا روایی ساختار پیشنهاد شده، به صورت نسبی مورد پذیرش قرار گرفته است. در ادامه پارامترهای توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول (۶) ارائه شده است.

پارامتر	هویت اجتماعی	ارزش ها و هنجارهای اجتماعی	امر به معروف و نهی از منکر
Valid (قابل قبول)	۹۱	۹۱	۹۱
Mean (میانگین)	۳,۳۹۹	۳,۶۹۰	۳,۴۹۴
Std. Error of Mean (انحراف معیار از میانگین)	۰,۳۱۲۲	۰,۳۰۹۲	۰,۳۵۱۴
Median (میانه)	۳,۶۰۰۰	۳,۷۱۴۳	۳,۵۷۱۴
Std. Deviation (انحراف معیار)	۸۶۵۱۲	۸۵۶۴۲	۹۶۷۳۷
Variance (واریانس)	۱,۷۴۸	۷۳۳۱	۹۳۶۱

جدول (۶): تحلیل توصیفی داده ها

به منظور استفاده از آزمون های همبستگی مناسب، تعیین پارامتریک بودن یا نبودن داده های آماری حائز اهمیت است. روش های متعددی برای ارزیابی میزان پراکندگی فراوانی داده ها وجود دارد؛ اما با توجه به اینکه پرسشنامه های پژوهش از طیف لیکرت بوده و همچنین جامعه آماری از ۳۰ نفر بیشتر است، از آزمون چولگی و کشیدگی استفاده شده است. نتایج آزمون در جدول (۷) نشان داد، میزان چولگی و کشیدگی داده ها در بازه (۲,۲-) قرار دارد و داده های آماری با احتمال ۹۵٪ (با خطای ۵٪)، در ساختار متغیرهای ۵ گانه پارامتریک هستند. بنابراین داده های آماری، حول میانگین جامعه پراکندگی داشته اند.

برای تعیین میزان اهمیت متغیرها از آزمون تک نمونه ای تی، استفاده شد. سطح معناداری آزمون (۰,۰۰۰) در جدول

		Statistics		
		هویت اجتماعی	ارزش ها و هنجارهای اجتماعی	امر به معروف و نهی از منکر
N	Valid	۹۱	۹۱	۹۱
	Missing	0	0	۰
Mean		3.3۹۹	3.۶۹۰	۳.۴۹۴
Skewness		-.338	-.481	-.۴۲۱
Std. Error of Skewness		.136	.136	.۱۱۲
Kurtosis		-.584	-.252	-.۱۰۸
Std. Error of Kurtosis		.272	.271	.۲۸۹

جدول (۷): آزمون چولگی جهت سنجش پارامتریک بودن داده های آماری

(۸) نشان داد، متغیرهای امنیت اجتماعی و امر به معروف و نهی از منکر، می‌تواند از اهمیت نسبی برخوردار باشد. همچنین با توجه به مثبت بودن دامنه‌های آزمون، می‌توان گفت، میزان این متغیرها بالاتر از میانگین است.

جدول (۸): آزمون تی تک نمونه‌ای

نتایج تحلیل مربوط به واریانس در جدول (۹) نشان داد، ساختار کلی آزمون معنادار بوده ($p > 0,000$) و عدد

One-Sample Test						
	Test Value = 3					
	t	Df	Sig. (2-tailed)	Mean Difference	95% Confidence Interval of the Difference	
					Lower	Upper
هویت اجتماعی	7.032	۹۰	.000	.37025	.2667	.4738
ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی	12.010	۹۰	.000	.61708	.5160	.7182
امر به معروف و نهی از منکر	10.203	۹۰	.000	.48978	.3953	.5842

□ یک عدد نرمال بزرگ می‌باشد. پس می‌توان گفت که مدل رگرسیونی تعیین شده برای بررسی تأثیر امر به معروف بر روی امنیت اجتماعی مناسب خواهد است. همچنین سهم مدل در تغییرات کل (سطر سوم و ستون اول) با عدد ۷۰۳،۲۳۲، نسبت به سهم خطا یا باقی مانده‌ها (سطر اول و ستون اول) با عدد ۵۹۵،۶۳۸ بیشتر است.

جدول (۹): نتایج تحلیل واریانس

ANOVA ^a					
Model	Sum of Squares	Df	Mean Square	F	Sig.
Regression	595.638	۲	148.910	1032.459	.000 ^b
Residual	107.594	746	.144		
Total	703.232	750			

زمانی که هم خطی یا هم خطی چندگانه (عاملی برای کاهش اثرگذاری رابطه) در یک مدل رگرسیون چندگانه وجود داشته باشد، ضرایب مدل حاصل معتبر نیستند. با توجه به نتایج پارامتر Tolerance (میزان تحمل خطا) می‌توان هم خطی میان داده‌ها را بررسی نماییم که با توجه به نتایج به دست آمده رابطه همخطی میان متغیرها وجود ندارد. نتیجه ضریب همبستگی در جدول (۱۰) نشان می‌دهد که بین ساختار امر به معروف و نهی از منکر و ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد. ($r = .632, p < .01$) همچنین ضریب تعیین R^2 نشان می‌دهد که ۶۹،۲ درصد از واریانس مربوط به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، ناشی از ساختار امر به معروف و نهی از منکر است. همچنین ارزیابی استقلال خطاها به وسیله آزمون دوربین واتسون سنجیده می‌شود که با توجه به مقدار ۱،۹۸۲ (عددی نزدیک به ۲)، مستقل بودن باقی مانده‌ها تأیید می‌شود.

جدول (۱۰): نتایج ضریب همبستگی چندگانه

متغیر	R	R ²	R ² تعدیل شده	SE	F	دوربین واتسون	p
ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی	۰/۶۳۲	۰/۶۹۲	۰/۶۸۸	۸/۹	۱۴۵/۱	۱/۹۸۲	۰/۰۰۱

در ادامه برای بررسی میزان تأثیرگذاری ساختار امر به معروف و نهی از منکر بر ارزش و هنجارهای اجتماعی از آزمون آماری رگرسیون چند متغیره استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۱۱) آمده است.
جدول (۱۱): نتایج رگرسیون و برازش معادله رگرسیونی (ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی)

متغیر	ضریب بتا	خطای معیار	ضریب B	مقدار t	سطح معنی‌داری
ضریب ثابت	-۰.۲۳۹	۰.۰۷۸		-۳.۰۴۹	۰.۰۰۲
امر به معروف و نهی از منکر	۰.۲۸۱	۰.۰۴۰	۰.۳۱۰	۷.۰۲۳	۰.۰۰۰

با توجه به خروجی آزمون رگرسیون، میزان تأثیرگذاری ساختار امر به معروف و نهی از منکر ارزش و هنجارهای اجتماعی ۰.۳۱۰ است که در سطح خطای ۰.۰۱ درصد معنادار می‌باشد.
همچنین نتیجه ضریب همبستگی جدول (۱۲) نشان داد بین ساختار امر به معروف و نهی از منکر و هویت اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد. ($r=0/612, >0p/01$) همچنین ضریب تعیین R² نشان می‌دهد که ۵۱٫۶ درصد از واریانس مربوط به هویت اجتماعی، ناشی از ساختار امر به معروف و نهی از منکر است. با توجه به مقدار ۱،۹۷۸، (عددی نزدیک به ۲) مستقل بودن باقی مانده‌ها تأیید می‌شود.

جدول (۱۲): نتایج ضریب همبستگی چندگانه

متغیر	R	R ²	R ² تعدیل شده	F	دوربین واتسون	p
هویت اجتماعی	۰/۶۱	۰/۵۱۶	۰/۵۱۰	۳۷۹/۵	۱/۹۷۸	۰/۰۰۱

در ادامه برای بررسی میزان تأثیرگذاری ساختار امر به معروف و نهی از منکر بر هویت اجتماعی از آزمون آماری رگرسیون چند متغیره استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۱۳) آمده است.

جدول (۱۳): نتایج رگرسیون و برازش معادله رگرسیونی (هویت اجتماعی)

متغیر	ضریب بتا	خطای معیار	ضریب B	مقدار t	سطح معنی داری
ضریب ثابت	.099	.030	-	3.281	.001
امر به معروف و نهی از منکر	.270	.036	.239	7.511	.000

با توجه به خروجی آزمون رگرسیون، میزان تأثیرگذاری ساختار امر به معروف و نهی از منکر بر هویت اجتماعی ۰,۲۳۹ است که در سطح خطای ۰,۰۱ درصد معنادار می‌باشد.

نتیجه‌گیری

نتایج بررسی نشان داد، ساختار امر به معروف و نهی از منکر بر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و همچنین هویت اجتماعی تأثیرگذار است که با توجه به مدل رگرسیون تأثیرگذاری امر به معروف و نهی از منکر بر ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی بیشتر است. بررسی تأثیرهای فریضه امر به معروف و نهی از منکر بر حفظ ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی از منظر اسلام دارای ابعاد مختلفی است که اسلام با نگاهی همه‌جانبه به همه آن‌ها پرداخته است. ابعاد اقتصادی، نظامی و فرهنگی از عناصر مهم هستند و ابعادی مثل امنیت جانی و مالی و حیثیتی در نگاه اولیه فردی به نظر می‌رسند اما اسلام و دستورهای آن در جهت تأمین، آن‌ها را به اجتماع پیوند داده است. منطبق با مبانی ارائه شد در ساختار ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی می‌توان این چنین استدلال کرد که در چارچوب امر به معروف و نهی از منکر می‌توان مطلوب‌های زندگی را با روی گرداندن از ناهنجاری‌های اجتماعی، اخلاقی و...، ترسیم کرد. در هنگام تشریح عدالت در ساختار امر به معروف می‌توان گفت: امر به معروف و نهی از منکر نقش به‌سزایی در ایجاد جامعه عادلانه دارد و با انجام درست و کامل آن، از پایمال شدن حق محرومان جلوگیری می‌شود. از سوی دیگر، اگر مدیران و مسئولان جامعه خود را در برابر نظارت دائمی مردم ببینند، مراقب اعمال خود بوده از انجام رفتارهای

ناعادلانه پرهیز می‌کنند. مشخصاً آزادی در چارچوب شریعت اسلام هرگونه فعالیت و رفتار اجتماعی را شامل می‌شود که در چارچوب قوانین تعریف شده، می‌تواند به گسترش برنامه‌ها و آرمان‌های طرح‌ریزی شده جامعه عمل ببوشاند. بنابراین امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند آزادی‌های مدنی و قانونمند را در جامعه گسترش دهد.

هنگام پیاده‌سازی درست امر به معروف و نهی از منکر به‌ویژه برای مسئولان و افرادی که در بالاترین جایگاه‌های مدیریتی قرار دارند، احترام به ارزش و هنجارها در نزد آحاد جامعه گسترش یافته و با دیدن اثرات مثبت این فریضه، به هنجارهای اجتماعی احترام می‌گذارند. پیاده‌سازی فریضه امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند با ایجاد آگاهی‌های اجتماعی و شفافیت‌های ایجاد شده همسویی و یکرنگی را به همراه داشته و افراد جامعه را به‌عنوان یک اجتماع و ملت، پشتیبان مجریان آن قرار دهد و سطح اعتماد و مشارکت‌پذیری همگانی را در اجرای آن ارتقاء دهد. همچنین پیاده‌سازی امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند هر یک از افراد جامعه را در واکنش به ناهنجاری‌های ایجاد شده در سطح جامعه -خواه از سوی مدیران ارشد و یا توسط افراد عامه- مسئولیت‌پذیر نشان دهد و به این ترتیب با ایجاد دغدغه‌مندی‌های اجتماعی به امکانات در پیاده‌سازی دقیق امر به معروف و نهی از منکر بسیج شود. مطابق مبانی ارائه شده، همسویی و تأثیرگذاری فریضه امر به معروف و نهی از منکر بر هویت اجتماعی، همگرایی مشخصی دارد. درواقع این فریضه از یک باور مشترک در بین افراد جامعه مذهبی شکل می‌گیرد و به تدریج با توجه به علاقه افراد جامعه (نه لزوماً افراد مذهبی) به کشور و ملیت آن، این فریضه می‌تواند در گسترش شفافیت، قابل پیگیری کردن

افراد در قبال مسئولیت، ارزیابی بهنگام فرایندها و...، نقش مؤثری داشته باشد که موجب تعهد آفرینی در سطوح آحاد جامعه (اعم از مذهبی و یا غیرمذهبی) می‌شود. این هویت ایجاد شده در ساختار فریضه امر به معروف و نهی از منکر می‌تواند با پیاده‌سازی اثرگذار در گروه‌های کوچک‌تری مانند خانواده به سرعت در سطح جامعه گسترش یابد. در واقع در گام اول فریضه امر به معروف موجب تقویت هویت اجتماعی جامعه می‌شود.

پیشنهادها:

با توجه به اینکه امر به معروف و نهی از منکر بر بعد ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی که دارای شاخص‌های مشارکت‌پذیری، دغدغه‌مندی جامعه در نفی ناهنجاری‌ها، نظم و مقررات اجتماعی، ارتباطات و تعاملات جمعی، همکاری و تعامل جامعه با قوای انتظامی و همچنین مسئولیت‌پذیری است، تأثیر بیشتری دارد، پیشنهاد می‌شود، مقوله‌ها و جنبه‌های کاربردی امر به معروف برای جذب حداکثر به آحاد جامعه در دغدغه‌مندی برای رصد و حذف ناهنجاری‌های موجود در سطح جامعه، نسبت به سطح انتظارات و مطالبات نسل جوان روزآمد شده و برای پیاده‌سازی هرچه بهتر نظم و مقررات اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر به‌عنوان مقوله شفافیت اجتماعی، نمود عینی‌تری یافته و با تبیین آن برای حذف عوامل مخرب در چارچوب نهی از منکر ارتباطات و تعاملات اجتماعی همسو با مطالبات دینی ارتقا یابد. در این میان هنگامی همکاری و تعامل با قوای انتظامی کشور هنگامی می‌تواند امنیت اجتماعی را تضمین کند که آحاد جامعه هرگونه امر به معروف و نهی از منکر را در گام اول در مسئولان مشاهده کنند. بنابراین تدوین دستورالعمل‌های امر به معروفات سازمانی و نهی از منکر از منکر بر ارتباطات و تعاملات جمعی اهمیت است. از طرفی با توجه به اینکه پیاده‌سازی امر به معروف و نهی از منکر با هدفمند نمودن پیاده‌سازی این فریضه مهم آحاد جامعه را با ایدئولوژی‌های حکومت اسلامی همسو کرد. همچنین پیشنهاد می‌شود با توجه به اینکه هویت اجتماعی به صورت مشخص با سن، توانایی، قومیت، نژاد، جنسیت، گرایش جنسی، وضعیت اجتماعی-اقتصادی و مذهب، در ارتباط

است، فریضه امر به معروف و نهی از منکر باید برای هر یک از این مقوله‌ها تعریف و هدفی مشخص ارائه کند. همچنین متولیان و مجریان امر به معروف و نهی از منکر با در نظر گرفتن نتایج این پژوهش، مشارکت‌پذیری آحاد جامعه در پیاده‌سازی این فریضه را مورد توجه قرار داده تا دغدغه‌مندی جامعه در نفی ناهنجاری‌ها بتواند اثرگذاری این فریضه را ارتقا دهد. در این بین توجه به نظم و مقررات اجتماعی باید همسو با انتظارات و مطالبات آحاد جامعه ارائه شود تا احساس تعلق به انجام این فریضه بیش از پیش در سطح جامعه فرهنگ‌سازی شود. بنابراین پیشنهادهای کلی زیر برای کاربردی کردن هرچه بهتر نتایج این پژوهش ارائه می‌شود:

- ۱- مشارکت‌پذیری جامعه برای گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر متناسب با سطح فرهنگی، اجتماعی و مذهبی افراد انجام شود.
- ۲- اجرایی شدن فریضه امر به معروف و نهی از منکر در دغدغه‌مندی جامعه در نفی ناهنجاری‌ها در گام اول برای پیشرفت و ترقی کشور مورد توجه و معروفات ایجاد یک جامعه شایسته و مترقی در اولویت قرار گیرد.
- ۳- طرح‌های افشاگری منکرات در سطح مسئولان و زمامداران هم‌تراز با معرفی معروفات آن‌ها باشد.
۴. پیاده‌سازی فریضه امر به معروف و نهی از منکر نظم و مقررات اقتصادی را همسو با هنجارهای مذهبی ارائه و اشاعه کند.

فهرست منابع:

- اقلیما، مصطفی، (۱۳۸۳)، انضباط اجتماعی و نقش آن در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، تهران: اسپند هنر.
- بابایی تبار، مهدیه و احمدوند، خلیل‌الله، (۱۴۰۰)، نقش امر به معروف و نهی از منکر در امنیت جامعه از منظر فقهی، فصلنامه تخصصی قانون یار، شماره ۵.
- خوش‌فر، غلامرضا، محمدی، آرزو، محمدزاده، فاطمه و محمدی، راضیه، (۱۳۹۳). امنیت اجتماعی و سلامت اجتماعی، مجله مطالعات اجتماعی ایران (۹).
- جوادی نیا، حسین، (۱۳۹۰)، امر به معروف و نهی از منکر در آثار استاد مطهری، تهران: انتشارات صدرا.
- دوران، بهزاد، (۱۳۸۵)، هویت اجتماعی: رویکردها و نظریه‌ها، پژوهشگاه علوم انسانی و اجتماعی.
- علی یاری، امیرمحمد، (۱۴۰۲)، بررسی چگونگی بهبود

-Martinez, A., & Osornio, A. (2020). *Gender: Awareness, Identity, and Stereotyping, Encyclopedia of Infant and Early Childhood Development (Second Edition)*.

-Reese, G., Rosenmann, A., & Cameron, J.E. (2019). *The Interplay Between Social Identities and Globalization, The Psychology of Globalization, PP*.

و اصلاح اجتماعی از طریق امر به معروف و نهی از منکر، پژوهش و مطالعات اسلامی، ۵ (۴۸).

-قنبری کرمانشاهی، ثریا؛ شفیعی دارابی (مازندرانی)، سیدمحمد؛ عسگری، علیرضا، (۱۴۰۱)، بررسی راهبرد فقهی امر به معروف و نهی از منکر در کاهش آسیب‌های اجتماعی با تأکید بر راهکارهای احیا و ترویج این فریضه الهی، پژوهش‌های فقهی، ۲ (۱۸).

-فضل، حسن، (۱۴۰۰)، جایگاه و اهمیت امنیت اجتماعی در اسلام، پژوهش و مطالعات علوم اسلامی، شماره ۳.

-قربانی لاهیجی، زین‌العابدین، (۱۳۸۴)، تفسیر جامع آیات الاحکام: امر به معروف و نهی از منکر، تهران، انتشارات سایه.

-گروه نویسندگان، (۱۳۹۳)، بررسی فقهی شرط احتمال تأثیر در امر به معروف و نهی از منکر از نظر زمان و محدوده تأثیرگذاری، پژوهش‌های فقهی، ۲ (۱۰).

-میرخلیلی، سید محمود، (۱۳۸۳)، پیشگیری وضعی از نگاه آموزه‌های اسلام، حقوق اسلامی، شماره ۱.

-هاشمی، سیدمحمدحسن، کریمی‌نیا، محمدمهدی؛ دسترنج، فاطمه؛ احسانی، کیوان، (۱۴۰۱)، نگرشی بر جایگاه امر به معروف و نهی از منکر با تأکید بر آموزه‌های قرآن کریم و احادیث معصومین (ع)، معارف علوم اسلامی و علوم انسانی، شماره ۹.

منابع انگلیسی:

-Ball, T.C., & Branscombe, N.R. (2019). *When do groups with a victimized past feel solidarity with other victimized groups?, Confronting Prejudice and Discrimination The Science of Changing Minds and Behaviors, PP*.

-Carter, P. M., Bingham, C. R., Zakrajsek, J. S., Shope, J. T., & Sayer, T. B. (2014). *Social norms and risk perception: Predictors of distracted driving behavior among novice adolescent drivers. Journal of Adolescent Health, 5(54)*.

بررسی سلامت معنوی از دیدگاه زکریای رازی و تأثیر آن در آموزش اخلاقی کادر درمان

مریم پناهی زاده^۱ - مهدی قربانی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۴/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷

چکیده:

با توجه به پیچیدگی‌های زندگی پیشرفته و افزایش بیماری‌های روانی توجه به ابعاد معنوی سلامت بیش‌ازپیش ضروری است. بررسی دیدگاه‌های رازی می‌تواند به ما کمک کند تا به درک بهتری از سلامت انسان دست پیدا کنیم و روش‌های مؤثرتری برای ارتقای سلامت جسمی و روانی افراد ارائه دهیم. به‌طور خلاصه هدف این مقاله دستیابی به درک عمیق‌تر از انسان، توسعه اخلاق پزشکی، بهره‌گیری از میراث گذشتگان و پاسخگویی به نیازهای امروز است. روش

به‌کار گرفته‌شده در این مقاله روش مروری می‌باشد که با استفاده از مطالعه متون کتابخانه‌ای صورت پذیرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که تأثیرگذارترین مؤلفه‌ها در کتاب طب روحانی رازی در زمینه اخلاق و سلامت معنوی شامل این موارد می‌باشد: تعریف خاص وی از لذت، اعتدال، خودشناسی و غایت سلامت معنوی که همان سعادت انسان است. سلامت معنوی و آموزش اخلاقی کادر درمان دو مقوله جدایی‌ناپذیر هستند. با تقویت سلامت معنوی کادر درمان از طریق مباحث کاربردی مطرح‌شده در کتب پزشکان اسلامی نظیر کتاب طب روحانی رازی، می‌توان به بهبود کیفیت مراقبت‌های بهداشتی و افزایش رضایت بیماران کمک کرد.

کلمات کلیدی: سلامت معنوی، اخلاق، اعتدال، خودشناسی.

۱- مربی دروس معارف و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی آجا. maryampanahizadeh@yahoo.com

۲- استادیار دروس معارف و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی آجا.

Examining spiritual health from the point of view of Zakaria Razi and its effect on the moral education of medical staff

Maryampanahizadeh³ - Mehdi Ghorbani⁴

Abstract: Due to the complexities of modern life and the increase in mental illnesses, it is more necessary to pay attention to the spiritual dimensions of health. Examining Razi's views can help us to gain a better understanding of human health and provide more effective methods to improve people's physical and mental health. In short, the purpose of this article is to achieve a deeper understanding of human beings, develop medical ethics, benefit from the heritage of the past and respond to today's needs. **Materials and methods:** The method used in this article is a descriptive-analytical method, which is done by studying library texts and searching on a reliable website. **Findings:** The most influential components in Razi's spiritual medicine book in the field of ethics and spiritual health are: his special definition of pleasure, moderation, self-knowledge and the goal of spiritual health, which is human happiness. **Discussion and conclusion:** spiritual health and moral education of the treatment staff are two inseparable categories. By strengthening the spiritual health of the medical staff through the practical topics raised in the books of Islamic doctors such as Razi's book of spiritual medicine, it is possible to help improve the quality of health care and increase the satisfaction of patients.

3 - Education instructor and faculty member at Aja University of Medical Sciences. maryampanahizadeh@yahoo.com

4 - Assistant Professor of Education and Faculty Member, Aja University of Medical Sciences.

به جرئت گفت که انسان به سلامت معنوی دست یافته و در مسیر سعادت‌مندی قرار گرفته است (سید قریشی، ۱۳۹۵: ۱۳۸۲). بنابراین هدف از پژوهش حاضر بررسی و استخراج مؤلفه‌های اثربخش سلامت معنوی از دیدگاه زکریای رازی و کاربرد این مؤلفه‌ها در آموزش اخلاقی کادر درمان می‌باشد.

Keywords: spiritual health. Ethics, moderation, self-knowledge

مقدمه:

در حال حاضر تعریف جامعی از سلامت معنوی وجود ندارد و این موضوع می‌تواند باعث ایجاد ابهام در پیاده‌سازی برنامه‌های آموزشی شود. مسئله اصلی در جامعه ما که یک جامعه با نظام اخلاق دینی است آن است که ما با وجود داشتن منابع غنی در زمینه‌های مختلف علمی و فرهنگی، متأسفانه مصرف‌کننده تولیدات علمی و فرهنگی جوامع دیگر هستیم. برای مثال در زمینه ابعاد چهارگانه سلامت (جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی) بیشتر به تولیدات علمی جوامع دیگر نظر داریم. ما برای اجرایی کردن اثربخش بعد چهارم سلامت (سلامت معنوی) نیازمند یک چارچوب دینی، اخلاقی متناسب با فرهنگ خود هستیم؛ بنابراین با بررسی آثار بزرگ پزشکان فیلسوف خودمان می‌توانیم این چارچوب فکری را تأمین کرده و در خصوص نهادینه کردن آن در جامعه اسلامی تلاش کنیم. یکی از پزشکان فیلسوف بزرگی که در زمینه سلامت معنوی آثار بزرگ و ارزشمندی دارد حکیم محمد بن زکریای رازی است. رازی در کتاب طب روحانی سلامت معنوی را مبارزه با ردایل اخلاقی می‌داند و ۱۵ فصل از کتاب خود را به همین بحث اختصاص داده است و بیشترین تأکید او بر حاکم بودن عقل بر سایر قوا و رعایت اعتدال در استفاده از آن‌ها و مبارزه با هوی نفس است (سید قریشی، ۱۳۹۵: ۱۸۰).

پیشینه تحقیق:

رازی در کتاب طب روحانی خود به‌طور مستقیم به بحث مذکور پرداخته و از آنجا که اولویت کار ایشان پزشکی بوده موارد مذکور در طب روحانی را لازمه رفتار اخلاقی یک پزشک می‌داند. سید محمود طباطبایی برخی معیارهای اخلاق پزشکی از دیدگاه زکریای رازی را مورد بررسی قرار داده است. ماریه سید قریشی و علی احمدپور به‌طور مستقیم سلامت معنوی از دیدگاه زکریای رازی را مورد بررسی قرار داده‌اند اما در خصوص تأثیر آن در آموزش اخلاقی کادر درمان صحبتی به میان نیامده است.

وجه تمایز پژوهش‌های مرتبط با پژوهش مذکور صرفاً به بخش اول این موضوع پرداخته‌اند و در خصوص تأثیر سلامت معنوی بر آموزش اخلاقی کادر درمان پژوهشی انجام نشده است.

وجه تشابه: بخش اول پژوهش مذکور که مربوط به سلامت معنوی نفس انسان می‌باشد در مقالات مختلف از جنبه‌های اخلاقی و معنوی و روانی مورد بررسی قرار گرفته است.

مفهوم شناسی:

مفهوم و تعریف سلامت:

- از دیدگاه بقراط: تعادل میان اخلاط اربعه.
- از دیدگاه ابن‌سینا: تعادل کار اعضا و اندام‌ها.
- از دیدگاه رازی: حاکم بودن عقل بر انسان تا وی را به سعادت رهنمون کند. در آثار رازی شاهدی نداریم که سعادت را فراتر از سلامت نفس تعریف کرده باشد (قراملکی، ۱۳۸۹: ۲۲).
- سازمان بهداشت جهانی: برحسب تعریف سازمان

رازی هم برای دستیابی به سلامت معنوی سه سطح؛ کشف و شناسایی بیماری‌ها و ردایل اخلاقی، پیشگیری و درمان را مورد تأکید قرار می‌دهد. طبق نظر رازی برای در امان ماندن از ردایل اخلاقی باید قوه عاقله را بر سایر قوا حاکم کرد؛ و از هر سه قوه به نحو اعتدال استفاده کرد. رازی افراط و تفریط در استفاده از قوای تعبیه‌شده در وجود انسان را عین رذیلت می‌داند. بنابراین در صورت حاکمیت عقل و غلبه آن بر هوی نفس می‌توان

از روحیه انکار و تعصب لاقابل در حد یک نظریه قابل بررسی با آن روبرو شوند (اصفهانی، ۱۳۸۹: ۴۳).

← تعریف سلامت معنوی به صورت کلی:

تقسیم سلامت و مرض به جسمی و روانی و سخن از سلامت و بیماری جسم و سلامت و بیماری نفس ریشه یونانی دارد. به تبع این تقسیم، دو دانش طب نیز متمایز شدند: طب جسم و طب نفس. تشبیه علم اخلاق به طب و تعبیر از رذایل اخلاقی به عنوان بیماری‌های نفس در بسیاری از آثار اخلاقی وجود دارد. طب انگاری اخلاق به دست جالینوس طبیب و فیلسوف اساس اخلاق انگاری قرار گرفت. وی رساله‌ای در تشخیص بیماری نفس و رساله‌ای در تشخیص خطای نفس دارد (قراملکی، ۱۳۸۹: ۲۰).

سلامت معنوی اصطلاحی است که در دانش جدید پزشکی در بازه‌ی زمانی سال ۱۹۷۹ میلادی توسط بهداشت جهانی به عنوان رکن چهارم سلامت مطرح شد؛ یعنی علاوه بر بعد جسمانی و روانی و اجتماعی، سلامت معنوی را نیز به عنوان ضلع چهارم سلامت مورد بحث و تأیید قرار دادند (مرندی و عزیزی، ۱۳۸۹: ۱۵).

سلامت معنوی به برخورداری از حس پذیرش، احساس مثبت، اخلاق و حس ارتباط متقابل با قدرت حاکم و برتر قدسی، دیگران و خود اطلاق می‌شود که طی فرایند پویا و هماهنگ شناختی، عاطفی، کنشی و پیامدهای شخصی حاصل می‌شود. از مؤلفه‌های اصلی سلامت معنوی می‌توان به شناخت معنوی، عواطف معنوی، کنش‌های معنوی و ثمرات معنوی اشاره کرد (بخشنده بالی، ۱۴۰۰: ۴).

سلامت معنوی برخلاف آنچه مادی‌گرایان می‌پندارند می‌تواند هم در درمان بیماری‌های جسمی و هم در علاج بیماری‌های روحی و روانی کمک شایانی بکند (سید قریشی و احمدپور، ۱۳۹۵: ۱۸۰).

طب ایرانی به عنوان مکتبی مبتنی بر حکمت و فلسفه ایرانی-اسلامی از جمله رویکردهای کل‌نگر در طب به شمار می‌رود که تلاش می‌کند ضمن پرداختن به سلامت اجزای بدن انسان، نگاه به انسان به عنوان یک کل واحد را نیز در نظر داشته باشد. در این رویکرد مفاهیمی همچون سلامت و بیماری بر مبنای مفاهیم

بهداشت جهانی^۵، سلامت سه بعد جسمانی، روانی و اجتماعی دارد.

تندرستی به معنای سلامت جسمانی یکی از کاربردهای واژه سلامت است و حصر مفهوم سلامت در آن، تقلیل‌گرایی در مفهوم است. برحسب تعریف سازمان بهداشت جهانی، سلامت سه بعد جسمانی، روانی و اجتماعی دارد. عده‌ای سلامت معنوی را نیز به منزله یکی از ابعاد سلامت مورد بحث قرار می‌دهند. اگرچه از روزگار فروید به بعد روانشناسان با مفهوم سلامت روان و انسان سالم ارتباط وثیقی پیدا کردند، اما حکیمان از زمان جالینوس با مفهوم سلامت روان سروکار داشتند. یکی از کسانی که نظریه سلامت نفس را محور سامان بخشی به اخلاق و تدوین نظام اخلاقی قرار داد، محمد بن زکریای رازی است (رمضانی گیوی، ۱۴۰۰: ۲۰۵).

← دیدگاه‌های کلی در خصوص معنویت:

♥ الف: از نگاه عمومی و جهانی و متمایل به

لائسیسم:

- هدفمندی زندگی،
- تجربه ارتقاء و تعالی،
- نمود اجتماعی،
- پایبندی به بایسته‌های تعریف شده اخلاقی.
- ب- از دیدگاه مکاتب الهی:
- خداشناسی، خداجویی و خدامحوری،
- شناخت هدف خلقت و زندگی،
- تلاش در جهت تکامل معنوی و خودسازی،
- توکل (شناخت خدا به عنوان قدرت مطلق و حکمت مطلق، انجام وظایف فردی و در عین حال همواره خدا را در جایگاه خدایی و بی‌نهایت دیدن).

وقتی به روح با تعبیر قرآنی آن توجه می‌شود شکاف عمیقی میان نگرش لائسیسم از مفهوم معنویت و نگرش الهی-اسلامی می‌توان مشاهده کرد. به استناد مطالعات وسیع انجام شده، اینک دوران سازش و تعامل فعال دو حوزه دین و معنویت از یک سو و علوم انسانی و سلامت از دیگر سوست. پیروان همه ادیان الهی علی‌رغم تحریف‌های بسیار، عموماً می‌توانند به تعریف تقریباً یکسانی از سلامت، ابعاد معنوی سلامت و سلامت معنوی نزدیک شوند، تعریفی که لائیک‌ها هم می‌توانند با پرهیز

5. WHO

عمیق‌تری در هستی‌شناسی و انسان‌شناسی و با روشی برهانی مورد بررسی قرار می‌گیرند و تعریف می‌شوند (رضائی، گیوی، ۱۴۰۰: ۲۰۰).

❖ چه ارتباطی بین سلامت معنوی و اخلاق حرفه‌ای وجود دارد؟

درک عمیق از ارزش‌ها: افرادی که از سلامت معنوی بالایی برخوردارند، معمولاً ارزش‌هایی مانند انسان‌دوستی، همدلی و مسئولیت‌پذیری را درونی کرده‌اند. این ارزش‌ها، پایه و اساس اخلاق حرفه‌ای در حوزه پزشکی هستند.

افزایش همدلی و ارتباط با بیمار: سلامت معنوی به افراد کمک می‌کند تا ارتباط عمیق‌تری با بیماران برقرار کنند و نیازهای روحی و روانی آن‌ها را بهتر درک کنند. این امر، به بهبود کیفیت مراقبت‌های بهداشتی و افزایش رضایت بیماران منجر می‌شود.

افزایش مقاومت در برابر استرس: کادر درمان اغلب با شرایط استرس‌زایی زیادی روبرو هستند. سلامت معنوی به آن‌ها کمک می‌کند تا با این استرس‌ها مقابله کنند و از فرسودگی شغلی جلوگیری کنند.

تصمیم‌گیری اخلاقی بهتر: افرادی که از سلامت معنوی بالایی برخوردارند، معمولاً در موقعیت‌های پیچیده اخلاقی، تصمیم‌های بهتری می‌گیرند. آن‌ها می‌توانند با توجه به ارزش‌های خود و نیازهای بیمار، بهترین تصمیم را انتخاب کنند.

افزایش انگیزه و رضایت شغلی: سلامت معنوی به افراد کمک می‌کند تا به کار خود معنایی عمیق‌تر بدهند و از آن احساس رضایت بیشتری داشته باشند. این امر، منجر به افزایش انگیزه و بهبود عملکرد آن‌ها می‌شود.

❖ سلامت معنوی از دیدگاه رازی:

رازی با قرین دانستن کتاب طب منصوروی خود (در پزشکی تن) و کتاب طب روحانی وی (در سلامت نفس) به هر دو جنبه جسم و نفس در سلامت انسان توجه دارد که نشان‌دهنده ارتباط و تأثیر طب روحانی بر طب جسمانی و بالعکس می‌باشد. همان‌طور که در طب جسمانی پیشگیری از بیماری‌ها مقدم بر درمان است، در طب روحانی نیز رازی پیروی از عقل و دوری از هوی را عامل پیشگیرانه دانسته و در این رابطه اصولی را مطرح

می‌نماید. جدال عقل و هوی به‌عنوان دو نیروی متضاد در کسب اخلاق فاضله و یا ابتلا به بیماری نفس یکی از ویژگی‌های بارز تفکر رازی در فصول گوناگون کتاب طب روحانی می‌باشد. بعد از شناخت رذایل اخلاقی توسط خود شخص یا فرد ناظر بر اعمال وی، با بهره‌گیری از نیروی عقل و قوه تفکر به چگونگی دفع این رذایل پرداخته و در این رابطه از ساده‌گویی، حکایت‌گویی و اشعار برای رسیدن به‌غایت کتاب استفاده می‌کند، اگرچه توجه به فلاسفه یونانی و تأثیر از افکار افلاطون و جالینوس در این اثر کاملاً مشهود بوده، اما تطابق‌پذیری برخی آراء وی در شناخت و مقابله با رذایل اخلاقی با آموزه‌های اسلامی که در کتابش به‌طور مستقیم بدان‌ها اشاره نکرده، نشان از پیچیدگی‌های کشف منابع فکری رازی در این اثر می‌باشد. (بهینه، ۱۳۹۳: ۱۵۱۳)

مؤلفه‌های دخیل در سلامت معنوی از دیدگاه رازی:

❖ ۱- اخلاق سلامت محور و فردگرایانه:

طب روحانی رازی همان روانشناسی اخلاقی معاصر یا فلسفه اخلاق در برابر طب جسمانی است. نظام اخلاقی رازی را می‌توان نخستین نظام اخلاقی مدون در دوره اسلامی دانست که بر مبنای نظریه سلامت شکل می‌گیرد. رازی نوشتار خود در اخلاق را طب روحانی نام می‌نهد و آن را عدیل طب جسمانی می‌انگارد. وظیفه علم اخلاق شناخت وضعیت ناسالم و کثیف منشأ و ریشه‌های آن و پیشگیری و درمان است (قراملکی، ۱۳۸۹: ۲۵).

رازی با تأکید بر توان سنجش‌گرایانه عقل بر آن است که می‌توان به کمک این نیرو، باید و نبایدهای اخلاقی را بازشناخت. او سلامت نفس را در به‌کارگیری از خرد و حفظ جایگاه آن می‌داند؛ و بر آن است که آنچه موجبات بیماری نفس را فراهم می‌آورد همان عمل درونی انسان «هوی» است، که با تدبیر عقلانی و ادراک عیب‌های نفسانی می‌توان به پیشگیری و حتی درمان آن پرداخت. بنابراین رازی در نظام اخلاقی خود همچون طبیب به دنبال تشخیص وضعیت سالم و ناسالم نفس انسان است و در پی مراحل پیشگیری یا درمان تدریجی تفاوت‌های فردی را در نظر می‌گیرد و با به‌کارگیری توان خرد، در شناسایی عیوب و هوای نفس، تشخیص و تعریف مناسب از لذت و الم، رعایت حد وسط، کمال مطلوب را برای فرد می‌پذیرد (پناهی و فتحی، ۱۳۹۸: ۶۶).

۲- نظر رازی در مورد لذت:

در نظام اخلاقی رازی یکی از ارکان نظریه سلامت، تفسیر خاص وی از لذت است. وی منشأ بیماری‌های جسمی و روحی را در پنداشت ناروا از لذت می‌داند که سبب لذت‌طلبی آسیب‌زا می‌شود. فرد در وضعیت طبیعی، در پی لذت برمی‌آید و این لذت‌طلبی حدی ندارد که در آن حد توقف کند. رازی رساله‌ای در چیستی لذت دارد و در طب روحانی به آن ارجاع می‌دهد. از نظر وی، انسان در وضعیت طبیعی (سلامت) در پی لذت نیست بلکه لذت عبارت است از برگشت فرد از وضعیت رنج‌آور است. این وضعیت رنج‌آور حاصل عواملی است که فرد را از وضعیت طبیعی به آن رسانده است. تشنگی و گرسنگی نمونه‌هایی از چنین وضعیتی است. رفع وضعیت رنج‌آور و برگشت به وضعیت طبیعی، لذت است و بنابراین لذت‌طلبی حدی دارد که اگر به آن برسد متوقف می‌شود: وضعیت طبیعی عاری از رنج. پس قوام لذت رنج است و لذت‌طلبی‌های رنج‌آور فقط در پنداره لذت انگاشته می‌شوند. غالب حکیمان مشاء و متعالیه با این مفهوم‌سازی از لذت مخالفت دارند و لذت را به ادراک آنچه با طبع سازگار است تعریف می‌کنند (قراملکی، ۱۳۸۹: ۲۴).

۳- خودشناسی و تربیت نفس:

رازی خودشناسی را در مفهوم «شناخت عیوب نفس» به‌کار برده است. شناخت عیوب نفس گام نخست در پیشگیری و درمان بیماری‌های دل است. او در این مقام خودنقدی را توصیه نمی‌کند، بلکه روئیت نفس در آینه دیگران را مورد بحث قرار می‌دهد. چنین رفتاری محتاج بیان مهارت‌های نقدپذیری است (قراملکی، ۱۳۹۰: ۷). رازی معتقد است انسان‌ها به دلیل حب نفس و درست دانستن و نیکو پنداشتن کارهایشان نمی‌توانند از غلبه هوی بر خویشستن جلوگیری کنند یعنی در واقع حب نفس سبب می‌شود که انسان نتواند با دیده عقل خالص به اخلاق و سیرت خویشستن بنگرد تا بتواند معایب خود را شناسایی و درصدد برطرف کردن آن‌ها برآید (سید قریشی و احمدپور، ۱۳۹۵: ۱۷۷).

کسی که از احوال درونی و صفات و امیال ناموزون خود بی‌خبر است، هیچ‌فرد را کامل‌تر از خود نمی‌شناسد و

راهنمایی‌های صادقانه کسی را در حق خود نمی‌پذیرد و در نتیجه همواره دستخوش غرور و تکبر است. حال آنکه انسان هر چه بهتر و کامل‌تر خود را بشناسد و بر ضعف‌ها و نقص‌های خود واقف شود، همین وقوف بر عیب‌ها او را خاضع‌تر و افتاده‌تر می‌کند و آن سد عظیم خودبینی و خودپسندی را در هم می‌شکند و نوعی خضوع طبیعی به دنبال می‌آورد. پس یکی از راه‌های سلامت معنوی نفس شناخت عیوب نفس است که انسان باید برای رفع آن به‌موقع اقدام کند تا گام بزرگی در تکامل روح خود برداشته باشد والا بدون رفع عیوب انسان نمی‌تواند به سلامت معنوی دست یابد. (همان: ۱۸۰)

۴- راه‌های رفع عیوب نفس:

رازی استفاده از فرد دیگری را به‌منزله آینه برای رؤیت عیوب نفس توصیه می‌کند. این طریق با خودشناسی فعال به‌منزله فرایند کشف خویش و راه‌هایی چون محاسبه نفس و خود افشاگری تفاوت دارد. عدم توصیه به خود افشاگری شاید در این باشد که چون هوی بر فرد حاکم شود، شناخت او را از خود تحت تأثیر قرار دهد و احکام خودخواهانه و عیب پوشانه صادر می‌کند او بر این امر تصریح می‌کند که چون آسیب‌پذیری نفس هر زمانی ممکن است، نیاز به شناخت عیوب نفس در آینه دیگران مستمر است. مدل رازی برای شناخت عیوب نفس را می‌توان ارزیابی خویش در محیط ۳۶۰ درجه خواند (قراملکی، ۱۳۸۹: ۲۱).

قوای نفس و تعدیل آن‌ها از دیدگاه رازی: ایشان درباره قوای نفس نظر افلاطون را در کتاب طب روحانی بیان می‌کند که انسان باید به‌وسیله طب جسم و طب روحانی در تعدیل افعال سه نفس بکوشد تا از آنچه از آن‌ها خواسته شده است فراتر یا فروتر نرود و می‌گوید: در انسان سه نفس وجود دارد: یکی را نفس ناطقه و الهیه می‌نامد. دیگری را نفس غضبیه یا حیوانیه و سومی را نفس نباتیه یا شهوانیه. وی معتقد است که هدف آفرینش دو نفس حیوانیه و نباتیه، نفس ناطقه است. آفرینش نفس نباتیه برای غذا رساندن به جسمی است که همچون ابزاری برای نفس ناطقه عمل می‌کند. زیرا جسم جوهر جاودانی و غیرقابل تجزیه نیست بلکه جوهری با وجودی تدریجی و قابل تجزیه است و هر موجود قابل تجزیه برای ماندن و بقایش به جایگزین

کردن چیزی به جای قسمت نابود شده و تحلیل یافته نیازمند است. نفس غضبیه برای کمک رساندن به نفس ناطقه در فرونشاندن نفس شهویه و جلوگیری از روی آوردن نفس ناطقه به خواست‌ها و دوری از قوه تفکر است. همان قوه تفکری که اگر نفس ناطقه به درستی آن را بکار گیرد از جسمی که گرفتار آن آمده رهایی کامل پیدا می‌کند (سید قریشی و احمدپور، ۱۳۹۵: ۱۷۹).

۱- افراط و تفریط نفس نباتیه:

تفریط نفس نباتی این است که غذا نخورد و رشد نکند و به آن کمیت و کیفیتی که بدن به آن نیازمند است نرسد. افراط نفس نباتی در این است که از حد لازم بگذرد و بدن بیش از اندازه لازم بارور شود و در لذت‌ها و شهوت‌ها فرو رود (همان: ۱۸۰).

۲- افراط و تفریط نفس غضبیه:

تفریط در کار نفس غضبیه عبارت است از نداشتن غیرت، عزت نفس و دلاوری یعنی صفاتی که بدان‌ها بتوان قوه‌ی شهویه را در حال فعالیتش مقهور کرد و مانع از رسیدن به خواسته‌های آن شد؛ اما افراطش در آن بوده است که در او خودپسندی، خودبینی و برتری‌جویی به اندازه‌ای باشد که همواره به فکر مغلوب کردن مردم و سایر جانداران بوده، جز به برتری‌جویی و سلطه‌طلبی نیندیشد، مثل حالتی که برای اسکندر مقدونی پیش آمد (همان: ۱۸۱).

۳- افراط و تفریط نفس ناطقه:

تفریط در کار نفس ناطقه به آن است که شگفت‌انگیزی و عظمت این جهان در ذهنش خطور نکند و درباره آفرینش فکر و تعجب نکند و برای دست یافتن به شناخت موجودات جهان مخصوصاً شناخت بدنی که در آن قرار دارد و در وضع و عاقبت بدن پس از مرگ از خود علاقه‌ای نشان ندهد. افراط نفس ناطقه در این است فکر و اندیشه در امور یادشده آنچنان بر او چیره شود که میل به غذا را از نفس شهویه بگیرد و حتی اموری را که برای اصلاح و سلامت جسم و در جهت استمرار حالت طبیعی مغز به آن‌ها نیاز است مثل خواب و استراحت از او سلب کند. اگر نفس ناطقه نهایت توانش را در پژوهش و تحصیل آگاهی به کار بگیرد و در کوتاه‌ترین زمان ممکن

به این امور برسد، در آن هنگام جسم حالت طبیعی‌اش را از دست می‌دهد و در شک و وسواس مالیخولیایی واقع می‌شود و به‌منظور سرعت در رسیدن به مقصود تمام دستاوردهای خود را از دست می‌دهد (همان: ۱۸۱).

نقش عقل در سلامت نفس: از عبارات رازی در توصیف عقل می‌شود این‌گونه استنباط کرد که عقل یکی از نعمت‌های بزرگ اعطایی خداوند متعال به انسان است که اگر به درستی از آن بهره‌برداری شود و افراط و تفریط در کار نباشد، می‌تواند به سعادت‌مندی انسان منجر شود. سلامت نفس آدمی هم‌بستگی به سلامت عقل انسان دارد که اگر بتواند قوه عاقله را بر سایر قوا حاکم کند و آن را از مرتبه عالی خود تنزل ندهد در این صورت سالم بودن نفس تضمین می‌گردد؛ و انسان سالم از دیدگاه رازی کسی است که در هر امری از فرمان عقل و خواسته هوی آگاه باشد و فرمان عقل را بر خواسته هوی برگزیند (همان: ۱۸۲).

مراد از عقل در اینجا، عقل عملی و خرد سنجش‌گر نیک و بدکردار و باید و نبایدها است. به فرمان عقل بودن ما را به سعادت رهنمون است. در آثار رازی شاهدی نداریم که سعادت را فراتر از سلامت نفس تعریف کرده باشد (سلیمانی و منصور، ۱۳۹۷: ۴۵).

نقش اعتدال در نظریات اخلاقی رازی:

رازی در کتب طب روحانی آنجایی که ملاک‌های تشخیص سلامت نفس را بررسی می‌کند ابتدا به اعتدال قوای نفس اشاره می‌کند. می‌گوید: سلامتی نفس را می‌توانیم از حالت اعتدال قوا تشخیص دهیم و اینکه دچار افراط و تفریط در عملکرد خود نشوند. (به پیروی از افلاطون) دومین معیار برای تشخیص سلامت نفس، زهد و برخورداری حداقلی است مثلاً در خصوص شراب رازی حداقل کفایت برای ضرورت درمانی را توصیه می‌کند. همچنین حد معقول در خوردن را کفاف می‌داند و می‌گوید: هدف از خوردن التذاذ نیست بلکه برای بقاء است. سومین معیار سنجش عواقب آثار رفتار از حیث میزان لذت و رنج (با محاسبه رنج احتمالی) و انتخاب ارجح علامت سلامتی فرد یا تبعیت وی از فرمان عقل است (سید قریشی و احمدپور، ۱۳۹۵: ۱۸۲).

رازی در جای دیگر از کتاب طب روحانی آنجا که به تعریف سلامت می‌پردازد صرفاً به تعریف اکتفا نمی‌کند

حقیقی نفس است. از نظر رازی بعد حقیقی انسان همان نفس ناطقه است که جوهری مجرد و زوال ناپذیر بوده و سعادت حقیقی نیز مربوط به این قوه است و دیگر قوا در خدمت به این قوه و کمال آن فعالیت می‌کنند و چون نفس ناطقه در عالم ماده با این قوای جسمانی در ارتباط بوده باید از این قوا و تعلقات آن رهایی یابد. بنابراین مقصود از رهایی، رهانیدن نفس ناطقه از نفس نباتی و حیوانی یا به عبارتی رهایی قوه عاقله از قوه شهوانیه و غضبیه است و این از راه خو گرفتن نفس با اموری که از سنخ نفس ناطقه یعنی امور عقلی و مجردات همچون کسب علم و دانش هستند می‌باشد. رازی در کتاب طب روحانی خود بیان می‌کند که این جهان، جهان تباهی و درد و رنج است و انسان تا زمانی که در این عالم است و آن را نشناخته باشد و خود را از تعلقات آن نرهاند، گرفتار درد و رنج خواهد بود. می‌توان گفت زکریا همچون ابن‌سینا سعادت را رهایی از رنج و رسیدن به لذت می‌داند. یعنی انسان سعادت‌مند انسانی است که گرفتار هیچ رنج و المی نباشد و البته چون زکریای رازی منشأ رنج و الم را عالم ماده می‌داند راه رهایی از رنج را در رهایی از همین عالم ماده نیز می‌بیند (سلیمانی و منصور، ۱۳۹۷: ۵۰).

یافته‌ها:

تأثیر مؤلفه‌های سلامت معنوی از دیدگاه رازی در آموزش اخلاقی کادر درمان

نقش لذت به معنای وضعیت طبیعی عاری از رنج در آموزش اخلاقی کادر درمان:

بحث لذت به‌عنوان یک وضعیت طبیعی عاری از رنج در آموزش اخلاقی کادر درمان، موضوعی پیچیده و چندوجهی است. از یک‌سو، لذت به‌عنوان یک تجربه انسانی طبیعی و مطلوب شناخته می‌شود و از سوی دیگر، تعقیب بی‌حد و حصر لذت می‌تواند به اخلاقیات فردی و حرفه‌ای آسیب برساند.

لذت و اخلاق در نگاه اول متناقض به نظر می‌رسند؛ ممکن است در نگاه اول، لذت و اخلاق دو مفهوم متناقض به نظر برسند؛ اما واقعیت این است که لذت می‌تواند به‌عنوان یک انگیزه قدرتمند برای انجام کارهای خوب و اخلاقی عمل کند. کادر درمان، با کمک به بهبود وضعیت

بلکه به ارائه ملاک در خصوص تشخیص وضعیت سالم از ناسالم می‌پردازد. سه معیار را مدنظر قرار می‌دهد که معیار دوم متناسب با معنای اعتدال است. شرح سه معیار:

۱- سنجش عواقب و آثار رفتار از حیث میزان لذت و رنج (با محاسبه رنج احتمالی) و انتخاب ارجح علامت سلامتی فرد یا تبعیت وی از فرمان عقل است.

۲- رعایت حد وسط براساس دیدگاه افلاطونی و (نه ارسطویی) نیز در موضعی بکار گرفته شده است.

۳- برخورداری حداقلی در مواضع دیگر نشان سلامت است. تلقی رازی از خوردن، خوابیدن، برخورداری از تمتعات متعدد، دارو انگاری آن‌هاست که باید حداقل به معنای حد کفایت بسنده کرد (قراملکی، ۱۳۸۹: ۲۴).

او در اخلاق طریق اعتدال را برگزیده، از اسراف در زهد و ترک دنیا دوری می‌جوید و اعمال و رفتار سقراط را مثل اعلی و اسوه حسنه می‌داند که یک فیلسوف باید از آن پیروی کند. او میزان مطلق برای اخلاق قائل نیست هرچند که به‌شدت طرفدار برابری انسان‌هاست و نمی‌تواند تصور کند که خداوند برخی از آن‌ها را بر برخی دیگر ترجیح داده است؛ اما از آنجایی که طبیعانه به اخلاق می‌پردازد، مبانی و عوامل اخلاقی را برای دانشمندان و توده مردم، بی‌نیاز و نیازمند، یکسان نمی‌داند. بلکه برای هر کدام نسخه‌ای جدا تجویز می‌کند و تأکید می‌کند که فیلسوف اخلاق باید میان حد اعلی و اسفل را برگزیند (سلیمانی و منصور، ۱۳۹۷: ۴۵).

غایت سلامت معنوی از نظر رازی:

غایت اصلی طب روحانی اصلاح اخلاق نفس و نیل به سعادت می‌باشد. سعادت حقیقی نزد رازی رهایی تام و تمام است. به این معنا که انسان نفس خود را که گرفتار آمیزش با تن است، از زندان تن و جهان تنانی آزاد کند و به کمال برساند. به هر میزان که انسان نفس خود را از این حدود جسمانی و نواقص منبعث از آن مرتفع سازد به سعادت و کمال نزدیک‌تر می‌شود. رازی در متون خود بر مفهوم یا معنای رهایی تأکید و تصریح می‌کند و همان‌طور که در اصل دوم مشهود است وی در این اصل از رهایی نفس از این عالم و هدایت شدن به عالم دیگر سخن به میان می‌آورد و خواهان نجات نفس از درد و رنج عالم مادی و هیولانی و رسیدن به عالم روحانی و عالم

بیماران و کاهش رنج آن‌ها، می‌توانند احساس رضایت و لذت فراوانی را تجربه کنند.

◀ نقش لذت در آموزش اخلاقی کادر درمان:

انگیزه درونی: لذت ناشی از کمک به دیگران می‌تواند به‌عنوان یک انگیزه درونی قوی برای کادر درمان عمل کند و آن‌ها را به انجام وظایف خود با جدیت و تعهد وادار کند.

افزایش رضایت شغلی: تجربه لذت از کار می‌تواند باعث افزایش رضایت شغلی در کادر درمان شود و در نتیجه، باعث بهبود عملکرد آن‌ها و کاهش فرسودگی شغلی شود.

تقویت همدلی: درک لذت دیگران و تلاش برای افزایش آن، می‌تواند به کادر درمان کمک کند تا همدلی بیشتری با بیماران برقرار کنند و به نیازهای آن‌ها بهتر پاسخ دهند.

توسعه اخلاق حرفه‌ای: تجربه لذت از انجام کارهای اخلاقی می‌تواند به تقویت اخلاق حرفه‌ای در کادر درمان کمک کند و آن‌ها را به رعایت اصول اخلاقی در همه شرایط وادار کند.

◀ خطرات تعقیب بی‌حد و حصر لذت:

⊕ اگرچه لذت می‌تواند یک نیروی مثبت باشد، اما تعقیب بی‌حد و حصر آن می‌تواند به عواقب منفی منجر شود. برای مثال:

توجه کمتر به وظایف: اگر کادر درمان بیش‌ازحد بر لذت شخصی خود تمرکز کنند، ممکن است از وظایف خود غافل شوند و به بیماران به‌اندازه کافی توجه نکنند.

تضاد منافع: در برخی موارد، تعقیب لذت شخصی ممکن است با منافع بیماران در تضاد باشد. برای مثال، یک پزشک ممکن است برای کسب درآمد بیشتر، اقدام به انجام آزمایش‌های درمان‌های غیرضروری کند.

کاهش همدلی: تمرکز بیش‌ازحد بر لذت شخصی می‌تواند باعث کاهش همدلی با بیماران شود و کادر درمان را به افرادی خودمحور تبدیل کند.

اعتدال کلید موفقیت: بنابراین، برای استفاده بهینه از لذت در آموزش اخلاقی کادر درمان، باید به دنبال اعتدال بود. کادر درمان باید هم به دنبال لذت از کار خود باشند و هم به وظایف حرفه‌ای خود پایبند باشند.

◀ راهکارهایی برای تقویت نقش لذت در آموزش اخلاقی کادر درمان:

تأکید بر ارزش‌های انسانی: در آموزش اخلاقی کادر درمان باید بر ارزش‌های انسانی مانند همدلی، احترام، عدالت و مهربانی تأکید شود.

ایجاد محیط کاری مثبت: ایجاد محیط کاری مثبت و حمایت‌گر می‌تواند به افزایش رضایت شغلی و کاهش فرسودگی شغلی در کادر درمان کمک کند.

تشویق به یادگیری مداوم: تشویق کادر درمان به یادگیری مداوم و توسعه مهارت‌های خود می‌تواند به افزایش اعتمادبه‌نفس و رضایت شغلی آن‌ها کمک کند.

تأکید بر اهمیت تعادل کار و زندگی: کادر درمان باید یاد بگیرند که چگونه بین کار و زندگی شخصی خود تعادل برقرار کنند تا از فرسودگی شغلی جلوگیری کنند.

◀ نقش اعتدال در آموزش اخلاقی کادر درمان

اعتدال؛ کلیدی برای تعادل در مراقبت‌های بهداشتی است. اعتدال، به معنای پرهیز از افراط و تفریط، در تمامی جنبه‌های زندگی از جمله آموزش اخلاقی کادر درمان از اهمیت بالایی برخوردار است. در حوزه مراقبت‌های بهداشتی، اعتدال به معنای یافتن تعادل میان نیازهای بیمار، الزامات حرفه‌ای و محدودیت‌های منابع است.

⊕ چرا اعتدال در آموزش اخلاقی کادر درمان اهمیت دارد؟

حفظ تعادل میان همدلی و بی‌طرفی: کادر درمان باید همدل با بیماران باشد و در عین حال بی‌طرفی خود را حفظ کند تا بتواند تصمیمات بالینی درستی بگیرد.

پیشگیری از سوءاستفاده از قدرت: اعتدال از سوءاستفاده از قدرت توسط کادر درمان جلوگیری می‌کند. برای مثال، یک پزشک باید از قدرت خود برای تحمیل باورهای شخصی بر بیمار استفاده نکند.

تأمین نیازهای همه بیماران: اعتدال به کادر درمان کمک می‌کند تا نیازهای همه بیماران را به‌طور یکسان در نظر بگیرد و از تبعیض جلوگیری کند.

حفظ سلامت روان کادر درمان: رعایت اعتدال به کادر درمان کمک می‌کند تا از فرسودگی شغلی و مشکلات روحی روانی جلوگیری کنند.

آن‌ها کمک می‌کند تا این احساسات را بهتر بشناسند و آن‌ها را مدیریت کنند. این موضوع به آن‌ها کمک می‌کند تا در برقراری ارتباط با بیماران و همکاران خود موفق‌تر باشند.

۳- با شناخت عمیق از خود، کادر درمان می‌تواند بهتر با احساسات و نیازهای دیگران همدلی کند. این موضوع به آن‌ها کمک می‌کند تا ارتباط بهتری با بیماران برقرار کنند و به آن‌ها کمک کنند تا احساس کنند که دیده شده و شنیده شده‌اند.

۴- خودشناسی به کادر درمان کمک می‌کند تا با منابع درونی خود ارتباط برقرار کنند و از آن‌ها برای مقابله با استرس و اضطراب استفاده کنند. این موضوع به آن‌ها کمک می‌کند تا سلامت روان خود را حفظ کنند و در نتیجه بتوانند خدمات بهتری به بیماران ارائه دهند.

۵- خودشناسی به کادر درمان کمک می‌کند تا مهارت‌های ارتباطی خود را بهبود بخشند. آن‌ها با شناخت نقاط قوت و ضعف خود در ارتباط با دیگران، می‌توانند روش‌های مؤثرتری برای برقراری ارتباط با بیماران و همکاران خود پیدا کنند.

چگونه می‌توان خودشناسی را در آموزش اخلاقی کادر درمان تقویت کرد؟

برگزاری کارگاه‌های خودشناسی: برگزاری کارگاه‌های خودشناسی با استفاده از روش‌های مختلف مانند مدیتیشن، تمرینات گروهی و پرسشنامه‌ها می‌تواند به کادر درمان کمک کند تا خود را بهتر بشناسند.

تشویق به مطالعه و تحقیق: تشویق کادر درمان به مطالعه کتاب‌ها و مقالات مرتبط با خودشناسی و روانشناسی می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا دانش خود را در این زمینه افزایش دهند.

ایجاد فرصت برای بازخورد: ایجاد فرصت برای دریافت بازخورد از همکاران و بیماران می‌تواند به کادر درمان کمک کند تا نقاط قوت و ضعف خود را بهتر بشناسند.

تأکید بر اهمیت سلامت روان: تأکید بر اهمیت سلامت روان و ارائه خدمات مشاوره‌ای به کادر درمان می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا با مشکلات روانی خود مقابله کنند و عملکرد بهتری داشته باشند.

چگونه می‌توان اعتدال را در آموزش اخلاقی کادر درمان تقویت کرد؟

تأکید بر اهمیت تعادل: در برنامه‌های آموزشی باید به اهمیت حفظ تعادل در تمامی جنبه‌های کار کادر درمان تأکید شود.

آموزش مهارت‌های ارتباطی مؤثر: آموزش مهارت‌های ارتباطی مؤثر به کادر درمان کمک می‌کند تا بتوانند به‌طور مؤثر با بیماران و همکاران خود ارتباط برقرار کنند و از ایجاد تنش جلوگیری کنند.

تأکید بر اهمیت خودآگاهی: کادر درمان باید به اهمیت خودآگاهی و شناخت نقاط قوت و ضعف خود پی ببرند تا بتوانند بر روی بهبود نقاط ضعف خود کار کنند.

ایجاد فضایی امن برای بحث و گفتگو: ایجاد فضایی امن برای بحث و گفتگو در مورد مسائل اخلاقی به کادر درمان کمک می‌کند تا دیدگاه‌های مختلف را درک کنند و به تصمیمات مشترک برسند.

ارائه آموزش‌های مداوم: آموزش‌های مداوم در حوزه اخلاق پزشکی به کادر درمان کمک می‌کند تا با آخرین تحولات در این زمینه آشنا شوند و دانش خود را به‌روز نگه دارند.

خودشناسی و تأثیر آن در آموزش اخلاقی کادر درمان

خودشناسی فرایندی است که در آن فرد به شناخت عمیق از خود، از جمله نقاط قوت، ضعف، ارزش‌ها، باورها، احساسات و انگیزه‌های خود می‌پردازد. این شناخت به فرد کمک می‌کند تا خود را بهتر بشناسد و در نتیجه بتواند روابط بهتری با دیگران برقرار کند، تصمیمات بهتری بگیرد و در زندگی خود موفق‌تر باشد.

اما خودشناسی چه ارتباطی با آموزش اخلاقی کادر درمان دارد؟

۱- خودشناسی به کادر درمان کمک می‌کند تا ارزش‌ها و باورهای شخصی خود را بشناسند. این شناخت به آن‌ها کمک می‌کند تا در موقعیت‌هایی که ارزش‌های شخصی آن‌ها با ارزش‌های حرفه‌ای در تضاد است، تصمیمات آگاهانه‌تری بگیرند.

۲- کادر درمان در مواجهه با بیماران و خانواده‌های آن‌ها با احساسات مختلفی روبرو می‌شوند. خودشناسی به

ترویج تفکر انتقادی: آموزش تفکر انتقادی به کادر درمان کمک می‌کند تا بتوانند مسائل اخلاقی را به صورت عمیق‌تر بررسی کنند و تصمیمات آگاهانه‌تری بگیرند. ایجاد فرصت برای رشد معنوی: فراهم کردن فرصت‌هایی برای رشد معنوی مانند مدیتیشن، یوگا و شرکت در گروه‌های مذهبی یا معنوی می‌تواند به کادر درمان کمک کند تا سلامت معنوی خود را بهبود بخشند. تأکید بر اهمیت تعادل کار و زندگی: کادر درمان باید یاد بگیرند که چگونه بین کار و زندگی شخصی خود تعادل برقرار کنند تا از فرسودگی شغلی جلوگیری کنند. ترویج فرهنگ حمایت و همدلی: ایجاد فرهنگ حمایت و همدلی در محیط کار می‌تواند به کادر درمان کمک کند تا احساس کنند که بخشی از یک تیم هستند و از حمایت همکاران خود برخوردارند.

نتیجه‌گیری:

با توجه به توضیحات ارائه شده در خصوص مؤلفه‌های سلامت معنوی از دیدگاه زکریای رازی می‌توان چارچوبی منظم و ساختار یافته متناسب با فرهنگ و نظام اخلاقی و دینی جامعه ایران ارائه کرد.

- ۱- سلامت معنوی و آموزش اخلاقی کادر درمان دو مقوله جدایی‌ناپذیر هستند. با تقویت سلامت معنوی کادر درمان، می‌توان به بهبود کیفیت مراقبت‌های بهداشتی و افزایش رضایت بیماران کمک کرد.
- ۲- با توجه به این دیدگاه، سلامت معنوی می‌تواند نقش بسیار مهمی در آموزش‌های اخلاقی کادر درمان داشته باشد. برخی از این نقش‌ها عبارت‌اند از:
 - ارتباط بهتر با بیمار: یک پیراپزشک با سلامت معنوی بالا، می‌تواند ارتباط عمیق‌تری با بیمار برقرار کند و به او کمک کند تا بهتر با بیماری خود کنار بیاید.
 - کاهش استرس و اضطراب: سلامت معنوی به پیراپزشک کمک می‌کند تا با استرس و فشار کاری بهتر مقابله کند و از بروز مشکلات روحی و روانی جلوگیری کند.
 - افزایش رضایت شغلی: پیراپزشکی که به سلامت معنوی خود اهمیت می‌دهد، از کار خود رضایت بیشتری دارد و احساس مفید بودن می‌کند.
 - ترویج سبک زندگی سالم: پیراپزشک می‌تواند با الگو بودن، سبک زندگی سالم را در جامعه ترویج دهد.
 - بهبود کیفیت مراقبت‌های بهداشتی: پزشکان با

غایت سلامت معنوی و ارتباط آن با آموزش اخلاقی کادر درمان

غایت سلامت معنوی به معنای رسیدن به بالاترین سطح ممکن از رشد معنوی و ارتباط با خود، دیگران و جهان اطراف است. این شامل احساس هدفمندی، آرامش درونی، اتصال به چیزی بزرگ‌تر از خود و توانایی مواجهه با چالش‌های زندگی با امید و معنایی است (سلیمانی و منصور، ۱۳۹۷: ۵۱).

سلامت معنوی و آموزش اخلاقی کادر درمان ارتباط تنگاتنگی با هم دارند. در واقع، سلامت معنوی می‌تواند به عنوان پایه و اساس آموزش اخلاقی در نظر گرفته شود. برخی از مهم‌ترین ارتباطات این دو عبارت‌اند از:

تقویت همدلی و مهربانی: افراد با سلامت معنوی بالا، توانایی همدلی عمیق‌تری با دیگران دارند و به راحتی می‌توانند خود را جای دیگران بگذارند. این ویژگی برای کادر درمان که با بیماران در شرایط مختلف روبرو هستند، بسیار مهم است.

افزایش تحمل و صبر: افراد معنوی، صبر و تحمل بیشتری در برابر سختی‌ها و چالش‌ها از خود نشان می‌دهند. این ویژگی به آن‌ها کمک می‌کند تا در شرایط سخت و پر استرس کاری، آرامش خود را حفظ کنند.

تقویت حس مسئولیت‌پذیری: افراد معنوی، احساس مسئولیت‌پذیری بیشتری نسبت به جامعه و دیگران دارند. این امر آن‌ها را به ارائه بهترین خدمات به بیماران و جامعه ترغیب می‌کند.

تقویت انگیزه درونی: افراد معنوی، انگیزه درونی قوی‌تری برای انجام کارهای خوب و خدمت به دیگران دارند. این انگیزه، آن‌ها را به کادر درمانی دلسوز و متعهد تبدیل می‌کند.

افزایش تاب‌آوری: افراد معنوی، تاب‌آوری بالاتری در برابر مشکلات و استرس‌ها دارند. این ویژگی به آن‌ها کمک می‌کند تا در مواجهه با شرایط دشوار، از خودشان محافظت کنند و به کار خود ادامه دهند.

چگونه می‌توان سلامت معنوی را در آموزش اخلاقی کادر درمان تقویت کرد؟

تأکید بر ارزش‌های انسانی: در آموزش اخلاقی کادر درمان باید بر ارزش‌های انسانی مانند همدلی، احترام، عدالت و مهربانی تأکید شود.

رازی. موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل شعبه تهران.

- خاکدوست، حمیدرضا (۱۳۹۹)، رجب نژاد، محمدرضا. طب روحانی جدال عقل و هوی از دیدگاه رازی. مجله تاریخ پزشکی. دوره دوازدهم، شماره چهارم و دوم. - اصفهانی، سیدمهدی (۱۳۸۹)، سلامت معنوی و دیدگاه‌ها. فصلنامه اخلاق پزشکی. سال چهارم. شماره ۱۴.

- رضانی گیوی، سمانه، مرادی، حسن (۱۴۰۰)، ماندارکار، الهام. تعریف سلامت و بیماری از دیدگاه ابن‌سینا و طب رایج. مجله طب سنتی اسلام و ایران. سال دوازدهم شماره ۳.

- بخشنده بالی، عباس (۱۴۰۰)، انسان معاصر و فراموشی سلامتی بر پایه‌های خرد بوعلی سینا. مجله پژوهش در دین و سلامت. دوره ۷، شماره ۳.

- مرندی، سیدعلیرضا، عزیزی، فریدون (۱۳۸۹)، مشکل تعیین جایگاه و دشواری‌های استقرار مفهوم سلامت معنوی در جامعه ایرانی-اسلامی، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال چهارم، شماره ۱۴.

- قنبری، رضا، محمدی‌مهر، مژگان (۱۳۹۹)، رابطه معنویت اسلامی و سلامت معنوی با اخلاق حرفه‌ای در دستیاران داخلی دانشگاه‌های علوم پزشکی تهران. مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، شماره ۲۰.

- حسین‌پناهی، شیدا، میلاد، فتحی (۱۳۹۸)، اخلاق از دیدگاه زکریای رازی، فصلنامه تاریخ و تمدن ایران و اسلام، شماره ۱، دوره ۴.

- امیدواری، سپیده (۱۳۸۷)، سلامت معنوی، مفاهیم و چالش‌ها. فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآنی. سال اول. شماره اول.

- بهینه، فهیمه (۱۳۹۳)، مقایسه تطبیقی نظریه فروید با زکریای رازی درباره بهداشت روانی. اولین کنگره تفکر و پژوهش دینی.

- شاد، علی‌اکبر، مهدی، عباس‌زاده (۱۳۹۸)، مبانی سلامت معنوی. نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی. سال سوم. شماره ۲.

- محقق، مهدی (۱۳۵۲)، فیلسوف ری محمدبن زکریای رازی. موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل شعبه تهران.

سلامت معنوی بالا، می‌توانند مراقبت‌های بهداشتی با کیفیت‌تری ارائه دهند و به بهبود سلامت جامعه کمک کنند.

توسعه تفکر انتقادی و حل مسئله: سلامت معنوی به پزشکان کمک می‌کند تا با دید بازتری به مسائل نگاه کنند و راه‌حل‌های خلاقانه‌تری برای مشکلات پیدا کنند.

البته چالش‌هایی هم در ارتباط با این مسئله وجود دارد: کمبود منابع و امکانات: در بسیاری از دانشگاه‌ها، منابع و امکانات کافی برای آموزش و تقویت سلامت معنوی دانشجویان وجود ندارد.

منابع:

- بوستانچی، امین و صمد دیلمقانی (۱۳۹۲)، مبانی و عناصر اخلاق در اندیشه محمدبن زکریای رازی، مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد؛ و مورد حمایت دانشگاه آزاد.

- قراملکی، احد فرامرز (۱۳۹۰)، نظریه خودشناسی رازی در طب روحانی و جایگاه آن در نظام اخلاقی وی. انسان پژوهی دینی سال هشتم. شماره ۲۵.

- طباطبایی، سید محمود (۱۳۹۱)، برخی معیارهای اخلاق پزشکی از دیدگاه محمدبن زکریای رازی... مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی.

- قراملکی، احد فرامرز (۱۳۸۹)، نظریه انسان سالم در نظام اخلاقی رازی. انسان پژوهی دینی سال هفتم. شماره ۲۴.

- محمد بن زکریای رازی (۱۳۸۰)، طب روحانی (رساله در روانشناسی اخلاق). و انوش پارسى: پرویز اذکانی. تهران. اهل قلم.

- سلیمانی، ثریا، منصوری، عباسعلی (۱۳۹۷)، ضرورت تعلیم فلسفه برای نیل به سعادت از دیدگاه محمدبن زکریای رازی. نشریه فلسفه. سال ۴۶. شماره ۲.

- ابوبکر محمدبن زکریای رازی (۱۳۱۵)، سیرت فلسفی. ترجمه عباس اقبال. تهران، مطبعه مهر.

- سیدقربیشی، ماریه، احمدپور، علی (۱۳۹۵)، سلامت معنوی نفس از دیدگاه زکریای رازی در کتاب طب روحانی. پژوهش‌های اخلاقی. سال هفتم. شماره ۲.

- محقق، مهدی (۱۳۵۲)، فیلسوف ری محمدبن زکریای

تحلیل قرآنی حجاب زن از منظر امام خامنه‌ای

مقاله

بهرروز محمدی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷

چکیده:

به‌غیر از آیات و روایات اسلامی، اندیشمندان مسلمان و بزرگان معاصر، افرادی بوده و هستند، از جمله مقام معظم رهبری که با نگاهی جامع و مانع، به مسئله زن و حجاب زن آموزه‌های ناب‌ی درباره حجاب در اختیار جامعه قرار داده‌اند، که قطعاً این نظرات راهگشا و قابل استفاده کاربردی است. هدف از این پژوهش، تحلیل قرآنی حجاب از منظر مقام معظم رهبری است که از روش کتابخانه‌ای به شیوه توصیفی تحلیلی و اسنادی صورت گرفته و یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که ایشان حجاب را امری شرعی و سپس عقلی می‌دانند و آن را موجب حفظ زن و آن را سازگار با طبیعت زن و بی‌حجابی را حرکتی به‌سوی خلاف طبیعت زن معرفی می‌کنند.
کلیدواژه‌ها: مقام معظم رهبری، حجاب، قرآن، زن

حجاب یکی از مهم‌ترین ارزش‌های دین مبین اسلام است که به زنان اجازه می‌دهد با حفظ جایگاه انسانی خود در فعالیت‌های اجتماعی نقش کارآمد داشته باشند. مسلماً زن بدون حجاب نمی‌تواند آزادی، کرامت و آرامش خود را پاس بدارد و حضور او مفید و سازنده نخواهد بود، امروز هم مسئله حجاب و رابطه حکومت باحجاب، امری چالشی شده و نیازمند تحقیق و بررسی است،

^۱ طلبه مشغول به تحصیل سطح ۴ حوزه علمیه قم، 403Behroz Mohammadi@gmail.com

Quranic Analysis of Women's Hijab from the Perspective of Imam Khamenei.

Abstract:

Hijab is one of the most important values of the religion of Islam, which allows women to play an effective role in social activities while maintaining their human status. Certainly, a woman without hijab cannot maintain her freedom, dignity, and peace, and her presence will not be useful and constructive. Today, the issue of hijab and the relationship between the government and hijab has become a challenge and requires research and study. In addition to Islamic verses and narrations, Muslim thinkers and contemporary elders have been and are individuals, including the Supreme Leader, who have provided society with pure teachings about hijab with a comprehensive and unobstructed view of the issue of women and women's hijab. These views are certainly path-breaking and practical. The purpose of this research is to analyze the Quranic hijab from the perspective of the Supreme Leader, which was conducted through a library method in a descriptive, analytical and documentary manner. The research findings indicate that he considers hijab to be a religious and then rational matter, and he considers it to be a means of protecting women and compatible with women's nature, and introduces non-hijab as a move against women's nature.

Key words: Supreme Leader, Hijab, Quran, Woman.

مقدمه:

حجاب یکی از ارکان اعتقادات مسلمانان می‌باشد که در دین مبین اسلام، تأکید ویژه‌ای بر آن شده است، هم در قرآن و هم در احادیث اسلامی، به پوشش زن و حجاب، اشاره مفصلی و متعددی شده است. به‌هرحال حجاب و پوشش چه در اسلام و چه در سایر ادیان و فرهنگ‌ها، امری است که در خور نگرش و توجه است، چه زمانی که همچون امری «طبیعی-زیستی» و محافظت از بدن به آن توجه شود و چه زمانی که همچون مقوله‌ای «فرهنگی-ارزشی» نشان از باورهای ذهنی و شناختی، سنت‌های بومی و اعتقادی مورد توجه قرار گیرد. امروزه در گستره‌ی دگرگونی‌های جهانی، در فرآیند مطالعات امور ارزشی پیداکرده است.

در مورد حجاب و نوع پوشش، از سوی بزرگان و اندیشمندان و صاحب‌نظران، نظرات مختلف و گوناگونی بیان شده است که نیازمند بررسی و تحقیق است، یکی از این اندیشمندان مقام معظم رهبری می‌باشد که نظرات و نکات قابل توجهی در باب حجاب بیان فرموده‌اند. ایشان حجاب را فقط پوشش ظاهری زن نمی‌دانند و آن را به معنای پوشش سالم میدانند و منظور ایشان از حجاب، پوشش اسلامی است که شخصیت و کرامت زن را حفظ می‌کند. در این مقاله به آثار و نتایج شخصی و اجتماعی حجاب در اندیشه مقام معظم رهبری با تأکید بر مفهوم حجاب در قرآن، اشاره شده است.

مقام معظم رهبری برای تعیین جایگاه واقعی زن با نهادن «عفت» در گفتمان اسلامی، آن را «برجسته‌ترین عنصر برای شخصیت زن» و مایه «احترام و شخصیت» دانسته و بر تعالی و تکریم شخصیت زن، در چشم دیگران تأکید فرموده‌اند، از دیدگاه معظم‌له، حجاب نه‌تنها ناقض حقوق و آزادی زن نیست، بلکه توانسته است از ظلم به زن جلوگیری کند (بیانات در دیدار جمعی از زنان ۱۳۷۶/۰۷/۳۰).

ایشان در بسیاری از موارد هنگامی که به چادر و پوشش زن ایرانی اشاره دارد، آن را نماد هویت ایرانی، ملی و میراث هزارساله تمدن دانسته‌اند «چادر یک حجاب ایرانی است و زن ایرانی این را انتخاب کرده است و خوب حجابی هم هست» (بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی،

۱۳۷۷/۱۲/۰۴). در برخی موارد هم حجاب را نماد اسلام و نشانه یک زن مسلمان معرفی کرده و زن مسلمان را یک عنصر فعال در جامعه اسلامی معرفی می‌کند. با توجه به این که در سال‌های اخیر، از سوی بزرگان و علمای ما، در مورد حجاب بحث‌های گوناگونی صورت گرفته و مقالات زیادی نگاشته شده، اما در بحث حجاب از نگاه مقام معظم رهبری به‌صورت جامع و کامل پرداخته نشده و مطالب به‌صورت جسته و گریخته در لابه‌لای بیانات ایشان و بحث‌های علمی مطرح‌شده؛ بنابراین مسئله اصلی از این پژوهش و هدف، جمع‌آوری و تحلیل بیانات مقام معظم رهبری در مورد حجاب با رویکرد قرآنی است. با انجام این پژوهش اولاً یک پژوهش علمی منسجم و جمع‌بندی شده، در اختیار محققین قرار می‌گیرد، تا ادله شرعی و عقلی و سیاسی حجاب از منظر معظم‌له جمع‌آوری و تحلیل شده و در اختیار عموم مردم جهت آگاهی و مسئولین و ضابطین جهت اجرا در سطح جامعه و مقابله با هنجارشکنان قرار گیرد.

مبانی نظری تحقیق

در رابطه با مساله و مقوله حجاب، کتب و مقالات ارزنده‌ای به نگارش در آمده اما تاکنون پژوهشی با عنوان تحلیل قرآنی حجاب زن از منظر مقام معظم رهبری انجام نشده است با این وجود:

۱. کوشکی (۱۴۰۳)، در پژوهشی با عنوان «مهار بی‌حجابی در جمهوری اسلامی خواستن یا نتوانستن» رابطه حاکمیت و حکومت و جریان‌های حاکم را با مردم و حجاب بررسی کرده و وظایف دولت و حاکمیت اسلامی را در قبال اجرای احکام اسلامی، از جمله حجاب که نماد جامعه اسلامی است را بررسی می‌کند و ترویج بی‌حجابی را نتیجه خواستن دولت به معنای قوه مجریه و سازمان‌های فرهنگی ذیل دولت می‌داند و وجه اشتراکش با این پژوهش این است که آثار اجتماعی حجاب را بررسی کرده و وجه افتراق این پژوهش در این است که هم به آثار اجتماعی و هم به آثار فردی حجاب از منظر مقام معظم رهبری با ریشه‌های قرآنی پرداخته است.

۲. جلالی (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان «نقش عفاف و حجاب در جامعه» به بررسی ضرورت رعایت حجاب پرداخته و در پی آن است که به روش کیفی عوامل

عمومی اشاره فرموده‌اند.

در پیشینه‌های تحقیقات مذکور، حجاب به‌عنوان یکی از واجبات در دین اسلام و جامعه اسلامی در ایران، مورد تأکید قرار داده شده و بیشتر به دلایل عقلی، شرعی و فواید آن بر خود زن و جامعه اشاره شده و هر یک از پژوهش‌ها، یک‌قسمتی از حجاب را مورد بررسی قرار داده است، اما تحقیق پیش رو قصد دارد به تحلیل قرآنی حجاب از منظر مقام معظم رهبری بپردازد، امری که به‌صورت جامع در هیچ‌یک از پژوهش‌های فوق به آن پرداخته نشده است.

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش از نوع کاربردی است که با روش‌های اسنادی به شیوه توصیفی-تحلیلی و در ساختار یک مطالعه کیفی با مراجعه به کتب، مقالات، اسناد و سایت رهبری؛ مقوله حجاب با تأکید بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری با رویکرد قرآنی و آثار فردی و اجتماعی آن؛ تدوین شده است.

مفهوم‌شناسی

از آنجا که مسئله حجاب، از جمله موضوعاتی است که زیاد مورد بحث و تبادل نظر قرار می‌گیرد، لازم است مفهوم آن در لغت و اصطلاح مورد بررسی قرار گیرد. حجاب: «حجاب» در لغت به معنای چیزی است که میان دو شیء حائل می‌شود (لسان العرب، ۱۴۱۴: ۲۹۸) و به چادر از آن جهت حجاب گفته می‌شود که میان بدن زن و مردم و نگاه مردم فاصله می‌اندازد و حائل است، حجاب گفته می‌شود. در قرآن کریم نیز حجاب به معنی «پرده» یا «حائل» به‌کاررفته است، مانند آیه ۴۵ سوره اسرا «جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا» (ما در میان تو و کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، پرده پوشیده‌ای قرار داده‌ایم)؛ و در آیه ۳۲ سوره «ص» آمده است: «حَتَّى تَوَازَتْ بِالْحِجَابِ» (تا موقعی که خورشید، پشت پرده افق پنهان شد)؛ و در آیه ۵۱ سوره شوری آمده است: «وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يَكَلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحِيًّا أَوْ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ» (برای هیچ انسانی، ممکن نیست که خداوند با او صحبت کند، مگر از طریق وحی و از پشت پرده «غیب»).

در کلمات فقها هم، از قدیم‌ترین ایام تاکنون، در مورد

تمایل یا بی‌میلی به رعایت حجاب را بررسی کند. وجه اشتراک این پژوهش این است که به نقش عفاف و حجاب در جامعه می‌پردازد و وجه افتراق این پژوهش این است علاوه بر بعد اجتماعی، به بعد فردی حجاب با رویکرد قرآنی نیز پرداخته است.

۳. خوانساری، آخوندی (۱۴۰۱)، در پژوهشی با عنوان «حجاب و عفاف از دیدگاه اسلام» به فلسفه پوشش از دیدگاه اسلام پرداخته و در پایان به پیامدهای بد بی‌حجابی و بی‌عفتی در فرد و اجتماع و خانواده و آثار اخروی بی‌عفتی پرداخته است. وجه اشتراک این است که حجاب را با رویکرد اسلامی بررسی کرده است و وجه افتراق این پژوهش این است که با محوریت نظرات مقام معظم رهبری درباره مقوله حجاب است.

کشور ایران به‌عنوان یک کشور مسلمان و از طرف دیگر حاکمیت آن که بعد از انقلاب، با رویکرد اسلامی در آن مستقرشده، حجاب و زن در آن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و از سوی دیگر مقام معظم رهبری هم به‌عنوان رهبر این انقلاب و هم به‌عنوان شخصیت شاخص، نظرات مهمی در این باب دارند. بررسی‌های به‌عمل آمده حاکی از آن است که کار قابل ملاحظه‌ای با موضوع تحلیل قرآنی حجاب، از منظر مقام معظم رهبری صورت نگرفته است و فقط به‌صورت پراکنده، بعضی مباحث حجاب در برخی سایت‌ها و مقالات به‌صورت جزئی اشاره شده است. مثلاً در مجموعه مقالات کنگره اسلام و زن (۱۳۶۸)، به جایگاه زن و حجاب از منظر اسلام اشاره شده و تأکید دین اسلام به جایگاه زن و حجاب شده و یا رجبی در کتاب حجاب و نقش آن در سلامت روان، به بحث تأثیرگذاری حجاب در سلامت روان زن‌ها و افراد جامعه و به‌صورت کلی به سلامت روان جامعه، اشاره کرد و یا محمدی در کتاب فلسفه حجاب و زبان‌های فساد (۱۳۷۷)، به بحث دلایل عقلی و شرعی فساد و به آسیب‌های بی‌حجابی و بدحجابی، به‌عنوان یک فساد بزرگ، بر خود زن و عموم جامعه اشاره کرده و یا فتاحی‌زاده در کتاب حجاب از دیدگاه قرآن و سنت، به دلایل شرعی حجاب زن پرداخته و دلایلی از آیات و روایات را بر وجوب حجاب زن اشاره نموده‌اند و یا شهید مطهری در کتاب مسئله حجاب، به دلایل حجاب و آسیب‌های بی‌حجابی و بدحجابی بر جامعه و افکار

به‌طور کلی، منظور از حجاب در لغت، حائل و در اصطلاح به معنای پوشش اسلامی است که می‌تواند از انواع مختلفی داشته باشد.

ضرورت: حجاب، دستوری شرعی است که وجوب آن، مستند به منابع و ادله فقهی متعددی است؛ طوری که نمی‌توان آن را انکار کرد و اگر شخصی از روی عمد، این واجب را ترک کند، مانند بقیه گناهان مستوجب عقوبت است. در لایه‌های بحث‌های متعدد حجاب، بحثی است تحت عنوان این‌که اگرچه حجاب، از ضروریات دین است، اما واجبی است فردی، که تک‌تک مسلمانان، موظف به رعایت آن هستند؛ اما چون موضوعی است شخصی، حکومت حق مداخله در آن را ندارد و عده‌ای هم قائل بر این هستند که حجاب و بی‌حجابی موضوعی است اجتماعی، که آثار خاص خود را در اجتماع دارد؛ لذا حکومت باید در مقابله با بی‌حجابی خود را موظف بداند و اقدامات لازم را انجام بدهد. فارغ از این بحث که حجاب، امری فردی است یا اجتماعی، اصل حجاب لازم و از ضروریات دین است که باید نظر بزرگان و اندیشمندان و صاحب‌نظران معاصر درباره حجاب روشن شود. یکی از این بزرگان، مقام معظم رهبری است که نظرات ایشان راجع به حجاب از دو جهت حائز اهمیت است: اولاً ایشان در عصر معاصر، یکی از بزرگان و اندیشمندان صاحب‌نظران و صاحب‌سبک خبره و همچنین یکی از مراجع بزرگ اهل تشیع می‌باشد که از این جهت، روشن شدن عقیده وی، حائز اهمیت است. ثانیاً ایشان به‌عنوان رهبر حکومت اسلامی در ایران می‌باشد که نظرات وی، با توجه به جایگاه حقیقی و حقوقی ایشان در این منصب حائز اهمیت می‌باشد. مخصوصاً در این برهه از زمان که بحث‌های زیادی در مورد بی‌حجابی و بدحجابی و مقابله حاکمیت با این ناهنجاری در رسانه‌ها و فضای مجازی بسیار داغ می‌باشد. لذا ضرورت این پژوهش در این موضوع (حجاب زن) و از نظر معظم‌له اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

روش‌شناسی

با توجه به ماهیت و کیفیت این پژوهش، روش پژوهش، کتابخانه‌ای به شیوه توصیفی تحلیلی و اسنادی است که سعی دارد، نظرات مقام معظم رهبری را در مورد حجاب بر مبنای قرآنی آن مورد بحث و پژوهش قرار دهد.

پوشش زنان، معمولاً کلمه‌ی «ستر» به کار رفته است و پوشاندن دست و صورت با تعبیر «ستر الوجه و الکفین» مورد اختلاف فقها می‌باشد (العروة الوثقی، ۱۳۶۱: ۴۵۱) در روایات هم، بیشتر با همین تعبیر (ستر) و یا شبیه آن وارد شده است و به کار رفتن کلمه حجاب در پوشش زنان اصطلاحی است که بیشتر در عصر ما پیدا شده و در گذشته و روایات ما، بسیار کم با لفظ حجاب می‌شود پیدا کرد.

در اصطلاح هم، حجاب براساس آنچه امروزه در میان مسلمانان و اندیشمندان اسلامی فارسی‌زبان به کار می‌رود، مراد «پوشش اسلامی» است (تفسیر نمونه، ج ۱۷: ۴۰۲)؛ و منظور از پوشش اسلامی زن، این است که زن هنگام معاشرت و برخورد با مردان، بدن خود را بپوشاند و به جلوه‌گری و خودنمایی نپردازد و لباس و پوشش زن طوری باشد که هم ستر بر آن صدق کند و هم نامحرم را به خود جلب نکند و نامحرم را به طمع و نگاه گناه‌آلود به زن، تشویق نکند. این همان حکم وجوبی اسلام است که به زن دستور می‌دهد، پوشش اسلامی داشته باشد. در آیات اسلامی هم به همین معنا و مفهوم تأکید شده از جمله: آیه ۳۱ سوره نور «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ» (و به زنان باایمان بگو، چشم‌های خود را از [نگاه گناه‌آلود] ببندند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار ننمایند و [اطراف] روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند)؛ بنابراین حجاب و پوشش اسلامی، دارای دو بُعد ایجابی و سلبی است، بُعد ایجابی وجوب، پوشش بدن و بُعد سلبی آن، حرام بودن خودنمایی به نامحرم و تحریک نامحرم می‌باشد و این دو بُعد باید در کنار یکدیگر قرار گیرند، تا حجاب و پوشش اسلامی محقق شود؛ لذا اگر یکی از این بُعد محقق شود و بُعد دیگر نباشد، نمی‌توان گفت که پوشش اسلامی محقق شده است.

البته اگر به معنای عام، هر نوع پوشش و عمل، مانع از وصول به گناه را حجاب بنامیم، حجاب می‌تواند اقسام و انواع متعددی داشته باشد، همانند رعایت حجاب در نگاه (نور، آیه ۳۰)، پوشش (احزاب، آیه ۵۹)، حرف زدن (احزاب، آیه ۳۲)، راه رفتن (نور، آیه ۳۱). پس

تجزیه و تحلیل یافته‌های تحقیق

نظرات و فرمایشات مقام معظم رهبری در مورد حجاب زن را می‌توان در دو حوزه بحث کرد: ۱. در بُعد فردی ۲. در بعد اجتماعی؛ زیرا آثاری که از حجاب به‌جا می‌ماند، ابتدا در روح و روان فرد بروز می‌کند، زیرا وقتی فردی با آزادی و آزادگی برای خود پوشش انتخاب می‌کند؛ حتماً در خود احساس سربلندی و آرامش می‌کند، این همان حفظ ارزش‌های یک فرد مسلمان است.

از طرف دیگر در جامعه‌ای افراد در آن با حفظ حدود و رعایت حقوق دیگران ظاهر می‌شوند و سبب تخریب روح و جسم هم‌نوعان خود نشده و محیط امن و آرامی را برای جوانان فراهم می‌کند، به‌سوی سعادت و سلامت روانی پیش خواهند رفت و هدف اسلام نیز این است که مردان و زنان مسلمان، روح آرام، اعصاب سالم و چشم و گوش پاکی داشته باشند (رهنما، ۱۳۹۵: ۴۴). پس با توجه به فرمایشات و منابع موجود از مقام معظم رهبری، می‌توان حجاب زن را از دو منظر مورد بررسی قرار داد:

۱) آثار و نتایج شخصی حجاب

الف) ارتقاء جایگاه و شخصیت زن

«شخصیت، مجموعه افکار و عواطف و عادات و اخلاقیات یک انسان است و خلاصه هر چه به یک شخص مربوط می‌شود، بیرون از وجود او نیست و شخصیت اوست. تنها راه بالا بردن شخصیت یک زن را حجاب او می‌دانیم. اگر زن به حجاب روی بیاورد، جایگاه خانوادگی او قوی می‌شود. مردها مجبور می‌شوند به زندگی خانوادگی خود ارج نهند و به همسران خود واقعاً توجه کنند. علو شخصیت زن در این است که کمال همسری، مادری و کمال اجتماعی را برای خود احراز کند، بی‌حجاب در بعد مادری و همسری شکست‌خورده و در بُعد فعالیت‌های اجتماعی، ابزار و بازیچه و ملعبه شده و خواه یا ناخواه سقوط کرده است» (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۵۵).

مقام معظم رهبری نیز بارها به این بُعد حجاب اشاره فرموده‌اند و آن را «برجسته‌ترین عنصر شخصیت زن» و «مایه احترام و شخصیت» (بیانات در دیدار جمعی از زنان ۱۳۷۶/۰۷/۳۰). دانسته‌اند و بی‌حجابی و بدحجابی را مایه بی‌ارزش کردن خود می‌دانند. «زن با برداشتن حجاب خود، با عریان کردن آن چیزی که خدای متعال و طبیعت پنهان بودن آن را از او خواسته، خودش را

کوچک می‌کند، خودش را کم‌ارزش می‌کند» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۲/۲۳). و در عبارتی دیگر حجاب را مایع تشخیص و شخصیت زن می‌دانند: «حجاب مایه تشخیص و آزادی زن است، برخلاف تبلیغات ابلهانه و ظاهربینانه مادی‌گرایان، مایه اسارت زن نیست». (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۲/۲۳).

ب) حجاب مایه افتخار زن

لفظ حجاب، هفت بار در قرآن کریم آمده و معنای همه آن‌ها چیزی است که از هر جهت مانع دیده شدن چیز دیگر است. این پوشش که مصونیت زن را به همراه دارد، نه تنها محدودیتی ایجاد نکرده، بلکه عاملی برای بسیاری از موفقیت‌ها است. پوشش زن مانع فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی نیست. زنان باحجاب، با آرامش کامل در صحنه اجتماعی حضور داشته و وظایف محوله را در سایه امنیت و آرامش خاطر حاصل از حجاب، انجام می‌دهند. بنابراین روح عفاف، در کنترل رفتار، رعایت وقار و متانت خلاصه می‌شود. برخی‌ها بر این عقیده هستند که پوشش زنان، سبب کاهش فعالیت‌های اجتماعی‌شان شده و یا به‌نوعی دست‌وپا گیر است؛ اما در ردّ این فرضیه می‌توان گفت که چه بسیار بانوان که باحجاب اسلامی، پله‌های ترقی علم و دانش، ورزشی و فرهنگی را طی کرده و رتبه‌های برتر را نیز در این حوزه‌ها کسب کرده‌اند. مقام معظم رهبری در مورد موفقیت‌های زنان باحجاب، در عرصه‌های بین‌المللی، خطاب به مسئولین و دقت آن‌ها نسبت به زنان می‌فرمایند: «هم برای حفظ عزت کشور و پیشرفت کشور و وضع حجاب را، وضع عفاف را با وضع تقیّدات و پایبندی را خانم‌ها باید مراقبت کنند، این وظیفه است. خودنمایی و جلو فروشی یک لحظه است و آثار سوء آن برای کشور، برای جامعه، برای اخلاق و حتی برای سیاست، آثار مخرب و ماندگار است؛ در حالی که ملاحظه عفاف و ملاحظه مورد شرعی، در رفتار و حرکات بانوان، اگرچه سختی‌ای داشته باشد، سختی کوتاهی است، اما آثارش، آثار عمیق و ماندگار است. خود خانم‌ها باید خیلی مراقبت کنند، مسئله حجاب را، مسئله عفاف را وظیفه آن‌هاست، افتخار آن‌هاست» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۲/۲۳).

قبل از ظهور اسلام، نه تنها زنان ارزشی نداشتند، بلکه داشتن یک دختر یک ننگ به حساب می‌آمد. (وَ إِذَا بُشِّرَ

أَحَدُهُم بِالْأُنْثَى ظَلَّ وَ جَهَهُ مُسَوِّدًا وَ هُوَ كَظِيمٍ). در چنین جامعه‌ای، بی‌حجابی که علامت آن بی‌ارزشی بود، رواج داشت. اسلام مقام زن را بالا برد و شخصیت او را مورد تکریم قرارداد و با آوردن قانون حجاب، حفظ و دوام این شخصیت را برای همیشه بیمه کرد (محمدی آشنائی، ۱۳۷۰: ۳۵).

ج) سلامت جسمی و روحی روانی زن

حجاب، زمینه فساد را که عامل اصلی بیماری‌های مقاربتی و در نتیجه روحی روانی است، را از بین می‌برد و از این طریق، نقش را در سلامت جسمانی افراد جامعه ایفا می‌نماید. به آمار زیر توجه نمایید، اگرچه از زمان انتشار آن مدت‌ها گذشته است، ولی به‌خوبی گویای یکی از عوارض فساد می‌باشد. طبق تحقیقاتی که در ایالت متحده به عمل آمده، روی هم‌رفته ۹۰ درصد مردم این کشور، به بیماری‌های مقاربتی مبتلا می‌شوند. از این رقم، عده‌ای که در بیمارستان‌های رسمی آمریکا معالجه می‌شوند، بالغ بر ۳۶۰ هزار نفر می‌باشد. از تمام بیمارستان‌های آمریکا، ۶۵۰ بیمارستان تنها به امراض مقاربتی اختصاص داده شده است، درحالی‌که معادل یک و نیم برابر افرادی که در این بیمارستان‌ها معالجه می‌شوند، به پزشک‌های خانوادگی و خصوصی مراجعه می‌نمایند (محمدی آشنائی، ۱۳۷۰: ۳۵).

در این مورد هم، مقام معظم رهبری به یکی دیگر از کاربردهای حجاب برای زن اشاره می‌کنند و آن امنیت (جسمی، روحی، روانی) برای زن باحجاب است؛ زیرا زن باحجاب، قطعاً در سایه حجاب، امنیت فیزیکی و روحی روانی خواهد داشت. معظم‌له در این مورد می‌فرمایند: «اسلام برای زن، حجاب را معین کرده است، خود این حجاب، یکی از وسایل امنیت است، باحجاب زن مسلمان، هم خود زن مسلمان امنیت پیدا می‌کند و هم مردان مسلمان، امنیت پیدا می‌کنند. آنجایی که حجاب را از زن دور می‌کند و آنجایی که زن را به عریانی و برهنگی نزدیک می‌کنند در درجه اول، امنیت از خود زن و در درجه بعد از مردان و جوانان گرفته خواهد شد. برای این که محیط سالم و دارای امنیت باشد، زن بتواند کار خود را انجام دهد و مرد هم بتواند مسئولیت‌های خود را انجام دهد، اسلام حجاب را معین کرده است که این حجاب یکی از آن احکام برجسته اسلام است و

یکی از فوایدش همین است که گفتیم. البته فواید فراوان دیگری هم دارد.» (بیانات در اجتماع زنان خوزستان، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰).

بنابراین یکی از آثار مهم رعایت حجاب در جامعه، حفظ سلامتی جسمی، روحی روانی و دوری از بیماری‌های مختلف است و در کشوری که رعایت حجاب و پوشش در آن بیشتر است، تعداد بیماران جسمی و روحی روانی ناشی از گسیختگی جنسی کمتر است. امام رضا (ع) می‌فرمایند: «هرگاه بندگان، گناهان جدیدی به وجود آورند، که تاکنون مرتکب آن نمی‌شدند، خداوند هم بلاهای جدیدی به وجود می‌آورد که تاکنون نمی‌شناختند» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳: ۴).

د) استحکام خانواده

شکی نیست هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد، برای کانون خانواده مفید است و برای ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود و برعکس هر چیزی که باعث سستی رابطه زوجین و دلسردی آنان گردد زیانمند است و باید با آن مبارزه کرد. فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از لحاظ اجتماع خانوادگی است که از لحاظ همسر قانونی عامل خوشبخت کردن او به شمار برود، درحالی‌که از نظر سیستم آزادی و کامیابی غیر مشروع، همسر قانونی از لحاظ روانی یک نفر رقیب و مزاحم به شمار می‌رود. در نتیجه کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود (رهنما، ۱۳۹۵: ۴۸).

از آثار اولیه رعایت حجاب در جوامع، استحکام نهاد خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است، با رعایت اصل حجاب و پوشش در محیط بیرون خانواده، حریم زن و شوهر حفظ می‌شود و خانواده صاحب ثبات خواهد شد. مقام معظم رهبری ابتدا کانون خانواده را برخلاف جوامع غربی، مبنا قرار می‌دهند «در همه‌ی طرح‌هایی که داریم بایستی خانواده مبنا باشد» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۱۰/۱۴). سپس زن را در درون خانواده مایه آرامش و سکینه بیان می‌کنند «زن در داخل خانواده، عزیز و مکرم و محور مدیریت درونی خانواده است، شمع جمع افراد خانواده است، مایه انس و سکینه و آرامش است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۰۵/۰۵)

می‌فرمایند: «اسلام حجاب را برای زن معین کرده است، خود این حجاب یکی از وسایل امنیت است؛ باحجاب زن مسلمان، هم زن مسلمان امنیت پیدا می‌کند و هم مردان مسلمان امنیت پیدا می‌کند. آنجایی که حجاب را از زنان دور می‌کنند، آنجایی که زن را به عربانی و برهنگی نزدیک می‌کنند، در درجه اول، امنیت از خود زن و در درجه بعد، از مردان و جوانان گرفته خواهد شد. برای این که محیط سالم و دارای امنیت باشد، زن بتواند کار خود را در جامعه انجام دهد مرد هم بتواند مسئولیت‌های خود را انجام دهد، اسلام حجاب را معین کرده است، که این حجاب یکی از آن احکام برجسته اسلام است و یکی از فوایدش همین است که گفتیم» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۲/۲۰).

حجاب برای زن یک دژ است، یک سنگر و حریم است، او را از خطرات و آسیب‌ها حفظ می‌کند. جایگاهی است که زن وجود و شخصیت خود را در آن سامان می‌بخشد. اصولاً پیکر زن عریان، جلب‌کننده و بی‌حفاظ است، اگر در حصار پوششی قرار نگیرد، در معرض آسیب قرار خواهد گرفت. حجاب بر او امنیت پدید می‌آورد، زیرا نفس آدمی، دریایی از خواستن است، زمانی که به چیزی تمایل ندارد، آرامش بر آن حاکم است، اما وقتی به چیزی رغبت کند، همانند دریا طوفانی می‌شود و تنها رسیدن به آن خواسته، می‌تواند جزر و مد این دریای طوفانی را آرام کند (رحیمی، ۱۳۸۵: ۵۶).

قرآن کریم این اصل را چنین معرفی می‌کند «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ مِنْ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (احزاب آیه ۵۹). آیه به یکی از موارد آزار و اذیت اشاره می‌کند. زنان باایمان، نباید بهانه و مستمسکی دست مفسده‌جویان بدهند، لذا می‌فرماید ای پیامبر، به همسران و دخترانت و زنان مؤمن بگو، روسری‌های خود را بر خویش ببندازید، تا از کسانی که حجاب درستی ندارند و شناخته شوند و مورد اذیت و آزار قرار نگیرند» (پورسیف، ۱۳۸۲: ۹۱۷).

بنابراین می‌توان به این نتیجه رسید که از نظر آیات، روایات، نظر بزرگان و شخصیت‌های دینی و مذهبی، مخصوصاً مقام معظم رهبری، اولین بُعد و فایده حجاب برای خود زن است که به او شخصیت و احترام می‌بخشد

و همچنین به جایگاه اصلی زن در خانواده و جامعه اشاره می‌کنند «زن چنانچه در محیط خانواده محترم و مکرم شمرده شود، بخش مهمی از مشکلات جامعه حل خواهد شد» (بیانات در جمع زنان شهر ارومیه، ۱۳۷۵/۰۶/۲۸) و سایر فرمایشات معظم‌له که قطعاً مراد، زن باحجاب و عفاف است که می‌تواند چنین نقش محوری را در خانواده ایجاد کند، زیرا زنی که خودش نقش خودش را با بی‌حجابی از بین ببرد، قطعاً نمی‌تواند چنین نقش محوری و اصلی در خانواده داشته باشد.

بنابراین زنان باحجاب، خود موجب تحکیم خانواده شخصی و دیگران می‌شود، چراکه باحجاب خود، اطمینان و اعتماد شوهرشان را به پاکی جلب می‌کنند و باعث تحکیم خانواده می‌گردند؛ اما نقش آنان در تحکیم خانواده‌های دیگران، بدین لحاظ است که مردان از تمتعات خارج از محدوده زناشویی، محروم می‌شوند و طبعاً به همسران خود بیشتر توجه می‌کنند (مطهری، ۱۳۷۳: ۸۹).

♥ (۵) آرامش و امنیت:

زن موجودی گرمی و معزز و نقش او سرنوشت‌سازی و تربیت بشر است. ارزش او فراتر از آن است که در معرض دستخوش ارتباطات و روابط بی‌مرز باشد (قائمی، ۱۳۷۳: ۳۹۰). حفظ حریم زن، باعث مصونیت او می‌شود و اولین اثر را بر آرامش روحی دارد؛ زیرا در سایه محفوظ ماندن این حریم، بین خود و نامحرم، احساس امنیت می‌کند و هیچ‌کس جرأت تعرض به او را نمی‌کند. انسان در پناه محافظ، احساس امنیت و آرامش بیشتری می‌کند و در صورت پیش‌آمدهای احتمالی، از مصونیت او برخوردار است. پوشش دینی نیز، نگهبان زن از نگاه‌های آلوده و آسیب‌های احتمالی است که به زن مصونیت و آرامش می‌دهد و هر چه این پوشش کامل‌تر شود، درصد امنیت و محافظت آن بالا می‌رود (عظیمیان، ۱۳۸۸: ۹۱). امیرالمؤمنین علی (ع) در این زمینه می‌فرماید: «پوشیده و محفوظ نگاه‌داشتن زن، مایه آسایش بیشتر و دوام زیبایی اوست» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۹: ۵۴۲).

مقام معظم رهبری، در فرمایشات خودشان، به این بُعد مشخص حجاب برای زن اشاره می‌فرمایند و حجاب و عفاف را مایه امنیت و آسایش برای خود زن و در مرحله دوم برای مردان دیگر و جوانان تلقی می‌کنند. معظم‌له

و زن را همچون که مرواریدی محفوظ نگه می‌دارد و مثابه یک دژ، از زن محافظت می‌کند.

← آثار و نتایج اجتماعی

♥ الف) مسئولیت و جایگاه اجتماعی

هر فردی در برابر جامعه خود مسئول است، این مسئولیت عام است، یعنی هم شامل زن می‌شود و هم شامل مردان. پاره‌ای از مسئولیت‌های زنان به حجاب آن‌ها بستگی دارد، زن اگر حجاب را داشته باشد، بار این‌گونه مسئولیت‌ها را بر دوش می‌گیرد و شخصیت و عظمت او بالا می‌رود، اما اگر جامعه‌ای مقدس حجاب را از تن بدرد از عهده انجام این‌گونه مسئولیت‌ها بر نمی‌آید (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۴۵).

مقام معظم رهبری نیز جامعه زنان را در پیشرفت کشور سهیم می‌داند و به مسئولیت و جایگاه اجتماعی زنان (باحجاب و عفاف) اشاره می‌فرماید: «اگر کشور بتواند، جامعه زنان را با تکیه بر تعلیمات اسلامی، با همان معارفی که اسلام خواسته است آشنا کند، من تردیدی ندارم که پیشرفت و ترقی و تعالی کشور مضاعف و چند برابر خواهد شد.» (بیانات در دیدار جمعی از زنان، ۱۳۷۶/۰۷/۳۰).

همچنین معظم‌له بارها به حضور زنان متعهد در عرصه‌های اجتماعی اشاره کرده و فرمودند که «زنان کشور اسلامی ایران توانستند شخصیت حقیقی خودشان را تا حدود زیادی پیدا کنند، در میدان‌های گوناگونی حضور یابند و عظمت و روحیه زن مسلمان را نشان دهند» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۰۶/۲۸).

بنابراین می‌توان گفت که با رعایت حجاب توسط زن، بهره‌وری زن در جامعه افزایش پیدا می‌کند و آن جایگاه و موقعیت اجتماعی را حفظ کرده و کارایی مضاعفی خواهد داشت. «اگر زنان و مردان در محیط‌های جداگانه مشغول تحصیل، کار یا هر نوع فعالیتی باشند و شئون اسلامی را رعایت کنند، این امر از توقف و رکود کارایی مردان و زنان جلوگیری می‌کند. مطالعات دانشمندان تربیتی نشان می‌دهد که در مدارسی که دختر و پسر با هم درس می‌خوانند، کم‌کاری، عقب‌افتادگی، عدم مسئولیت‌پذیری به‌خوبی مشاهده شده است» (هدایت خواه، ۱۳۷۵: ۱۰۲).

پس بنابراین از نظر ایشان، مفهوم ارزشی حجاب، پله‌ای

برای حضور موفق زن، در اجتماع و دفاع از حق و حقوق خودش و حفظ جایگاه و مسئولیت اجتماعی خود زن است. از همین رو معظم‌له می‌فرماید: «زن مسلمان، زنی است که هم دین خود را، هم حجاب خود را، زنانگی خود را، ظرافت‌ها و رقت از لطافت‌های خود را، حفظ می‌کند و هم از حق خود دفاع می‌کند و هم در میدان معنویت و علم و تحقیق و تقرب به خدا پیشروی می‌کند و شخصیت‌های برجسته‌ای را نشان می‌دهد» (بیانات در دیدار جمعی از بانوان، ۱۳۷۹/۰۶/۳۰).

♥ ب) آزادی زن

شهید مطهری درباره آزادی زن باحجاب می‌گویند: «این‌که زنان باید حجاب خود را رعایت کنند، زور و دستوری از ناحیه مردان نیست، تا آزادی زنان را سلب کنند، بلکه وظیفه شرعی آنان است که حجاب را رعایت کنند، زنان باحجاب در فعالیت‌ها و رفت‌وآمدهای خودشان آزادتر هستند، زیرا مردان بوالهوس اطمینان دارند که چنین زنانی طعمه نمی‌شوند، بنابراین کمتر بر آن‌ها مزاحمت ایجاد می‌کند. زن باحجاب مظهر عفاف شناخته شده است و از این‌روی در خانه و بیرون خانه مزاحم ندارند و آزادانه دنبال کارها و مسئولیت‌های خویش است» (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۰۱).

قرآن کریم در دو مورد این مطلب اشاره می‌فرماید یکی این‌که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ» (احزاب، آیه ۵۹): «ای پیامبر به همسران و دختران میان مؤمنان بگو، روسری‌های بلند خود را بر خود فرو افکنید، این کار برای این شناخته شوند و مورد آزار و اذیت قرار نگیرند بهتر است.» ام‌سلمه، همسر پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید «هنگامی که این آیه نازل شد، زنان انصار، موقع خروج از خانه، چنان خود را در پوشش سیاه می‌پوشیدند که گویا روی سر آن‌ها کلاغ نشسته بود و چون کیسه سیاه به خود پوشانده بودند که سراپایشان را گرفته بود» (طباطبایی، ۱۳۷۰: ۵۱۷).

بنابراین بی‌حجابی و بدحجابی برای زنان، مزاحمت ایجاد می‌کند، یا هنگامی که اصل حجاب باشد، مزاحمتی بر آن‌ها نیست و در آیه دیگر خداوند متعال می‌فرماید: «وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ»

همچون دژ مستحکمی محافظت می‌کند.

📌 (ج) سلامت اخلاق جامعه

همواره باید هر چه به سلامت اخلاق جامعه لطمه می‌زند، ریشه‌کن شود و هر چه سلامت اخلاق جامعه را تضمین می‌کند تقویت گردد، هر چه گرایش‌ها به حجاب شدت یابد، از مفاسد اخلاقی و اجتماعی کاسته می‌شود، سلامت اخلاق جامعه از اهداف عالی اسلام است. پیامبر اکرم می‌فرماید: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (من برای تمام کردن مکارم اخلاق مبعوث شدم) (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۴۵). حجاب زن به نص قرآن کریم، عفاف اوست و عفاف او فرصتی است به سلامت جامعه.

زن با پوشش شرعی خود، خانواده را استوار و پابرجا می‌سازد و بیهوده افراد را تحریک نمی‌کند. هوس‌ها را برنمی‌انگیزد و مردها را به مفسده نمی‌کشاند. زن باحجاب، بزرگ‌ترین و ارزنده‌ترین خدمات را به خانواده‌ها و جوان‌ها و بالاخره به جامعه می‌کند، زیرا اخلاق، پاکی و فضیلت را رونق و رواج می‌دهد. زنانی که جسم خود را پر بهاتر از آن می‌دانند که اجازه دهند هر چشمی از آن لذت ببرد، هر هوسی بدان گرایش پیدا کند، بر مسند والای فضیلت نشسته‌اند، کار این‌گونه زنان، پیامبرگونه است؛ زیرا بعثت پیامبران به‌منظور تکمیل و تتمیم اخلاق است. اسلام از بی‌حجابی و بدحجابی بیزار و متنفر است، زیرا این‌ها هستند که با متزلزل کردن اخلاق و فضیلت، اسلام را در بین مردم ضعیف و لگدمال می‌کنند، زنان باحجاب، خدمت‌گذار واقعی دین و اخلاق، و زنان بی‌حجاب، عامل براندازی و بنیان‌کنی دین و اخلاق هستند (مصطفوی، ۱۳۶۹: ۵۲). مقام معظم رهبری در مورد این کارکرد اجتماعی حجاب زنان، در اجتماع می‌فرمایند: «دید اسلامی در زمینه مسائل حجاب، بسیار دید خوب و روشنی است می‌گویید: «ما باحجاب احساس آسایش می‌کنیم و این لباس مشارکت ماست» بله، کاملاً تعبیر درست و خوبی است، این را هر چه بیشتر بیان کنید و بگویید، بهتر است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۰۷/۱۸).

بنابراین، حفظ غریزه خودنمایی زنان، در همان چارچوبی که اسلام معین کرده است، می‌تواند گامی مؤثر در جهت مبارزه با مفاسد اخلاقی و خواشه‌های نفسانی در جامعه باشد و به همان نسبت، مقدمات برای رشد و پرورش

(احزاب، آیه ۳۳): «در خانه‌های خود بمانید و همانند دوران جاهلیت نخستین در میان مردم ظاهر نشوید». امام (ره) نیز بر این اصل تأکید داشتند که حجاب مخالف آزادی نیست، بلکه اسلام با بی‌حجابی و بی‌عفتی مخالف است. ایشان در جواب خبرنگار فرانسوی که پرسیدند: «برخی از رسوم اسلامی، مانند حجاب اجباری رهاشده است، آیا در جمهوری اسلامی از نواجباری خواهد شد؟» فرمودند: «حجاب به معنای متداول میان ما، که اسمش حجاب اسلامی است، با آزادی مخالفتی ندارد، اسلام با آنچه خلاف عفت است، مخالفت دارد» (صحیفه امام، ۱۳۷۲: ۵۴۱).

مقام معظم رهبری نیز، در دیدار با جمعی از مداحان سراسر کشور فرمودند: «حجاب، مایه آزادی و تشخیص زن است، برخلاف تبلیغات ابلهانه و ظاهرینانه مادی‌گرایان، مایه اسارت زن نیست» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۲/۲۳).

ایشان «عرصه کار» و «نگاه لذت‌جویانه به زن» را دو استفاده اساسی غرب از زن می‌دانند و قائل هستند «هدف اصلی مطرح‌شدن آزادی زنان در غرب، کشاندن زن‌ها از خانه به کارخانه بود، تا از زنان به‌عنوان نیروی کار ارزان استفاده کنند» (بیانات در دیدار اقشار مختلف بانوان، ۱۴۰۱/۱۰/۱۴).

ایشان همچنین نگاه لذت‌جویانه را از اهداف دیگر آزادی زن در غرب، مطرح کردند و فرمودند: «در این ماجرای واقعاً غم‌انگیز، نظام سرمایه‌داری با استفاده از انواع روش‌ها، زن را قانع می‌کنند که منفعت و ارزش او در رفتاری است که جذابیت‌های جنسی‌اش را برای مردان کوچک و خیابان برجسته‌تر و بیشتر می‌کند و این بزرگ‌ترین ضربه به حیثیت و جایگاه زن است» (همان). ایشان با اشاره به آمار و واقعیت‌هایی که حتی مراکز رسمی کشورهای غربی اعلام می‌کند، ادعای غرب درباره دفاع از حقوق زنان را نهایت وقاحت می‌نامند و می‌فرمایند: «آزادی ادعایی نظام سرمایه‌داری، عین «اسارت و اهانت» به زن است و انسان شرم می‌کند از برخی از ماجراها در غرب نام ببرد» (همان).

پس می‌توان گفت با توجه به مطالب فوق، نه تنها حجاب مایه اسارت زن نیست، بلکه موجب آزادی و آزادی زن در برابر چشم‌های آلوده و دل‌های مریض است، که زن را

فضائل اخلاقی در جامعه فراهم شود؛ و بنابراین این حجاب، عامل مؤثری در کنترل غریزه خودنمایی زنان است و در نتیجه وسیله مهمی در جهت کاهش مفاسد اخلاقی در جامعه به شمار می‌رود.

♥ (د) حفظ نیروی کار اقتصادی

حجاب، عامل حفظ نیروی کار است و باعث می‌شود اوقات هر کس، در همان مسیر کار هدف می‌شود و وسوسه‌های ناشی از دیدن‌ها، چهره‌سازی‌ها و طراحی برای به دام انداختن‌ها از بین می‌رود، کشاندن تمتعات غریزی از محیط خانه به محیط کار، سبب خواهد شد که نیروی کار ضعیف گردد و سرمایه‌گذاری‌ها به هدر برود.

از سویی، نقش اقتصادی حجاب، در رعایت پوشش اسلامی، زمینه را برای انواع مدیرستی‌ها و رقابت‌های ناشی از آن از بین می‌رود، اگر زن خود را به خودآرایی در جامعه مقید نکند و با لباس ساده و مرتب و در حد پوشش لازم در جامعه ظاهر شود، بسیاری از آفت‌ها و گرفتاری‌های ناشی از مدیرستی، خودبه‌خود از بین می‌روند. هزینه سنگین مواد آرایشی و لباس‌های گران‌قیمت، به‌ویژه با تغییر مدام مدها، بار مالی زیادی بر دوش خانواده و جامعه تحمیل می‌کند و باعث هدر رفت سرمایه اجتماعی می‌شود (عظیمیان، ۱۳۸۸: ۹۸). بنابراین اسلام با الطافات ویژه، به مسئله حجاب و پوشش زنان در محیط کار، می‌خواهد محیط اجتماع از لذت‌های ناهنجار جنسی پاک شود و راه را برای حفظ نیروی قدرتمند روحی و جسمی با حضوری معنوی در محل کار بگشاید. در مقابل بی‌حجابی و بدحجابی، باعث سوق دادن لذت‌های جنسی از محل کار و کانون خانواده به اجتماع و در نتیجه تضعیف نیروی کار افراد جامعه می‌گردد (مطهری، ۱۳۶۷: ۹۴). مقام معظم رهبری در مورد کار اقتصادی بانوان، با رعایت موازین شرعی در جامعه می‌فرماید: «البته خانه‌داری به معنی خانه‌نشینی و پرهیز از تدریس، مجاهدت و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی نیست، بلکه یعنی زن هر کار دیگری که ذیل اصالت خانه‌داری امکان و به آن علاقه داشت، بتواند انجام دهد» (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۱۰/۱۴).

و در عبارت دیگری، اشتغال زنان، در جامعه را بدون اشکال می‌دانند، اما به شرطی که موازین اخلاقی در محیط کار رعایت کنند: «ازجمله مسائلی که مطرح

می‌شود، مسئله اشتغال بانوان است، اشتغال بانوان ازجمله چیزهایی است که بنده با آن موافقم، منتها باید دو اصل در نظر گرفته شود، اول این‌که کار به وظیفه مادری و همسری وی لطمه نزند، دوم این‌که موازین شرعی در محیط کار رعایت شود» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۶/۰۳).

البته مقام معظم رهبری، خانه‌داری را هم بهترین شغل زن می‌دانند و بانوان را نسبت به آن توجه می‌دهند قائل‌اند که زنان با توجه به حفظ تمام شئون اسلامی در منزل و اهمیت وظیفه مادری و همسری و خانه‌داری، در منزل کارایی بیشتری در منزل دارند.

♥ (ه) حفظ استقلال فرهنگی و سیاسی

جوامع اسلامی با پوشش خاص خود در غالب حجاب یا ستر سعی دارند، استقلال فکری خود را در قبول اسلام اعلام کنند، درواقع لباس پرچم بدن به حساب می‌آید که استقلال فرهنگی، سیاسی، دینی و فکری هم محسوب می‌شود و از همین جا می‌توانیم به این نتیجه برسیم که تغییر لباس، نشانگر تغییر عقیده است و به تبع آن تغییر در منش و رفتار افراد ایجاد می‌شود که در آن صورت استقلال کشور زیر سؤال می‌رود. به‌ویژه از آن روی که وضع برون، حکایت از وضع درون آدمی دارد و نشان می‌دهد که اندیشه وابستگی در درون رخنه کرده، در ظاهر افراد نیز متجلی شده است (قائمی، ۳۷۳: ۳۸۷).

مبارزه برای استقلال فرهنگی، پدیده جدیدی نیست. در طول تاریخ بشر، جنگ فرهنگی همیشه وجود داشته است. به‌عنوان نمونه، فرعون در برابر موسی به این حربه متوسل شده، گفت: «می‌ترسم، آیین شما را دگرگون سازد و یا در این سرزمین فساد بر پا نماید» (غافر، ۲۶).

مقام معظم رهبری در دیدار مداحان اهل‌بیت علیه‌السلام، حجاب را راهی برای حفظ استقلال فرهنگی، بدحجابی و بی‌حجابی را راهی برای از بین بردن فرهنگ مستقل ایران اسلامی می‌دانند و در این زمینه می‌فرمایند: «من می‌خواهم مسئله حجاب را ذکر کنم و اشاره کنم، پول‌های زیادی خرج می‌کنند، فعالیت‌های زیادی می‌کنند، صدها رسانه را - از انواع و اقسام رسانه‌ها- به کار می‌گیرند، برای این‌که بتوانند روی این نقطه حساس، یعنی نقطه هویت مستقل فرهنگی زن مسلمان اثرگذاری کنند، دشمنان ما واقعا دارند

بود که زنان به سرعت خود را دریافتند و با توسل به حربه حجاب در مقابل رژیم پهلوی ایستادند و آن را به زانو درآوردند (عظیمیان، ۱۳۸۸: ۹۷).

نتیجه‌گیری:

مقام معظم رهبری حجاب را یک مساله ارزشی می‌داند که رعایت آن به زن شخصیت می‌دهد و آن را سازگار با طبیعت انسان می‌داند که رعایت آن موجب حفظ کرامت انسانی می‌شود و معتقدند که در فرهنگ اسلامی فرهنگ نبود اختلات میان زن و مرد است.

معظم‌له ابتدا حجاب را یک واجب شرعی می‌داند که رعایت آن بر تمامی بانوان - حتی آقایان - واجب بوده و ایشان حجاب را مانع حضور و موفقیت زن نمی‌دانند، بلکه حجاب را عاملی برای جلوگیری از اختلاط و آمیزش بی‌قید و شرط زن و مرد در جامعه می‌دانند و این اختلاط را به ضرر زن و جامعه و مخصوصاً جوانان می‌دانند. بررسی منابع موجود از مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که ایشان حجاب را بیشتر در هر دو بُعد شخصی و اجتماعی بررسی کرده و کارکردهای حجاب را در این دو حوزه، بیشتر مدنظر قرار داده‌اند. ایشان آثار فردی حجاب برای زن را از جمله: ارتقاء جایگاه و شخصیت زن، ارتقاء جایگاه زن، سلامت جسمی و روحی روانی زن، استحکام خانواده و آرامش و امنیت خود زن می‌دانند و حفظ و ارتقاء مسئولیت و جایگاه اجتماعی، آزادی زن، سلامت اخلاق جامعه، حفظ نیروی کار اقتصادی و حفظ استقلال فرهنگی و سیاسی را از جمله آثار اجتماعی حجاب برای زن در بُعد اجتماعی قائل هستند؛ بنابراین حجاب را باید رفتاری الهی شمرد که باعث ارتباط بین فرهنگ و دین، عقل و ایمان، سیاست و دیانت و تکامل و اختیار در رفتار انسانی شده است.

پیشنهادها

الف. پیشنهاد اجرایی:

۱- نتایج مختلف این تحقیق در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... در اختیار سازمان‌های متولی قرار گیرد تا در زمینه و بحث‌های فرهنگی مخصوصاً حجاب، برنامه‌ریزی صحیح و موثری داشته باشند.

۲- راهکارهای گسترش حیا، عفاف و حجاب در جامعه؛

خودشان را برای این کار می‌کشند» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۶/۱۲/۱۷).

و در عبارتی دیگر استقلال فرهنگی و هویتی زنان را تنها در راه رعایت حجاب می‌دانند و می‌توانند این فرهنگ غنی اسلامی را به جهان صادر کنند، معظم‌له می‌فرماید: «امروز پرچم استقلال فرهنگی و هویتی زنان، در دست زنان ایرانی است. امروز بانوان ایرانی با حفظ حجاب، استقلال هویتی خودشان و استقلال فرهنگی خودشان را دارند اعلام می‌کنند و به دنیا صادر می‌کنند»؛ و در نهایت، ایشان حجاب را نشان‌دهنده هویت یک ملت و استحکام عنصر یک ملت می‌دانند و قائل‌اند «در یک چنین دنیایی، یک خانمی با چادر یا باحجاب کامل اسلامی می‌رود روی سکو و جایزه‌اش را می‌گیرد این خیلی مهم است، این از آن پرچمی که بالا می‌رود مهم‌تر است، این نشان‌دهنده روحیه قوی ایرانی مسلمان است، این نشان می‌دهد که در برابر موج توهमत و احساسات توهم‌آمیز، این فرد شکست نمی‌خورد و مغلوب آن شود. هویت یک ملت و استحکام عنصر و فلز یک ملت را که فلز محکم و مقاومی است، این جوری می‌شود فهمید. این‌ها خیلی بارزش است» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۴/۱۰/۲۱).

بنابراین، یکی از راه‌های حفظ استقلال فرهنگی و سیاسی، حفظ حجاب است و یکی از جنبه‌های تهاجم فرهنگی، مبارزه باحجاب بوده است؛ زیرا «حجاب، برای جوامع جهان سومی، می‌تواند نوعی مبارزه با استعمار به حساب آید و مانعی سر راه مقاصد شوم آن‌ها باشد، زنان الجزایری در مبارزه خود با قوای فرانسه، این مسئله را به‌خوبی نشان دادند و ضربه خود را به آنان وارد کردند، در واقع آن‌ها نشان دادند که مسلمان‌اند و غلبه کفر در اسلام را نمی‌پذیرند» (عظیمیان، ۱۳۸۸: ۹۷).

اگر در جامعه اسلامی، حجاب را لااقل از این دید بنگریم، به این نتیجه خواهیم رسید که در تعمیم آن از دید سیاسی باید کوشید، در جامعه اسلامی حتی یک ملی‌گرا هم باید به سبب استقلال وطن خود و حفظ امنیت خویش حجاب را بپذیرد که البته یک مسلمان به سبب ایمان و اعتقاد خود آن را بپذیراست. اگر استعمار بتواند حجاب و عفت و پوشش را از زن بگیرد، همه‌چیز جامعه، حتی مردان آن جامعه را می‌تواند تحت اختیار و سلطه قرار بگیرد. یکی از رموز موفقیت ایران اسلامی نیز همین

تربیتی و ملاحظه و دقت در شیوه‌های جامعه‌پذیری کودکان و جوانان در امر حجاب و بررسی آثار و پیامدهای تربیتی حجاب، و نهادینه کردن مساله عفاف و حجاب از سنین کودکی باشد.

۴. تحلیل حجاب با رویکرد اجتماعی و جامعه‌شناختی؛ این پژوهش می‌تواند با رویکرد جامعه‌شناختی حجاب و به عنوان پدیده اجتماعی و در پیوند با فرهنگ و نظام اسلامی حاکم، توصیف و تحلیل و تبیین شود.

۵. جهاد تبیین اساتید حوزه و دانشگاه و صاحبان قلم و اندیشمندان و متفکران دلسوز و دغدغه‌مند؛ این پژوهش می‌تواند با در قالب جهاد تبیین برای قشر جوان و از نقشه شوم دشمنان دین و انقلاب تبیین شود.

منابع:

- قرآن کریم، ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی.
- ابن‌منظور، محمدبن مکرّم، (۱۴۱۴)، لسان‌العرب، بیروت، چاپ سوم.
- اکبر رهنما، زهرا علی‌اکبرزاده آرانی، مجید خادمی آرانی، (۱۳۹۵)، بررسی مفهوم حجاب در متون اسلامی، جایگاه آثار و جلوه‌های تربیتی آن، تهران.
- پورسیف، عباس، (۱۳۸۲)، خلاصه تفسیر قرآن مجید، المیزان، نمونه، تهران.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، (۱۳۸۹)، غرالحکم و درالحکم، قم، انتشارات امام عصر (عج).
- جعفریان، رسول، (۱۳۸۰)، مسئله‌ی حجاب و تأثیر اندیشه‌های قاسم امین مصری در ایران، آینه پژوهش، شماره ۷۰.
- جعفریان، رسول، (۱۳۸۳)، داستان حجاب در ایران پیش از انقلاب، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حق‌شناس، جعفر، (۱۳۸۷)، نظام‌اسلامی و مسئله حجاب (مجموعه مقالات و گفتگوها) قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاوران، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- رحیمی، عباس، (۱۳۸۵)، فرشتگان زمین، (کاوشی در چیستی و چرایی پوشش زنان)، نشر جمال.
- شریعتی، علی، (۱۳۶۰)، مجموعه آثار، تهران، نشر سبز، چاپ اول.
- شکوری، محمد، (۱۳۹۰)، «حجاب میوه عفاف است و عفاف ریشه حجاب» مجله فرهنگ دانشگاه علم و

این راهکارها می‌تواند در قالب آگاهی بخشی به شیوه‌های جذاب و متناسب با ادبیات نسل جوان، ارتقای سطح اخلاق و معنویات در جامعه، با استفاده از ابزار تشویقی و توسعه فرهنگ حجاب، مبارزه با مظاهر بی‌حجابی و بی‌حیایی، جایگزین کردن برنامه‌های غنی دینی و ملی درباره حجاب به‌جای برنامه‌های بامحتوا، ارایه الگوهای متناسب با حجاب با توجه به اوضاع زمانی و موفقیت‌های اجتماعی، صورت پذیرد.

۳- اهتمام در فراهم کردن شرایط ازدواج؛ این راهکار می‌تواند در قالب‌های اعطای سریع وام‌های قرض‌الحسنه، اعطای زمین به نورات تازه مزدوج، اعطای ارشدیت خدمتی و تحصیلی به نورات تازه مزدوج، برگزاری جشن‌های آسان گروهی ازدواج، استفاده رایگان از مکان‌های دولت در مراسمات عروسی جوانان، صورت گیرد.

۴- احیای فرهنگ اصیل حجاب؛ این راهکار می‌تواند در قالب فراخوان عمومی با محوریت دختران و زنان ایرانی، به تعقل و دریافت ارزش‌های دینی و الهی و تعهد آنها در برابر خانواده اصیل ایرانی باشد.

۵- برنامه‌ریزی مدون نهادها و سازمان‌های بالادستی مخصوصاً آموزش و پرورش در مورد حجاب؛ این راهکار می‌تواند در قالب گنجاندن مطالب مهم در زمینه عفاف و حجاب و سبک پوشش اسلامی در کتب درسی دوره‌های ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان، دانشگاه و برگزاری کارگاه‌های کاربردی حجاب باشد.

ب. پیشنهاد پژوهشی

۱- بررسی دقیق عوامل و زمینه‌های بدحجابی و بی‌حجابی؛ انجام پژوهش‌هایی دقیق و منسجم در موضوع حجاب که می‌تواند در قالب نقش دشمنان دین و نظام اسلامی، کوتاهی والدین، نقش فضای مجازی و نقش سلبریتی‌ها و شخصیت‌های مشهور و... باشد.

۲- آسیب‌شناسی برنامه‌های حکومت و حاکمیت و نهادهای متولی در امر حجاب؛ این پژوهش می‌تواند با رویکرد آسیب‌شناسی و آسیب‌زدایی از برنامه‌های راجع به حجاب مثل طرح نور و گشت ارشاد در جهت کارآمدی این طرح‌های مفید، باشد.

۳. انجام پژوهش‌های مفید با رویکردهای تربیتی؛ این پژوهش می‌تواند در قالب مطالعه حجاب با رویکرد

صنعت، ش ۹.
-خامنه‌ای، سیدعلی، دفتر حفظ و نشر آثار
آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای، khamenei.ir.

صدر، شادی، (۱۳۸۹)، مجموعه قوانین و مقررات پوشش در جمهوری اسلامی ایران، تهران، نشر جاوید.
-طباطبایی یزدی، سیدمحمدکاظم، (۱۳۸۷)، العروه الوثقی، ملاحظات: تهیه و تنظیم با حاشیه مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۸)، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب، قم، چاپ اول.
-طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۷۰)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمد باقر موسوی، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
-عظیمیان، مریم، سعید بهشتی، (۱۳۸۸)، «بررسی فلسفه و قلمرو حجاب در اسلام و آثار تربیتی آن» فصلنامه تربیت اسلامی، ش ۸.
-قائمی، علی، (۱۳۷۳)، حیات زن در اندیشه اسلامی، تهران، انتشارات امیری.
-کار، مهرانگیز، (۱۳۷۹)، پژوهشی درباره خشونت علیه زنان در ایران، تهران، نشر روشنگران و مطالعات زنان، چاپ اول.
-محمدی آشنائی، علی، (۱۳۷۰)، مسئله حجاب، تهران، ارم.
-محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۹۳)، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، قم، انتشارات دار الحدیث.
-مرتضوی، سیدضیاء، (۱۳۷۸)، امام خمینی و الگوهای شناختی در مسائل زنان، قم، دفتر تبلیغات.
-مصطفوی، سیدجواد، (۱۳۶۹)، حجاب و آزادی، مجموعه سخنرانی و کنفرانس زن، بی جا، انتشارات سازمان تبلیغات.
-مطهری، مرتضی، (۱۳۷۶)، مسئله حجاب، تهران، انتشارات صدرا.
-معین، محمد، (۱۳۸۸)، فرهنگ معین، زرین نگارستان کتاب.
-مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ ۳۲.
-نراقی، احمد، (۱۳۷۷)، مجموعه مقالات جریان روشنفکری و روشنفکران در ایران، درباره روشنفکری.
-هدایت خواه، ستار، (۱۳۷۵)، زیور عفاف، معاونت پرورشی اداره کل آموزش پرورش خراسان رضوی.

نقش نظامات در تعالی معنوی کارکنان ساع س آجا (مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

حسین اسکینی^۱ - محسن محمدی^۲ فر

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷

چکیده:

اهمیت معنویت و تعالی آن در قرآن مجید، روایات ائمه علیهم السلام و تدابیر داهیانه فرماندهی معظم کل قوا (مدظله العالی) در مراسم و شرفیابی‌های فرماندهان به وضوح به چشم می‌خورد و نیروهای مسلح به‌عنوان بازوی مقتدر نظام باید گوش به فرمان ولایت در تمام زمینه‌ها خط‌شکن باشند. این مقاله به نقش نظامات (شامل آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها) در تعالی معنوی کارکنان سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران می‌پردازد و تلاش می‌کند به این پرسش پاسخ دهد که میزان تأثیر نقش نظامات بر تعالی معنوی کارکنان سازمان عقیدتی سیاسی آجا چقدر است؟ این

پژوهش با روش توصیفی و بررسی مؤلفه‌های معنویت (در قرآن مجید، روایات ائمه و تدابیر فرماندهی معظم کل قوا) همراه کاربردگ مصاحبه و پرسشنامه در حوزه نقش نظامات بر تعالی معنوی ارتش کار خود را پیش برده است. بعد از تجزیه و تحلیل اطلاعات، بررسی ادبیات و چارچوب نظری و سوالات مصاحبه با نخبگان به میزان بالای تأثیر و نقش نظامات به‌عنوان متغیر وابسته بر تعالی معنوی به‌عنوان متغیر مستقل رسیدیم. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اجرای کامل و صحیح نظامات در سازمان عقیدتی سیاسی ارتش به رشد و تعالی معنوی کارکنان منجر خواهد شد و این تعالی مجدد باعث اجرای صحیح نظامات (آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها) شده و بالطبع اجرای درست امور، قوانین و مقررات را شاهد خواهیم بود.

کلمات کلیدی: نظامات، آئین‌نامه، دستورالعمل، معنویت، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش.

۱- دانشجوی دکتری تخصصی جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه علوم و تحقیقات تهران. hskini@yahoo.com

۲- کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

The role of systems in the spiritual excellence of SAAS Aja employees (based on the statements of the Supreme Leader

Skini Hossein³ - Mohamadifar Mohsen.⁴

Abstract: The importance of spirituality and its excellence in the Holy Qur'an, the narrations of the Imams (peace be upon them) and the ingenious measures of the Supreme Commander-in-Chief (Supreme Commander-in-Chief) are clearly visible in the ceremonies and honoring of the commanders, and the armed forces as the powerful arm of the system must Listen to the order of the province in all fields and be line-breakers. This article deals with the role of systems (including by-laws and instructions) in the spiritual advancement of the employees of the political ideological organization of the Islamic Republic of Iran Army and tries to answer the question of the extent to which the role of systems affects the spiritual advancement of the organization's employees. What is Aja's political opinion? This research has carried out its work with a descriptive method and examination of the components of spirituality (in the Holy Qur'an, the traditions of the imams, and the measures of the Islamic Revolutionary Guard Corps), along with an interview worksheet and a questionnaire in the field of the role of the military on the spiritual excellence of the army. After analyzing the information, reviewing the literature and theoretical framework, and interviewing the elites, we reached the high level of influence and role of systems as a dependent variable on spiritual excellence as an independent variable. The results of the research show that the complete and correct implementation of the systems in the ideological political organization of the army will lead to the growth and spiritual excellence of the employees and this re-exaltation will lead to the correct implementation of the systems (statutes and instructions) and of course the correct implementation We will witness the affairs, rules and regulations.

Keyword: Systems, regulations, instructions, spirituality, political ideological organization of the army.

3 - PhD student in cultural sociology, Tehran University of Science and Research, Iran. hskini@yahoo.com

4 - Tehran University of Science and Research, Iran.

مقدمه:

پیامبر بزرگوار اسلام (ص) فرموده‌اند: «ثَلَاثٌ تَخْرُقُ الْحُجْبَ وَتَنْتَهِي أَلِي مَا بَيْنَ يَدِي اللَّهِ؛ صَرِيرٌ أَقْلَامِ الْعُلَمَاءِ وَوَطْءٌ أَقْدَامِ الْمُجَاهِدِينَ...»

«آوازی که از قلم‌های دانشوران به گاه نوشتن برمی‌خیزد، حجاب‌ها را می‌برد و به پیشگاه خداوند ره می‌سپارد؛ همانند آهنگ گام‌های رزمندگان...» (بحرانی، ۱۳۸۸: ۲۲).

قدرت سازمان‌های نظامی به ساختار منسجم اداری و ارتباط و هماهنگی دقیق و منظم بین آنها بستگی دارد و موفقیت یا شکست اداری سازمان‌های نیروهای مسلح بستگی کامل به جریان منطقی و صحیح نظام ارتباطاتی آنها دارد؛ رعایت دقیق ضوابط و مقررات جاری در این زمینه نشانگر شأن و شخصیت سازمان، تعهد، وظیفه‌شناسی و میزان معنویت مسئولان است. برآیند نظامات صحیح در سازمان نیروهای مسلح، بیان‌کننده حاصل نحوه تفکر، اندیشه، اعمال، رفتار، تجربه و تعهد انجام کار و وظیفه انسانی کارکنان آن سازمان است. بنابراین هرچه این نظم در سازمان نیروهای مسلح و کارکنان آن پیشرفته‌تر و معنوی‌تر باشد، به همان میزان رسیدن به هدف‌ها آسان‌تر، مطمئن‌تر و عادلانه‌تر خواهد بود.

بخش عمده‌ای از ارتباطات داخلی یکان‌ها و سازمان‌های نیروهای مسلح و هم‌چنین ارتباط با سایر سازمان‌های کشوری به وسیله نظامات و مکاتبات اداری انجام می‌شود. با توجه به انواع و گوناگونی نظامات، یعنی آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های تهیه شده که هر کدام به تنظیم و تعدیل بخشی از حوزه‌های مختلف نیروهای مسلح می‌پردازد، انتظار است که میزان توجه به هریک از مؤلفه‌های معنویت از جمله رعایت اخلاق اسلامی، رعایت عدالت و نداشتن جهت‌گیری خاص و رعایت انصاف و تقوای الهی می‌تواند چقدر در تهیه درست و صحیح هریک از نظامات نیروهای مسلح، نقش‌آفرین و تأثیرگذار باشد. بنابراین ما در این تحقیق به دنبال میزان تأثیر انواع نظامات اعم از آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها در تعالی معنوی کارکنان سازمان عقیدتی سیاسی ارتش هستیم، یعنی مسئله این پژوهش عبارت است از: میزان تأثیر نقش نظامات (آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها) در

تعالی معنوی کارکنان سازمان عقیدتی سیاسی ارتش چقدر است؟ و هدف از انجام این تحقیق، تقویت و توسعه معنویت در سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران است.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) درباره اهمیت معنویت بارها رهنمود داشته‌اند در ادامه به برخی از این بیانات اشاره خواهیم کرد:

- «مسئله معنویت بسیار مهم است». (بیانات در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت؛ ۱۳۸۰/۶/۵).

- «کسانی که معنویت را ندیده بگیرند، اشتباه می‌کنند» (بیانات در دیدار با مردم قزوین؛ ۱۳۸۲/۹/۲۵).

- «سلاح مهم است و مرد مسلح، توانای دفاع است؛ اما مهم‌تر از سلاح، نیروی معنوی و قدرت روحی مرد مسلح است. این آن چیزی است که اقتدار ملی یک کشور را به صورت یک اقتدار معنوی و حقیقی و غیر قابل زوال در می‌آورد... امروز شما در چنین کسوتی قرار دارید» (بیانات در مراسم تحلیف و اعطای سردوشی در دانشگاه افسری امام علی (ع)؛ ۱۳۸۷/۷/۲۸).

معمولاً در سازمان‌های نظامی، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری براساس قواره‌های مکاتباتی یا نظامات انجام می‌شود که از طرف کارکنان و متخصصان متعهد و دین‌باور تهیه و در اختیار مسئولان قرار می‌گیرد. از این رو تهیه یک آئین‌نامه یا دستورالعمل که در کلیه یکان‌های نظامی قابلیت اجرا پیدا می‌کند، اهمیت خاصی دارد و نکته مهم‌تر نقش آنها در ارتقای معنویت سازمان عقیدتی سیاسی ارتش است. زیرا با مراجعه به اصول حاکم بر نظامات چیزی غیر از اصول جاری در تعالی معنوی نخواهیم دید. با توجه به موارد بالا در نتیجه به این سوال‌ها پاسخ خواهیم داد که:

۱- به چه میزان نگرش‌ها و مکاتبات نظامی در تعالی معنوی کارکنان سازمان عقیدتی سیاسی ارتش نقش دارند؟

۱-۱- به چنین میزان آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها در تعالی معنوی کارکنان سازمان عقیدتی سیاسی ارتش نقش دارند؟

۱-۲- به چه میزان جلسه‌ها و نشست‌های تخصصی (شورها و کارگروه‌ها) برای تهیه آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها در تعالی معنوی کارکنان سازمان

به عبارت دیگر تمام فضایل اخلاقی و اعمال عبادی تحت
واژه معنویت قرار می‌گیرد (آریانپور، ۱۳۷۸: ۵۲۶).

معنویت در کلام مقام معظم فرماندهی کل قوا:

معظم له در این مورد می‌فرماید: «رابطه معنوی و
قلبی خودتان با خدا را از طریق عبادت و توجه و ذکر و
حضور و معنویت و استمداد از خدا و توکل به او و انجام
نوافل و فریض خوب کنید» (بیانات در دیدار با هیئت
نظارت، بازرسان و ناظران شورای نگهبان؛ مورخه
۱۳۶۸/۹/۲۲).

یا اینکه در دیدار با مسئولان دفاتر نمایندگی ولی فقیه
در سپاه پاسداران فرموده‌اند: «البته تقویت بنیه سپاه،
به آموزش و تجهیزات و سازماندهی و انضباط و همین
چیزهایی است که ما همیشه سفارش می‌کنیم؛ اما
بالتر از همه اینها، به معنویت است. معنویت، راز و نیاز
با خدا، ارتباط دل‌ها با خدای متعال، هدف را خدا قرار
دادن، فریب ظواهر را نخوردن، دلبستگی به زر و زیور
دنیا و زخارف دنیا پیدا نکردن، اینهاست که یک مجموعه
مؤمن و یک فئه مؤمنه را به وجود می‌آورد؛ آن وقت، (کَم
مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ) (بقره، ۲۴۹). کم
هم که باشید، با داشتن آن جنبه‌ی معنوی، زیاده‌ها را در
مقابل خودتان مجبور به هزیمت می‌کنید».

تبیین معنویت در اندیشه‌های نظامی- دفاعی مقام معظم فرماندهی کل قوا:

در ابتدا باید گفت، آنچه که باعث پیروزی سپاه قلیل از
نظر عدّه و عدّه بر سپاه کثیر و زیاد می‌شود، همان جنبه
معنویت و ایمان به خدا و وعده‌های الهی است. چنانچه
خداوند می‌فرماید:

«كَمْ مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ
الصَّابِرِينَ» (سوره بقره: آیه ۲۴۹). چه بسیار گروه‌های
کوچکی که به اذن خدا بر گروه‌های زیادی پیروز شدند و
خداوند با صابران است.

اذن خداوند در جریان پیروزی گروه کوچک بر گروه
زیاد منوط به همان ایمان، صبر و معنویت گروه قلیل
است. بنابراین تابلوی معنویت در نیروهای مسلح همین
آیه شریفه است.

در مقوله پیشینه تحقیق بایستی به این نکته توجه

عقیدتی سیاسی ارتش نقش دارند؟

و در همین راستا فرضیه‌های زیر تدوین شده است:

۱- نگارش‌ها و مکاتبات نظامی در تعالی معنوی کارکنان
سازمان عقیدتی سیاسی ارتش نقش مؤثر دارند.

۲- آئین نامه‌ها و دستورالعمل‌ها در تعالی معنوی
کارکنان سازمان عقیدتی سیاسی ارتش نقش مؤثر
دارند.

۳- جلسه‌ها و نشست‌های تخصصی (شوراها و
کارگروه‌ها) برای تهیه آئین نامه‌ها و دستورالعمل‌ها در
تعالی معنوی کارکنان سازمان عقیدتی سیاسی ارتش
نقش مؤثر دارند.

مبانی نظری و ادبیات تحقیق:

تعریف لغوی معنویت: کلمه معنویت (معادل
اسپریچوآلیتی برگرفته از ریشه اسپریچوس) از ماده
«عنی» به معنای آنچه از لفظ اراده شده می‌باشد. الفاظ،
ظاهری دارند و باطنی، باطنی که واقعیتی است غیر از
ظاهرشان و آن اصل و حقیقت واژه‌هاست. ظاهر الفاظ
اشاره‌هایی است که ذهن انسان را به آن معنی و حقیقت
و اصل متوجه می‌کند. ظاهر الفاظ اگر در عین زیبایی اگر
از باطن و معنا تهی شوند، بیهوده و مهمل خواهند بود
(آریانپور، ۱۳۷۸: ۵۳۲۳).

معنویت یعنی آنچه که مربوط به حقیقت و باطن است،
خلاف مادی است. معنویت، مجموعه جنبه‌های فکری،
اخلاقی، فرهنگی و عاطفی انسانی بوده و نیز به معنای
غیر مادی آورده می‌شود. عالم لفظ است و دارای باطنی
که همان معنویت است و آن اصل و حقیقت است.
معنویت مانند روح است در بدن که حضورش در جای
جای بدن باید معلوم باشد؛ زیرا هر عضوی که روح در آن
نباشد مرده است (بن‌زکریا، ۱۳۷۳: ۵۲۳).

تعریف اصطلاحی معنویت:

معنویت، عبارت است از آنچه که به دین و موضوع‌های
مقدس مربوط باشد. معنویت با وجود خدا معنا پیدا
می‌کند و بدون اعتقاد به خداوند متعال، اعتقاد به
معنویت بی‌معناست. به بیان دیگر شاخصه معنویت
محوری، خدا محوری است. معنویت پایه تکامل انسان
است. تمام عبادت‌ها که در اسلام برانجام آنها تکیه
شده است برای تقویت جنبه معنوی روح انسان است.

داشت که: با بررسی رساله‌ها، پایان نامه‌ها و مقالات موجود در مراکز علمی و دانشگاهی نیروهای مسلح (به‌ویژه دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش و دانشگاه علوم و فنون فراهی)، در هریک از حوزه‌های نظامات و تعالی معنوی به تنهائی تحقیقاتی شده است، لکن در ارتباط با نقش این دو متغیر نظامات و تعالی معنوی، پژوهش مستقلی یافت نشد.

نظامات و قواره‌های آن:

تعریف نظامات: زبان مکتوب، زبان رایج اداری است که برای برقراری پیوندهای رسمی مورد استفاده قرار می‌گیرد و آئین نگارش و نظامات شامل روش‌ها، شگردها و فونونی است که ضمن روشنی و ایجاز، دربرگیرنده ربط منطقی بین مطالب باشد. بخش عمده‌ای از ارتباطات داخلی یگان‌ها و سازمان‌های نیروهای مسلح و هم‌چنین ارتباط با سایر سازمان‌های کشوری به وسیله نظامات و مکاتبات اداری صورت می‌گیرد.

انواع نگارش نظامی: نگارش نظامی به‌طور کلی به دو نوع عملیاتی و غیر عملیاتی (اداری) تقسیم می‌شوند.

۱. نگارش نظامی عملیاتی: نوعی نگارش است که مستقیماً مربوط به عملیات نظامی می‌شود و برابر آئین نامه‌های مصوب، در زمان‌های خاص نگاشته می‌شود. دستورهای عملیاتی، گزارش‌های عملیاتی و برآوردهای ستادی از جمله نگارش‌های نظامی عملیاتی محسوب می‌شوند.

۲. نگارش غیر عملیاتی (اداری): نوعی نگارش است که به شکل مستقیم به امور نظامی مربوط می‌شود. برخی از انواع نامه‌ها، احکام، بررسی‌های ستادی، گزارش‌ها، روش جاری‌ها و گردشکارها که مطابق ضوابط و مقررات خاصی تهیه می‌شوند از جمله نگارش‌های نظامی اداری محسوب می‌شوند (دفتر واژه‌گزینی، ۱۳۹۰: ۲۹).

هر جمله در تدوین نظامات باید حامل پیام باشد و زمانی این مقصود حاصل می‌شود که روح هدف و موضوع، در کالبد جمله‌ها و بندها حلول کرده باشد، برخی از اهداف نظامات عبارتند از:

- ۱- پیشبرد امور و انجام وظایف برای استفاده بهینه از زمان و امکانات؛
- ۲- ایجاد مستندات و سوابق قانونی به‌عنوان حافظه

سازمان برای مراجعات بعدی و آیندگان؛
۳- سازماندهی اهداف برای بهبود سازماندهی، مدیریت، برنامه‌ریزی و فرماندهی؛
۴- ارتباط‌گیری و آشنایی با سایر مراکز به‌منظور توسعه و بسط همکاری با یکدیگر (دفتر واژه‌گزینی، ۱۳۹۰: ۵۶).

کلیات محتوایی مهم در نظامات:
همواره کلیات مورد اشاره شامل بایدها، نبایدها و نکات و ویژگی‌های زیر باید در تهیه نظامات مدنظر قرار گیرد:
۱- نظامات باید جدی و رسمی باشد و در نگارش آن از بکارگیری لحن طنز، هزل، گستاخی و توهین دوری شود.

۲- ساده‌نویسی در نظامات باعث تفهیم بهتر و سریع‌تر مطالب و پرهیز از ایجاد تفسیرها و برداشت‌های چندگانه، مبهم و مختلف می‌شود.

۳- در نظامات باید از لغات دور از ذهن و متروک و کنایه‌ها و استعاره‌های پیچیده و هم‌چنین تملق و واژه‌های آمیخته با حب و بغض پرهیز شود.

۴- صراحت، روشنی، دقت و رعایت عفت قلم از ویژگی‌های مطرح در تدوین نظامات نظامی و اداری است که همواره باید مدنظر باشد.

۵- برای تأثیر مطلوب نظامات از درج مطالب غیرضرور و پرداختن به حواشی و ذکر نکته‌های نامربوط خودداری می‌شود.

۶- در بیان مطالب در هر آئین‌نامه و دستورالعمل از جمله‌های مثبت و روشن استفاده شود و از به‌کار بردن جمله‌های منفی خودداری شود.

۷- فرماندهان و مسئولان (امضاکننده نظامات) باید با دقت نظر بالا آن را مرور کنند تا اشکالی در آن نباشد، زیرا مسئولیت کامل نظامات به عهده امضا کننده آن است (دفتر واژه‌گزینی، ۱۳۹۰: ۷۹).

قواره‌های مکاتباتی و نظامات:

قواره‌های مکاتباتی در بردارنده الگوهای نگارشی است که شکل داده‌ها را در چارچوب و ترتیب منطقی و منسجم، مشخص می‌کند. قواره‌های مکاتباتی رایج در نیروهای مسلح به‌قرار زیر است:

۱. دستور کار یا دستورالعمل: مجموعه‌ای از دستورها با الگویی خاص است که برای انجام فعالیت یا تشریح بخشی از آئین‌نامه صادر می‌شود و در آن چگونگی

انجام کار، وظیفه و مسئولیت یکان‌ها و سازمان‌های مرتبط با اجرای یک مأموریت مشخص می‌شود. و شامل دستوالعمل‌های قانونی، اداری و فنی است (دفتر واژه‌گزینی، ۱۳۹۰: ۱۴۹).

۲. آئین‌نامه: آئین‌نامه شامل رویه‌ها و مشی‌های کلی و جدیدی است که یک سازمان برای تنظیم امور خود تهیه و تدوین می‌کند و در واقع مقرراتی است که مقام‌های صلاحیت‌دار وضع می‌کنند و به مرحله اجرا می‌گذارند. آئین‌نامه نظامی هم مجموعه تدابیر، مقررات و رویه‌های جدیدی است که به تصویب مقام معظم فرمانده کل قوا (مدظله‌العالی) رسیده است یا با تفویض اختیار توسط رئیس ستاد کل نیروهای مسلح یا فرماندهان ارتش، سپاه پاسداران یا نیروی انتظامی ابلاغ شده باشد (دفتر واژه‌گزینی، ۱۳۹۰: ۱۹۸).

معنویت و مؤلفه‌های آن:

مؤلفه‌های معنویت در نیروهای مسلح عبارتند از:

۱. معرفت و ایمان ۲. عبودیت و عمل صالح ۳. اعتقاد و التزام عملی به ولایت فقیه (ولایت‌محوری) ۴. تقوا و پرهیزگاری ۵. شایستگی‌های اخلاقی ۶. رشد ذهنی، فکری و شخصیتی ۷. تعامل و روابط اجتماعی و سازمانی ۸. پرهیز از تجملات و دنیاگرایی ۹. بصیرت و عمل انقلابی ۱۰. روحیه جهادی و عاشورایی ۱۱. اصالت و نجابت خانوادگی ۱۲. آمادگی عمومی (جسمانی، نظامی).

در این مقاله به علت محدودیت صفحات تعیین شده از ۱۲ مؤلفه مربوط به تعالی معنوی، هفت مؤلفه‌های (۱ تا ۷) که رابطه و نقش مشخص تری با نظامات (آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها) دارند پرداخته می‌شود.

۱. معرفت و ایمان:

منظور از ایمان آن است که انسان به خدا، ملائکه، پیامبران، معاد و آنچه از سوی خدا فرود آمده، اعتقاد راسخ پیدا کند و آن را از دل و جان خویش باور داشته باشد و از آن پیروی کند.

- آیات و روایات مرتبط:

«مَنْ الرَّسُولُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا تَفَرَّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» (بقره: ۲۸۵).

رسول به آنچه خدا بر او نازل کرد ایمان آورده و مؤمنان نیز همه به خدا و فرشتگان و کتب و پیامبران خدا ایمان آوردند و (گفتند) ما میان هیچ‌یک از پیغمبران

انجام کار، وظیفه و مسئولیت یکان‌ها و سازمان‌های مرتبط با اجرای یک مأموریت مشخص می‌شود. و شامل دستوالعمل‌های قانونی، اداری و فنی است (دفتر واژه‌گزینی، ۱۳۹۰: ۱۴۹).

۲. آئین‌نامه: آئین‌نامه شامل رویه‌ها و مشی‌های کلی و جدیدی است که یک سازمان برای تنظیم امور خود تهیه و تدوین می‌کند و در واقع مقرراتی است که مقام‌های صلاحیت‌دار وضع می‌کنند و به مرحله اجرا می‌گذارند. آئین‌نامه نظامی هم مجموعه تدابیر، مقررات و رویه‌های جدیدی است که به تصویب مقام معظم فرمانده کل قوا (مدظله‌العالی) رسیده است یا با تفویض اختیار توسط رئیس ستاد کل نیروهای مسلح یا فرماندهان ارتش، سپاه پاسداران یا نیروی انتظامی ابلاغ شده باشد (دفتر واژه‌گزینی، ۱۳۹۰: ۱۹۸).

۳. روش جاری: «روش جاری» نوشته‌ای شامل مجموعه روش‌های معین برای انجام وظایف و مأموریت‌هایی است که به‌طور معمول در یک سازمان یا یکان اجرا می‌شود و در آن، روش‌ها و چگونگی انجام کار و طریقه اقدام در مورد اجرای فعالیت‌های مورد نظر تشریح و جزئیات عمل و توالی گام‌های مختلف آن مشخص می‌شود (دفتر واژه‌گزینی، ۱۳۹۰: ۲۰۲).

۴. گردشکار: «گردشکار» نامه‌ای مشتمل بر سابقه و تشریح وضع موجود، روند جریان کار، بررسی‌ها و مطالعات انجام شده و بحث و بررسی موانع و مشکلات و تجزیه و تحلیل مبحث اداری یا نظامی خاصی است که در شکل و قواره‌ای معین همراه سوابق، نظریه و پیشنهادها برای اتخاذ تصمیم مقتضی به رده مافوق ارائه می‌شود. که شامل گردشکار داخلی و عرضی می‌باشد (دفتر واژه‌گزینی، ۱۳۹۰: ۲۰۵).

۵. بررسی ستادی: «بررسی ستادی» عبارت است از تحقیق، بررسی، گردآوری و تجزیه و اطلاعات و ارائه شیوه‌های حل یک مسئله در ابعادی وسیع‌تر از گردشکار که به‌صورت یک نوشته تحقیقاتی به رده‌های فرماندهی یا مدیریت تحویل می‌شود (دفتر واژه‌گزینی، ۱۳۹۰: ۲۱۰).

۶. بخشنامه: «بخشنامه» حکم یا دستور کتبی نظامی یا اداری معینی است که از طرف نیرو، ستاد، سازمان، رده، وزارتخانه یا مؤسسه در نسخه‌های متعدد تهیه و

خدای متعال، متضرعین الیه را مورد توجه و عنایت خاص قرار می‌دهد (بیانات در دیدار رئیس جمهور و هیئت وزیران به مناسبت آغاز هفته دولت، ۱۳۷۶/۶/۲).

۳. اعتقاد و التزام عملی به ولایت فقیه (ولایت محوری)

نظام ولایی که تجلی حاکمیت انحصاری و ولایت الهی روی زمین است در عصر غیبت در شکل ولایت فقیه تحقق می‌یابد؛ ولایتی که خدا برای پیامبر اکرم (صلوات الله علیه) و ائمه معصومین (علیهم السلام) انشاء و ابلاغ فرمود و آنان این مأموریت را در عصر غیبت بر عهده فقهای عادل و جامع شرایط گذاشته‌اند.

اعتقاد قلبی و التزام عملی به ولایت فقیه در حقیقت اعتقاد و التزام به ولایت الهی و ولایت معصومین (علیهم السلام) است و خروج از آن خروج و محرومیت از ولایت خدا و معصومین می‌باشد چرا که ولی فقیه، مبتین و مجری احکام الهی است و پذیرش و التزام به ولایت او التزام به احکام خدا و تمرد از وی، تمرد از احکام الهی بوده و به منزله شرک ربوبی است.

آیات و روایات مرتبط:
- «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء، ۵۹). ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و صاحبان امر را.

گرچه مصداق اصلی اولی الامر ائمه معصومین (علیهم السلام) هستند لکن به تصریح خودشان در عصر غیبت ولی فقیه از طرف آنان نیابت دارد، و اطاعت از او اطاعت از ائمه معصومین (علیهم السلام) و نافرمانی از او نافرمانی از معصومین (علیهم السلام) است.

امام صادق (علیه السلام) پس از نهی از پذیرش حاکمیت و حکمیت طاغوت، با صراحت حکم ولی فقیه را حکم خود و خدا دانسته و می‌فرماید:

«مَنْ كَانَ مِنْكُمْ مِمَّنْ رَوَى حَدِيثَنَا وَنَظَرَ فِي خَلَالِنَا وَحَرَامِنَا وَعَرَفَ أَحْكَامَنَا فَلْيَرُضُوا بِهِ حَكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا فَإِذَا حَكَمَ بِحُكْمِنَا فَلَمْ يَقْبَلْهُ مِنْهُ فَإِنَّمَا اسْتَخَفَّ بِحُكْمِ اللَّهِ وَ عَلَيْنَا رَدُّ وَالرَّادُّ عَلَيْنَا الرَّادُّ عَلَى اللَّهِ وَ هُوَ عَلَى حَدِّ الشَّرْكِ بِاللَّهِ» (عاملی، ۱۳۸۶: ۹۹). هر کس از شما (شیعیان) که حدیث ما را روایت می‌کند و در حلال و حرام ما نظر می‌کند و احکام ما را می‌شناسد ادر شناخت

خدا فرق نگذاریم و همه یک‌زبان و یک‌دل فرمان خدا را شنیده و اطاعت کردیم. پروردگارا ما آمرزش تو را می‌خواهیم و می‌دانیم که بازگشت همه به سوی توست. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «أَلَا يَمَانُ مَعْرِفَهُ بِالْقَلْبِ وَإِقْرَارُ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۸: ۱۱۸۶). ایمان شناختی است با قلب، اقراری است با زبان و عملی است با اندام.

- مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌فرماید: افتخار نیروهای مسلح ما این است که هدف‌های خود را از ایمان عمیق اسلامی الهام گرفته است (بیانات در دیدار با نظامیان، ۱۳۸۵/۸/۲۰).

۲. عبودیت و عمل صالح

-منظور از عبودیت، اظهار خضوع در برابر کسی است که نهایت انعام و اکرام را در حق مخلوقاتش روا داشته و او کسی جز خدای سبحان نیست (راغب اصفهانی، ۱۳۷۹: ۳۱۹).

آیات و روایات مرتبط:
- «وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ» (حجر: ۹۹) و پروردگارت را عبادت کن تا تو را یقین حاصل آید.

امام صادق (علیه السلام) نیز حقیقت عبودیت الهی را چنین بیان می‌فرماید: «ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءٌ أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا حَوَّلَهُ اللَّهُ مَلِكًا لِأَنَّ الْعَبِيدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مَلِكٌ، يَرُونَ الْمَالَ مَالِ اللَّهِ يَضَعُونَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ وَلَا يُدَبِّرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَدْبِيرًا وَ جُمْلَةُ اسْتِغْالِهِ فِيمَا أَمَرَهُ تَعَالَىٰ بِهِ وَ نَهَاهُ عَنْهُ» (مجلسی، ۱۳۷۵: ۲۲۵). حقیقت عبودیت در سه چیز است:

۱. بنده، خود را مالک داده‌های الهی نداند؛ زیرا بندگان مالک چیزی نمی‌شوند، بلکه مال را مال خدا می‌دانند و در همان راهی که فرموده به مصرف می‌رسانند.
۲. خود را در تدبیر امور ناتوان بدانند.
۳. به انجام اوامر و نواهی الهی اشتغال ورزد.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌فرماید: این رابطه با خدا را همه باید داشته باشند... نماز با توجه و با حضور بخوانید؛ به نوافل اهمیت دهید و سعی کنید که در روز مقداری قرآن تلاوت کنید. هیچ روزی بر شما نگذرد که مقداری قرآن - ولو ده آیه، پنج آیه - با تدبیر تلاوت نکنید. این، به شما نورانیت می‌بخشد... در دعاهای ما، نفس رابطه با خدا، جزو بدیهیات و محکمت ادعیه ماست و

چنانکه خَلق شکل ظاهری و صوری اشیاء است. ملکات و صفات روحی و باطنی که در انسان است اخلاق نامیده می‌شود و به اعمال و رفتاری که از این خَلقیات ناشی می‌شود، نیز اخلاق می‌گویند. اخلاق انسان بر دو نوع است: ۱. فطری و طبیعی ۲. اکتسابی و اختیاری.

شایستگی‌های اخلاقی، فضایل و ملکاتی است که آن را محاسن اخلاق می‌نامند که با ریاضت‌های علمی و عملی به دست می‌آید مانند: حسن خلق و رعایت ادب، پرهیز از تملق، نداشتن حب جاه و مقام، وفای به عهد، عزت نفس و... (مهروی کنی، ۱۳۷۴: ۱۳).

- آیات و روایات مرتبط:

- «إِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ». (سوره قلم: آیه ۴). همانا تو صاحب اخلاق عظیم و برجسته‌ای هستی.

- نبی مکرم اسلام (صلوات الله علیه) فرمودند: «أَنْتَىٰ بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ» (پیمانی، ۱۳۸۳: ۱۹۱). همانا من برای تکمیل شدن تافضایل اخلاقی را به کمال رسانم.

- مقام معظم رهبری (مدظله العالی): اخلاقیات نادرست را در خودمان کشف کنیم... درباره خودمان دچار خودشیفتگی نشویم. عیب‌هایمان را ببینیم و آنها را مثل فهرستی مقابل خودمان قرار دهیم (بیانات در خطبه‌های نماز عید فطر، ۷۳/۱۲/۱۱).

۶. رشد ذهنی، فکری و شخصیتی

رشد ذهنی: بهره‌مندی از توانایی لازم برای ادراک و شناخت محیط درونی و بیرونی خود اعم از ادراک حسی و عقلی که شامل شکوفایی استعدادهایی مانند: حافظه، یادگیری، دقت، استدلال، نتیجه‌گیری و حکم کردن می‌شود.

رشد فکری: توانایی به‌کارگیری استعدادهای ذهنی برای رسیدن از معلومات به مجهولات و یافتن پاسخ‌های معتبر و درست برای پرسش‌های خود.

رشد شخصیتی: پرورش یافتگی روحی و روانی و برخورداری از «من» شکل‌یافته و تثبیت‌شده به‌گونه‌ای که بتواند رفتارهای بهنجار، درست و مورد انتظار در جامعه اسلامی و سازمان نیروهای مسلح را از خود بروز دهد.

- آیات و روایات مرتبط:

۱. قُلْ كُلٌّ يَجْعَلُ لِي شَاكِلَتَهُ. (اسراء: ۸۴) بگو هر کس بر حسب سرشت و شخصیت خود رفتار می‌کند.

آنها تخصص دارد] پس او را به حکم و داوری برگزینید. او تسلیم اوامرش باشید] همانا من او را حاکم و ولی شما قرار دادم پس وقتی او طبق دستور (و بر اساس تعالیم) ما حکم داد و کسی آن را نپذیرفت حکم خدا را سبک شمرده و ما را راد کرده است و آن کس که ما را راد کند، خدا را راد کرده و این در حد شرک به خداست.

- مقام معظم رهبری (مدظله العالی) می‌فرماید: عبودیت یکسان همه موجودات در برابر خدا مستلزم آن است که هیچ یک از بندگان خدا خودسر و مستقل حقّ تحکم و فرمانروایی بر بندگان دیگر نداشته باشد (نفی طاغوت) و زمامدار و مدیر و مدبر بر امور زندگی انسان‌ها فقط کسی باشد که خدا خود به حکومت برگزیده است. یا به شخصی مانند امامان معصوم (علیهم السلام) و یا به علائم و ملاک‌ها مانند حاکم اسلامی در زمان غیبت امام معصوم (ع) (امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، ۱۳۹۲: ۳۸).

۴. تقوا و پرهیزگاری

- تقوا از واژه «وقایه» به معنای نگهداری گرفته شده و در عرف و روایات عبارت است از حفظ نفس از مخالفت اوامر و نواهی حق و متابعت رضای او (امام خمینی، ۱۳۸۲: ۲۰۶).

آیات و روایات مرتبط:

«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات، ۱۳). در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.

پیامبر اعظم (صلوات الله علیه): «إِعْمَلْ بِفَرَائِضِ اللَّهِ تَكُنْ أَتْقَى النَّاسِ» (مجلسی، ۱۳۷۵: ۱۹۶). به واجبات الهی عمل کن تا پرهیزگارترین مردم باشی.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی): حفظ این نهاد مقدس، خیلی با ارزش است و حفظ آن هم بر این است که یکایک شما خودتان را در این صراط مستقیمی که در آن قرار گرفته‌اید، با مراقبت و با تقوا و پرهیزگاری حفظ کنید، «تقوا الله» عزیزان من «تقوا الله» تقوا هم معنایش این است که به طور دائم مراقب حرکات و اعمال و رفتار و گفتار خودتان باشید و خود را رها نکنید. این مراقبت، خیلی برکات دارد (بیانات در دیدار با فرماندهان و مسئولان سپاه، مورخه ۷۶/۶/۲۶).

۵. شایستگی‌های اخلاقی

کلمه اخلاق جمع خَلق و خَلق شکل درونی انسان است.

۱۲. آمادگی عمومی (جسمانی، نظامی):

روش تحقیق:

هدف از انجام این تحقیق، تقویت و توسعه معنویت در سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران است. این مقاله براساس هدف تحقیق کاربردی، براساس رویکرد آمیخته و براساس روش موردی-زمینه‌ای است. در این مقاله از روش آمیخته (کمی و کیفی) برای رسیدن به اهداف استفاده شده است و ابزار گردآوری اطلاعات، اسناد کتابخانه‌ای، پرسشنامه و مصاحبه می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق شامل نخبگان و فرهیختگان نظامی و غیرنظامی آجا (سامانه فرماندهی، سازمان حفاظت اطلاعات-سازمان عقیدتی سیاسی ارتش) معادل ۵۵ نفر با روش انتخابی می‌باشد. روش نمونه‌گیری با استفاده از جدول مورگان ۵۰ نفر انتخاب شد.

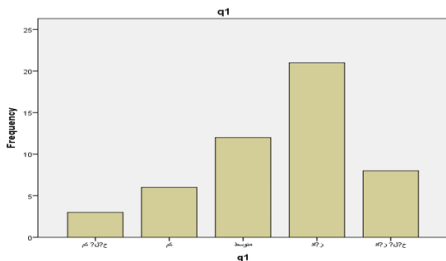
تجزیه و تحلیل داده‌ها:

نحوه تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت توصیفی، شامل جداول و نمودار، میانگین و مجموع امتیازات خواهد بود.

۱- آیا نحوه نگارش نامه‌ها، از نظر محتوایی و شکلی در تعالی معنوی کارکنان ساع س آجا نقش دارد؟

جدول شماره ۱: نگارش نامه‌ها

درصد تجمعی	درصد فراوانی	فراوانی	خیلی کم
۶	۶	۳	خیلی کم
۱۸	۱۲	۶	کم
۴۲	۲۴	۱۲	متوسط
۸۴	۴۲	۲۱	زیاد
۱۰۰	۱۶	۸	خیلی زیاد
جمع	۵۰		



نمودار شماره ۱: نگارش نامه‌ها

۲. أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ. (هود، ۷۸) آیا در میان شما مردی فهیم پیدا نمی‌شود؟

۳. إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ. (هود، ۸۷) [ای شعیب!] راستی که تو بردبار فرزانه (رشدیافته) هستی.

امام رضا (علیه السلام) فرمودند: وَأَسْتَخِيرُوا اللَّهَ فِي أُمُورِكُمْ يَغْرَمُ لَكُمْ عَلَى رُشْدِكُمْ (کلینی، ۱۳۷۳: ۳۷۳) در امور زندگی خود از خدا خیر و خوبی بخواهید تا خدا هم بر رشد شما بیفزاید.

امام خمینی (ره) می‌فرماید: اساساً اسلام - که تشیع چیزی جز اسلام اصیل نیست - نه تنها جلو رشد علمی و فکری بشر را نمی‌گیرد، بلکه خود، زمینه‌های این حرکت را آماده‌تر می‌کند و به این حرکت جهت انسانی و الهی می‌دهد و تکامل علمی و فرهنگی بشر بعد از ظهور اسلام محققین تاریخ را خیره ساخته است (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۲۸۰).

۷. تعامل و روابط اجتماعی و سازمانی

انگیزه‌ها، هیجان‌ها، رابطه میان فرهنگ و شخصیت و نقش‌های گوناگونی که هر اجتماعی به اعضای خود واگذار می‌کند همه، نمونه‌هایی از تعامل و روابط اجتماعی است؛ (سوادی، ۱۳۸۶: ۱۲).

آیات و روایات مرتبط:

«وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (مائده، ۲) و در گناه و تجاوز به یکدیگر کمک نکنید و از خدا پروا کنید که خداوند سخت کیفر است.

پیامبر اعظم (صلوات الله علیه) فرمودند: «مَنْ أَصْبَحَ وَلَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ» کلینی، ۱۳۷۳: ۱۶۳) کسی که صبح کند در حالی که به امور مسلمانان اهمیت ندهد، مسلمان نیست.

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) می‌فرمایند: هر نظامی که با مردم خودش مرتبط و متصل نباشد، نمی‌تواند برای بلندمدت و برای آینده، برنامه‌ریزی مطمئنی داشته باشد (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۰: ۱۴۴).

۸. پرهیز از تجملات و دنیاگرایی؛

۹. بصیرت و عمل انقلابی؛

۱۰. روحیه جهادی و عاشورایی؛

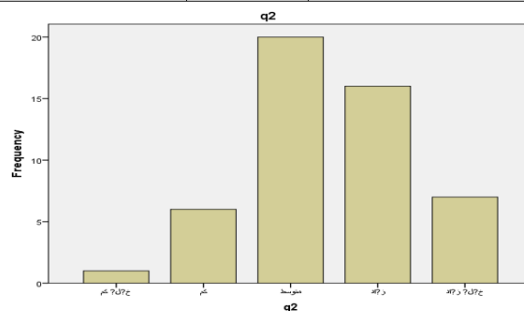
۱۱. اصالت و نجابت خانوادگی؛

تفسیر: در جدول و نمودار بالا، پاسخ سؤال مذکور مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه آن، ۱۸ درصد گزینه کم، ۲۴ درصد گزینه متوسط، ۵۸ درصد گزینه زیاد را انتخاب کرده‌اند.

۲- آیا نحوه نگارش و تدوین دستورالعمل‌ها از نظر محتوایی و شکلی در تعالی معنوی کارکنان ساع س آجا نقش دارد؟

جدول شماره ۲: تدوین دستورالعمل‌ها

گزینه	۱	۲	جمع
خیلی کم	۱	۲	۳
کم	۶	۱۲	۱۸
متوسط	۲۰	۴۰	۶۰
زیاد	۱۶	۳۲	۴۸
خیلی زیاد	۷	۱۴	۲۱
جمع	۵۰	۱۰۰٪	



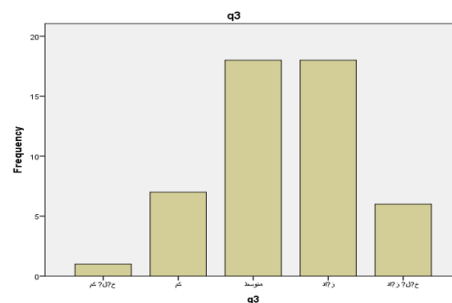
نمودار شماره ۲: تدوین دستورالعمل‌ها

تفسیر: در جدول و نمودار بالا، پاسخ سؤال مذکور مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه آن، ۱۴ درصد گزینه کم، ۴۰ درصد گزینه متوسط، ۴۶ درصد گزینه زیاد را انتخاب کرده‌اند.

۳- آیا نحوه نگارش و تدوین آیین‌نامه‌ها از نظر محتوایی و شکلی در تعالی معنوی کارکنان ساع س آجا نقش دارد؟

جدول شماره ۳: محتوای نگارشات

گزینه	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
خیلی کم	۱	۲	۲
کم	۷	۱۴	۱۶
متوسط	۱۸	۳۶	۵۲
زیاد	۱۸	۳۶	۸۸
خیلی زیاد	۶	۱۲	۱۰۰
جمع	۵۰	۱۰۰٪	



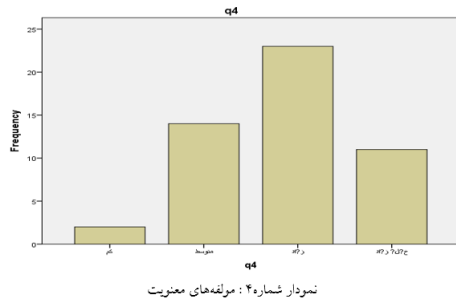
نمودار شماره ۳: محتوای نگارشات

تفسیر: در جدول و نمودار بالا، پاسخ سؤال مذکور مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه آن، ۱۶ درصد گزینه کم، ۳۶ درصد گزینه متوسط، ۴۸ درصد گزینه زیاد را انتخاب کرده‌اند.

۴- آیا رعایت مؤلفه‌های معنویت در جلسات و نشست‌های تخصصی (شوراها و کارگروه‌ها) برای تهیه آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها در تعالی معنوی کارکنان ساعتی آجا نقش دارد؟

جدول شماره ۴: مؤلفه‌های معنویت

	فراوانی	درصد فراوانی	درصد تجمعی
خیلی کم	۰	۰	۰
کم	۲	۴	۴
متوسط	۱۴	۲۸	۳۲
زیاد	۲۳	۴۶	۷۸
خیلی زیاد	۱۱	۲۲	۱۰۰
جمع	۵۰	۱۰۰٪	



نمودار شماره ۴: مؤلفه‌های معنویت

تفسیر: در جدول و نمودار بالا، پاسخ سؤال مذکور مورد بررسی قرار گرفت که نتیجه آن، ۴ درصد گزینه کم، ۲۸ درصد گزینه متوسط، ۶۸ درصد گزینه زیاد را انتخاب کرده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری:

با عنایت به یافته‌های تحقیق به‌طور کلی می‌توان پاسخ نظرسنجی به عمل آمده از متخصصین امر را در خصوص نقش نظامات در تعالی معنوی کارکنان، طبق جدول زیر نتیجه‌گیری کرد:

جدول شماره ۵: نقش نظامات

عنوان پژوهش	مؤلفه‌های آماری	نقش نگارش نامه‌ها	نقش تدوین دستورالعمل‌ها	نقش تدوین آئین‌نامه‌ها	نقش جلسات و نشست‌های تخصصی (شوراها و کارگروه‌ها)
نقش نظامات بر تعالی معنوی کارکنان	میانگین	۳۵	۳۴۲	۳۴۴	۳۸۶
	جمع امتیاز	۱۷۵	۱۷۱	۱۷۲	۱۹۳
	تعداد پاسخگو	۵۰	۵۰	۵۰	۵۰

با عنایت به مطالب ارائه شده در جدول بالا، عوامل ذکر شده مؤثر در تعالی معنوی سازمان عقیدتی سیاسی ارتش به ترتیب اولویت عبارتند از:

۱- در مجموع، ۶۸ درصد از پاسخگویان معتقدند: «مؤلفه‌های معنویت در جلسات و نشست‌های تخصصی (شوراها و کارگروه‌ها) برای تهیه آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها در تعالی معنوی کارکنان سازمان عقیدتی سیاسی ارتش نقش دارد» و با میانگین ۳۸۶ در رتبه نخست قرار دارد.

۲- در مجموع، ۵۸ درصد از پاسخگویان معتقدند: «نحوه نگارش نامه‌ها، از نظر محتوایی و شکلی در تعالی معنوی کارکنان سازمان عقیدتی سیاسی ارتش نقش دارد» و با میانگین ۳۵۰ در رتبه دوم قرار دارد.

تدوین قوانین برابر تدابیر و فرامین مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) اقدام کند.

۳- معاونت طرح و برنامه و بودجه با همکاری دفتر شرعی و ضوابط نسبت به نظارت بر آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و نظامات اقدام کند.

۴- معاونت تربیت و آموزش ارتش ج.ا.ا. با همکاری معاونت تربیت و آموزش سازمان عقیدتی سیاسی ارتش برای دستیابی دقیق‌تر به اهداف پژوهش، مؤلفه‌های نظامات و تعالی معنویت که در این مقاله به طور محدود مورد بررسی قرار گرفت در دانشگاه‌های ارتش جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان پایان‌نامه‌های دانشجویی مورد کارشناسی وسیع‌تر قرار دهند.

۵- معاونت نیروی انسانی ارتش ج.ا.ا. نسبت به تهیه نظامات مطابق مؤلفه‌های معنویت به‌عنوان اصول اساسی مد نظر همه کارشناسان و متخصصان قرار دهد.

۳- در مجموع، ۴۸ درصد از پاسخگویان معتقدند: «نحوه نگارش و تدوین آیین‌نامه‌ها از نظر محتوایی و شکلی در تعالی معنوی کارکنان سازمان عقیدتی سیاسی ارتش نقش دارد» و با میانگین ۳,۴۴ در رتبه سوم قرار دارد.

۴- در مجموع، ۴۶ درصد از پاسخگویان معتقدند: «نحوه نگارش و تدوین دستورالعمل‌ها از نظر محتوایی و شکلی در تعالی معنوی کارکنان سازمان عقیدتی سیاسی ارتش نقش دارد» و با میانگین ۳,۴۲ در رتبه چهارم قرار دارد.

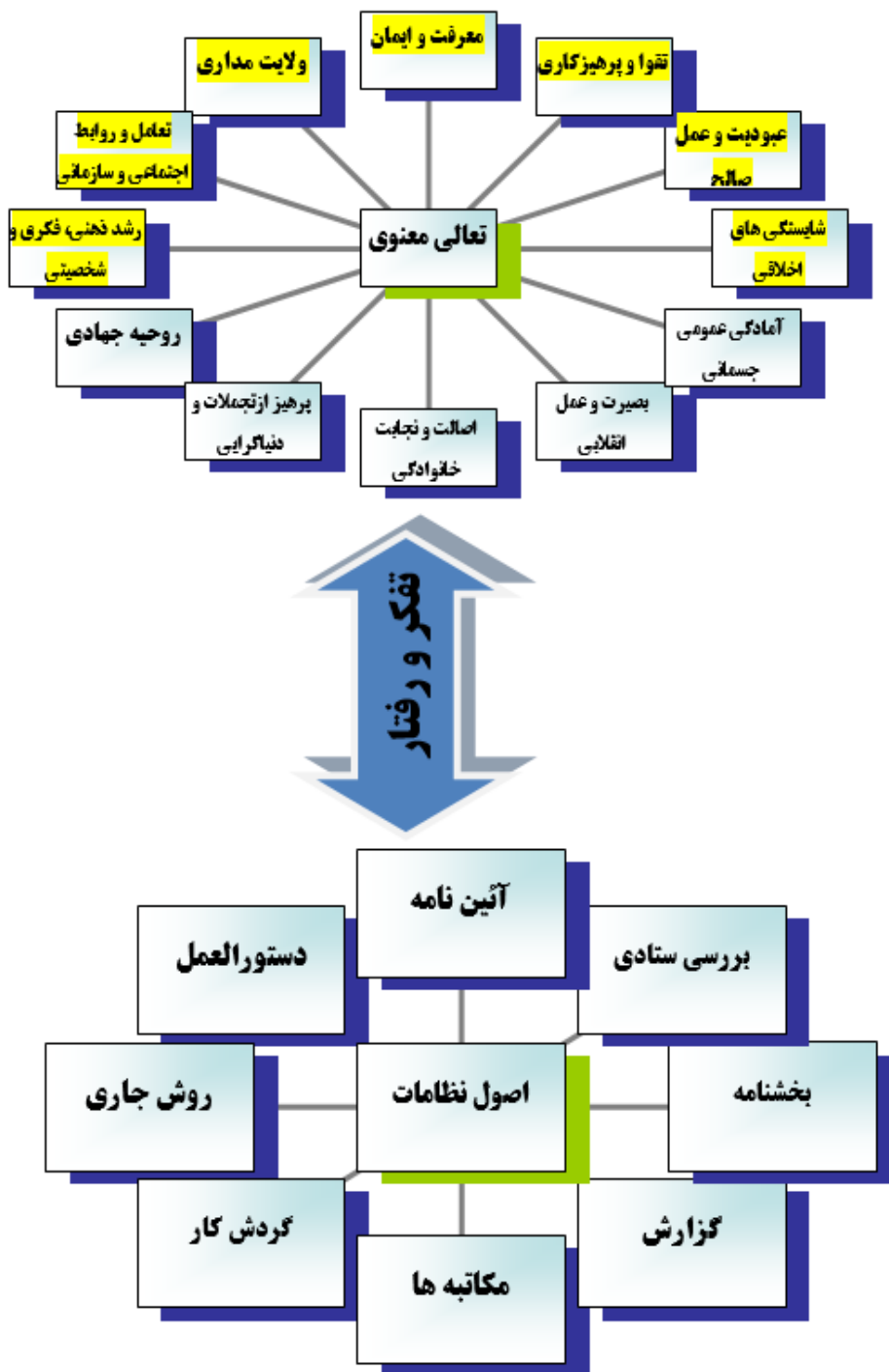
با عنایت به قواره‌های نظامات و اصول حاکم بر هر یک از آنها و دقت در مؤلفه‌های معنویت که مورد تأکید قرآن کریم، روایات معصومین علیهم السلام و رهبر فرزانه انقلاب است می‌توان دریافت، اگر تمام امور کاری لازم برای تهیه نظامات، تحت تأثیر مؤلفه‌های معنویت قرار داشته باشد، قطعاً سرانجام آن کار با گرفتن رنگ و بوی الهی و دینی بهتر پیش می‌رود، پس اگر هر یک از کارکنان سازمان عقیدتی سیاسی ارتش متخلق به این اوصاف باشند به خوبی در تدوین هر یک از نظامات، آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها رعایت همه چارچوب‌ها توأم با مؤلفه‌های معنوی را خواهند کرد پس روش و آئین‌نامه‌ای که با تشکیل جلسات هماهنگی و تدوین سایر مراحل آن تهیه می‌شود در آن رعایت انصاف و عدالت و حقوق همه ذینفعان شده و از توهین و رفتار غلط در آن خبری نیست و حفظ بیت‌المال نیز مدنظر است. بنابراین می‌توان اذعان داشت نظامات که حاصل کردار آحاد کارشناسان و متخصصان سازمان عقیدتی سیاسی ارتش است و باید از اصول و روشی خاص پیروی کند، اگر مؤلفه‌های معنویت را به همراه داشته باشد، یک دستورالعمل معنوی خواهد شد که هم باعث رشد و تعالی نظامات می‌شود و هم در تعالی معنویت نقش مؤثر دارد. هر چند برآزنده نیروی‌های مسلح نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران که تحت فرماندهی رهبری فرزانه و فرهیخته‌ای هستند رعایت همه اصول لازم الاجرا بوده و یکی از آنها نظامات و قواره‌های اداری و ستادی معنویت محور است.

پیشنادهای تحقیق:

۱- معاونت نیروی انسانی سازمان با همکاری معاونت نیروی انسانی ارتش نسبت به اجرای دقیق نظامات، آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها اقدام کنند.

۲- معاونت حقوقی و امور مجلس ارتش ج.ا.ا. نسبت به

نمودار علی نقش نظامات در تعالی معنوی کارکنان سازمان عقیدتی سیاسی ارتش ج.ا.ا.



نقش نظامات در تعالی معنوی کارکنان ساع س آجا (مبنتی بر بیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی))

منابع:

- تهران، مؤسسه نشر آثار امام، چاپ سوم.
- موسوی خمینی، روح الله (امام)، (۱۳۶۸)، چهل حدیث، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ دوم.
- مهدوی کنی، محمدرضا، (۱۳۷۴)، اخلاق عملی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم.
- مجلسی، محمد باقر، (۱۳۷۲)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
- موسوی خمینی، روح الله (امام)، (۱۳۷۳)، ولایت فقیه، حکومت اسلامی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- میرزائی، خلیل، (۱۳۹۰)، شیوه عملی مقاله نویسی، تهران، نشر جامعه شناسان، چاپ دوم
- مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله العالی) لُوح فشرده حدیث ولایت ۲، تهران، قابل دسترس در پایگاه اطلاع رسانی: www.khamenei.ir
- معجم مقاییس اللغة، أحمد بن فارس بن زکریا (ت ۳۹۵ هـ. ق)، عبدالسلام محمد هارون، طهران: مکتب الإعلام الإسلامي، ۱۴۰۴ هـ. ق.
- قرآن مجید، (۱۳۸۳)، ترجمه آیت ا... مکارم شیرازی و استاد محمد مهدی فولادوند، تهران، نشر اسوه، چاپ سوم.
- آریان پور کاشانی، عباس، (۱۳۷۸)، فرهنگ کامل انگلیسی فارسی، تهران، نشر امیر کبیر، چاپ پنجم
- آیین نگارش نظامی، (۱۳۹۰)، دفتر واژه گزینی نظامی ستاد کل نیروهای مسلح، تهران، روناس، چاپ اول.
- اکبریان، علی اصغر و جمعی از نویسندگان، (۱۳۹۰)، شایستگی پاسداری، قم، نشر زمزم هدایت.
- دشتی، محمد، (۱۳۷۹)، نهج البلاغه، تهران، نشر زهد، چاپ دوم.
- بحرانی، یحیی بن حسین، (۱۳۸۸)، الشَّهابُ فی الحِکْمِ والاداب، نشر آستان قدس رضوی، چاپ اول.
- بن زکریا، احمد، (۱۳۷۳)، مکتبه الاعلام الاسلامی، قم.
- پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۵۶)، نهج الفصاحه، کلمات قصار پیامبر اکرم (ص)، تهران.
- خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۷۲)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن.
- خامنه‌ای، سید علی، (۱۳۷۲)، راهبردهای اساسی خدمتگزاری به مدیران نظام اسلامی
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۸۰)، لغت نامه دهخدا، تهران، نشر امیر کبیر
- راغب اصفهانی، ابی القاسم الحسین بن محمد، (۵۰۲ ق)، المفردات فی غریب القرآن، (مفردات الفاظ القرآن)، تهران، مؤسسه تحقیقات نشر معارف اهل البيت (ع).
- سوادى، محمدعلی، (۱۳۹۳)، رفتار سازمانی، نشر نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۳۷۳)، وسایل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
- طباطبائی، محمد حسین، (۱۳۷۶)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۳ ق.
- فارس، ابوالحسین احمد، (۱۳۶۷)، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴ هـ. ق، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی.
- کلینی رازی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، (۱۳۵۳)، اصول کافی شیخ کلینی، تهران، صحافی مؤمنی.
- موسوی خمینی، روح الله (امام)، (۱۳۹۰)، صحیفه نور،

مقایسه تطبیقی نگرش‌های اجتماعی نسل چهارم با نسل اول انقلاب اسلامی ایران

محمدعلی خوش‌طینت^۱

مسعود جعفری‌نژاد^۲

احمد آذین^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷

چکیده:

امروزه یکی از مسایل مهم جوامع در حال توسعه و از جمله ایران، مقوله مناسبات نسلی است. این پژوهش به بررسی مقایسه‌ای نگرش‌ها و ارزش‌های اجتماعی نسل چهارم با نسل اول انقلاب اسلامی ایران (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه‌های استان تهران) پرداخت. بنابراین سوال این است نگرش‌ها و ارزش‌های نسل چهارم انقلاب اسلامی با نسل اول از نظر اجتماعی چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد. هدف این پژوهش بررسی مقایسه‌ای نگرش‌های اجتماعی نسل چهارم با نسل اول

انقلاب اسلامی (نمونه آماری: دانشجویان دانشگاه‌های استان تهران) انجام شده است. نوع پژوهش کاربردی و روش آن پیمایشی با بهره‌گیری از منابع اسنادی و پرسشنامه می‌باشد. بر این اساس، دو شاخص در حوزه اجتماعی به عنوان فرضیه‌های پژوهش مطرح گردید. در حوزه اجتماعی دو شاخص «وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی» و «نشاط اجتماعی» تعیین و انتخاب گردید. نتایج و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد شاخص اجتماعی «دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی» نسل چهارم انقلاب اسلامی با نسل اول تفاوت داشته و شاخص «شادی و نشاط اجتماعی» نسل چهارم و نسل اول شباهت دارد.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، نسل چهارم، نشاط اجتماعی، شکاف نسلی.

۱- استادیار گروه معارف دانشکده پزشکی آجا، تهران. yahoo.com@Khoshtinat2001

۲- استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

۳- استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

Comparative Studing social Attitudes of the Fourth Generation to the First Generation of Islamic Revolution of Iran (Case Study: Students From Tehran State's Universities).

Abstract:

Today, one of the important issues of developing societies, including Iran, is the category of generational relations. This research compared the attitudes and social values of the fourth generation with the first generation of the Islamic Revolution of Iran (case study: university students of Tehran province). Therefore, the question is what are the differences and similarities between the attitudes and values of the fourth generation of the Islamic Revolution and the first generation from a social point of view. The aim of this research is to compare the social attitudes of the fourth generation with the first generation of the Islamic Revolution (statistical sample: university students of Tehran province). The type of applied research and its method is a survey using documentary sources and a questionnaire. Based on this, two indicators in the social field were proposed as research hypotheses. In the social field, two indicators "mass communication tools and virtual space" and "social vitality" were determined and selected. The results and findings of the research show that the social index of access to social media and virtual space of the fourth generation of the Islamic Revolution is different from the first generation, and the social happiness index of the fourth generation is similar to the first generation.

Key words :Islamic Revolution, Fourth generation, social exhilaration, Generative gap.

مقدمه:

بقای هر جامعه در طول زمان مشروط به انتقال قاعده‌مند و بدون انقطاع نهادها و ارزش‌ها از نسلی به نسل دیگر است. در واقع، تداوم هر جامعه‌ای در گرو انتقال فرهنگی است. البته تداوم به معنای تغییرناپذیری نیست. در تمام جوامع، تداوم در تغییر و با تغییر تضمین می‌شود. به تعبیر باتامور، استمرار یک جامعه به وسیله فرایند جامعه‌پذیری که سنت نسل‌های پیشین را به نسل‌های جدید انتقال می‌دهد، تامین می‌شود، لیکن جامعه‌پذیری هرگز کامل نیست، یعنی نسل‌های جدید هرگز زندگی اجتماعی پیشینیان خود را دقیقاً تکرار نمی‌کنند، بلکه این تکرار همواره با انتقاد و رد برخی از جنبه‌های سنتی و یا نوآوری همراه است (باتامور، ۱۳۷۰: ۳۲). بنابراین یکی از موضوع‌های مهم جوامع امروزی، مقوله «تفاوت»، «گسست» و یا «شکاف» نسلی است.

مقوله «مناسبات نسلی» را می‌توان یکی از ابعاد امنیت اجتماعی برشمرد. در جامعه‌شناسی امنیت، امنیت اجتماعی یکی از ابعاد مقوله کلان امنیت ملی بوده که فقدان آن تهدیدی برای امنیت ملی به شمار می‌رود. انسجام و وفاق اجتماعی، حاصل نوعی اجماع‌نظر و فهم مشترک نسبت به باورها، ارزش‌ها و هنجارهای اساسی در جامعه می‌باشد. سست شدن این عامل، موجب تشدید تضادها، ناکارآمدی قواعد اجتماعی و بروز خشونت می‌شود و بنیان‌های امنیت را مختل کرده و احساس نیاز به برقراری نظم سیاسی را افزایش می‌دهد. لذا وجود تفاوت/گسست/شکاف‌های نسلی می‌تواند به صورت بالقوه تهدیدی برای امنیت ملی محسوب شده و آن را به مخاطره اندازد. بنابراین، ضرورت شناخت عناصر فرهنگی، یعنی ارزش‌ها، باورها و تمایلات رفتاری در میان گروه‌های مختلف سنی اهمیت فراوان داشته و سودمند است.

همچنین دستیابی به انسجام اجتماعی به عنوان یکی از اهداف سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ شمسی، موضوع بررسی شکاف‌های اجتماعی و خصوصاً نسلی را از اهمیت خاصی برخوردار ساخته است، چرا که اولاً، درجه انسجام اجتماعی را شاخص قوت یا ضعف یک دولت می‌دانند. دولت‌های قوی صرف‌نظر از میزان منابع قدرتی که در اختیار دارند، دولت‌هایی هستند که درجه انسجام

آنها بالاست. انسجام، امکان اجماع‌سازی را افزایش می‌دهد و همین امر درجه مشروعیت و توان مدیریت را بالا می‌برد و ثانیاً، تعدد و تراکم شکاف‌های اجتماعی در ایران، امکان و استعداد انسجام اجتماعی و برقراری آن را ضعیف می‌کند (مرسلی و نظری، ۱۳۹۵: ۲).

اکنون با گذشت بیش از چهار دهه از ابتدای انقلاب، شاهدیم که نسل چهارم که در سال‌های نوجوانی و جوانی هستند دارای خواست‌ها، مطالبات و نیازهای متنوع و متفاوتی هستند که با رویکرد نسل گذشته، متفاوت و بعضاً متضاد است. از سوی دیگر، در سال‌های اخیر و همراه با دگرگونی‌های صورت‌گرفته در نوع تهدیدهای امنیتی و نیز تحولات اجتماعی صورت‌گرفته در داخل کشور، دشمنان انقلاب اسلامی کوشیده‌اند با القاء ارزش‌های مدنظر خود به نسل جوان جامعه، زمینه‌های بیگانه ساختن نسل جدید و فاقد تجارب نسل انقلاب را با اصول، ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی فراهم سازند. در حال حاضر، پیدایش مسأله «ناتوی فرهنگی»، «تهدیدات نرم»، «جنگ نرم» و «جنگ شناختی» و نگرانی‌هایی که در این خصوص به وجود آمده، حکایت از تلاش حساب‌شده بیگانگان برای تأثیرگذاری بر نسل جوان و از بین بردن وفاق و همبستگی اجتماعی دارد.

بنابراین مسئله اصلی پژوهش این است که آیا نسل چهارم دارای نگرش‌های اجتماعی همسو با نسل اول انقلاب اسلامی می‌باشد و یا در مسیری متفاوت از نسل اول انقلاب اسلامی حرکت می‌نماید. با توصیفات فوق، سوال اصلی این پژوهش این است که: نگرش‌های اجتماعی نسل چهارم انقلاب اسلامی (در حوزه وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی و نشاط اجتماعی) با نسل اول چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد؟

هدف تحقیق: هدف کلی پژوهش بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های نگرشی بین نسل چهارم با نسل اول انقلاب اسلامی (نمونه آماری: دانشجویان دانشگاه‌های استان تهران) می‌باشد و هدف جزئی، بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های نگرش‌های نسل چهارم با نسل اول انقلاب اسلامی از نظر اجتماعی (با در نظر گرفتن شاخص‌های وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی و نشاط اجتماعی) است.

مبانی نظری

کلیدواژه‌های پژوهش

۱-نگرش: نگرش برگرفته از واژه انگلیسی اتیتیود است که در برگردان آن به فارسی، در قالب کلمات متفاوتی همچون «طرز فکر»، «نگرش»، «اعتقاد»، «شیوه تلقی»، ... کاربرد داشته است. امروزه در تعریف «نگرش» چنین گفته می‌شود: نگرش که از طریق آموزش‌های اجتماعی تحقق می‌یابد، ترکیبی از باورها، گرایش‌ها یا احساسات مساعد و نامساعدی است که به آمادگی و تمایل فرد برای نشان دادن واکنش به شیوه‌ای نسبتاً ثابت به اشیاء اشخاص و رویدادهای خاص اطلاق می‌شود. این تعریف دارای سه عنصر است که عبارتند از: ۱- باورها (عنصر شناختی) شامل اعتقادات و باورهای شخصی درباره شخص، شیء یا اندیشه است؛ ۲- گرایش‌ها (عنصر عاطفی یا ارزشی) شامل احساسات و شورها، به ویژه ارزش‌گذاری مثبت یا منفی فرد نسبت به موضوع نگرش است و معمولاً به صورت خوشایند و ناخوشایند ظاهر می‌شود؛ ۳- عمل‌ها (عنصر تمایل به عمل) به آمادگی برای پاسخ‌گویی به شیوه‌های خاص گفته می‌شود (موسوی نسب، ۱۳۸۱: ۹۲). در این پژوهش، تعریف سه عنصری نگرش مورد توجه قرار گرفته و عنصر شناختی و عاطفی نگرش بیشتر از عنصر عمل، مورد توجه است.

۲- نسل: موضوع نسل‌ها، تفاوت‌ها و یا اشتراک‌ها از دغدغه‌های همیشگی بشر بوده است. با این حال، تفاوت بین ارزش‌های والدین و ارزش‌های فرزندان به طور برجسته‌ای در دهه ۲۰ و انتهای دهه ۳۰ میلادی در اوج خود بود. مساله بودن و مهم بودن مبحث در آن دوره زمانی مربوط به تفاوت نسل‌ها را با کلی‌گویی و اطلاعات ناکافی در تحقیقات خود کلیشه‌بندی کرده‌اند (یوسفی، ۱۳۸۳: ۳۰). از آغاز قرن بیستم و به ویژه از اواسط آن و دوره پس از جنگ جهانی دوم، وضع دگرگون گردید و در پی نوسازی جهانی و تغییرات سریع و تجربه حوادث بزرگ تاریخی، شکاف وسیع و عمیقی بین اجتماع سنتی دیروز و جامعه مدرن امروز به وجود آمد (توکل و قاضی نژاد، ۱۳۸۵: ۹۶).

علمای علوم اجتماعی معانی متعددی از نسل ارایه کرده و وفاق کافی در مورد معنای نسل وجود ندارد. کارل

مانهایم افرادی را که درون نسل‌ها موجودند و دارای دیدگاه مشترک، بر اساس تجربیات مشترک هستند از افرادی که این وضعیت را ندارند، متمایز کرده و از آنها به عنوان واحدهای نسلی یاد می‌کند (آزاد ارمکی و غفاری، ۱۳۸۳: ۲۸). دایته بر اهمیت تجربیات به صورت متعارف بخش‌بندی شده، به عنوان عناصر ذهنی، فکری و اثرشان بر دوره جوانی یا سال‌های شکل‌گیری تأکید می‌کند. بر حسب این تعریف، نسل به عنوان واقعیتی است که در غالب واحدهای نسلی ظاهر می‌شود (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۶: ۹۰). بالس معتقد است نسل عبارت است از مجموعه‌ای از انسان‌ها که در ایزه‌های نسلی با یکدیگر سهیم شده‌اند. بالس ایزه‌های نسلی را زیرمجموعه ایزه‌های فرهنگی می‌داند و ایزه‌های نسلی را پدیده‌هایی می‌داند که برای ایجاد حس هویت نسلی بکار می‌روند (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۶: ۹۱). کرتزل نسل را به چهار مقوله تقسیم بندی کرده است: اول، نسل همچون یک اصل و پایه نسب خویشاوندی؛ دوم، نسل همچون افراد گروه هم دوره؛ سوم، نسل همچون مرحله زندگی؛ چهارم، نسل هم‌چون دوره تاریخی. از نظر او «نسب خویشاوندی» به معنای نسل را انسان‌شناسان اجتماعی بیشتر از دیگر دانشمندان علوم اجتماعی به کار برده‌اند (یوسفی، ۱۳۸۳: ۲۴).

با مبنا قرار دادن انقلاب اسلامی، می‌توان درحال حاضر چهار نسل را از یکدیگر تفکیک کرد: ۱. نسلی که فرایند جامعه‌پذیری آنان به سال‌های دهه‌های سی و چهل باز می‌گردد و تجارب مشترکی چون کودتای ۲۸ مرداد، دولت ملی مصدق، قیام ۱۵ خرداد و ... را پشت سر گذاشته‌اند. ۲. نسلی که فرایند جامعه‌پذیری آنان به دهه پنجاه باز می‌گردد و تجربه انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی از مهم‌ترین تجارب تاریخی این نسل محسوب می‌شود. ۳. نسلی که فرایند جامعه‌پذیری آنان به سال‌های بعد از انقلاب باز می‌گردد و تجارب مشترک خاص خود را دارد. ۴. نسلی که هیچ تجربه‌ای از رویدادهای بالا را نداشته و متولدین سال‌های ۷۰ شمسی به بعد را شامل می‌شوند. اگر به تبعیت از «بالس» در مقاله ذهنیت نسلی، فاصله بین والدین و فرزندان را مجال بروز و ظهور یک نسل بدانیم، با اندکی تسامح متولدین دو دهه، یک نسل را تشکیل می‌دهند.

در واقع مبنای تفکیک این نسل‌ها، هر ۲۰ سال در نظر گرفته شده است. بر این اساس، اگر نسل چهارم انقلاب را متولدین دهه هفتاد و هشتاد شمسی در نظر بگیریم، به همین ترتیب، نسل‌های دو دهه قبل نسل سوم، چهار دهه قبل نسل دوم و شش دهه قبل نسل اول انقلاب - که در واقع بوجود آورنده انقلاب اسلامی نیز بوده‌اند - محسوب می‌شوند. بنابراین می‌توان نسل‌های کنونی کشور را به شکل زیر نشان داد:

جدول ۱- تفکیک نسل‌ها از یکدیگر

متولدین دهه	نسل	نسل انقلاب
۱۳۱۰ - ۱۳۲۹ و کمتر (دهه ده و بیست شمسی)	نسل اول	بنیانگذاران
۱۳۳۰ - ۱۳۴۹ (دهه سی و چهل شمسی)	نسل دوم	نسل انقلاب و جنگ
۱۳۵۰ - ۱۳۶۹ (دهه پنجاه و شصت شمسی)	نسل سوم	نسل سوم انقلاب
۱۳۷۰ - ۱۳۸۹ (دهه هفتاد و هشتاد شمسی)	نسل چهارم	نسل چهارم انقلاب

در این پژوهش دو نسل مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

جدول ۲- نسل‌های مورد بررسی در این تحقیق

دهه نسلی	دوره نسلی	فرایند جامعه‌پذیری	تجارب نسلی
نسل دهه ده و بیست شمسی	نسل میانسال و بالاتر	دوران حاکمیت طاغوت و دوران انقلاب اسلامی	کودتای ۲۸ مرداد، قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲، وقوع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی هشت ساله
نسل دهه هفتاد و هشتاد شمسی	نسل نوجوان و جوان	دوران انقلاب اسلامی	جهانی‌شدن، تحریم‌های اقتصادی، اقتصاد مقاومتی، مساله هسته‌ای، سبک زندگی متفاوت، ظهور فضای مجازی

ندارد. انقلاب و جنگ حکم تاریخ برای او دارد؛ ۰۴ این نسل در دهه ۹۰ نقش‌آفرینی در عرصه عمل اجتماعی را شروع خواهد کرد (چیت‌ساز قمی، ۱۳۸۶: ۹۷).

۳- وسایل ارتباط جمعی و فضاهای مجازی: از اوایل قرن بیستم رشد و گسترش تدریجی رسانه‌های جمعی و وسایل ارتباطی تأثیرات مثبت و منفی فراوانی در زندگی بشر داشته است. از همه مهم‌تر، اینکه در عصر کنونی با ظهور اینترنت و فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات، فضای ارتباطات و اثرگذاری آنها بسیار افزایش یافته است. به طوری که ما هم اکنون تحت تأثیر این رسانه‌های نوین هستیم، به عبارتی مخاطبان جهانی رسانه‌ها و نسل‌های کنونی در معرض انتشار و نمایش پیام‌های متنوع رسانه‌ای قرار دارند و پیام‌هایی دریافت می‌کنند که می‌تواند سنت‌ها و الگوهای فرهنگی، اجتماعی و نسلی جوامع و همچنین روابط نسلی آنها را دستخوش چالش و دگرگونی کند. وسایل ارتباطی زمینه تغییرات آنی و موقتی در وقایع و دگرگونی‌های اجتماعی را فراهم می‌آورد که دامنه آن اخبار، عقاید، هوا و هوس‌ها

در واقع انتخاب دو نسل بالا به این دلیل است که مشخص شود آیا نسل کنونی انقلاب اسلامی که نسل چهارم محسوب می‌شود، دارای همان نگرش‌های نسل بوجود آورنده انقلاب اسلامی هست یا خیر با آن تفاوت دارد.

نسل اول: نسلی که فرایند جامعه‌پذیری آنان به دهه ده و بیست شمسی باز می‌گردد و تجربه کودتای ۲۸ مرداد، قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲، وقوع انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی هشت ساله از مهم‌ترین تجارب تاریخی این نسل محسوب می‌شود.

نسل چهارم: نسلی که فرایند جامعه‌پذیری آنها به سال‌های بعد از انقلاب اسلامی باز می‌گردد و تجارب مشترک خاص خود را دارا می‌باشد و هیچ تجربه و خاطره‌ای از وقایع بالا ندارد و در حقیقت رویدادهای ذکر شده بخشی از تاریخ معاصر برای آنان محسوب می‌شود. بنابراین، ویژگی‌های نسل چهارم عبارت است از: ۱. از دوران ستم‌شاهی و دوران طاغوت هیچ نمی‌داند و این دوران برای او حکم تاریخ دارد؛ ۲. از مبارزات ملت ایران برای آزادی و تحقق جمهوری اسلامی ایران درکی ندارد؛ ۳. از جنگ تحمیلی علیه ملت ایران هیچ درکی

متضاد و مغایر با فرهنگ غالب دارند، به طوری که به جرأت می‌توان گفت که نسل فعلی بیشتر برداشت‌های فکری و ظاهری خود را از رسانه‌ها می‌گیرد. البته نباید به رسانه‌ها با دید منفی نگاه کرد و نباید کارکردهای مثبت آنها را در عرصه آموزش و اطلاع رسانی و ترویج دانش‌های نوین و نقش آنها را در توسعه‌ی جوامع نادیده گرفت.

۴- نشاط اجتماعی: نشاط در فرایند رابطه فرد با جامعه و گروه تحقق پیدا می‌کند، در غیر این صورت، از نگاه ناظر بیرونی، نشاط چیزی جز مجموعه‌ای از کیفیات روحی و هیجان‌طرب‌انگیز فردی نخواهد بود. اگر این کیفیت فرح‌بخش واجد معانی اجتماعی و اهداف جمعی نباشند، تعریفی جز حالات ناهنجار روحی جنون‌آمیز نخواهند داشت. بنابراین، نشاط اجتماعی همان سطح برخورداری از مواهب زندگی عمومی همراه با اقناع ذهنی و اجماع عینی است، یعنی باید تعریف فردی و بیرونی از نشاط با هم مقارن باشند. در واقع، نشاط از منظر اجتماعی، عضوی از خانواده و چهارچوب مفهومی کیفیات زندگی، رضامندی اجتماعی، امنیت اجتماعی، سلامت اجتماعی، رفتارهای جمعی و فراغت است (شریف‌زاده و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۶۰).

نشاط اجتماعی مسأله‌ای است که هم مورد توجه علم روانشناسی است و هم علم جامعه‌شناسی. بنابراین با تنوع وسیعی از نظریه‌های مطرح در این زمینه روبرو هستیم. زیمل از اولین جامعه‌شناسانی است که به مسأله شادی و نشاط توجه داشته است. زیمل شادی را یک حالت کلی ذهن می‌داند که به توصیف شخصیت عاطفی انسان می‌پردازد. زیمل شادی را انعکاس حرکت مستمر زندگی توصیف می‌کند که در ورطه زندگی می‌افتد. یا لو، نشاط اجتماعی را یک وضعیت روانی مثبت توأم با خشنودی و رضایت‌مندی توصیف می‌کند. به عبارتی، شادی را می‌توان رضایت‌مندی اجتماعی، روانی و جسمانی یا رضایت‌مندی از جریان زندگی تعریف کرد. در اندیشه گیدنز، اعتماد همراه با احتیاط نسبت به نظام‌های انتزاعی، اعتماد و سپردن امور زندگی به دست نظام‌های تخصصی، دگرذیسی صمیمیت و شکل‌گیری رابطه ناب از جمله مهم‌ترین عوامل تأمین‌کننده نشاط و

و مدها را در بر می‌گیرد. تغییرات هنجارها و ارزش‌های اجتماعی به سرعت در رسانه‌های گروهی بازتاب می‌یابد و ممکن است مردم آنها را به آسانی بپذیرند. گسترش سریع گرایش‌های جدید در فرهنگ جوانان بیشتر به رسانه‌هایی مانند تلویزیون، رادیو، مجلات ویژه جوانان و سینما بستگی دارد (منصورنژاد، ۱۳۸۲: ۳۳۶).

در گذشته هویت افراد و روابطشان با دیگران وابسته به فضای مادی‌ای بود که در آن زندگی می‌کردند و مکان عنصری تعیین‌کننده بود، اما در حال حاضر به واسطه ظهور تکنولوژی‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، محدودیت‌های زمان و مکان از بین رفته و فرد دیگر به مکان محلی و بومی خود وابسته نیست، بلکه می‌تواند مرزهای جغرافیایی را طی کند و با جهان بزرگتری در ارتباط باشد. تکنولوژی‌های جدید بر زندگی جوانان نیز بی‌تأثیر نبوده‌اند. تنوع‌طلبی و نوجویی از ویژگی‌های نسل جوان است که جوانان را به مصرف‌کننده عمده این تکنولوژی‌ها و محصولات تبدیل می‌کند. در سال‌های اخیر شاهد تغییر شکل گذران اوقات فراغت جوانان، خانگی شدن آن و بوجود آمدن نوع جدیدی از خلوت در بین جوانان هستیم. در این بین چت‌روم‌ها، شبکه‌های مجازی (مانند واتس‌آپ، تلگرام، اینستاگرام و...) در میان جوانان از محبوبیت زیادی برخوردارند. این شبکه‌ها می‌تواند تأثیرات هویتی مانند ایجاد هویت مجازی، هویت کاذب و هویت آبی بر روی جوانان داشته باشد. در عین حال می‌تواند موجب تسهیل ارتباط با همسالان خصوصاً جنس مخالف شود. این ارتباط می‌تواند نقش مهمی در هویت، نگرش‌ها و ارزش‌های جوانان داشته باشد.

در اثر مسأله فراملی شدن رسانه‌ها و دسترسی به فرهنگ‌های مختلف محلی و جهانی از طریق رسانه‌ها و به‌ویژه اطلاع از جدیدترین الگوها و شیوه‌های رفتاری و ظاهر و ترویج گسترده‌ی نمادهای فرهنگی بیگانه (به ویژه فرهنگ غربی) فرهنگ و ارزش‌های سنتی جوامعی مانند ایران دچار دگرگونی‌های فراوانی شده است که نمود آن در جامعه و خانواده قابل مشاهده است. رسانه‌ها با وابسته کردن نسل جدید از نظر اطلاعات و دانش و سرگرمی، سعی در دیکته کردن ارزش‌ها و هنجارهای

شادمانی هستند (هزار جریبی، ۱۳۹۳: ۱۵).

وینهون (۱۹۹۳) مطرح می‌سازد که شادی، فعالیت فرد را برمی‌انگیزد و روابط اجتماعی و سیاسی را تسهیل می‌نماید. همچنین سبب می‌شود نگرش افراد به محیط پیرامون مثبت شده، در تعارضات اجتماعی زودتر به توافق برسند (گلایی و اخشی، ۱۳۹۴: ۱۴۲). در تعریف دیگری، شادی و نشاط اجتماعی یک وضعیت روانی مثبت که توأم با خشنودی و رضایت‌مندی است. به عبارتی، شادی را می‌توان رضایت‌مندی اجتماعی، روانی و جسمانی یا رضایت‌مندی از جریان زندگی تعریف کرد (ربانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۲).

به نظر برخی جامعه‌شناسان ارتباط مستقیمی بین اعتقادات دینی افراد و شادی و نشاط اجتماعی دارد. از نظر آرگایل، اعتقادات دینی یکی از عوامل موثر بر شادی و نشاط اجتماعی است. به نظر او، افراد متدین نسبت به افراد غیرمتدین، شادی و رضایت بیشتری از زندگی دارند. در راستای همین نظریه، نتایج تحقیق حکایت از رابطه مثبت و معناداری بین دینداری و نشاط اجتماعی دارد. دورکیم هم در تبیین شادی و نشاط اجتماعی به جشن‌های دسته‌جمعی توجه می‌کند. جشن‌های جمعی بر خلاف مناسک دینی که از تقدس برخوردارند و کمتر تغییرپذیرند، آسان‌تر با شرایط، مقتضیات و زندگی بشری سازگار می‌شوند. از سوی دیگر، جشن‌های دسته‌جمعی ضمن اینکه به کنش جمعی می‌انجامد، شادابی، کاهش تنش‌های عاطفی، رفع تیرگی‌های روابط بین افراد و کاهش کشمکش‌های اجتماعی را به همراه دارد (شریف‌زاده و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۷۷).

مقوله شادی و نشاط در متون دینی اسلام مطرح شده، به این معنا که هم قرآن کریم و هم روایات معصومان به اهمیت آن تذکر داده‌اند. وقتی در قرآن می‌خوانیم: «فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» (آل عمران/ ۱۷۰) و یا اینکه «قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ» (یونس/ ۵۸). به این نتیجه می‌رسیم که قرآن برای مقوله شادی و نشاط اهمیت فراوانی قائل است. از این نظر، مسلمانان مجاز و بلکه محق‌اند از این حالت نهاده شده در سرشت‌شان بهره‌مند شوند.

نگاهی گذرا به تعالیم دین اسلام نشان می‌دهد شادی و سرزندگی از آثار ایمان دینی است، چرا که این دین مبین در زمینه‌های پیدایش شادی سفارش کرده و نشانه‌های آن راستوده است.

نشاط و شور چیزی است که در افعال انسان دارای سلامت روان، ظاهر می‌شود. انسانی که دارای طمأنینه و آرامش باشد مصداق بارز انسان با نشاط است. مردم جامعه هر زمانی که از امنیت و آرامش روحی و روانی برخوردار باشند، می‌توان گفت که مردمانی با نشاط هستند و این نشاط و سرور قلبی است که زندگی انسان را متعادل می‌کند. امام خمینی (ره) شخصیتی بودند که سرشار از نشاط و سلامت روحی بوده و این روحیه سرشار از عشق الهی، در برهه حساس تاریخی کشورمان، به ملت ایران تزریق می‌شده، تا پابرجا و استوار بمانند (علوی، ۱۳۹۰: ۱۰۰).

امروزه شادی و نشاط بیشتر از هر زمان دیگر ضرورت دارد و آنچه مسلم می‌نماید این است که اگر جامعه‌ای می‌خواهد توسعه و پیشرفت کرده و به مقصد نهایی خود برسد، لازمه آن داشتن جامعه‌ای با نشاط و شاداب است و زمانی می‌توان به کمال نشاط اجتماعی رسید که تمامی آحاد مردم با نشاط و شاداب باشند. با جامعه شاداب و با نشاط می‌توان به اهداف مهم در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... دست یافت و تصمیم‌گیران جامعه همواره می‌توانند از آن به عنوان یک فرصت بهینه استفاده نمایند.

انقلاب اسلامی از دو واژه «انقلاب» و «اسلام» ترکیب شده است. در اینجا اسلام «هدف» و انقلاب «وسیله» می‌باشد. در واقع مردم و رهبری انقلاب تلاش کردند که اسلام را به عنوان یک مکتب اجتماعی و سیاسی مجدداً احیا نمایند (حشمت‌زاده، ۱۳۷۸: ۳۳). بدون شک، انقلاب اسلامی یک دگرگونی «اجتماعی-سیاسی» ریشه‌دار و اساسی بود که با جایگزینی نظام سیاسی نوین و انتقال ناگهانی قدرت همراه شد. با این نگاه، انقلاب اسلامی دگرگونی بنیادی در ساختار کلی جامعه و نظام سیاسی آن بر اساس، «جهان بینی»، «موازن و ارزش‌های اسلامی»، «نظام امامت»، «آگاهی و ایمان

کشور می‌شدم. رایانه‌ها و فضای مجازی و سایبری که الان در اختیار شماسست اگر بتوانید اینها را یاد بگیرید، می‌توانید یک کلمه حرف درست خودتان را به هزاران مستمعی که شما را نمی‌شناسند، برسانید. این فرصت فوق‌العاده‌ای است، مبادا این فرصت را ضایع کنید» (مقام معظم رهبری، ۹۱/۷/۲۰). ایشان معتقدند در دنیای مجازی، بازاری از شبهات وجود دارد و لازم است با آن مواجه شد جهاد لازم دارد، چنانکه می‌فرمایند: «بازار شبهات رواج دارد. هم فضای مجازی کمک می‌کند و هم انگیزه سیاسی برای ترویج آن وجود دارد. اینها مواجهه لازم دارد. برای جهاد لازم نیست فقط شمشیر برداریم. این بزرگترین جهاد است. برای این جهاد خود را آماده کنید» (مقام معظم رهبری، ۹۵/۲/۲۵). لذا ایشان با اظهار تأسف از ناآشنایی برخی مبلغان دینی با ابزارهای جدید رایانه‌ای و همچنین عدم درک درست از اهمیت مسئله فضای مجازی در برخی مسئولان، افزودند: «فضای مجازی، به صورت توأمان دارای منافع و مضرات بی‌شماری است که باید با استفاده از فرصت‌های آن، مفاهیم اسلامی را در سطح گسترده ترویج کرد و در همین خصوص، شورای عالی فضای مجازی با هدف تمرکز در فکر، تصمیم و اقدام تشکیل شد.» (مقام معظم رهبری، ۹۵/۶/۱۶)

بر همین اساس معظم له معتقدند امروزه انگیزه دشمنان از طرق نفوذ فرهنگی با استفاده از فضای مجازی بیشتر از قبل شده است، چنانکه می‌فرمایند: «امروز بعد از ۳۷ سال، ۳۸ سال از پیروزی انقلاب، انگیزه‌ی دشمنان برای نفوذ در حصار فرهنگی از روز اول بیشتر است، نه اینکه کم نشده، قطعاً زیاد شده، روش‌ها را هم که شما می‌بینید. این شیوه‌های فضای مجازی و تبلیغات گوناگون و ماهواره و امثال اینها، [یعنی] انگیزه‌ها بیشتر شده. آماج این حرکت هم درست همان چیزی است که مایه و هسته‌ی اصلی ایجاد نظام اسلامی شد یعنی ایمان دینی، آماج این است» (مقام معظم رهبری، ۹۵/۵/۳۱). ایشان با اشاره به تأثیر فضای مجازی بر افزایش شبهات دینی و وجود انگیزه‌های سیاسی برای تزریق افکار منحرف و غلط در ذهن جوانان تأکید دارند: «این میدان، میدان واقعی جنگ است و روحانیون و طلاب باید مسلح

مردم»، «حرکت و پیشگامی متقیان» و «قیام قهرآمیز توده‌های مردم» استوار است (عمید زنجانی، ۱۳۸۱: ۲۱).

از آنجا که وقوع انقلاب اسلامی با نظریه‌ها و دیدگاه‌های نظریه‌پردازان غربی قابل انطباق نبوده و نمی‌تواند توسط آن نظریه‌ها مورد ارزیابی و سنجش قرار بگیرد، به منظور ارزیابی دقیق و منطبق با واقعیت انقلاب اسلامی و عارضه‌های آن بایستی به سراغ نظریه‌پردازان داخلی رفت. در این میان دیدگاه‌های امام خمینی (ره) به عنوان معمار انقلاب اسلامی و نیز حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی) می‌تواند معیار خوبی برای این پژوهش باشد.

وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی: حضرت امام خمینی (ره) ماهیت وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های گروهی را در گذشته ناصواب و ابزار تخدیر ملتها می‌دانسته‌اند چنانکه می‌فرمایند: «رادیو و تلویزیون و مطبوعات و سینماها و تئاترها از ابزارهای موثر تباهی و تخدیر ملتها خصوصاً نسل جوان بوده است. در این صد سال اخیر به ویژه نیمه دوم آن، چه نقشه‌های بزرگی از این ابزار، چه در تبلیغ ضد اسلام و ضد روحانیت خدمت‌گزار و چه در تبلیغ استعمارگران غرب و شرق و از آنها برای درست کردن بازار کالاها، خصوصاً تجملی و تزئینی از هر قماش، از تقلید در ساختمان‌ها و تزیینات و تجملات آنها و تقلید در اجناس نوشیدنی و پوشیدنی و در فرم آنها استفاده کردند، به طوری که افتخار بزرگ فرنگی‌مآب بودن در تمام شئون زندگی از رفتار و گفتار و پوشش و فرم آن به ویژه در خانم‌های مرفه و نیمه‌مرفه بود» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸: ۶۵). به همین منظور و برای مقابله با چنین سوء استفاده‌ای از وسایل ارتباط جمعی به نهادهای حاکمیتی توصیه می‌فرمایند: «که نگذارند این دستگاه‌های خبری و مطبوعات و مجله‌ها از اسلام و مصالح کشور منحرف شوند» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۸: ۶۶).

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) اهمیت زیادی برای فضاهای مجازی قابل هستند چنانکه می‌فرمایند: «اگر من امروز رهبر انقلاب نبودم، رییس فضای مجازی

مؤمن این طوری است. لبخند و شادی مؤمن در چهره اوست. اصلاً چهره‌ها باید شاد باشد. اگر با چهره خودتان می‌توانید به جامعه شادی بدهید، باید این کار را بکنید. شادی لازم است و باید آن را برای مردم تأمین کرد؛ منتها این کار برنامه‌ریزی می‌خواهد» (مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، ۸۳/۹/۱۱).

البته در دیدگاه ایشان، «جوان ایرانی خوشبختانه جوان پرانگیزه و پرشوری است، درست نقطه مقابل آن چیزی است که بعضی از مراکز مغرض آماری و غالباً با منشأ خارجی یا اساساً خارجی اعلام می‌کنند. آنها می‌گویند جوان ایرانی افسرده است، یک طبقه‌بندی هم می‌کنند و می‌گویند جوان ایرانی در فلان درجه از افسردگی - یک درجه خیلی بالایی - قرار دارد. این یک دروغ محض و خباثت‌آمیزی است که دارد امروز انجام می‌گیرد و بهانه یک سلسله کارهای خلاف دیگر است، جوان ایرانی افسرده است، پس بایستی برایش محیط نشاط درست کنیم؛ چه جوری؟ با کنسرت موسیقی، با جلسات و اردوهای مختلط جنسی و آزادی‌هایی از این قبیل. این دنباله آن حرف است. نخیر، بعکس، جوان ایرانی امروز جزو بانشاط‌ترین و فعال‌ترین و سرزنده‌ترین جوان‌ها است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۹۴/۴/۲۰). در نگاه ایشان «نکته دیگر در وصیت‌نامه امام بزرگوار هشدار به جوان‌هاست در مقابل توطئه‌هایی که هدف و آماج آن فقط جوان‌ها هستند. جوان یک کشور اگر بخواند مثل موتور پیش‌برنده‌ای آن ملت را پیش ببرد، احتیاج دارد به اینکه سر حال، بانشاط، تندرست، قوی و دل‌بسته‌ی به کار و پیشرفت باشد» (مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، ۸۷/۰۳/۱۴).

و آماده، وارد عرصه مقابله با شبهات و تفکرات غلط و انحرافی شوند. ایشان، «اسلام ارتجاعی، متعصب، بدون فهم حقایق معنوی و دچار جمود در ظواهر» را، نمود واقعی تفکرات انحرافی دانسته و معتقدند: در لبه دیگر این قیچی، «اسلام التقاطی» و «اسلام آمریکایی» مشغول مقابله با «اسلام ناب» هستند (مقام معظم رهبری، ۹۵/۲/۲۵). ایشان ابزارهای جدید در فضای مجازی را ابزارهایی برای «مهندسی اطلاعات» و «تسلط غرب بر فرهنگ ملت‌ها» می‌دانند، چنانکه می‌فرمایند: «این ابزارها البته می‌توانند مفید باشند، اما باید سلطه دشمن را از آنها سلب و به گونه‌ای عمل کرد که فضای مجازی به وسیله‌ای برای نفوذ و سلطه فرهنگی دشمن تبدیل نشود» (مقام معظم رهبری، ۹۵/۳/۱۴).

نشاط اجتماعی: حضرت امام خمینی (ره) از نشاط به معنی نشاط روحی و تازگی آن معنی می‌کند و نفس فاقد نشاط را در انجام عبادات ناکام می‌شمارد. ایشان می‌فرمایند: «[انجام عبادت] وقتی باشد که نفس را به عبادت اقبال است و دارای نشاط و تازگی است و خستگی و فتور ندارد، زیرا که اگر نفس را در اوقات کسالت و خستگی و آوارا به عبادت کند، ممکن است آثار بدی به آن مترتب شود» (امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵: ۲۳). این نگرش حضرت امام (ره)، تقرب جستن به خداوند سبحان و اتصال به ملکوت از طریق نماز با روحیه نشاط و شادی در اصل به کارگیری درونی و خلاق است. یعنی فراهم آوردن موقعیت‌های خوشایند در درون است که انسان را برای پیوستن صادقانه به ملکوت اعلیٰ کمک می‌کند. در مجموع حضرت امام (ره) از نشاط و شادابی تفسیر معنوی دست داده و آن را زمینه و مقدمه‌ای برای انجام عبادات بانگیزه می‌دانند.

از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی): «یکی از مقوله‌های بسیار مهم و یقیناً یکی از ضرورت‌های جامعه، لبخند است. لبخند یکی از نیازهای زندگی انسان است. زندگی بی‌شادی و بی‌لبخند، زندگی دوزخی است. زندگی بهشتی، زندگی با لبخند است. حضرت علی (ع) فرمود: المؤمن بشره فی وجهه و حزنه فی قلبه؛ اگر غصه‌ای دارید، باید در دلتان نگه دارید؛

شاخص‌ها	نظریه پرداز	مولفه	متغیر
رادیو و تلویزیون ابزار موثر تباهی و تخدیر ملت‌ها، ابزاری در دست استعمارگران برای اجرای نقشه‌های خود از جمله تبلیغ علیه اسلام، روحانیت و نیز تبلیغ فرهنگ غرب، تاکید ویژه‌ای به نهادهای حکومتی برای حفظ دستگاه‌های خبری و مطبوعات از خطر انحراف از اسلام و مصالح کشور	حضرت امام خمینی(ره)	وسایل ارتباط جمعی	اجتماعی
اهمیت زیاد و حساس فضای مجازی، فضای مجازی هم فرصت و هم تهدید، لزوم استفاده از فرصت‌های فضای مجازی، ارتقای انگیزه‌ی دشمنان برای نفوذ با استفاده از فضای مجازی، تأثیر فضای مجازی در افزایش شبهات دینی و تزریق افکار منحرف و غلط در ذهن جوانان، ابزارهای جدید فضای مجازی ابزارهایی برای «مهندسی اطلاعات» و «تسلط غرب بر فرهنگ ملت‌ها»	مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی)	فضای مجازی	
نشاط برگرفته از متون دینی ما خصوصا قرآن کریم، تفسیر معنوی از نشاط و شادابی، نشاط زمینه و مقدمه‌ای برای انجام عبادات بانگیزه	امام خمینی(ره)	نشاط اجتماعی	
ضرورت وجود شادی و نشاط در جامعه، برخلاف تبلیغ برخی دستگاه‌های تبلیغاتی غرب که جوان ایرانی امروز جزو بانشاط‌ترین و فعال‌ترین و سرزنده‌ترین جوان‌هاست، توطئه‌های گوناگون دشمنان با ترویج فساد، فحشاء، مواد مخدر، باندهای هدایت‌شده، سعی می‌کنند نسل جوان کشور را منصرف کنند.(به اصطلاح تزریق شادی‌های کاذب در جامعه برای جوانان)	مقام معظم رهبری(مدظله‌العالی)	نشاط اجتماعی	

جدول ۳. متغیرها، مولفه‌ها و شاخص‌های پژوهش بر اساس نظریه‌های بیان شده

پیشینه پژوهش

تحصیلی، سازگاری و حتی اعتقادات و معنویت جوانان و دانشجویان را نشانه رفته‌اند تا زمینه تغییر رفتار و فروپاشی از درون را فراهم سازند. هزارجریبی و مرادی (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان «نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن(مطالعه‌ای در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی)»، مسئله نشاط اجتماعی را در بین دانشجویان دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی را مورد بررسی قرار داده‌اند. تحقیق به روش پژوهش پیمایش با حجم نمونه ۱۷۰ نفر و با ابزار پرسشنامه صورت گرفته است. نتایج تحقیق وجود رابطه معنی‌دار و مثبت میان متغیرهای دینداری (در بعد پیامدی)، امنیت هستی‌شناختی، اعتماد اجتماعی و گستره روابط خویشاوندی با متغیر نشاط اجتماعی را نشان می‌دهد. همچنین این تحقیق نشان می‌دهد که امید به آینده، ارضای نیازها، عدالت

قاینی‌نژاد (۱۳۹۶)، در مقاله «بررسی آسیب‌های فضای مجازی در بین جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهر زاهدان)» با استفاده از روش پیمایشی، به بررسی آسیب‌های فضای مجازی در ابعاد خانوادگی، تحصیلی، سازگاری، اعتقادی-عبادی و روانی پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد استفاده از وسایل مؤثر در فضای مجازی در ابعاد خانوادگی، تحصیلی، سازگاری، اعتقادی-عبادی و روانی دانشجویان تأثیر منفی دارد، همچنین از این وسایل (اینترنت، بازی‌های رایانه‌ای، ماهواره و موبایل) بیشترین آسیب متعلق به موبایل و کمترین آسیب متعلق به بازی‌های رایانه‌ای است. براساس نتایج تحقیق، دشمنان قصد دارند بطور نهران به زیربناهایی سرزمین ما آسیب وارد کنند. آنها وضعیت

است. این خانواده در فرایند تغییر قرار دارد ولی همچنان دارای نظام حمایتی است و برخی از سنت‌ها را حفظ کرده است.

فروتن (۱۳۷۹)، طی پژوهشی در وزارت کشور به «بررسی تغییرات در روابط درونی خانواده با تاکید بر تحصیلات در طی سه نسل» پرداخته است. این پژوهش بخشی از یک طرح گسترده در شهر تهران به نام «بررسی تغییرات در روابط درونی خانواده در طی سه نسل» است که از زوایای مختلف (نقش تحصیلات، زن، شبکه خویشاوندی، اوقات فراغت و...) در بررسی تغییرات می‌باشد. در نمونه جامعه آماری تحقیق حاضر ابعاد خانواده تنزل پیدا کرده و در عین اینکه از بار مسئولیت خانواده در زمینه آموزش کاسته شده و به نهادهایی همچون آموزش و پرورش واگذار شده، ولی کارکرد عاطفی خانواده همچنان باقی است و چه بسا بیشتر نیز شده است.

توکلی (۱۳۷۸)، در رساله کارشناسی ارشد خود به «بررسی ویژگی‌های دو نسل در چارچوب نظام ارزشی» پرداخته و جامعه آماری آن را تمامی دانش‌آموزان مقطع دوم متوسطه منطقه ۵ تهران در سال ۷۷-۷۸ و نیز مادران آنان را تشکیل می‌دهد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که شکاف نسلی میان مادران و دختران وجود ندارد و تنها تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود که قابل توجه و معنادار نیست. به عبارت دیگر، شواهد تجربی فرضیه شکاف نسلی را در میان جمعیت نمونه تحقیق تایید نمی‌کند.

شیخی (۱۳۷۷)، در پژوهش خود با عنوان «عوامل موثر در تغییرات ارزشی-فرهنگی و فاصله نسل‌ها» معتقدست تغییر در نظام ارزشی، شیوه‌های فتاری و زمینه‌های فرهنگی و در نتیجه ظهور فاصله بین نسل‌ها امروزه بیش از هر زمان دیگر در بسیاری از جوامع به چشم می‌خورد (شیخی، ۱۳۷۷: ۶۷).

جلیلی (۱۳۷۷)، در تحقیق خود با عنوان «شکاف نسل‌ها پیش و پس از انقلاب اسلامی» معتقد است که چیزی به نام شکاف نسل‌ها وجود ندارد. در بررسی تفاوت‌های ارزش تنها مقدار ناچیزی تغییر به چشم می‌خورد که با روندی ثابت و به طور یکسان هر دو نسل را تحت الشعاع قرار می‌دهد که این میزان نیز قابل اعتنا نیست.

اجتماعی، پایبندی به ارزش‌ها، مناسب بودن فضای اخلاق عمومی، همبستگی و احساس امنیت اجتماعی اوقات فراغت، اعتماد اجتماعی و ارتباطات اجتماعی بر نشاط اجتماعی تأثیری مستقیم و متغیرهای احساس محرومیت، انزوای اجتماعی، بی‌اعتمادی، احساس ناامنی به صورت معکوس بر نشاط اجتماعی تأثیرگذار بوده‌اند.

طرح ملی «ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» (در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲) که برای بررسی چهار دیدگاه مطرح‌شده توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام گرفته، ارزش‌ها و نگرش‌های دینی، ترجیحات سیاسی و احساس تعلق به جامعه، ارزش‌ها، هنجارها و مسایل اجتماعی افراد با یکدیگر مقایسه شده است. جز جنبه اعتقادی و باورها در سایر جنبه‌ها همچون پایبندی به مناسک دینی و رویکرد تساهلی نسبت به دین تفاوت‌های رو به افزایشی ملاحظه شد. همچنین غیر از رابطه دین و سیاست که تفاوت خیلی اندک ارزیابی شده، در زمینه احساس تعلق به جامعه و نگرش نسبت به حکومت تفاوت‌های دیده شده رو به افزایش است. در جنبه سوم، در هر دو پژوهش سال ۷۹ و ۸۳ کمترین اختلاف میان جوانان و بزرگسالان مربوط به نگرش آنها به مسایل اجتماعی (طلاق، بیکاری، اعتیاد، پارتی‌بازی و...) و بیشترین اختلاف در زمینه اعتماد اجتماعی و نگرش نسبت به ارزش‌های انسانی بوده است. به طور کلی می‌توان گفت در هر سه حوزه ارزش‌های دینی، سیاسی، و اجتماعی اختلاف زیادی بین جوانان و بزرگسالان دیده نمی‌شود، ولی برخی تفاوت‌های موجود رو به افزایش است.

خزاعی (۱۳۷۹)، در رساله کارشناسی ارشد خود در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به «بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی (با تاکید بر مقایسه آداب و کارکردهای اجتماعی)» پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که خانواده در اجرای آداب و رسوم ازدواج توانسته کارکردهای خود را حفظ کرده و آنها را به نسل بعد منتقل کند. در نهایت، یافته‌های تحقیق خانواده تهرانی را خانواده‌ای در حال گذار از خانواده سنتی به مدرن می‌بیند که با نوع غربی خانواده هسته‌ای متفاوت

جدول ۴- پیشینه پژوهش

ردیف	محقق و سال انجام تحقیق	عنوان تحقیق	نتایج بدست آمده
۱	قائمی‌نژاد (۱۳۹۶)	بررسی آسیب‌های فضای مجازی در بین جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهر زاهدان)	استفاده از وسایل موبایل موثر در فضای مجازی در ابعاد خانوادگی، تحصیلی، سازگاری، اعتقادی - عبادی و روانی دانشجویان تاثیر منفی دارد
۲	هزارجوبی و مرادی (۱۳۹۳)	نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن (مطالعه‌ای در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی)	وجود رابطه معنی‌دار و مثبت میان متغیرهای دینداری (در بعد پیامدی)، امنیت هستی‌شناختی، اعتماد اجتماعی و گستره روابط هم‌نشاندگی با متغیر نشاط اجتماعی
۳	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال‌های (۱۳۷۹) و (۱۳۸۲)	طرح ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان	در هر سه حوزه ارزش‌های دینی، سیاسی، اجتماعی اختلاف زیادی بین جوانان و بزرگسالان دیده نمی‌شود، ولی برخی تفاوت‌های موجود رو به افزایش است
۴	غوزعی (۱۳۷۹)	بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده نهرانی (با تاکید بر مقایسه آداب و کارکردهای اجتماعی)	خانواده در اجرای آداب و رسوم ازدواج توانسته کارکردهای خود را حفظ کرده و آنها را به نسل بعد منتقل کند
۵	فروتین (۱۳۷۹)	بررسی تمییرات در روابط درونی خانواده با تاکید بر تحصیلات در طی سه نسل	تنزل ابعاد خانواده در زمینه آموزش و واگذاری آن به نهادهایی همچون آموزش و پرورش، و در عین حال ابقای کارکرد عاطفی خانواده
۶	توکلی (۱۳۷۸)	بررسی ویژگی‌های دو نسل در چارچوب نظام ارزشی	شکاف نسلی میان مادران و دختران وجود ندارد و تنها تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود که قابل توجه و معنادار نیست
۷	شیخی (۱۳۷۷)	عوامل موثر در تمییرات ارزشی فرهنگی و فاصله نسل‌ها	تمییر در نظام ارزشی، شیوه‌های فتاری و زمینه‌های فرهنگی و در نتیجه ظهور فاصله بین نسل‌ها
۸	جلیلی (۱۳۷۷)	شکاف نسل‌ها پیش و پس از انقلاب اسلامی	جزیی به نام شکاف نسل‌ها وجود ندارد

عمده تحقیقاتی که درباره شکاف یا تفاوت نسلی صورت گرفته‌اند، بیشتر انتقال و هم‌نوایی ارزش بین نسل‌ها را مطالعه نموده و مبحث تفاوت‌های ارزشی را از این رهگذر بررسی نموده‌اند. با نگاهی به پژوهش‌های انجام شده، اگرچه تفاوت‌هایی در نگرش‌های نسل چهارم با نسل اول

انقلاب اسلامی وجود دارد، اما برخلاف برخی پژوهش‌ها، این تفاوت‌های نگرشی در جامعه ایران به گونه‌ای نیست که آنها را در مقابل هم قرار دهد، بخصوص جامعه ما که از لحاظ ساختاری نسل‌های مختلف از طریق نهادهای مختلف همچون نظام خانواده به یکدیگر وابسته هستند

گروه نسل اول (یعنی اعضای هیئت علمی و اساتید دانشگاه‌ها) به صورت تصادفی توزیع و جمع‌آوری گردید. همچنین تعداد ۲۰۰ پرسشنامه بین نسل چهارم (که دانشجویان سال‌های اولیه مقطع کارشناسی و از رشته‌های مختلف بودند) توزیع و جمع‌آوری شد.

ابزار گردآوری داده‌ها: ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق به صورت اسنادی-پیمایشی بوده است. به لحاظ پیمایشی و میدانی بودن طرح، از پرسشنامه با سؤالات بسته بهره‌گیری شده و همچنین از روش اسنادی به عنوان فن تکمیلی استفاده شده است.

ابزار تجزیه و تحلیل: روش آماری مورد استفاده به صورت زوجی (یعنی تهیه پرسشنامه بین دو گروه مورد نظر) بوده و جمع‌آوری اطلاعات با کمک روش‌های آماری و شاخص‌هایی مانند میانگین، واریانس، انحراف معیار، آزمون مورد استفاده قرار گرفته است. ضمناً برای رسیدن به اهداف مورد نظر از نرم‌افزار spss یا sass استفاده شده است.

تعریف عملیاتی متغیرها

شاخص وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی: وسایل ارتباط جمعی در این پژوهش مشتمل بر تلویزیون، ماهواره، اینترنت، و بطور کلی شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌شوند. در این پژوهش، شاخص وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی به عنوان یکی از معیارهای سنجش در بین دو نسل با مولفه‌های چون میزان ضرورت آشنایی با فضای مجازی، میزان اعتقاد به فضای مجازی به عنوان مصادیق ارتباطات اجتماعی، ارتباط فضای مجازی با ناهنجاری‌های اجتماعی، جایگزینی یا عدم جایگزینی فضای مجازی به جای گسترش روابط اجتماعی و ضرورت استفاده از فضای مجازی در زندگی امروزی سنجیده شده است. این متغیر از ۵ سوال در هر دو پرسشنامه (نسل اول، نسل چهارم) استفاده شده است. گویه‌های مربوط به این موضوع با پنج سوال: «۱- به نظر شما امروزه آشنایی با فضاهای مجازی تا چه اندازه لازم و ضروری است؟»، «۲- به نظر شما امروزه تا چه اندازه فضاهای مجازی از مصادیق مهم ارتباطات اجتماعی می‌باشد؟»، «۳- به نظر شما تا چه اندازه فضاهای اجتماعی مجازی از زمینه‌های ناهنجاری‌های اجتماعی است؟»، «۴- به نظر شما با وجود فضای مجازی

و دو نسل نیازهایی به یکدیگر دارند که از تقابل بین آنها جلوگیری می‌کند. لذا با بررسی سوابق و پیشینه تحقیق مشخص شد که کار پژوهشی یا مطالعاتی مبتنی بر بررسی نگرش‌های نسل چهارم با نسل اول انقلاب اسلامی آن هم در دانشگاه‌های استان تهران با محوریت موضوع «فضای مجازی» و مقوله «نشاط اجتماعی» انجام نشده و جنبه نوآوری این پژوهش نیز این است که با در نظر گرفتن شاخص‌های «وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی» و «نشاط اجتماعی»، به بررسی تفاوت و شباهت‌های دو نسل چهارم و اول انقلاب اسلامی در زمینه اجتماعی می‌پردازد.

روش اجرای پژوهش

نوع پژوهش: این پژوهش از نوع کاربردی می‌باشد. روش پژوهش: در این تحقیق، از روش‌های اسنادی و پیمایشی بهره‌برداری و از پرسشنامه محقق ساخته برای سنجش متغیرهای تحقیق استفاده شده است. برای همین امر، دو شاخص «وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی» و «نشاط اجتماعی» به عنوان معیارهای اصلی بررسی مقایسه‌ای نگرش‌های اجتماعی دو نسل اول و چهارم انقلاب اسلامی انتخاب شده‌اند.

جامعه آماری: جامعه آماری این تحقیق، دانشجویان دانشگاه‌های مستقر در استان تهران بوده است. تعداد ۴۰۰ نفر از افراد جامعه آماری به صورت نمونه بر اساس محاسبه حجم نمونه آماری برابر فرمول کوکران به نسبت فراوانی جمعیتی حجم طبقات نیز مشخص گردید. روش انتخاب جامعه نمونه بدین گونه بوده که ابتدا فهرست مهم‌ترین دانشگاه‌های استان تهران لیست شدند و از میان آنها سه دانشگاه تهران، صنعتی شریف و امیرکبیر به قید قرعه انتخاب گردیدند. پس از انتخاب دانشگاه، برای انتخاب جامعه نمونه دو نسل اول و چهارم در دانشگاه‌های منتخب به عنوان جامعه نمونه انتخاب شدند.

نسل چهارم منظور دانشجویانی بودند که تازه در سال‌های اولیه دانشگاه در مقطع کارشناسی حضور دارند و نسل اول منظور دانشجویانی هستند که در سال‌های اولیه انقلاب اسلامی و یا قبل از آن دانشجو بوده و اکنون در قالب استاد و اعضای هیئت علمی مشغول خدمت می‌باشند. بر این اساس، تعداد ۲۰۰ پرسشنامه‌ها برای

سوال؛ «۱- نیاز به شادی و نشاط از نیازهای مهم جامعه امروزی می‌باشد؟»، «۲- تا چه اندازه با ظاهر شدن افراد با لباس‌های خیلی روشن و شاد در محیط‌های عمومی موافق هستید؟»، «۳- آیا می‌توان برای نشان دادن هیجانات به خیابان‌ها رفت و هیجانات و شادی‌های خود را بروز داد؟»، «۴- تا چه میزان بروز شادی و نشاط در جامعه افزایش امید به زندگی را در پی خواهد داشت؟»، «۵- تا چه اندازه با اینکه ارتقای نشاط، افزایش و استحکام نظام اجتماعی را در پی خواهد داشت موافقت می‌کنید؟»

تجزیه و تحلیل و یافته‌های پژوهش

فرضیه اول: شاخص اجتماعی «وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی» نسل چهارم انقلاب اسلامی با نسل اول تفاوت دارد.

دیگر نیازی به گسترش روابط اجتماعی و خانوادگی در دنیای واقعی نیست؟»، «۵- امروزه دیگر نمی‌توان بدون استفاده از فضاهای اجتماعی مجازی به حیات خود ادامه داد؟» مطرح شد.

شاخص نشاط اجتماعی: شاخص نشاط اجتماعی نیز به عنوان یکی دیگر از شاخص‌های سنجش نگرش بین دو نسل بر اساس مؤلفه‌هایی چون میزان نیاز به شادی و نشاط در جامعه، حضور افراد با لباس‌های شاد و روشن در فضاهای عمومی، بروز شادی و هیجانات در معابر عمومی، میزان ارتباط شادی و نشاط با مسئله امید به زندگی و میزان ارتباط شادی و نشاط با استحکام نظام اجتماعی سنجیده شده است. برای سنجش این متغیر از ۵ سوال در هر دو پرسشنامه (نسل اول، نسل چهارم) استفاده شده است. گویه‌های مربوط به این موضوع با پنج

جدول ۵. نتایج آزمون t مستقل مقایسه شاخص اجتماعی وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی نسل اول و نسل چهارم

متغیرها	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	F	sig	t	df	sig
وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی	نسل اول	۲۰۰	۱۸/۰۳	۳/۵۸	۶/۹۸	۰/۰۰۹	۳/۳۶	۳۹۸	۰/۰۰۱
	نسل چهارم	۲۰۰	۱۶/۹۴	۲/۸۵			۳/۳۶	۳۷۹	۰/۰۰۱

جدول (۶) نشان می‌دهد که شاخص اجتماعی دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی نسل چهارم انقلاب اسلامی با نسل اول در سطح $p > 0.01$ تفاوت دارد. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که شاخص اجتماعی دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی نسل چهارم کمتر از نسل اول است. Sig دست آمده (۰/۰۰۹) بیانگر این است که فرضیه تحقیق مبنی بر وجود تفاوت در شاخصه وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی بین نسل اول و چهارم تایید شده است.

فرضیه دوم: شاخص «نشاط اجتماعی» نسل چهارم انقلاب اسلامی با نسل اول شباهت دارد.

جدول ۶. نتایج آزمون t مستقل مقایسه متغیر نشاط اجتماعی نسل اول و نسل چهارم

متغیرها	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	F	sig	t	df	sig
شادی اجتماعی	نسل اول	۲۰۰	۱۴/۱۹	۲/۸۰	۰/۱۵۴	۰/۶۹۵	-۱/۷۵	۳۹۸	۰/۰۸۰
	نسل چهارم	۲۰۰	۱۹/۶۵	۳			-۱/۷۵	۳۹۶	۰/۰۸۰

جدول (۷) نشان می‌دهد که شاخص شادی و نشاط اجتماعی نسل چهارم انقلاب اسلامی با نسل اول در سطح $p > 0.01$ تفاوت معناداری ندارد. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که شاخص شادی و نشاط اجتماعی نسل دوم و نسل اول یکسان است.

sig بدست آمده (۰/۶۹۵) بیانگر این است که فرضیه تحقیق مبنی بر وجود شباهت در شاخصه شادی و نشاط اجتماعی بین نسل اول و چهارم تایید شده است.

مقایسه شاخص‌های وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی

شاخص‌های اجتماعی و فضای مجازی نسل چهارم انقلاب اسلامی با نسل اول تفاوت دارد.

جدول ۷. نتایج آزمون t مستقل مقایسه شاخص‌های وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی نسل اول و نسل چهارم

متغیرها	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	df	sig
۱- آشنایی با فضاهاى اجتماعى مجازى براى زندگى امروزى لازم و ضرورى است.	نسل اول	۲۰۰	۴/۱۸	۰/۸۸	۲/۰۰۱	۳۹۸	۰/۰۴۶
	نسل چهارم	۲۰۰	۴	۰/۹۶		۳۹۶	
۲- امروزه فضاهاى اجتماعى مجازى در ارتباطات اجتماعى افراد نقش آفرين مى‌باشد.	نسل اول	۲۰۰	۴/۱۷	۰/۷۵	-۱/۳۹	۳۹۸	۰/۱۶۳
	نسل چهارم	۲۰۰	۴/۲۹	۰/۸۸		۳۹۶	
۳- فضاهاى اجتماعى مجازى را مى‌توان زمينه‌ساز ناهنجاريهاى اجتماعى دانست	نسل اول	۲۰۰	۳/۹۳	۰/۸۷	۳/۷۹	۳۹۸	۰/۰۰۰۱
	نسل چهارم	۲۰۰	۳/۵۶	۱/۰۶		۳۹۶	
۴- با وجود فضای اجتماعى مجازى ديگر نيازى به گسترش روابط اجتماعى در دنياى واقعى نيست.	نسل اول	۲۰۰	۲/۴۹	۱/۲۵	۳/۵۴	۳۹۸	۰/۰۰۰۱
	نسل چهارم	۲۰۰	۲/۰۷	۱/۰۸		۳۹۶	
۵- امروزه نمى‌توان بدون استفاده از فضاهاى اجتماعى مجازى به حيات اجتماعى خود ادامه داد.	نسل اول	۲۰۰	۳/۲۷	۱/۱۱	۲/۱۱	۳۹۸	۰/۰۳۵
	نسل چهارم	۲۰۰	۳/۰۳	۱/۱۰		۳۹۶	

جدول (۸) نشان می‌دهد که شاخص‌های وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی نسل چهارم انقلاب اسلامی با نسل اول در سطح $p > 0.01$ تفاوت معناداری دارد. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که شاخص‌های وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی نسل اول بیشتر از نسل چهارم است.

مقایسه شاخص‌های نشاط اجتماعی

شاخص‌های نشاط اجتماعی نسل چهارم انقلاب اسلامی با نسل اول شباهت دارد.

جدول ۸. نتایج آزمون t مستقل مقایسه شاخص‌های اجتماعی شادی و نشاط نسل اول و نسل چهارم

متغیرها	گروه‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	df	sig
۱- احساس شادی و نشاط از نیازهای مهم جامعه امروزی می‌باشد.	نسل اول	۲۰۰	۴/۵۸	۰/۶۳	۱/۲۵	۳۹۸	۰/۲۰۹
	نسل چهارم	۲۰۰	۴/۴۹	۰/۸۵		۳۹۶	
۲- ظاهر افراد (مانند ظاهر شدن با لباس‌های خیلی روشن و شاد در محیط‌های عمومی) می‌تواند در ایجاد نشاط اجتماعی موثر باشد.	نسل اول	۲۰۰	۳/۴۲	۰/۸۲	-۴/۸۰	۳۹۸	۰/۰۰۰۱
	نسل چهارم	۲۰۰	۳/۸۶	۰/۹۹		۳۹۶	
۳- میتوان شادیا و هیجان‌ات خود را در خیابانها و اماکن عمومی به صورت دسته جمعی ابراز کرد.	نسل اول	۲۰۰	۲/۸۵	۰/۹۰	۰/۱۴۱	۳۹۸	۰/۸۸۸
	نسل چهارم	۲۰۰	۲/۸۴	۱/۲۰		۳۹۶	
۴- شادی و نشاط در جامعه امید به زندگى را افزایش می‌دهد.	نسل اول	۲۰۰	۴/۱۸	۰/۷۶	-۲/۸۹	۳۹۸	۰/۰۰۴
	نسل چهارم	۲۰۰	۴/۴۱	۰/۷۸		۳۹۶	
۵- ارتقای نشاط اجتماعى، موجب وفادارى بیشتر مردم به حاکمیت در ابعاد مختلف می‌گردد.	نسل اول	۲۰۰	۴/۱۲	۰/۸۵	۰/۴۹۰	۳۹۸	۰/۶۲۴
	نسل چهارم	۲۰۰	۴/۰۷	۰/۹۷		۳۹۶	

سفاده از وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که در این مقوله، بین نگرش دو نسل تفاوت وجود دارد، که در پژوهش قاینی نژاد به این تفاوت پرداخته نشده است.

در پژوهش هزارجریبی و مرادی (۱۳۹۳)، که موضوع آن بررسی «نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن (مطالعه‌ای در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی)» بود، نتایج آن صرفاً به وجود رابطه معنی‌دار و مثبت میان متغیرهای دینداری (در بعد پیامدی)، امنیت هستی‌شناختی، اعتماد اجتماعی و گستره روابط خویشاوندی با متغیر نشاط اجتماعی اشاره کرده بود. تفاوت این پژوهش با پژوهش ما در این بود که در پژوهش ما نگرش دو نسل اول و چهارم به مقوله نشاط اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت و وجود شباهت نگرش بین دو نسل مورد تایید قرار گرفت. تفاوت هم این بود که پژوهش هزارجریبی و مرادی، اساساً به مقوله نگرش دو نسل به وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی نپرداخته بود.

در پژوهش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال‌های (۱۳۷۹) و (۱۳۸۲) با عنوان «طرح ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان»، این نتیجه به دست آمده بود که در هر سه حوزه ارزش‌های دینی، سیاسی، و اجتماعی اختلاف زیادی بین جوانان و بزرگسالان دیده نمی‌شود، ولی برخی تفاوت‌های موجود رو به افزایش است. این پژوهش نیز از این حیث که بین دو نسل اول و چهارم در حوزه نگرش به استفاده از وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی در دو نسل متفاوت است، نتایج پژوهش ما را تأیید می‌کند، اما از این جهت که بین دو نسل در نگرش به مقوله نشاط اجتماعی شباهت وجود دارد، با آن متفاوت است.

سایر پژوهش‌ها نیز اگرچه از نظر زمانی فاصله بیشتری با پژوهش انجام شده ما دارند، اما اکثر آنها از حیث که معتقدند بین نسل‌های جدید در حوزه‌های اجتماعی تفاوت‌هایی شکل گرفته یا در حال شکل‌گیری است، با پژوهش ما شباهت دارند، اما از این حیث که دقیقاً به مسئله تفاوت نگرش دو نسل چهارم و اول به استفاده از «وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی» و یا «نشاط اجتماعی» نپرداخته‌اند، با پژوهش انجام شده ما تفاوت

جدول (۹) نشان می‌دهد که شاخص‌های اول و سوم و پنجم نسل چهارم انقلاب اسلامی با نسل اول در سطح $p > 0.01$ تفاوت معناداری ندارد، ولی شاخص دوم و چهارم نسل اول و چهارم تفاوت معناداری دارد. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که نسل چهارم این دو شاخص را بیشتر گزارش کرده‌اند.

نتایج آزمون‌ها نشان می‌دهد که شاخص اجتماعی «دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی» نسل چهارم انقلاب اسلامی با نسل اول در سطح $p > 0.01$ تفاوت دارد. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که شاخص اجتماعی دسترسی به وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی نسل چهارم کمتر از نسل اول است. sig بدست آمده (۰/۰۰۹) بیانگر این است که فرضیه تحقیق مبنی بر وجود تفاوت در شاخص «وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی» بین نسل اول و چهارم تایید شده است.

همچنین شاخص «شادی و نشاط اجتماعی» نسل چهارم انقلاب اسلامی با نسل اول در سطح $p > 0.01$ تفاوت معناداری ندارد. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که شاخص شادی و نشاط اجتماعی نسل چهارم و نسل اول یکسان است. sig بدست آمده (۰/۶۹۵) بیانگر این است که فرضیه تحقیق مبنی بر وجود شباهت در شاخص شادی و نشاط اجتماعی بین نسل اول و چهارم تایید شده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در یک نگاه مقایسه‌ای میان این پژوهش و سایر پژوهش‌های ذکر شده، برخی نقاط شباهت و تفاوت به چشم می‌خورد.

در پژوهش قاینی نژاد (۱۳۹۶)، که موضوع آن «بررسی آسیب‌های فضای مجازی در بین جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهر زاهدان)» بود، استفاده از وسایل موثر در فضای مجازی در ابعاد خانوادگی، تحصیلی، سازگاری، اعتقادی-عبادی و روانی دانشجویان تاثیر منفی داشت. این مقاله از جهت بررسی مولفه «بررسی آسیب‌های فضای مجازی در بین جوانان» و نیز نتایج منفی استفاده از فضای مجازی بر ابعاد متعدد ذکر شده شباهت داشت. وجه تفاوت این بود که در پژوهش ما، نگرش نسل چهارم با نسل اول در زمینه

می‌کند. این گروه از دیدگاه تافلر، افرادی هستند که هر لحظه به دنبال تازگی و نوآوری هستند. بنابراین نسل چهارم، نسلی است که در دوران پیروزی انقلاب حضور نداشته و به دنیایی پا گذاشته که همه چیز رنگ و بوی تکنولوژی به خود گرفته، آداب و رسوم و عرف تحت تأثیر انقلاب اطلاعات متحول شده و همه چیز حتی طرز پوشش، رفتار اجتماعی و طریقه فکر کردن نیز حالتی متفاوت به خود گرفته است. همچنین با ظهور تلویزیون، رادیو و سینما و تکنولوژی‌های ارتباط جدیدتر (اینترنت، ماهواره و شبکه‌های اجتماعی مجازی)، این مجموعه جای پدربزرگ‌ها و حتی پدران را گرفتند، بچه‌ها نه از پدربزرگ و نه از پدر بلکه از کارتون‌های تلویزیونی، داستان‌های کتاب‌های کودک و نوجوان، بازی‌های کامپیوتری، فضاهای مجازی و... فرهنگ را یاد می‌گیرند. نتیجه برخی تحقیقات هم نشان می‌دهد که «الگوپذیری از والدین به عنوان گروه مرجع و مؤثرترین عامل جامعه‌پذیری برای پسران نسبت به دختران تضعیف شده است» (هزارجریبی و صفری شالی، ۱۳۹۵: ۱۷).

همچنین در شرایط کنونی که دشمن از براندازی نظام با استفاده از طرق سخت ناامید شده، به رویکردهای نرم و جنگ شناختی روی آورده و یکی از ابعاد فعالیت در حوزه فضای مجازی از طریق ایجاد حاکمیت موازی و نیز انحراف موضوع شادی و نشاط خصوصاً در بین جوانان با هدف ناامیدسازی آنان از آینده خود است. بر همین اساس و با توجه به گسترش فزاینده فناوری‌های اطلاعاتی، ارتباطی و آثار چشمگیر آن در ابعاد زندگی فردی و اجتماعی، لزوم سرمایه‌گذاری وسیع و هدفمند در جهت بهره‌گیری حداکثری از فرصت‌های ناشی از آن در جهت پیشرفت همه‌جانبه کشور و ارائه خدمات گسترده و مفید به اقشار گوناگون مردم و همچنین ضرورت برنامه‌ریزی و هماهنگی مستمر به منظور صیانت از آسیب‌های ناشی از آن، ضروری به نظر می‌رسد.

بنابراین فضای مجازی هم می‌تواند تهدید باشد و هم فرصت. لذا می‌توان با اشراف کامل و به روز نسبت به فضای مجازی در سطح داخلی و خارجی با برنامه‌ریزی صحیح و تصمیم‌گیری درست و به موقع نسبت به

دارند. با توجه به شتاب تغییرات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی شاهد تغییراتی در سطح نگرش‌های اجتماعی نسل‌های جامعه خصوصاً نسل چهارم با نسل اول انقلاب اسلامی هستیم. این پژوهش با هدف بررسی مقایسه‌ای نگرش‌های اجتماعی نسل چهارم با نسل اول انقلاب اسلامی (نمونه آماری: دانشجویان دانشگاه‌های استان تهران) با در نظر گرفتن دو شاخص «وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی» و نیز شاخصه «نشاط اجتماعی» صورت گرفت. فرضیه‌های این پژوهش از طریق پیمایشی و تهیه پرسشنامه از جامعه آماری که دانشجویان دانشگاه‌های استان تهران بودند، در معرض آزمون قرار گرفت که نتایج و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که فرضیه اول مبنی بر تفاوت نگرش نسل چهارم با نسل اول در زمینه وسایل ارتباط جمعی و فضای مجازی تفاوت داشته و بنابراین فرضیه اول تأیید شده است. همچنین در شاخصه نشاط اجتماعی نتایج آزمون داده‌ها نشان داد که نگرش دو نسل اول و دوم به مقوله نشاط اجتماعی شباهت داشته و بنابراین فرضیه دوم پژوهش نیز مورد تأیید قرار گرفت.

نسل امروز، قبل از آنکه فرهنگ خود را به درستی بشناسد، مورد هجوم تبلیغات گسترده قرار گرفته و همین امر، آفتی برای ذهن پویا و خلاق آنان است. در آغاز هزاره سوم، فناوری و سلطه فرهنگ غربی، فرهنگ و فناوری علی‌الطلاق جهان است، فرهنگی که برای نسل نوجوان و تجدّدگرای امروز پرجاذبه است. غرب به پشتوانه پیشرفت‌های علمی و فنی، امکانات مادی پیشرفته، منابع مالی گسترده و تبلیغات حجیم و بسیار گسترده به انتقال فناوری، به همراه فرهنگ خود به سایر ملل می‌پردازد. جهانی‌سازی فرهنگ غربی از یک‌سو و انفعال و یا عدم امکان مقابله کارگزاران فرهنگی داخلی با هجوم سهمگین دنیای اطلاعات از سوی دیگر، می‌تواند زمینه‌ساز جذب نوجوانان به این فرهنگ و دوری از فرهنگ ملی و دینی شود، در حالی که نسل گذشته در فضای بسته‌تری قرار داشت. آلوین تافلر معتقدست که پیدایش و توسعه انقلاب الکترونیک باعث به وجود آمدن قشر جدیدی در جامعه می‌شود که او از آن با عنوان طیف «کارگر فکری» (یزدانی و قادری، ۱۳۹۰: ۲۲۸)، یاد

منابع:

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم
- آزاد ارمکی، تقی و غفاری، غلامرضا، (۱۳۸۳)، جامعه‌شناسی نسلی در ایران، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- باتامور، تی بی، (۱۳۷۰)، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه حسن منصور، تهران: امیرکبیر.
- حشمت‌زاده، محمدباقر، (۱۳۷۸) چارچوبی برای تحلیل و شناخت انقلاب اسلامی ایران، تهران: موسسه اندیشه معاصر.
- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۸۱)، انقلاب اسلامی ایران (علل، مسایل و نظام سیاسی)، قم: معارف.
- علوی، مصطفی، (۱۳۹۰)، نشاط و شادی در اندیشه و سیره امام خمینی (ره)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) (۱۳۷۹)، صحیفه امام، جلد‌های ۱-۲۲، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی خمینی (ره)، روح‌الله، (۱۳۸۸)، وصیت‌نامه سیاسی الهی، تهیه و تنظیم: سارا آخوندی و ناصر پروین، تهران: شکوفه‌های دانش.
- موسوی خمینی (ره)، روح‌الله، (۱۳۸۵)، آداب الصلوه، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- یوسفی، نریمان، (۱۳۸۳)، شکاف بین نسل‌ها؛ بررسی نظری و تجربی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.

ب- مقاله‌ها

- توکل، محمد، قاضی‌نژاد، مریم، (۱۳۸۵)، شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تاکید بر نظرات مانهایم و بوردیو، نامه علوم اجتماعی، دوره بیست و هفتم.
- چیت‌سازقمی، محمدجواد، (۱۳۸۶)، بازشناسی مفاهیم نسل و شکاف نسلی، فرهنگ و جامعه (جوانان و مناسبات نسلی)، سال اول، شماره اول، بهار و تابستان.
- خزاعی، طاهره، (۱۳۷۹)، بررسی تحولات اجتماعی و فرهنگی در طول سه نسل خانواده تهرانی با تاکید بر

مواجهه فعال و خردمندانه با این موضوع (از حیث سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و محتوایی) آن را با استفاده از مهندسی معکوس به فرصت تبدیل نمود. در زمینه شادی و نشاط نیز، وظیفه نهادهای ذی‌ربط انجام اقدام‌های اساسی برای ترویج شادی و نشاط حلال مطابق با موازین شرعی در جامعه است تا جلوی انحراف شادی و نشاط خصوصاً در بین جوانان از طریق سوق دادن آنان به سمت شادی‌های کاذب گرفته شود.

پیشنهادات:

- برخی از راهبردها به منظور مدیریت تفاوت اجتماعی نسلی بوجود آمده بین دو نسل چهارم با نسل اول انقلاب اسلامی را می‌توان به شرح ذیل برشمرد:
- ۱- لزوم برنامه‌ریزی دقیق برای مواجهه درست و منطقی با موضوع فضای مجازی کشور در نهادهای عالی حاکمیتی تصمیم‌گیر خصوصاً شورای عالی فضای مجازی و پرهیز از اقدام‌های موازی.
- ۲- تلاش برای زمینه‌سازی فرهنگی در سطح خانواده‌ها به منظور آموزش بهره‌برداری صحیح از وسایل ارتباط جمعی مانند اینترنت و فضاهای مجازی و ارتقای سطح سواد رسانه‌ای خانواده‌ها و فرزندان.
- ۳- تبلیغ و ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی و ارایه آموزش‌های لازم در این زمینه توسط نهادهای تصمیم‌گیر و تعمیم آن به سطح خانواده‌ها خصوصاً در نهادهای آموزش‌دهنده همانند وزارت آموزش و پرورش، فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیما و....
- ۴- فراهم ساختن شرایط بسترها و فعالیت‌های جمعی جوانان به منظور ایجاد شادی و نشاط از طرق برگزاری جشنواره‌های ملی و مذهبی مانند جشن‌های مذهبی مولودی‌خوانی، جشنواره فرهنگی و مسابقات خانواده خوشبخت و موفق، همایش‌های پیاده‌روی خانوادگی، جشنواره‌های جمع‌آوری میوه‌ها در استان‌های مختلف یا برگزاری جشنواره آیینی اقوام و نژادهای مختلف، جشنواره برگزاری بازی‌های محلی در استان‌های مختلف و....

مقایسه آداب و کارکردهای اجتماعی (کارشناسی ارشد)، دانشگاه تهران، ایران.

- ربانی، رسول و همکاران، (۱۳۸۶)، «فرهنگ و شادی: رویکرد نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان»، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، س ۲، ش ۸.

- ربیعی، علی، (۱۳۸۷)، رسانه‌های نوین و بحران هویت، فصلنامه مطالعات ملی، سال نهم، شماره ۴.

- شیخی، محمدتقی، (۱۳۸۱)، عوامل موثر بر فاصله نسل‌ها و دوری از وفاق اجتماعی تحلیلی از دیدگاه جامعه‌شناسی، مجله علمی پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۳۰ و ۳۱.

- شریف‌زاده، حکیمه‌السادات و همکاران، (۱۳۹۶)، بررسی عوامل موثر بر نشاط اجتماعی در ایران، راهبرد فرهنگ، شماره ۴۰.

- قاینی‌نژاد، زهرا، (۱۳۹۶)، بررسی آسیب‌های فضای مجازی در بین جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهر زاهدان)، روانشناسی و علوم رفتاری ایران، شماره ۱۱، پاییز.

- گلابی، فاطمه، اخشی، نازیلا، (۱۳۹۴)، مشارکت اجتماعی و نشاط اجتماعی، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۶، شماره پیاپی ۵۹، ش ۳.

- مرسلی، فاطمه، نظری، علی‌اشرف، (۱۳۹۵)، شکاف‌های اجتماعی نوپدید و تحلیل انسجام اجتماعی در ایران؛ تحلیل اهداف سند چشم‌انداز ایران در افق ۱۴۰۴ ه.ش، پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، بیست و نهم و سی‌ام اردیبهشت ماه.

۲۰- موسوی‌نسب، سیدمحمدضا، (۱۳۸۱)، نقش نگرش و انگیزش در یادگیری، معرفت، سال یازدهم.

- مددپور، محمد، (۱۳۸۲)، صورت‌های نوعی گسست نسلی و فرهنگی [مجموعه مقالات]، نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.

- منصورنژاد، محمد، (۱۳۸۲)، شکاف و گفتگوی نسل‌ها با تأکید بر ایران؛ نگاهی به پدیده گسست نسل‌ها، [مجموعه مقالات] به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.

- هزارجریبی، جعفر، صفری شالی، رضا، (۱۳۹۵)، بررسی چرایی دگرگونی‌های گروه مرجع در بین دانشجویان، فرهنگ در دانشگاه اسلامی، شماره اول.

- هزارجریبی، جعفر، مرادی، سجاد، (۱۳۹۳)، نشاط اجتماعی و عوامل مرتبط با آن (مطالعه‌ای در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی)، فصلنامه مطالعات ملی، سال پانزدهم، ش ۴.

- یزدانی، عنایت‌الله، قادری، علی، (۱۳۹۰)، شکاف نسل‌ها بررسی جامعه‌شناختی فاصله نسل‌ها از انقلاب اسلامی تاکنون، مطالعات انقلاب اسلامی، سال هشتم، شماره ۲۴.

ج- رساله‌ها و طرح‌ها

- توکلی، مهناز، (۱۳۷۸)، بررسی نظام ارزش‌های دو نسل دختران و مادران در چارچوب نظام ارزشی (کارشناسی ارشد)، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، ایران.

- فروتن، عالییه، (۱۳۷۹)، بررسی تغییرات در روابط درونی خانواده (با تأکید بر تحصیلات در طی سه نسل)، تهران: وزارت کشور.

- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی (تابستان ۱۳۸۱)، ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، یافته‌های پیمایش در تهران، تهران: دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها.

- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دفتر طرح‌های ملی (پاییز ۱۳۸۱)، رفتارهای فرهنگی ایرانیان، یافته‌های طرح پژوهشی فعالیت و مصرف کالاهای فرهنگی در تهران، تهران: دفتر انتشارات طرح پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌ها، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

د- پایگاه‌های اینترنتی

- مجموعه بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) قابل دسترسی در: khamenei.ir

- جلیلی، هادی، (۱۳۷۷)، شکاف نسل‌ها پیش و پس از انقلاب اسلامی، اداره کل دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی معاونت پژوهشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قابل دسترسی در:

<https://pcci.farhang.gov.ir/fa/research/studys/shekafenaslha>